

۴۶۴/ز

آثار: آه سلطانزاده

اسناد تاریخی

جنبش کارگری،

سو سیال دموکرا سی و

کمبو نیستی اپران

(جلد چهارم)

افتشارات مزدک

## ضمیمه

### توضیح

کمیته مرکزی حزب توده ایران در شماره اخبار "پیکار" ضمن وارد ساختن اتهامات نادرست و حملات بیشترها نه به بنگاه انتشارات مژده و مسئول فاسقی آن، از جمله مژده و مسئول آنرا "آتش کوئیست" معرف کرده است.

از جمله قصص این "کوئیستها" این بوده است که مژده را در "موقع دفاعی" قرار دهنده و وادار از سازند که با اظهار اینکه مژده "یک بنگاه انتشاراتی کوئیستی" است، مستنسعک لازم را برای سفارت ایران در ایتالیا فراهم آورند تا بد ان وسیله آن سفارت بتواند باسانی حکم تعطیل مژده را از رادگستری ایتالیا تحصیل کند. روشن است که بنگاه انتشارات مژده بعنایه یک "شخصیت حقوقی" که در ایتالیا قانوناً به ثبت رسیده استانه میتواند "کوئیستی" باشد و نه "آتش کوئیست". لذا مژده انجواب گفتن باین پرسو-وکاپیون پلیسی حزب توده پرهیز میکند.

در مورد مسئول قانونی مژده باید گفت، از آنجا که وی طبق موازین معاهده "بین المللی" (۱۹۵۱) در پناهندگی سیاسی بصر میسرد، اوی نیز ترجیح میدهد شخصاً باین پرووکاپیون پلیسی جواب نگوید. لذا پاسخی که یکی از همکاران مژده تهیه کرده است برای اطلاع عموم در اینجا نشر می‌باشد.

روشن است که در صورتیکه حزب توده همچنان به کارزار بهتان و افترائی که با مقاله "پیکار" آغاز نشد، ادامه دهد، مسئول قانونی مژده و دیگر همکاران بنگاه انتشارات مژده ساكت نتوانند نشست و اجباراً بمرغی امکانات محدود مالی و فقر را که باید برای اشاعه مارکیسم و علیه ضد انقلاب در ایران بکار ببرد، به افراد مبارزه علیه آن دستگاه فرتوت تخصیص خواهند داد.

# آذتشی کهو ذیست و اقعی کیست

پاسخ پک "مزدک" ی  
به مفهان ((آتشکده)) ای خسروش

در آخرین شماره ((پیکار))، نشریه‌ی "دانشجویی" پقا یا حزب توده در خارج از کشور سه صفحه به امر اقترا و بهتان به مزدک وبالاخره تهدید مسئولین آن اختصاص داده است. اگر همه "استدللات" اینان را خلاصه کیم، نتیجه این میشود که گویا مزدک به پیروی از نیروی امنیتی ایام پیش ایستاده بوده و مبارزه ای علیه اتحاد شوروی و کمونیسم را به پیشبرد. اینگونه اتهامات از جانب بقایای حزب توده پکانیکه سیاست خارجی شوروی را مورد انتقاد قرار داده اند هیچ‌چیز نازکی ندارد و همان حریبه‌ی کهنه ایست که استالین و دستگاه پلیسی او علیه بهترین کونیستها دهها سال پکار برداشت! (۱)

اینان همیشه این حریبه‌کهنه، و اکنون دیگر پوسیده را، بکار بسته اند که هر کس از اتحاد شوروی انتقاد کرد "آنچه کونیست" است؛ بعبارت ساده انتقاد از شوروی = آنچه سوویتیسم = آتشکه کونیستم. لکن معیار جدیدی که آقایان در این مقاله بکار گرفته اند اینست که هر کس که به حزب توده و تاریخ "سیاسی" آن انتقاد کرد یا انحرافات آنرا فاش نمود، او نیز آنچه کونیست است، بقایای حزب توده، که امروز بیش از هر روز دیگر را انسداد و درگیری سیاسی غوطه‌ور اند، چیزهای اند ازند مگر آنکه بجای استدلال به بهتان و افترا و حتی فحاشی رذیلانه متولی شوند.

ناخستین ایان از انتشارات مزدک درجیست؟

ظاهررا در این است که انتشارات مزدک با نشر مجدد اسناد خود حزب توده چهره این حزب را "دگرگون" ساخته است. استدلال ازین صخره ترسیم نیست. جگونه میتوان چهره حزب را با انتشار اسناد خود شدگرگون ساخت، مگر آنکه چهره‌ی پیزک کرده آن سا ماهیت آن حزب که بعضاً در اسناد فعالیتهای ۲۰ ساله ائم متعکن ایست مغایرت را شنیده باشد. اینان مدعی هستند که مزدک اسناد را دستچین کرده است، نگاهی به مصد شماره یک در این چزه نشان میدهد که

(۱) رفیق سلطانزاده ضمن حفلات شدید خود طی سالهای متعدد به "متخصصین امور ایران" در شوروی، چون ایرانسکی و ایراندوسست، که در واقع از تعیین گندگان موثر این سیاست در ایران بودند دشمنی آنان را بجان خوب و سرانجام بعنوان "پک آنچه کونیست و عامل امیریالیسم" تیرباران شد. او از جمله در کتاب ((امیریالیسم انگلستان و انتشار اقتصادی ایران)) منتشره بروسی در مسکو (ص ۱۱۶) در انتقاد به سیاست خارجی شوروی نوشت، "در حالیکه ارتتعاج از کمک مد اوم امیریالیسم انگلستان بر خود را دارد، انقلاب در ایران [باید در حال حاضر منحصر بیو نیروی خود نکه کند]" و افزود حركتی‌های قد لاورانه انقلابی در ایران از "حمایت واقعی خارج از کشور" محروم است. او نیز سیاست حمایت از رضا خان و رضا شاه را مورد انتقاد و حمله قرار میدارد و تهدید علیه اول عملی شد.

چه کسانی خواهان روشن شدن همه جانبه مسائل است، و چه کسانی میخواهند مسائل همچنان درین پرسوده تاریکی باقی بمانند.

(( پیکار)) همین "استدلال" را در مورد حزب کمونیست تبیزیکار میرد. این فقره بیک بهتان است. مزدک ناگون سندی از حزب کمونیست ایران که چهره آنرا گرگون "سازور منتشر ساخته است زیرا اصولاً حزب کمونیست حزبی نبود که با انتشار اسناد آن چهره اش را گرگون شود. اینان میکوشند با الصاق خود به حزب کمونیست ایران "استدلال"، یعنی در واقع، بهتان خود را تبرومند سازند" و دو پرسشیت حزب کمونیست برای خود آبروی دست و پا گشته.

ناخرسندی دیگر آقایان اینست که چرا در مقدمه کتاب آثار اراثی (مردک شماره ۱۰) سایه کار میخشن افشا شده است. (بنظرم میرسد که این جنبه بیشتر موجبات ناخرسندی آقای کیانوری باشد، که پس از فوت کامبخش چون وارت خانوارگی جانشین اودر هیئت اجرائیه شده، و اکسون به عیشت میکوشد ازین "ارشی فامیلی" و نه ارتبه فکری و مبارزاتی اراثی، در فاعل شد.) ما آقایان بیشنهاد میکیم اگر در این مقدمه حتی یک نگه خلاف حقیقت گفته شده است، با تکه باستان و مارک جواب گویند؛ اتفاقاً کسانیکه تنها استدلالی در چنین نه ازند، به بهتان و افترا متول میشوند. ولی بظیرما اینها همه مستعمل است. ناخرسندی بقایای حزب توده و علت اساسی این حمله بیشترانه و هیستوریک ایشان به مردک اینست که با توزیع انتشارات مارکیستی و اسناد جنبش کمونیستی و کارگری ایران (یعنی اسناد تجربیات گشته) جوانان مبارز ایران امروز خواهند توانست بهترین معیار را اوری در راه گذشته و راه یابن آینده را بدست آورند. این علت اساسی ناخرسندی ایشان است. از ۴۶ نشریه‌ی گوگانوی که حزب توده پخش میکرد تنها ۲ تا از جمله آثار مارکیستی است که آقایان طی ۲۰ سال زندگی "سیاسی" در تعیید به علاقه‌مندان جنبش مارکیستی از این داده است. (ه جلد دیگر، مانیفست و چهار جلد آثار نئین کار اداره نشریات خارجی سوری است، ۷۴ نشریه دیگر ترهاتی است که آقایان با انتقال از نوشته‌های سوریه‌ای خواسته است بدسام مارکیسم بخورد مردم دهد؛ لذا ایشان حق دارند از انتشارات مارکیستی ایکه در شراسیط بسیار دشوار مالی، فقی و غیره در خارج از کشور تهیه میشوند ناراضی باشند، و حق در این نا خرسندی پیش روی گشته و قیحانه ناشران مزدک را مورد تهدید قرار دهند.

این شاگردان وفادار و خلف استالیین فراموش میکند که استالینیسم در سطح جهانی در حال روزان است و جنبش کارگری ایران نیز دیگر بیوغ این فکر عقب‌مانده را خواهد پذیرفت و استقرار مجدد آن حقی در پس سیر حایثت کشور شریوند شوروی ممکن تخواهد بود. حركت عینی تاریخ نیز مند تر و شکننده تر از آنست که مشتی انتقال گر منفرد بتوانند در مقابل آن پایستند.

آقایان باردیگر، ضمن حملات رذیلانه خویش به مزدک و "گردانند" اصلی آن، خود را قبدهان کمونیسم در ایران مینهایانند. ما از آقایان میزرسیم دلیل و مردک شما بر کمونیست بودن توان چیست؟ برنامه انتقامی است که پس از تشکیل حزب منتشر ساخته است؟ هکاری صمیمانه شان بای قوام السطنه مرتعی و عامل امپریالیسم و شرکت در رکابنیه انتلافی با او بود؟ یا مذاکرات مجرمانه شان با مقامات انگلیسی برای تشکیل حکومت انتلافی با صدر الاعراف و دکتر طاهری نمایندگان زمینه اران بزرگ ایران؟ یا بالآخر اظهارات رادمنش، دبیر کل حزب و آنسیان دایر بر اینکه انگلستان دو ۱۹۴۵ کشوری سویالیستی بود و نه امپریالیستی (در مورد این موارد رد نگاه کنید به سند شماره ۲ در آین جزو)؟ آیا مبارزه بی امانتان علیه جنبش توده ای ضد امپریالیستی ملی کردن نفت را باید

دال بسر کوئیست بودن شما را نیست؟ یا مقاومت جانانه ای که در ۲۸ مرداد در مقابل پیش از تبعاع و امپرالیسم، به بخاطر دفاع از راستاوارهای جنبش، بلکه دست کم برای حفاظت از جان آن عزیزانی که شهید شدند، از خود نشان دارید؟ یا بالآخر همکاری اخیران با بختیار جلال که با قربانی کردن رادمشس سرو ته آثرا هم آوردید؟ یا ترجمه و انتشار آثار وسع مارکسیستی است که طی حیات سیاسی خود در اختیار جنبش کارگری ایران گذاشتید؟ که اینها یهود لیل کوئیست بودنتان است؟ نه، هیچکار اینها. شما تنها یک مرد برای کوئیست بودن دارید و آن شناسائی رسمی اتحاد شوروی از شما بثابه حزب "برادر" کوچکتر است و

برغم شما، انتشار از سیاست خارجی شوروی دال بسر آتشی کوئیست است. یعنی هر کسی از کمک مادی و معنوی حکومت شوروی بشاه انتقام کرد و آثرا بسود انقلاب و سرنوشت مردم زحمتکش ایران نداشت، او آتشی کوئیست است، هر کسی به فروشن اسلحه شوروی بشاه که هر روز دسته مبارزان انقلابی را بجهوه های اعدام مینماید و سینه هایشان را مشبك میکند احتراض کرد، او هم آتشی کوئیست است. هر کسی علیه رعوت رسمی شورای سر اسری اتحادیه های کارگری شوروی از سران سازمان امنیتی "سازمان کارگران ایران" (سند یکاهای زرد) به پانزده همین کفره آن شورا و بازدید متفاصل آنان ازین سند یکاهای زرد در ایران احتراض کرد، او هم آتشی کوئیست است. (۲)

آری اینهاست معیارهای آتشی که کوئیست بودن ما و کوئیست بودن شما، که بخاطر حفظ خوده منانع فردی علیه منافع آتشی و سرنوشت جنبش کارگری و کوئیست ایران مهر سکوت بر لب مینشانید. همکاران مژده که نمیتوانند از حملات هیستریک بقاوی حزب توده در خار از کشور نسبت بکار خود ناخرسند باشند، زیرا این حملات نشاندهای اشتبکی فعالیت انتشاری ایشان است. بقاوی حزب توده بیرون میکنند با هشدار رباش علاقمندان جنبش کارگری مارکسیستی ایران را از "رامی" که مژده که پیش پای آنها نهاده است" بر حذر دارند؛ این فریاد هیستریک مشتی نا امید منفرد در بیان است و همچنان بیست سالی که سیری شده است شنونده ای تخواهد داشت.

بهترین پاسخ ما بشما اینست که با انتشار آثار مارکسیستی و تاریخ جنبش کارگری ایران و جهان همچنان در جهت از بین بردن آخرین بقاوی این سرطان طبقه کارگر ایران کوشایشیم:

### ( فوریه ۴ ) " مژده کسی "

### از سرنوشت حزب توده در ۲۸ مرداد ۱۳۲۲

(( تهدیدهای انقلابی [نمای] خوده بورژوازی و شایندگان دمکرات [نمای] آنها چیزی جز تلاش (( برای ترساندن حریف نیست؛ آسان هنگامیکه بین بست بر میخورند و خود را آنقدر در خطر رسوایی (( میبینند که تاگیر میشوند به علیه ساختن تهدیدهای خود بپردازند، کارشان دو پسلو پیدا میکند، (( بدین معنا که بیش از هر چیز از وسائل نیل بهدف احترام میجویند و بجستجوی مستcek (( برای مغلوبیت بر میخوینند. پیشتر آمد پرسخو شیتکه آغاز مبارزه را اعلام میدارد، همینه کار (( بخود مبارزه میبرند، لند لند عاجزانه محسوس میشود؛ بازیگران قیاقحد بخود را از دست میدهند (( و بازی مانند باد کسک پسر باری که سوزنی بآن زده باشند، فرو میشینند ))

کارل مارکس "هیجد هم بروم"

(۲) آخرین این دید و بازدید ها در ماههای مارس و مه ۱۹۷۲ صورت گرفت.

سند شماره ۱

هیئت محترم اجرایی حزب توده ایران

بیستم سپتامبر ۱۹۷۳

آقایان مختارم،

ما در نظر داریم در آنکه نزد پیک، جزوی کهنه مرکزی حزب توده ایران مونخ بهمن ماه ۱۳۲۲ ۲۸ مرداد را در مجله پنجم اسناد جنبشگارگری، سوسیال دمکراسی کوئیست ایران بچاپ برسانیم. بنابر توصیه یکی از رفقاء شما تصمیم بر آن گرفتیم ضعن این نامه از شما درخواست کنیم جزوی دیگری که از جانب آن حزب را این زمینه انتشار یافته است را برای چاپ در همان مجله در اختیار ما بگذارید. این سند نوشته آقای کیانوری است که در قطعنامه پلنوم وسیع بد ان اشاره میرود (نشریه تعلیماتی شماره ۴۴؛ فوریت ۱۳۲۳).

ما امیدواریم که این درخواست ما مورد توجه قرار گیرد زیرا یه باین دلیل که نسل نسود و گیرد و مبارزه حق را رد در مورد حوادث ایکه به ۲۸ مرداد منجر شد اطلاعات همچنانه ای داشته باشد و در ارزیابی خود وسیعترین اسناد را در اختیار داشته باشد.

ما قبل از همکاری شما تشکر میکیم.

با سلامهای گرم

انتشارات مسزرد ک

( این نامه هرگز جوابی دریافت نداشته )

سند شماره ۲ - گزارش محترمانه خاتم لامبتوون - وابسته مطبوعاتی سفارت انگلستان در تهران به - سفیر

آن دولت در تهران که برای وزارت خارجه آنکشور ارسال شده است. در این مشهود FF 371/45446 ۱۰۵-۱۰۶  
که بنا بر اول مارس ۱۹۴۵ است ما گزارش خاتم لامبتوون را از ملاقات برخی رهبران حزب توده با دو نفر از اعضا  
پندگان پارلمان انگلستان (پارکر و فریزر) و همچنین لرد کارنسکتون مینووانیم. خاتم لامبتوون در این  
جلسه نقش مترجم رسمی را بعهده داشته بود. سفیر انگلستان، سر ریدر بولارد، در نامه ایکه همراه گزارش  
محترمانه فرستاد نوشته است، من بعد املاط شدم که این اعضای پارلمان [انگلستان] نمایندگان حزب توده  
را بسیار ملایم یافتند. این اصرار مورد برنامه حزب توده نیز صادق است، آنچه هم است تکیه انقلابی  
است که حزب توده وسیله آن ادمینیستراسیون را مختلف میکند [البته این تکیه انقلابی در ۲۸ مرداد ۱۳۴۷  
نمایند]. در گزارش سری لامبتوون از جمله میخوانیم "دکتر رادمنش گفت که حزب توده البته برنامه ای  
دارد، اما با مجلس کوئنی [چهاردهم تقینیه] و دولت کوئنی امیدی باجرای آن نیست. ایشان برایان نظر  
اشد اگر حزب توده [میتوانست در دولت [ارتجاعی صدر و امثالهم] شرکت جسوسد، ممکن است  
بتوان بخشی از آنرا بعور اجرا کند". البته ایشکار بعد با قوامسطنه شد. لامبتوون در گزارش سری  
همچنین مینویسد، رهبران حزب توده از من برسیدند که آیا وابسته مطبوعاتی سفارت بریتانیا شکایت علیه  
مطبوعات حزب توده دارد و من جواب دادم آری و اضافه میکند، در مطبوعات توده مد اینا در باره امیر  
پالیسیم و ارتजاع بین المللی مطالی نوشته میشود. اگرچه ممکن است اشتباه کم، [ولی] بنظر میرسد  
که مقصود [ازین حوصلات] بریتانیایی کبیر و سیاست بریتانیاست. رادمنش این امر را تکذیب کرده  
و آنسانیان نیز حرف او را تایید نمود و گفت بریتانیا یک کشور سوسیالیستی است و مورد احترام انسان  
است. آنچه مورد حمله ایشان است برعی جنبش‌های ارتজاعی است که در سراسر دنیا یافتد  
میشوند... اسک بری گفت که بیک تفاهم بین انگلیس و روسیه در ایران نیاز هست [حتماً موارد  
اعیان اقتراو این ۱۹۴۱ است]. افراد زینفع (مثل فاشیستها و ارتجاعیون وغیره) حد اکثر کوشش  
خود را بکار میبرند تا تخم شک بکارند و مناسبات روسیه و انگلیس را در ایران مختلف سازند و کاملاً روش  
است که چه کسانی ازین اصرار سود میبرند. [اینهم از فهم آقایان "کوئیستها" از کشور سوسیالیستی  
و امپریالیسم].

سفیر بریتانیا، سر ریدر بولارد در بختنامه ای بنا بر این ۱۹۴۲ خود به کنسولگریهای بریتانیا در ایران  
در مورد انتخابات در رهبری این کشور هم نوشته است. ] FO 371/35071 f. 113

" با توجه بانتخاباتی که در پیش ایست شما باید راهنمایی‌های زیر را در نظر بگیرید: عقاوی  
حزب توده و سایر گروههای چسب [!] بشرط آنکه افراد غیر مسئولی نباشند میتوانند در  
بسیاری از موارد رخداد متأبهترین منافع کنسولگری ایران را باشند و بعارات بر عنصر ارتجاعی و مزاحم مجلس  
کوئی ارجع باشند و پسند منافع مانیست که این نامزد ها از حق نامزدی انتخابات صحروم گردند، فقط  
با این خاطر که نظرات چیزی دارند. بر عکس نامزد های انتخابی با نظرات متفرق و آزاد بخواه که احتمال  
دارد تشویق گنده ای اصلاحات (روم) باشند، باید تشویق شوند...".

سر ریدر بولارد در نامه دیگری به واحد های کنسولی دولت متبوع خود مینویسد ] FO 371/45448, ff. 38-9

(۱) آشیسو وزارت خارجه بریتانیا که معمولاً پس از سی سال گذشت زمان از حوار اث برای محققین باز میشود  
در مورد انتخاباتی جنگ جهانی دوم تا آخر سال ۱۹۴۵ باز شده است و آنچه اینجا مورد استاد است  
ازین آشیسو گرفته شده است. مطالبدار دوکانه [ ] و تکید بر کلمات از ماست.

اظطراب ایرانیان [ در هیئت حاکم ] باین فرضی که این حزب توده هواد ار روس است و آنکار است که از جانب آنان تشویق و حمایت می شود ، انگلیسها باشد بدون قید و شرط خود توده ای باشند . این درست است که ما مخالف حزب توده هستیم زیرا هواد ار شوروی است ... اما این حقیقت ندارد که مخالفت ما با آن حزب بر اساس برنامه نشر یافته ر فرمای اجتماعی عمیق است؛ غالباً ایرانیان تصور می کنند که ما مبنای نهادنگان نمونه کلاسیک قدرت سرمایه داری باید بر این پایه ها [ برنامه ] نیز مخالف حزب توده باشیم . لازم است این برد اشت تصحیح گردد ... برنامه نشر پاپنه حزب توده هیچ چیز خیلی انقلابی ندارد . .... مسئول سیاست ایران در وزارت خارجه بربنایان در لندن در یارداشت راخن خود بر اساس گزارشی ارسالی سفیر از تهران چنین اظهار نظری در مورد حزب توده داشت . [FO 371/35069, f. 53]

در بارهی حزب توده و فعالیتهای آن بنظر من امیدوار کنند میرسد که مالکین ثروت خود از بابت امری که احتمال بمنظرون یک خطر بلشویکی میرسد نگران شوند . این تلگراف [ سفیر از تهران ] نشان میدهد که در برنامه حزب [ توده ] هیچ جنبه تند روانه ای وجود ندارد . افسوز بر این وضع داخلی کوئی آنچنان وحیم است که اصلاحات اساسی [ که ] چه بدست شاه از بالا یا بدست حزب ای پایین باید تحمیل شود ، بنظر میرسد که تنها آلتنتیف در مقابل خیزش اجتماعی در چند سال آینده باشد . من بنابر نعیه هم چرا باید مالکین را که اکثریت مجلس را تشکیل میدند و امیدی بهما نمیدهنند در مقابل حزب که موق شده است آثاراً تا حدی بهراس اند از تقویت کیم .

در پیک سند دیگر "سپیار صری" سفیر انگلیس بنامی ۷ سپتامبر ۱۹۴۵ به وزارت خارجه اینطور گزارش میدهد ، "رهبران میانه رو تسریع حزب توده در پیک مذاکره اخیر با یکی از لاعنی سفارت [ انگلیس ] وضع کوئی در این کشور را غیر قابل تحمل تشریح کردمند و این نظر را بیان داشتند که مادر امیکه سیاست خارجی [ ایران ] یعنی روابطش با بریتانیا و روسیه و هنایی روسیه و انگلیس و شدن شده است ، هیچ رفرمی نمیتواند انجام گیرد . او [ یکی از رهبران توده ] اعلام کرد که تند روان حزب خواهان مناسبات خوب با هردو کشور است لکن مخالف تغذیه از حد هر پیک از آنها [ در ایران ] است . او در رعنین وارد ساختن اتهام بنا در حمایت از طبقه حاکم فاسد کوئی و بدینوسیله دوام بخشدیدن بوضع کوئی ، اینرا تکذیب کرد که حزب او خواستار انقلاب است یا اینکه مردم آماده انقلاب است . ۲) بنظر او اضاع یک دولت انتلافی را با شرکت همه عناصر ، شاید باستثنای مرتعنین غاصر [ گروه سید ] ضیا . ۳) [ الدین طباطبائی ] را مطلب دید . تا زمانیکه سطح تربیت مردم بالا رود ، باید نوعی دمکراسی "هدایت شده" جانشین دمکراسی واقعی گردد . ۴) در پاسخ بیک سوال در باره ترکیب حزب توده او اعتراف کرد عناصر فاسدی وجود داشت که میکوتند از حمایت روسها برای نیل بهادران شخصی استفاده کنند ، اما او تأکید کرد که اگر حزب بقدرت بررسی آنها را بیرون خواهد ریخت . ۵) سه نفر از رهبران بر جسته توده نیز اخیراً با نخست وزیر ایران تعاون قرار گردند و با پیشنهاد کردند که رکسر طاهری [ نسباینده مرتعنین نایندگان مجلس جهاد هم ] یکی از رهبران اکثریت هواد ار دولت را . ۶) فائیع سازد تا نیروهای خود را با تمیزو های حزب توده متعد و هواد ار خود را هصراء سازد ، و در مقابل آن حزب توده به صدر [ نخست وزیر ارجاعی وقت ] قول داد کاری کند که روسیه بسرعت و بکی باشغال شمال ایران پایان دهد . ۷) واکنش رکسر طاهری نسبت باین [ پیشنهاد ] این بود که این امر حاکی از اینست که حزب توده احسان می کند که اراد زمینه را از دست میدهد . ۸) [ FO 371/45450, f. 110 ] اینست "کوئی نم" و "ضد امیرالیسم" حزب توده .

## تذکر

در ترجمه آنچه اخواه کردن برخی مطالب من را در فارسی رسانید  
می‌ساخت، کلمات ای اخواه شده است. این کلمات اخواه نشده در دو  
کانه [ ] نشانده است. کلماتیکه در دو ابرو ( ) نشانده شده  
است از آن نویسنده است و نه مترجم.

حق ترجمه و نشر این جلد چهارم و جلد های پنجم ، ششم و هفتم  
اسناد جنبش کارگری ، سوسیال دمکراتی و کمونیستی ایران برای  
بنگاه انتشارات مازدک ، «فلورانس» محفوظ است. نظر ازین مجلدات  
در صورت ذکر منبع مجاز است. هرگونه تخلف ازین قاعده  
مستوجب تعقیب قانونی خواهد بود .

## ناشر

Historical Documents: The Workers', Social-Democratic  
and Communist Movement in Iran(1903-1963),  
Volume IV,  
Selected Writings of Avetis Sultanzadé, Mikailian.  
All Rights Reserved for: Edition Mazdak, Florence  
Italy ( C )

# فهرست جلد چهارم

- پیوامون خدیت ناشناخته‌ی یک کوشنده انتوناسیونالیست
- ۱ - ایوانی آویس میکائیلیان، سلطانزاده
- ۴۹ - فهرست دیگر آثار سلطانزاده
- ۴۰ - صویو و فیق آویس سلطانزاده
- ۴۱ - رفیق سلطانزاده و کنگره سوم کمینتوں
- ۴۰ - جنبش انقلابی در ایران (۱) ایران با انقلاب ۱۹۷
- ۴۸ - جنبش انقلابی در ایران (۲) دورنمای انقلاب اجتماعی در ایران
- ۵۱ - کنگره دهم کمینتوں (انقلاب در خا در زمین)
- ۵۴ - گزارش شکیل نخستین کنگره حزب کمونیست ایران
- ۵۶ - رویادهای خاور نزدیک
- ۵۹ - از گزارش نخستین کنگره حزب کمونیست ایران
- ۶۱ - وضع اقتصادی در ایران و حزب کمونیست ایران
- ۶۴ - ایران معاصر (کتاب ۲۴، ۱۹۷۲)
- ۱۰۰ - موقیت زن ایوانی
- ۱۰۲ - جنبش سندیکاگرانی در ایران
- ۱۱۱ - پیشکار برای نفت ایران
- ۱۱۷ - دویسن گنگوه حزب کمونیست ایران
- ۱۲۲ - خطوط انکمان ایران
- ۱۳۲ - کنگره ششم کمینتوں - ظرف میانه وحمله با عاد شوروی
- ۱۳۴ - کمینتوں برنامه (سومایه مالی)
- ۱۳۵ - " " - مجمع عمومی (سومایه مالی)
- ۱۴۱ - " " (یو نامه کمینتوں برای مصادر)
- ۱۴۴ - ایران (جزوه ۱۹۷۹)
- ۱۵۶ - ایران، پایگاه امپریالیسم برویلانیا
- ۱۵۹ - مخصوصی از زندگی کارگران ثبت جنوب (پیکار)
- ۱۶۳ - پنجاهیین سالگرد کمونیلریسون (اعانیه کمینتوں اجرایی کمینتوں)
- ۱۶۴ - جنبش انقلابی در ایران (۲) ایران پس از انقلاب ۱۹۷۱
- ۱۶۷ - پیکستر
- ۱۶۷ - فهرست جلدی‌ای پیکم، و سوم اسناد جنبش کمونیست ایران

# فهرست جلد اول

## صفحه

۰	.....	ضوان
۱۴	.....	تختین آشنای ایرانیان با مارکسیسم
۱۸	.....	رسخ اندیشه های مارکسیسم در ایران
۲۰	.....	در باره شرکت ایرانیان در جنبش انتلابی روسیه
۲۵	.....	گوشه ای از تاریخ مبارزات انقلابی
۲۷	.....	مندی در باره حزب سوسیال دموکرات ایران
۴۲	.....	دستورنامه حزب سوسیال دموکرات ایران
۴۴	.....	مراسله جمعیت معاہدین
۴۷	.....	انهصار نامه اجتنابیون علماییون
۵۹	.....	* مراسله حاليه حزب کمونیست ایران
۶۰	.....	نزدیکی حزب کمونیست ایران در باره وضع اجتماعی ایران
۶۹	.....	پیاننامه کمیته ایالتی پلشیکای ایران
۷۲	.....	در باره حزب کمونیست ایران
۷۵	.....	گزارش در باره تختین کنگره حزب کمونیست ایران
۷۷	.....	حیدرخان عمو افغان در مشنگ بنیان اسلامی پژوگران
۷۸	.....	یک سند در باره ارتشرسخ ایران
۷۹	.....	حیدرخان عمو افغان در کنگره خلقی خاور
۸۱	.....	کمونیستی ایرانی در بین الصالح سوم (سلطانزاده)
۸۲	.....	(جوادزاده پیشه وری و نیک بنت)
۸۴	.....	- پایاره تبلیغات کمونیستی در ایران
۸۵	.....	حواله ایرانی از مجله کمپنیون
۸۶	.....	پیام ارتشرسخ ایران به ارتشرسخ روسیه
۸۷	.....	پاسخ " رویه " ایران
۸۸	.....	پچه زدن در باره نوچاع ایران
۸۹	.....	سلطانزاده در باره جنبش جنگل
۹۰	.....	مصاحبه راسکننک در باره جنگل
۹۲	.....	نامه روتشتاين سفیر شوروی سوزا کوچکدان
۹۳	.....	پاسخ میرا به روتشتاين
۹۴	.....	حالات اجتماعی اخراج بنیان اسلامی ایران

۹۸	..... پروگرام عملیات حزب کمونیست ایران .....
۱۰۴	..... ایران ... رساله بین الطل سوم .....
۱۰۸	..... ایران ... رساله سلطانزاده .....
۱۱۸	..... سازمان حزب کمونیست در خواسان .....
۱۲۳	..... سازمان حزب کمونیست در تهران .....
۱۲۶	..... سازمان حزب کمونیست در تهران .....
۱۲۷	..... خاطراتی از حزب کمونیست ایران .....
۱۲۹	.....
۱۳۶	.....
۱۴۲	* دفاتریات نفسی ارشیو .....
۱۴۵	..... چرا پیکار توپیف نشد .....
۱۴۶	..... بلندپیک در باره انتخابات .....
۱۴۷	..... تاریخچه تنهضت کارگران .....
۱۴۸	..... حزب توده چه میگوید و چه میگذرد؟ ( بعد قاضی ) .....
۱۴۹	* جمهوریت کرد ؟ ..... ر. گشرا پرسیم .....
۱۵۰	..... بهانیه حزب جنگ . اجتنابیه .....
۱۵۸	..... خدمات اصلی حزب توده ایران .....
۲۰۱	..... بهانیه کهنه مرکزی حزب توده ایران پیشنهاد پنجمین سال تأسیس حزب .....
۲۰۴	..... آذرماه ۱۳۲۵ .....
۲۱۰	..... زمستان ۱۹۴۶-۱۹۴۷ .....
۲۱۱	..... من کامل گزارش دکتر راد مشسوبین پلنو، کهنه مرکزی حزب توده .....
۲۲۶	..... روابط ایران و شوروی .....
۲۴۱	..... دشنا چشم پیاره زمل شرق دارد .....
۲۵۲	..... دعوت حمایت ملی مازه با استعمار - ۳۰ نیز ۱۳۳ .....
۲۵۳	..... نقط دکتر راد مشش در هشتادن کله حزب کمونیست چین .....
۲۶۴	..... اسناد و مدارک مربوط به پلنو چهارم ( وسیع ) حزب توده ایران .....
۲۶۵	..... طرح برنامه و اساسنامه حزب توده ایران .....
۲۹۱	..... نامه مراجعت شکلات تهران - شکلات جنوب حزب توده به کهنه مرکزی حزب کمونیست شوروی .....
۴۰۰	..... گزارش ای در باره ای پلنو یازد هسم حزب توده ایران .....
۴۱۱	.....

# فهرست جلد دوم

۱۰ - مقدمه تطییر گشته

۱۱ - بحث انتقادی درباره حزب توده ایران - سائل سازمانی

صفحته	الف	پنجمین	- مقدمات
۱	م		
۲۲	م		- توضیحات مقدمات
۱			- پیشتر برای حزبه ماهیت طبقاتی و ترکیب اجتماعی
۲۴			- اهمیت تاریخی یک حزب مارکسیستی در
۱۶۶			- پیرواطخاری خی ایران و مشخصات ویژه آن
۲۷۰			- موزنیت تاریخی حزب توده چه بود؟
۲۸۴			- تاریخی دیراره نظریات ایزیزم
۲۹۱			- طبقه م مسوقت بنای خارقی
۳۲۱			- اصول و مبانی سازمانی حزب توده چه بود؟
۳۴۳			- خصوصیات سازمانی حزب تاشی از جه بود؟
۳۵۲			- تغییر کلی پس از ۲۷ سال *
			- توضیحات
۳۹۲			۱۱ - در زیر پریزم حزب توده ایران، در اتفاقی کل ( تحلیلی از خطمنی سیاسی حزب توده ایران ) *

فهرست جلد نخست تیز برای اطلاع کائنه موفق به یافتن آن شده است در این مجلد تجدید چاپ  
میگردند  
یا سچ آقای قاسمی به کتاب تحلیل از خطمنی سیاسی حزب توده است ولی از انجا  
که اختیارات ان مربوط به کتاب حاصل نیز میشود در این کتاب منتظر شده است.

# فهرست جلد سوم

## صفحه

## عنوان

- نظام اسلامی جمهوریت اجتماعیون حاکمیون ایران
- ۱ شرکه اشتراکیون ایران (کیلان)
- ۲۶ تشریفات حیدرخان عوائلی
- ۴۰ مراضامه حالیه فرهنگ کمیته ایران ( من کامل )
- ۵۶ اوهام رایج بدست آمریکا
- ۵۸ چندش انتلاقی در خاور زمین - ایران - از مجله کپشن
- ۶۰ سخنواری آفاراده در سوین کلکه کپشن
- ۶۱ سخنواری شرقی در ششمین کلکه کپشن
- ۶۲ در بساره حجازی کارگر شهر
- قاتل عنی چیست ( احمد قاسمی )
- ۶۳ حزب مویالیست چه یگردد ؟
- ۶۴ سیاست ما - دکتر راد پسن
- ۶۵ خصوصیات مدارس اجتماعی در شرایط امروزی ایران
- ۶۷ تحلیلی از جهان دوین کلکه حزب تude - ۱ - طبری
- ۷۰ در سرآشیب انشعاب
- ۷۸ جعفیتندی تجارب گذشته
- ۸۱ عبدالمحمد کامیشتر - بیو گرافی
- ۸۳ دکتر رضا راد پشن - بیو گرافی
- سری مقالات آ و هر ( روزنامه مفتر پیشه وری ) :
- ۸۵ - چه خواهیم نوشته ؟
- ۸۷ - چه خواهیم نوشته ؟
- ۹۰ سال دوم آذربایجان
- ۹۲ تاریخچه حزب بعد انت
- ۹۴
- ۹۶ هدف بعد انت
- ۹۸ آری ما میهن پرست هستیم
- ۱۰۰ سرگذشت من ( پیشه وری )
- ۱۰۲ پیشه وری کیست ؟

## هزوان

### صفحه

- ۱۴۴ — ما و احزاب سیاسی امسی  
 ۱۴۶ — خبر قتل دکتر ارانتی  
 ۱۴۸ — در باره رهبر و رهبری  
 ۱۴۹ — در باره بعضی مدعیان پیر مدعای رهبری  
 ۱۵۰ — ما چه میگوییم ... ملت چه میخواهد؟  
 ۱۵۰ (۲) —  
 ۱۵۰ (۳) —  
 ۱۵۱ — انتظای ایالتشی و ولایتی  
 ۱۵۲ — قوت پروژت  
 ۱۵۲ رهبر — در باره مسند حضرت علی  
 ۱۵۲ پیشوای عقاید و ارادا — حزب توده چه میگفت و چه میگرد؟  
 ۱۵۳ — پس از یکصد سال «شیعی رهبری»  
 ۱۵۳ چرا سران حزب توده ببلند در نیرومند بودن استعمال کرده‌اند؟  
 ۱۵۴ — چرا سران توده برای الغای اشتیاز نفت اقدام نکردند؟  
 ۱۵۵ — میازده برای رادن امیتاز پسروری  
 ۱۵۶ — آنچه برای دیگران جیز ناریخی است ...  
 ۱۵۷ — خدمت حزب توده و خیات سران آن  
 ۱۵۸ — تحول اجتماعی ضروری ایران ۰۰۰۰  
 ۱۵۹ — آنچه رهبران حزب توده میتوانستند بکنند ...  
 ۱۶۰ — دا کردن صافع‌امسی ایران  
 ۱۶۱ — بزرگترین هیبت رهبران توده  
 ۱۶۲ — تقاضای اشتیاز نفت شمال  
 ۱۶۳ — روشن‌طلبانه نفت‌شمار ایران  
 ۱۶۴ — بزرگترین خدمت و خیات  
 ۱۶۵ — فرقه دموکرات از راپیدان  
 ۱۶۶ — اشتیاز نامه پیشه وری  
 ۱۶۷ — دشمن فرقه با عناصر رونشکر .....

## خوان

<u>صفحه</u>	
۲۰۳	مکانیسم که از مسیری بزد ور می‌ازد
۲۰۵	یکی از هنگاران نزد پل پیش وری
۲۰۶	وزراو مارکوب و پیش وری
۲۰۸	فسرمه خلق الساعده مکرات
۲۰۹	رهبران توده در قسمتی از شمال و جنوب سازمان نداشتند
۲۱۱	فکرین المللی در خدمت پل طلت
۲۱۳	موقسیت جبهه ملی
۲۱۶	از شرایط بقا و موقسیت بیشتر جبهه ملی
۲۱۸	نه سال حرف
۲۲۰	مرحله تاریخ کوفی
۲۲۲	اهمیت نفت کارگری
۲۲۵	دوراه برای مشکل کشاورزی
۲۲۷	وظیله تاریخ جبهه ملی
۲۲۹	ساختمان طبقاتی جامعه ملی و بن المثل
۲۳۲	دو درن که از صفت نفت جنوب اوتیسم.
۲۳۷	آیا حزب زمینکنان ملی است؟
۲۴۰	ملی و بن المثل
۲۴۲	اهمیت انقلاب صنعتی
۲۴۸	نیروی سوم چیست؟
۲۵۲	آیا جبهه ملی ناسیونالیست است؟
۲۶۵	پختناده یکیست واحد های جزوی در مهاجرت
۲۶۸	هزاره درین خزب و سانترالیسم د موکرانیک
۲۷۸	نفت ( بهادری ما )
۲۸۰	بيانیه جامعه سوسیالیست های نهضت ملی ایران ۱۳۲۹
۲۰۶	انقلاب در شرق - خاطرات احسان الله خان از جنگ
۲۲۱	انقلاب روس و ایران - پکتو سر

# پیرو امون شنخست نا شنا خته

## یک کو شنده انتز نامیو نا لیست

### ایرانی

سلطانزاده که بود؟

این پرسش است که بسیاری از زمینه‌گران و محققین مارکسیست ایرانی با آن روی رو بوده اند. نویسنده حاضر نیز زمانی با این سوال روی رو شد و مدتها بدان پاسخ نمی‌یافست، و نخستین بار بالین نام در کتاب "روسیه و باختر روسیه" نوشته جورج لنچافسکی [۱] آشنا شده بود. نویسنده اخیر مدعی است سلطانزاده همان میرجعفر جواززاده، پیشه وری، صدر جمهوری دمکراتیک آذربایجان (سالهای ۱۹۲۴-۲۵) است، که بنام تعاونده حزب کمونیست ایران در کنگره‌های کمیته‌نیشن شرکت می‌گشت. همین ادعای بیش از اندازه جسورانه‌ی نویسنده حاضر را بر آن داشت تا در جهت شناختن سلطانزاده و کشف حقیقت در مورد این فرزند بر جسته طبله کارگر ایران بکوشد، پرده‌ی ابهام را کارزد و نوطه سکوت را درهم شکست. از جمله نتایج این تحقیقات کتاب حاضر نیز یک به ۲۵ سال پیش

(۱) George Lenczowski, Russia And The West In Iran, Ithaca, New York, 1948, P. 224  
 از مورخین ایرانشناس آتشن کمونیست بنام آمریکاست. وی از پیشقدمان تاریخ‌نگاری معاصر خاورمیانه از پیدگاه منافع خاص امیریسته‌دار این منطقه بوده و بسیاری از "مورخین ایرانشناس" از دست پروردۀ های وی مستند. آثار وی در این زمینه اهمیت‌کلامسیک دارد از است و منبع اصلی بسیاری از تحقیقات بعدی قرار گرفته است. بسیاری از جمله سهیل زیع، نویسنده کتاب جنبش کمونیستی در ایران The Communist Movement In Iran, Univ. Of Calif. Press, Berkeley, 1966

در تدوین آثار خود اساس‌کار را بر تحقیقات و موضوع‌گیریهای مورخ نامبرده استوار ساخته است. این "مورخ بزرگ" اگر کنی بخود رحمت میدارد براحتی میتوانست تفاوت‌های سلطانزاده و پیشه وری (جوادزاده) را بطوریکه بعد از در متن این سر سخن خواهیم دید، دریابید. اینکه لنچافسکی یا دیگرانیکه به وی تاکی جسته است، مانند Soviet Foreign Policy And World Revolution, H.H. Hammond, Princeton, 1965, P. 859

از شهادت رفیق سلطانزاده نشر می‌یابد. انتشار این کتاب تها بین علمت‌حائز اهمیت‌نیست که شخصیت انقلابی ستاری چون سلطانزاده را بعایت‌ناساند، و برگوشه‌های بسیار تاریکی از جنبش‌کمونیستی ایران پرتو می‌افکند، بل ازین نقطه نظر نیز شایسته توجه است که از محتوا تن آن بسیار میتوان آموخت. متساقنه ترجیمه همه آثار رفیق سلطانزاده از زبان روس بفارسی، هنوز میسر نگه است؛ در کتاب حاضر ما تمام آثار وی را که بزبانهای آلمانی، فرانسه، انگلیسی، مکانیک ایم، منتشر می‌سازیم. علاوه بر اینها بسخی را نیز از روسی بفارسی برگردانده ایم. تها یک مقاله بعنوان از "پیکار" فارسی است (که یک از درستان لطفاً در اختیار ما گذاشت). دیگر آثار این تغیریسن انقلابی ایرانی بذریج ترجیمه و نشر خواهد یافت. گردآوری آثار رفیق سلطانزاده از اکاف جهان کار آسائی نبوده است، همچنین تحقیق در مورد وی کاری سهل نبود و با موافقی که برخی بر سر راه این تحقیق ایجاد کرده اند، سالماً بطول انجامیده. در جمع آوری ترجیمه این آثار رفقاً و درستایی چند از بذل کمک درینج نخوازیدند. نویسنده و خواننده هر دو مدیون اینانند.

و اگرور حاصل این کوشش‌ها.

۰۰  
۰۰

رفیق آوتیس سلطانزاده بسال ۱۸۸۹ میلادی (۱۲۸۶ شمسی) در خانواره‌ای از ارمنه شهر مراغه چشم به جهان گشود. دوران کودکی اش را در آذربایجان گذراند و از ۱۳ سالگی به منظور آرامه‌ی تحصیل به روسیه تزاری رفت و تا انقلاب کبیر اکبر رضا آن کشور (لنینگراد) نیستاد و در سال ۱۹۱۲ به حزب سوسیال-دموکرات کارگری روسیه (گروه بشویک) پیوست و از فعالین مهم آن شد؛ بنابر قول دانش‌العارف تاریخ شوروی [۲] از شرکت‌کنندگان فعال انقلاب اکبری بود. در سال ۱۹۱۹، بنابر تصمیم شعبهٔ خاورزمین بین الملل کمونیست (کمینترن) به تاشکند اعزام شد تا در آنجا به سیم ایرانیان مقیم آن خطه بپرسد از دربارهٔ علیه تحریکات‌عناصر ضد انقلابی محلی و امیرالیستهای انگلیسی شرکت‌جویید. در سال ۱۹۲۰ پس از شرکت‌کنندگه خلق‌های خاورزمین، بعنوان نماینده ایران همراه حیدر رخان عمده‌اند، مسئولیت‌عضویت در سورای تبلیغاتی کمینترن در خاور را به دهه را شد، [۳] [۴] رضا رستم در مقاله اش در مورد حیدر رخان در سال ۲، شماره ۴، از سلطانزاده بعنوان رهبر حزب کمونیست ایران نام نمایرد و تها نیز رخان را نذکر نمی‌کند. همچنین در مقاله "یاد راهنمایی در بارهٔ شرکت ایرانیان مقیم روسیه تزاری در حوالات انقلابی این کشور" در سال ۱، شماره ۴، بهادی از سلطانزاده نمی‌شود. اینها را نسبت‌آن جز به عناد "مورخین" روسی با کمونیستی چون سلطانزاده دانست.

رفیق سلطانزاده در اوخر ۱۹۱۹ بصفویت حزب "عدالتار آمد" و از مبتکران شکل حزب کمونیست ایران و شرکت‌کننده‌ی فعال تختستین گره آن در شهر ارزق (بهلوی کونی) بود. [۴]

(۲) دانه‌المعارف تاریخ شوروی. Sovjetskaya Istoricheskaya Encyclopedie (Tome 13) در اوخر المیلادی (B.5. E.) Moskva, 1971, P. 951

مجله ۴۱، چاپ مسکو، ۱۹۵۶، از رفیق سلطانزاده یاد نمی‌شود.

(۳) نگاه کنید به صورت جلسات گرده خلق‌های خاورزمین Le Premier Congrès des Peuples De L'Orient, Baku, 1920, Réédition Maspéro, Paris, 1971

(۴) نگاه کنید به گزارش تختستین گرده حزب کمونیست ایران (همین مجلد ص ۵۵-۵۶)

نخستین کفرانس و میمع کونیستهای ایرانی در اوایل ماه آوریل ۱۹۲۰ در شهر تاشکند برگزار شده بود [۶]. چنگنگی برگزاری این کفرانس را میتوان باختصار در مقاله مربوط به صورتجلسات کنگره اندی از قول خسروی سلطانزاده خواند. [۶] او پس از برگزاری نخستین کنگره حزب کونیست ایران [۷] عازم روسیه شوروی

- (۵) صورتجلسات کنگره پکم حزب کونیست ایران No 24
- (۶) نگاه کنید به همین مجلد (منص ۵۹-۶۰) . خلاصه ای ازین صورت جلسه در مجله "دنیه" (شماره ۲۵) سال ۸۰ نیز درج شده است. همین متن سانسور شده در صفحات ۶۵-۶۷ مجلد نخست اسناد جنبش کونیستی ایران تجدید چاپ شده است. در مورد تاریخ برگزاری و محل این کفرانس نظرات مختلف وجود دارد. مقاله مربوط بشرح حال نیک بیسن (دنیا، سال یازدهم، شماره ۳) بر اساس نوشته هسای رضا روستا و نقابراهیم افکر (شاهین) برگزاری این کفرانس را در سالهای ۱۹۱۸ یا ۱۹۲۰ اور شهر های تاشکند یا مشق آباد میداند. عبد الصمد کلبخش، بدون ذکر مأخذ، تاریخ ۱۳ آوریل را درست میداند (نظری به تاریخ جنبش کارگری و کونیستی ایران- ص ۴۲) . امیر خیزی (دنیا- شماره ۴، سال ۱۱) تاریخ برگزاری این کفرانس را اول آوریل ۱۹۲۰ مینویسد . ولی سلطانزاده در مقاله‌ای سابق الذکر تاریخ آنرا آوریل ۱۹۲۰ و محل آنرا تاشکند بثت میکند . با ولوجه آنرا ۱۴ آوریل مینویسد (منص ۱۷۸ روسی پانزدهم) (۷) در مورد تاریخ برگزاری کنگره نخستین حزب کونیست ایران نیز نظرات متفاوتی پافت میشود . برخی این تاریخ را ۱۹۲۰/۶/۲۰ مینه اند (کلبخش- همان کتاب ص ۴۷) - و باز بدون ذکر مأخذ . ولی گزارش سلطانزاده این کنگره در مجله کمپنیون بزانهای انگلیس، فرانسه و آلمانی تاریخ آنرا ۲۳ زوئیه نویشده میکند . بنظر ما میرسد که تاریخ زوئیه درست باشد و بدلا بل زیرا :

- (۱) این کنگره نمیتوانسته همزمان با دوین کنگره کمپنیون که از اواخر ماه زوئیه تا اواسط ماه اوت ۱۹۲۰ در نشست بود، برگزار شده باشد . سلطانزاده در هردوی این کنگره ها حضور داشته است. افزون برای این طرح اراده شده از جانب سلطانزاده به تضمین بنا بر تقاضای لینین برای کنگره دوم کمپنیون بین ۲۶-۲۹ دویی اراده شد . (در این مورد نگاه کنید به پانویس شماره ۹ همین سر سخن) . همینین نباید فراموش کرد که سلطانزاده در نشست ۲۸ زوئیه دوین کنگره کمپنیون سخنرانی ای ایران نمود ؛ حضور حتی وی در هر دو کنگره بدین معنی است که کنگره اندیلی در زوئیه برگزار شده است.

- (۲) بنابر نوشته‌ی کتاب Soviet Russia And The East, Stanford Univ. Press Eudin And North, 1964, P 99 روزنامه "ایزوستیا" مورخ ۷ زوئیه ۱۹۲۰، کنگره اندیلی لینین و نریمان نریمانوف را علیبا برای است افتخاری خود برگزارد . این امر میرساند که کنگره در زوئیه برگزار شده است.

- (۳) پراورا ۱۶ زوئیه نیز خبر برگزاری این کنگره را باطلان میرساند . در این مورد نگاه کنید به Revue du Monde Musulman, Tome 52, 1922, p. 147 (۴) خود سلطانزاده در کتاب "ایلن کونی" (منص ۹۰) تاریخ آنرا ۲۴ زوئیه فکر میکند (منص مجلد چ ۱۱) در مورد شرکت کنندگان در این کنگره نیز نظرات ییسان نیست . برخی عقیده دارند که حیدرخان از مباریان برگزاری این کنگره بوده است . در کتاب A. Bennigsen Islam In The Soviet Union, Pall Mall, London, 1967, p.103 آمده است که حیدرخان عازم رشت مدد نا حزب کونیست را تاسیس کرد .

- است حیدرخان در کفرانس تاشکند حضور داشته، ولی این در کنگره اندیلی حاضر نبود ( مقاله رضا روستا در مورد حیدرخان، دنیا- سال سوم شماره ۴) . روستا عدم حضور حیدرخان را در کنگره اندیلی از جمله معلول اختلاف او با سلطانزاده میداند . بهر حال خلاصه متن صورتجلسات کنگره اندیلی در K.I., No 14, 1921 Die K.I.,

شند و یعنوان نماینده‌ی این حزب در کنگره دوم بین‌الملل کومنیست شرکت‌جست. در کنگره دوم کمیت‌سرون پیشر از سلطان‌زاده دو وظیف دیگر از طرف حزب شرکت‌داشتند؛ پکی حسن اف [حسن زاده] و دیگری ابوجف [۸].

در این کنگره سلطان‌زاده در کمیسیون‌های مسئله ارضی و مسئله مستعمراتی و ملی شرکت‌داشت، وی در زمرة‌ی کسانی بود که نین از ایشان خواسته بود طرحی درباره مسئله ملی و مستعمراتی ارائه دهنده [۹]. وی در نشست ۲۸ روشیه همین کنگره نظرات خود را درباره مسئله انقلاب در خاورزمین عرضه کرد (نگاه کنید به این جلد صفحات ۱۵۱-۱۵۰). در همین کنگره بود که وی یعنی نماینده احزاب کومنیست خاورزمیک بغضوبیت کیته اجرایی بین‌الملل کومنیست (کاپک) انتخاب شد، و در این سمت تا کنگره سوم انجام وظیفه کرد. وی در این دوران بسیار فعال بود. در ۲۸ نوامبر ۱۹۲۰ در نشست کاپک علیه رهبران ناسیونالیست خاورزمیک بینواستند با قدرتیاب آتنانت نیز کنند انتخاب موضع نمود. در همین زمان بود که از نزد پیک راه بر رهبران بر جسته بین‌الملل کومنیست چون نین، پوخارن، تروتسکی، زینوفیف، روزمر، کولوچ رادک، وارکا وغیره همکاری داشت. (نگاه کنید به اعلامیه مربوط به پنجاه‌همین سالگرد کنون پاریس، همین مجلد، صفحه ۱۲۳).

پس از برگزاری کنگره نخست حزب کومنیست ایران و انتخاب تصمیمات از طرف آن، طی اختلاف بین کوچکشان سورد ارجنگل، و حزب کومنیست ایران، جمهوری سویت ایران در گیلان بدادرات کوچکشان اعلام کردید. در این دوران و از جمله در خود جلسات کنگره نخست حزب بود که اختلاف شدید بر سر اینکه انقلاب را کسی باید، رهبری کند و شعار آن چه باید باشد، مسئله ارضی را چگونه باید حل نمود و الخ اختلاف بین رهبران حزب را گرفت.

سلطان‌زاده مدعاً است که وی بهنگام شرکت در کنگره دوم کمیت‌سرون نظرات خود را در این مورد به نین عرضه داشته بود و نین نیز آنها را تایید کرده بود. وی در این مورد در کتاب "ایران" منتشره سال

پاتویس از صفحه پیش نمیتوانست داشته باشد که پس از کنگره خلق‌های خاورزمین، خواستار تجدید انتخابات کمیته‌ی مرکزی حزب گردند. در این مورد نگاه کنید به متن مقاله.

(۸) حسن اف (حسن زاده) (حسن اف) بدون تردید همان کریم نیک بین (رزقت) است. مقاله زین العابدین نادری نام خانوادگی وی را حسن اف ثبت‌میکند. علاوه بر این، بر اساس اسناد خانوادگی کریم نیک بین روش میکورد که وی حتی در کنگره دوم کمیت‌سرون حضور داشت. (دنیا-سال ۱۱، شماره ۳-صص ۵-۶).

در مقاله مربوطه سپرس آخوندزاده (۱) او شخصی بنام عوض اف‌نام بود و مشیشود بخطر میرسد این همان ابوجف باشد که در استان گکه دوم کمیت‌سرون ازو بعثایه نماینده ایران در کار سلطان‌زاده یاد شده است. باحتمال قوی این تغییر در گزینگاری نام و از قارسو به روس و از روس بالمانی صورت گرفته است.

(۹) نین درباره طرح ارائه شده از طرف سلطان‌زاده به زبان آلمانی در رحایشی آن بروسی چنین نوشت:

(۱) اتحاط طبقات درا و استئمار کنند (۲) قسم‌اعظم اهالی را به قانوی تشکیل مید‌هند که تعیت استئمار قرون وسطائی قرار دارند (۳) صنعتگران کوچک: در صنایع (۴) نتیجه گیری:

انطباق [سازگار ساختن] [استیتوسیون‌های سویت] [نهادهای شوروی] و همچنین حزب کومنیست (ترکیب آن و اهداف مشخص آن) در سطح کشورهای دهقانی خاور و مستعمره. اینجاست اصل مطلب، باید در مورد آن تعمق کرد و پاسخهای کسکرت [ملوس] را جستجو نمود. بتحیرید راهده در ۲۹-۲۴ ۱۹۲۰ روشیه ۳۷، ص ۲۰۱-۰ در مورد تایید نظریه سازگار ساختن سویت‌ها با پواسع

دیگریات نین در خاور توسط نین همچنین نگاه کنید به تطرق نین در دفاع از گزارش کمیسیون کنگره دوم کمیت‌سرون در کلیات، جلد ۳۱، چاپ فرانسه، ص ۲۵۰.

۱۹۲۴، مطلب را اینطور بیان میدارد: «(ا) از آنجا که عقاید مختلف در بساره این موضوع وجود داشت، و بسیاری کسان صحت خط تاکتیکی حزب کمونیست را بشدت مورد تردید قرار میدادند، من بنابراین سورکتیه مسرکری حزب کمونیست ایران در تابستان ۱۹۲۰ با لینین تماس گرفتم و از او تقاضا کردم درستور العمل های لازم را برای کار آئینه به بدهد... در نشست کمیته مركزی، برعکس از رفاقت که حاضر بودند، در میان آسان ارزشیک ره، که تحت تأثیر مسئله گنجیده قرار داشتند - گچه ایکه اخیراً سرکوب شده بود - آن لحظه را برای طرح شعار انقلاب ارضی در ایران مناسب نمیدانستند، زیرا هراس از شدت این امر بشرش بیحساب توده های نا آگاه رهقارنی تحرت رهبری کولاکها و ملاکین بیانجامد. و فلیق لینین پس از استعمال حقق این مطالب، تاکید کرد که، «در کشورهای عقب افتاده ای چون ایران که در آن بخشی زیگی از اسلام در درست مالکیسم ارضی است، شعارهای انقلاب ارضی برای طیونها رهقارن اهمیت بسیار زیادی را دارد، و اما در برآمد شورشیان رهقارنی، این شورشها در رویه نیز خ دارند و این بدین معناست که ما نباید سیاست ارضی خود را ترک گوییم». طی بحث های بعدی نقطه نظر لینین مورد تایید زینویف بخواهن و دیگران قرار گرفت. سپس به پاولویچ و خود من پیشنهاد شد که کل این بحث را بشکل تقریبی با وضع ایران تنظیم و ارائه کیم... پس از همه اینها من بالاصله نظرات رفاقتی صاحبین را در مورد موضوع قطعنامه لکه [دوم کمیته] به کمیته مركزی حزب کمونیست ایران اطلاع دادم، مایه کمال تأسیف ماست که حوار داشت با چنان سرعی خ را درند که انقلاب ایران نتوانست تبر فشار ارش انگستان و ارتش شاه را و بیاورد و شکست خورد») [۱۰]

از جانب دیگر، برعکس بر این ادعا هستند که لینین نظرات حبید رخان که در مخالفت با سلطانزاده قصر از داشت، پذیرفت. در واقع همه مورخین شوروی از حبید رخان بنتایه «رهبر» حزب کمونیست ایران نام میبرند و پیروان وی هاله ای از افسانه ساخته اند. و این بدل لیل نیست، زیرا هنوز تاریخنگاری شوروی از زیر نفوذ ستالینیسم رها نشده است که کوشیده است همه جا از تاریخ جنبش کمونیستی افسانه سازی کند [۱۱]. لکن باید بر اساس تزهیه ای مصوبه لکه دوم کمیته رخان مورد توجه لینین قرار گرفته باشد، بوبیه اگر در نظر بگیریم که نظرات روی سلطانزاده تا نظرات حبید رخان مورخ توجه لینین قرار گرفته باشد، مایه کمال تأسیف سلطانزاده (Roy) هندی در امر لزوم سرکردگی انقلاب دکتریه و سیله حزب پرولتاری، که با نظرات رفیق سلطانزاده

(۱۰) سلطانزاده، ایران، سال ۱۹۲۴، ص ۸۵-۸۷.

(۱۱) رضا روستا، گنیا، (سال ۳، شماره ۴) ص ۶۰-۶۲ و همچنین «چهره یک انقلابی کنسال» سیروس آخوندزاده، گنیا، (سال ۹، شماره ۴) ص ۹-۱۰.

(۱۲) نگاه کنید به ع. کامبخت، همان کتاب، ص ۴۲؛ گنیا، (سال ۱۱، شماره ۲) ص ۲۰-۲۲؛ لکه خلق های خاور زمین در روز ۸ سپتامبر در باکو بیان رسید. در این لکه ایرانی شرکت داشتند. بنظر میرسد انتخاب حبید رخان در اجلالیه ای از کمونیستهای ایرانی شرکت کنده در لکه باکو انجام پذیرفته باشد. رضا روستا در مقاله سابق اذکر این نشست را پلنوم وسیع حزب مینامد. آنچه مسلم است اینسته باشد. رضا روستا در مقاله ای از رفاقتی جوانی آذربایجان و دفتر ففاری حزب کمونیست این نشست و انتخاب حبید رخان بد بیرون کنی حزب تحت نفوذ حزب کمونیست آذربایجان را مورخ توجه کنید به من رویه شوروی (هر دو زیر نفوذ استالین از رفاقتی جوانی حبید رخان) انجام گرفت. در این مورد توجه کنید به من مقاله و تصمیمات کمیته رخان از رفاقتی تقاضای استالین در امور حزب کمونیست ایران و جنبش جنگل نگاه کنید به نامه های لینین به استالین و چیزین. لینین در رسانه ۱۶ رویه خود به چیزین کمیسار امور خارجی مینویسد که روتاشنین از رفاقتی دفتر باکوی حزب بلشویک در روابط ایران و شوروی شکایت اور (جلد ۵) کیات، ص ۹۹؛ در نامه دیگری به تاریخ ۱۳ اوت همانسال به روتاشنین سفير شوروی در ایران مینویسد که بـ «سیاست محتاطانه» وی موافق است، ولی هنوز استدلالهای «طرف دیگر» را نشنبده است، با این همه لینین معتقد است که مـ «غیر قابل ردانـ (جلد ۵، کیات، ص ۲۳۹ و ۲۴۰) چاپ فرانسه».

یکی بود، نیز در گفته دوم بعنایه "تذهای تکمیلی" به تذهای لنسین مورد تصویب قرار گرفت،  
لکن پذیرش این نظریا آن سز از جانب لنسین باختلاف درون حزب کمونیست ایران خانه ندار، زیرا  
بسزوی دو ترکیب کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران تغییری رخ داد، و اصولاً کمیته مرکزی جدیدی "انتخابات"  
گشوده بود و حیدر خان در ۱۱ سپتامبر ۱۹۲۰، بعد از این کمیته جدید برگزیده شد.<sup>[۱۲]</sup>

در این مورد در مقاله‌ی یاد شده رضا روسنا چنین میخوانیم: «(درنتیجه اختراضات توهی حزب  
[۹] و راهنمایی بین الملک کمونیستی [از متن نقل شده در این مقاله دیده خواهد شد که رضا  
روسنا چونه در این مورد قلب حقیقت میگذشت) چند ماه پس از گفته اول، پنجم کمیته مرکزی حزب کمونیست  
در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۲۰ تشکیل شد. درنتیجه، رهبری انقلاب و حزب کمونیست ایران بدست  
توانای حیدر خان عواملی، بنیان گذارنده سوسیال دموکراتی ایران افتخار... سلطانزاده و  
آقایی‌ها [برادران آقازاده] از ترکیب کمیته مرکزی اخراج و سلطانزاده به سکون منطق میگردید). ولی  
خود سلطانزاده از انشعاب در حزب سخن میگوید (در این مورد نگاه کنید به ایران معاصر)، همین  
مجلد، صفحات ۱۰۰-۱۰۹.

در مقاله‌ی دیگر نیز در این باره در مجله "گنیا" به قلب حقایق بر میخوریم. مقاله‌ی "چهره یک انقلابی  
کهن‌سال، سیروس آخوندزاده" [۱۱] می‌گوید، «پس از پایان گفته [خلقهای خاور زمین] [سیروس  
آخوندزاده] با رفیق دیگری بنام عوض افزار اهالی نیفسه دره اردبیل، بمنایندگی کمونیستهای ایران  
برای ملاقات با لنسین عازم سکون گردید. لنسین با وجود کمالت شدید خود، همراه با استالین و چهر  
یمن با نمایندگان خلقهای شرق، با رجله سیروس و عوض افزار کملین ملاقات کرد، سیروس دشواریها  
و نقایص کار حزب کمونیست ایران را باطلاع نهیئ، رسانید و تقاضای کمک نمود. درنتیجه ی راهنمایی‌های لنسین  
تحولات جدیدی در رهبری حزب کمونیست ایران بوجود آمد. عده‌ای از افراد منتخب گفته اول  
بنایر گفته سیروس، بعد از عدم تقدیر لیاقت و سبیلی دیگر از کمیته مرکزی برگزار شدند و بجای آنها نه نظر  
از کمونیستهای هوار از موضع حیدر عواملی و سیروس پیغامرویت کمیته مرکزی گمارده شدند.<sup>[۱۰]</sup>

باید تأکید کرد که این ادعای سیروس از بین وین نادست است. نخست اینکه تمام استفاده ای  
که در این مقدمه بدانها اشاره می‌ورود "تغییر" کمیته مرکزی را در ۱۱ سپتامبر ۱۹۲۰ می‌اند، یعنی  
قبل از سفر سیروس به سکون گردید از لنسین. (باید یاد آور شد که گفته خلقهای خاور در ۸ سپتامبر  
پایان یافت و لذا میتوان احتمال داد که این نشست پنجم در روزهای ۹، ۱۰، ۱۱ همان‌باره برگزار شده باشد.)

پس نمیتوان این "تغییر" را مبتنی بر نظر لنسین و دخالت اوی دانست. دیگر آنکه دور بمنظور میررسید  
که لنسین شخصاً تغییری را در ترکیب کمیته مرکزی روا داشته باشد و آنهم بدون مشورت با دیگران وی را  
یک دیدار کوتاه شتابزده، کسانی‌که میکوشند باعث بر ملاقات کوتاهی با لنسین با جعل حقایق آشکار (یا  
حقایقی که بعد از آشکار خواهند شد) همه تاریخ را بسود نظرات خوبی‌پنوسند، در واقع از موضع  
غضف حرکت میکنند و سروششان از نظر تاریخ بهتر از اسلاف شان خواهد بود. بهر حال  
این ادعای سیروس جز بیهان استبدادگاری، به لنسین نیست. واما اصل قضیه چه بود؟

بطوریکه از مجموعات کمیته اجرائی کمیشن (کابک) بر می‌آید، سلطانزاده، نه عضویت در کمیته مرکزی  
جدید را داشت و نه نظراتش مورد توجه این کمیته قرار گرفت. بدینسان کمیته مرکزی منتخب گفته از لسن  
که در آن سلطانزاده، جوانزاده پیشه وری، برادران آقازاده، چلتگران و غیره عضوری داشتند دیگر کمیته  
→ تغییر استالینی این امر از قول عرض شوروی ایوانووارا میتوان در مقاله سابق ذکر روسنا یافت. یا در روابط  
خود ایوانووارا: M.N. Ivanova, Nationalno-osvoboditelnoyé v Iran  
v 1918-20, Moskva, 1961 & Nationalno-osvoboditelnoyé dvizhiniyé v Guilan-  
koyé irana в 1920-21, Sovetskoyé Vostokovedinyé, No.3 1955, Moskva

مرکزی "معتبر شناخته نیشد" (از طرف حیدرخان و هواداران کمیته فقفاز) . ولی سلطانزاده و رفقاء هم عقیده اش همچنان بنام نمایندگان حزب کمونیست ایران در کنگره و اجلاسیه های کمینترن شرکت میداشتند و از جانب کمینترن بر سمعت شناخته نیشدند . و بطن غالب از همین جا بود که میر جعفر جوار زاده پیشه وری در کنگره سوم کمینترن لعلام داشت که در ایران دو حزب کمونیست وجود نداشت [۱۳] . ولی بزودی کابک بدین اختلاف که در حزب کمونیست ایران و همچنین حزب کمونیست ترکی وجود داشت پسر آخست.

از اسناد کابک چنین بر میآید که کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان و دفتر فقفاز حزب کمونیست روسیه (در آستانه هنوز حزب کمونیست شوروی شکل نشده بود) جناح حیدرخان را که مقابل سلطان زاده قرار داشت تقویت میکردند [۱۴] و در امور داخلی حزب کمونیست ایران رخالت روا میداشتند . بدین جنبه بود که اجلاسیه ۱۹۲۱ رویه کابک تصمیم زیر را اعلام داشتند:

(( در ایران تنها حزب کمونیست ایران برسمعت شناخته میشود ) [ مقصود کمیته مرکزی منتخب از ایل و نما پقد وی سلطانزاده عضو کابک است ] این تصمیم باطلاع دفتر فقفاز حزب کمونیست روسیه و کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان [ شوروی ] خواهد رسید . اگر این تصمیم مورد توافق این دو ارگان اخیر قرار نگیرد میایست کمیته اجرایی کمینترن را مخاطب قرار دهد )) [۱۵]

لکن پناظر میرسد که این تصمیم با توافق دو ارگان نامبرده روبرو نشد و مسئله بارگیرد اجلاسیه بعدی کابک علوان شد . در نشست ۲۶ اوت ۱۹۲۱ تصمیم گرفته شد که کمیسیون مختاری با شرکت رفقا را راک و پلاکون به صالیب مورخ اختلاف ادار حزب کمونیست ایران و ترکیه رسیدگی کند . [۱۶]

در پی قرار بعدی تصمیم زیر را اعلام داشت :

(( این تصمیم که در ایران تنها حزب کمونیست ایران بعنای شعبه‌ی بین العلل کمونیست برسمعت شناخته میشود ، تایید میگردد . توجه خوب کمونیست آذربایجان باین امر جلب میگردد که وی حق نسبت از [در ایران] حزب کمونیستی بعوازات [حزب کمونیست ایران] سازمان ندهد . اگر حزب کمونیست آذربایجان [شوروی] نسبت به حزب کمونیست ایران اعتراض داشته باشد هماییست ایران باطلاع کمینترن برساند این تصمیم همچنین باطلاع کمیسیون انتبار نامه های کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه خواهد رسید . ))

[۱۶] شایسته نظر است که کنگره چهارم کمینترن نیز از پذیرفتن دو نظر نمایندگان "دفتر خارجی" حزب کمونیست ایران در باکو، که شنبه قبل از طرف کمینترن منحل اعلام شده بود، سر باز زد . [۱۷]

ولی سراجام معلوم نیست بجهت اعلت ( و باحتمال قوى زير فشار شدید شخص اسنالین ) دیگر کل حزب شوروی اجلاسیه هفتم اکتبر ۱۹۲۱، کابک تصمیم زیر اتخاذ کرد : (( کمیته مرکزی که در نشست باکو برگزیده شده بود بدین شرط برسمعت شناخته میشود که نمایندگان خراسان، سلطانزاده و جوار زاده را بعفویت بپذیرد . تنظیم و ستور عملهای لازم بعهدی رفاقت صراف و رادک کد .

شنه میشود )) [۱۸]

(۱۳) نگاه کنید به سخنرانی جوار زاده در 22Juni-12 Juli 1921, Verlag Nachf. Hamburg

(۱۴) Die Taeigkeit der E.K. und des Praesidium des EKKI vom 13 Juli 1921 bis 1Feb. 1922, Seite 50 /

(۱۵) همانجا من ۱/ همانجا من ۱۶۷

(۱۶) Jane Degras, The Communist International, Oxford Univ. p<sup>۳۷۴</sup>

(۱۷) Die Taeigkeit des EK und des Praesidium des EKKI vom 13 Juli 1921 bis 1 Feb. 1922, Seiten 225-26.

(۱۸) نگاه کنید به

از آنچه در بالا رفته به نیکی روشن است که "تغییر" کیته مرکزی، بخلاف انتظار "مورخینی" چون روسنا و سیروس آخوندزاده، نه بنابر دلالت‌لئن و نه فشار "توده حزب" انجام گرفت، بلکه در اثر دلالت و فشار حزب کوئیست آذربایجان و دفتر فرقه‌زار حزب کوئیست روسیه، که هر دویشان نیز نفوذ استالین و رفاقتی فرقه‌زار وی چون ارزوهایی نداشتند، تحقق یافت. و این تغییر پس از نزاع زیاد در رون کمیترن، و آنهم پس از برقراری سلطانزاده و جوانزاده "اخراج شده" بعضی‌کیته مرکزی، صورت رسیدت یافت.

بدین سان با پنهانی شدن سلطانزاده بدرون کیته مرکزی (و این نیز پس از مرگ حیدرخان) حزب کوئیست اختلافات حد اقل از نظر سازمانی بر طرف گردید.<sup>۱۹</sup>

سلطانزاده در این دوران همچنان به عضویت در رهبری کمیترن ادامه دارد. تا آنچه که از استاد کمیترن مستثنی شدند، رفیق سلطانزاده در کنگره‌های چهارم و پنجم این سازمان شرکت ندانست. [۲۰] مجله "گنیا" (شماره ۲، سال ۱۱ مهر ۱۹۲۲) مدعی است که سلطانزاده در کنگره چهارم حاضر بود، ولی متن اضافه متعی این اطلاع را در اختیار نمی‌گارد، ولی در عوض از شرکت‌وی در کنگره ششم کمیترن زکری نمی‌گرد (نگاه کنید به سخنرانی‌های وی در کنگره ششم، همین مجلد، صفحه ۵۳-۱۴۶). همینطور مجله "رنیا" مدعی است که رفیق سلطانزاده در کنگره‌های ۱ تا ۵ پروفیترن شرکت جست. [۲۱] احمد استاد کنگره‌های پنجم [۲۲] و چهارم [۲۳] پروفیترن از حضور رفیق سلطانزاده ذکر نمی‌کند.

در موارد فعلاً لیست رفیق سلطانزاده بین سالهای برتری کنگره سوم کمیترن (۱۹۲۲) و برگزاری دو میسن کنگره حزب کوئیست ایران (ارومیه) و بلاعده کنگره ششم کمیترن (۱۹۲۳) اطلاعات تبیینی در دست نیست. [۲۴] تنها بر این آگاهی برایم که وی تا اواسط سال ۱۹۲۳ در رون کار کمیترن فعال بوده است (نگاه کنید به صفحه ۷۷ همین مجلد در باره گزارش سری سفارت انگلیس و ترکیم کمیترن). بهر ظهیر در باره غایبت وی حدسیات مختلفی هست و تا زمانیکه "مقامات رسمی" این نکات تاریخ را روشن نسازند، در قیار انسنه

(۱۹) در کنگره سوم کمیترن از طرف حزب کوئیست ایران ه نماینده شرکت داشت؛ نام سه تن از آنان بر ما معلوم است: سلطانزاده، جوانزاده پیشه‌وری، و آغازاده (آقایف) و نفر اخیر در کنگره سخن گفتند. در این مورد نگاه کنید به جلد های یکم و سوم اسناد.

(۲۰) در کنگره چهارم کمیترن کمیترن از میانشان تنها رفیق نیک بین سخن گفت. نگاه کنید به جلد نخست اسناد، ص ۷۳. در کنگره پنجم بد لایل که بر ما مجهول نشد از حزب کوئیست ایران تنها دو نماینده و آنهم با رای مشورتی شرکت جستند. در میان اعضا کمیترنها کنگره پنجم نیز نام نمایندگان ایران دیده نمی‌شود. آیا این عدم حضور به روابط ایران و شوروی مربوط بود؟

(۲۱) PROFINTERN خلاصه روسی بین الملل مندی‌کارگری سرخ است.

lbju Mezhdunarodnii Kongress Revolucionikh Professionalikh i Pro-<sup>(۲۲)</sup>  
izobsternikh cayouzov, Stenographic Records, June 1921, Moscow  
نه ذکری از نماینده‌گان ایران می‌گرد و نه از سلطانزاده.

(۲۳) Protokoll ueber den 4 Kongress der Rotengewerkschafts-Internationale  
در این کنگره شعبه‌گان ۱۹۲۶، مارس-آپریل ۱۹۲۸، Verlag R.G.I., Moskau, 17 Maerz-3April 1928،  
شرکت داشتند. این رفیق سیفی از جانب شورای منحده‌کارگری ایران در اجلسیه کنگره چهارم سخن گفت.

(۲۴) پنجم از حضور وی در اجلسیه ۱۹۲۳ (وقت ۱۹۲۴) کیته اجرائی کمیترن بین کنگره‌های ۴ و نیز انتشار کتاب او بنام ایران، ۱۹۲۴.

\* پنجم از حضور وی در اجلسیه ۱۹۲۳ کیته اجرائی کمیترن بین کنگره‌های ۴ و نیز انتشار کیمسون-اکرسون ایران بوده باشد. نگاه کنید به جلد اول اسناد صفحات ۶۳-۶۹.

نخواهید شد که وی به چه فعالیتی مشغول بود . بنظر برخی میرسد که وی در آن زمان در ترک تان شوروی مشغول فعالیت بوده ! برخی دیگر برایمن حدس اند که در این زمان ، یعنی در قیقاپین سالهای ۱۹۴۶-۲۷ "مغضوب" بوده باشد ، شاید باین رلیل کاچو اتفاق بوده که مبارزه علیه رضا شاه را درست نمیدانسته است ( نگاه کنید به کامبخت همان کتاب صفحه ۳۶ و ۴۷ ) . احتمال دیگر اینسته که وی در سالهای ۱۹۴۰ "استیتوی پلخانیف" را که مخصوص کارهای برگسته و همچنان کمپین بود با تمام رساند [ ۲۵ ] بعید بنظر نمیرسد که در این فاصله در انسنیتوی نامبرده به آموزش مشغول بوده باشد . بهر حال آنچه در این مورد شک است اینسته از نویسنده پر کاری چون وی بین سالهای ۱۹۴۶-۲۷ اثری یافته نمیشود [ ۲۶ ] .

بهر تقدیر، "غیت نسبتاً طولانی وی در اوخر سال ۱۹۴۷ بهنگام برگزاری کنگره دوم حزب کمونیست ایران بهایان رسید . وی در کنگره دوم حزب کمونیست ایران شرک فعالانه داشت و گزارش مفصل وی از این کنگره که در مجله تئوریک کمپین شرایف ( نگاه کنید به همن مجدل صفحه ۴۲-۱۶ ) امکان از نقش موثر وی در کنگره ارومیه است . جای شگفتی است که هیچیک از موخرین حزب تواره و بوریه آقای کامبخت ( که بنظر میرسد قسم اعظم مقاله خود را در مورد کنگره ارومیه بدون ذکر مأخذ از سلطانزاده باستقراض گرفته باشد ) سخن در این مورد نگفته اند ، مگر ارد شیر آوانسیان [ ۲۷ ] که آنهم یا تاریخ میشود که سلطانزاده در نسخه‌نامه پس از کنگره دوم شرکت جست و گزارش مفصل جند روزه ای در پارهی مبارزه خد امپریالیستی و استقلال ایران فراخ نمود .

پس از این دروان بود که سلطانزاده از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران ( منتخب کنگره ارومیه ) ما موریت یافت انتشار "پیکار" و "ستاره سرخ" [ ۲۸ ] را بعده بگیرد . ارد شیر آوانسیان در همین بخش از "خطرات" خود می‌گزاید ، سلطانزاده بیش از هر کس دیگری از اعضا کمیته مرکزی پیکار ترجمه و نشر ادبیات مارکسیستی اشتغال داشت . بنابر همین "خطرات" نوشته‌های سلطانزاده بفارسی در نشریات حزب کمو-نیست ایران در خراسان نیز باید در آرشیوهای شوروی موجود باشد [ ۲۹ ] این نکه را نایاب نداشت اگرچه که ارد که مصوبات کنگره دوم که از اسناد بسیار درخشنan و پرحتی جنبش کمونیستی میهن ماست پنهان نظر مستقیم رفیق سلطانزاده تظییم کنده است . این نکه را بخوبی میتوان از مقایسه این مصوبات با مقالات وی استنتاج کرد .

پس از برگزاری کنگره دوم حزب ، رفیق سلطانزاده بهراهی شرقی ( و دنفرد بکر با رای مشورتی ) بمنزله نمایندگان حزب کمونیست ایران در شمین کنگره بین الملک کمیست شرکت جسته . نقوی و در این کنگره بسیار درخشنan است . در این کنگره که با کنگره‌های قبلی کمپین تفاوت داشت ، سلطانزاده شنا در قلسرو سائل ملن و مستمرانی اظهار نظر نکرد ، بلکه به مسائل حادی که جنبش کمونیستی جهانی با آن راست و پیچه نرم می‌گزیند عصبی سرور اخت . وی در این کنگره طی سه مخترانی در اجلاسیه عمومی و بحث‌دار کمیسیون برنامه هنرهای ارائه شده از جانب رهبری کمپین را مورد انتقاد شدید قرارداد . در مسئله ملی و مستمرانی به کلی گوشی گذاشتند هنده سخت ایران گرفت و خواستار شد که در مورد هم کشوری نظر سدقیق ارائه گردد و تحلیل دقیق از اوضاع نیکوکاری را خواستار شد . ( نگاه کنید بهمین مجلد ص ۵۴-۴۲ ) در بحث تئوریست مریوط به وضع سوابه راری جهانی نظرات نیکوکاری بخارین ، تئوریست حزب بشویک و کمپین

( ۲۰ ) نگاه کنید به S.I.E. راهه المعاوaf تاریخ شوروی ، مسکو ، ۱۹۲۱ ، ص ۹۱-۹۰ .

( ۲۱ ) کتاب بیلیوگرافیا ایرانیا ( Bibliografia Irania ) چاپ مسکو ، اثری را بنام وی در این دروان ذکر نمیکند . — ( ۲۲ ) مجله دنیا ، شماره ۴ ، سال ۸

( ۲۳ ) "پیکار" در برلن و "ستاره سرخ" در وین منتشر میشد . رفیق سلطانزاده مقالات خود را در این نشریه بامضای "مراغه" منتشر می‌ساخت . نگاه کنید به S.I.E. ، ص ۹۰-۹۱ .

( ۲۴ ) کجاست آن مونخ متوجه ایست که کفر همت به یافتن و نشر آنها بینند ؟ !

را مورد انتقاد شدید قرارداد ( همین مجلد صفحات ۱۴۴ ) . در آستانه برگزاری کنگره ششم مقاله مفصل تئوریک وی در زمینه سرمایه مالی در ارگان شوروی کمپتن منتشر شد ( همین مجلد صفحات ۲۲ ) . متناسفانه جلد دوم مذاکرات کنگره ششم که حاوی متن کامل مذاکرات کمیسیون برنامه است که رفق سلطانزاده در آن به رد نظرات تنظیم کنندگان طرح برنامه پرداخته هرگز منتشر نشد [ ۳۰ ] .

پس از کنگره ششم کمپتن سلطانزاده همچنان در میان ایرانیان مقیم اروپا بفعالیت پرداخت و با تasser "پیکارو" ستاره سرخ " ، که بطور وسیع علی رغم محدودیت‌های پلیس بمناطق کارگری ایران فرستاده بود ، به کار سیاسی و تئوریک در میان صور م مشغول بود . ( از جمله ترجیمه‌های منتشره از طرف حزب میتوان از مزد - بها - سود و کار و سرمایه تالیف مارکسیو مانیفت کمیسیون اتر مارکمنانگلریا یاد کرد ) در این دوران آثار ممعبی از وی در مورد ایران منتشر گشت . فعالیت رفق سلطانزاده را میتوان تا سال ۱۹۳۱ دنبال کرد . پس از این تاریخ است که اثری از وی در دست است و نه میتوان رد پای وی را جسته . بنظر میرسد رفق سلطانزاده از جمله کسانی بوده باشد که در نخستین موج تصفیه‌های استالینیس که بسال ۱۹۳۱ سر اسر شوروی را فراگرفت ، متمول " غصب " استالین و دستگاه تربور وی افتادند . مقالات هیستریک پکی از تو - یسند گان مجله شوروی بنام " خاور اقلاجی " تحت نام " رنجبر " علیه رفق سلطانزاده و نظرات سیاسی و تئوریک او بسال ۱۹۳۲ ، و بدون آنکه به سلطانزاده حق رفاقت داشته شود ، این نظر اخیر را تایید میکند . اتهامات واردہ به سلطانزاده در مقالات " رنجبر " چنان است که خواننده را باین طن راهنمایی میکند که مقالات در واقع اصرار توجیه دستگیری و تبعید وی نگاشته شده بودند .

بهر تقییر ، از سال ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۸ از سلطانزاده اثری در دست نیست . رانه الصارف تاریخ شوروی [ ۲ ] تاریخ شهرات وی را ۱۶ دوش ( ۱۹۳۸ ) خرد ( ۱۳۱۷ ) مینویسد . همین منبع شوروی می‌افزاید که سلطانزاده برخلاف اصول قانونی " از بین بوده شد " ( سرکوب شد ) ، و پس از مرگ ( یعنی پس از کنگره بیست‌سیم حزب کمیسیون شوروی ) از وی اعاده حیثیت بعمل آمد . در برآورده مرگ وی بجز آنچه در بالا رفت اطلاع دقیق در دست نیسته . تابع غیر رسمی نیز اطلاع دقیقی نمیدهد . یکی از زندانیان در وران تبور استالینیک که همراه پدرش به زندان افتاده بود در کتاب خاطرات زندان اش [ ۳۱ ] مینویسد که وی در زندان خود شاهد خود کشی دو ایرانی بود . وی همچنین می‌افزاید رویبروفته در مدت ایکه وی محبوس بود ۱۵ تن از کمیتهای ایرانی دست بخود گشی زدند . وی مینویسد روزی طبق دستور مسکو ( استالین ) کمیتهای ایرانی الاصل دستگیر شدند . در مورد اینان نه محاکمه ای صورت گرفت و نه بازیرسن . دست گیر شدگان از درورسته بودند از خست آنکه تا قبل از انقلاب اکبری در روسیه میزستند ، و مذکور آنکه پس از ۱۹۲۹ به شوروی پناهندۀ شده بودند . چون قرار بود دسته اخیر را بایران تحویل دهند ، و اینان حاضر بودند در در زندانهای شوروی باقی بمانند ولی بایران باز نگردند ، لذا بخود گشی اقدام کردند . اگر این قول را دقیق بدانیم ، آنکه سلطانزاده در میان این گروه بود ، زیرا وی تا قبل از انقلاب اکبر

( ۳۰ ) نگاه کید به J. Humbert-Droz, Mémoires, De Lénine A Staline, 1921-31 خلاصه ای از صور تجلیات کمیسیون در Neuchâtel, 1971, p. 314 / Inprekorr , Sondernummer No. 92, 28 August 1928, seiten 1725 نیز نشر یافته است . نگاه کید به این مجلد ص ۱۴۴ .

( ۳۱ ) کوکی در زندان Peter Jakir, Kindheit In Gefangenschaft, Insel Verlag 1972, seiten 51-56 روی مسدودی نیز در کتاب خود ( ص ۲۲ ) نام سلطانزاده را در ردیف رهبران جنبش جهانی کمیسیونی که The Origins, Consequences of Stalinism, Macmillan, London, 1972 / Le Stalinisme, Origines, Histoire, Conséquences, Edition Seuil, Paris 1972 / Lo Stalinismo Origini, Storia, et Consequenze, Mondadori, 1973

مقیم روسیه بود . بدین مان نادرست نخواهد بود اگر نتیجه گرفته شود که سلطانزاده در زمرة رهبران جنبش کوئیستی بود که بفرمان استالین بعنوان مختلف و از جمله "خان" به طبقه کارگر "جاسوس آلمان" ، جاسوس امپراطوری انتگری و فرانسوی "وغیره به میدان تیر باواران فرستاده شدند . ) ( نظری همین اتهامات را خانم ایوانووا آنقرخ<sup>۲۰</sup> شوروی علیه رفیق سلطانزاده تکرار کرده است، تسبیح تاریخ شهادت او در راهه المعارف تاریخ شوروی [ ۲ ] میتواند که وی تیاران شده است.

عبدالحمد کامبختش و مورود این مسئله در مقاله خود پیرامون "مسئله استان آذربایجان" [ ۲۱ ] نیز بر ازدست رفتشن رفیق سلطانزاده و سایر کوئیستهای بر جسته ایرانی در دروان<sup>۲۲</sup> کیش شخصیت اشک تصاح میرزا زد و با کمال "پرگزاری" میافزاید که در پرونده های حزب توده و حزب کوئیست سندی علیه این رفقاء وجود ندارد ! ( معلوم نیست اگرچنان ایست پسچهر این چنین مورخینی که بقول آقای طبری "پانزده سال اخیر زندگی را تمامان" تاکید از دلیل وقف آن [ تاریخ نویس ] نموده ) [ ۲ ] ص ۶ ) اند ،

به "مورخینی" چون بایو ایوانووا جواب مقتضی نمیگویند ؟

بدین سان ، با شهادت رفیق سلطانزاده ، جنبش کوئیست ایران بر جسته ترین شخصیت خود را ازدست دارد . از دست رفتن وی لطمه بزرگ به جنبش انقلابی و کارگری ایران بود ، و چه سا اگر این کوئیست با تجربه و رفاقت آبداده وی ، چون مرتفع علوی ، نیک بین ، شرقی پس از شهیدیور بیست هیات مدد اشتاد ، علی رغم برخی اوضاع و احوال نا مساعد ، انکشاف جنبش کارگری ایران روند دیگری را ممیسعود و شکل و محتوى دیگری بخود میگرفت .

در همینجا شایسته ایست به مسئله دیگری بپرس ازین که در آغاز سخن بدان اشاره رفت ، یعنی دو گانگ هویت سلطانزاده و میر جعفر پیشه وری ( جوار زاده ) .

شاید پرداختن باین مسئله کار ببیهوده ای اگذاشه شود ،اما از آنجاکه عده ای از مورخین "معتبر" و متخصص این شطر اند که سلطانزاده همان پیشه وری است ، و برخی ایرانیان نیز ، یا از روی ساده لوچوں یا عالل دیگری ، این مدعی را پذیرفته اند ، و این میگاید این "سو" تفاهمنم" یکار برای همیشه ، مرتفع گردد . ) نگاه کنید به پانزده [ ۱۰۳ ] در آخر این مقدمه [

همانگونه که در آغاز این سر سخن مذکور شدیم ، جورج لنچافسکی ، از متخصصین امپراطوری جنبشی ای کوئیستی خاور میانه در کتاب معروف خود "روسیه و باختصار ایران" سلطانزاده را همان پیشه وری معرفی میکند [ ۲۳ ] . در کتاب دیگری بودین و نورت مینویسنده ، ( سلطانزاده ) معمجبن معرفی پیشه وری ، فردی نسبتاً مرموز ، که به کیمیاریا می امور خارجه روسیه مربوط بود ، و غالباً نیز نایانده حزب کوئیست ایران در بین الملل کوئیست بود ، کنسر از مید رخان در امر تشکیل حزب کوئیست ایران فعال نبود [ ۲۴ ] . کتاب بیلیوگرافی مهم دیگری که یک از منابع مهم کار مقغان بوریا است نیز پیشه وری و سلطانزاده را یک نفر میداند [ ۲۵ ] . هنوز میتوان به شماره کسانیکه صاحب این نظری هستند افزود ، ولی ما اکنون به پاسخ باین میور ازیم که آیا سلطانزاده همان جوار زاده ( پیشهوری ) است یانه .

۱- نخست اینکه پنابر نوشته راهه المعارف تاریخ شوروی [ ۲ ] رفیق سلطانزاده بسال ۱۸۸۹ متولد

( ۲۲ ) "رنیا" - سال ه شماره یک ، جمعی ۳۲-۳۳ ( ۲۲ ) Russia And The West In Iran , G. Lenczowski

The Soviet Russia And The East , Stanford University Press  
Stanford , 1964 , p 99

( ۲۴ ) نگاه کنید به Soviet Foreign Policy And World Revolution , T.T. Hammond , Princeton , 1965 , p. 859 ( ۲۵ )

و در سال ۱۹۳۸ در تصویبه های استالینی از بین برده شد، در حالیکه میر جعفر پیشه وری (جواد زاده) از اوه کننده روزنامه آمریکا در درون پس از شهریور بیست و صدر فرقه دمکرات آذربایجان، پس از شکست فرقه به باکر رفت و در آنجا در "حادثه اتوموبیل" بطرز ناملومی از بین رفت. بنابراین مادلیل و انگیزه ای وجود ندارد که مورخین شوروی کسی را که در سالهای پس از جنگ در در آذربایجان شوروی از بین رفته در شمار قربانیان روم استالینی ذکر نکند.

۲- افزون بر این، پیشه وری در مقاله ایکه در آستانه دوه جهاد هم نقینیه منتشر ساخت [۳۶] تولد خود را بسال ۱۸۹۳ ذکر کرد و افزوش که بین سالهای ۱۳۰۹-۱۳۱۰ در زندان رضا شاه بسر میبرد (اما این امر را بقطع میدانیم و در مدارک کمینشن نیز تایید شده است) [۳۷] در حالیکه مقالات و آثار دیگری از سلطانزاده پس از سال ۱۳۰۹ (۱۹۳۰) در شوروی بچاپ میررسید. علاوه بر این، اگر سلطانزاده همان پیشه وری میبورد، بعید بنظر میرسد که در حالیکه وی در زندان رضا شاه بود، "رنجبر" (نویسنده سابق الذکر که بعنوان مفصلتر سخن خواهد رفت) بترتیب که خواهیم دید در لجن مالی سلطانزاده بکشد.

۳- سیف پور فاطمی در کتاب خود، [۳۸] که بر اساس مدارک و مطبوعات سالهای ۱۹۲۰ نوشته شده است، نمایندگان حزب کمونیست ایران در کفر خلقهای خاورزمین را از جمله حیدرخان، علی زاده، سلطانزاده، پیشه‌وری، لاهوتی، مزرعه، احسان الله خان و غیره ذکر میکند.

۴- مهتر اینکه حضور وگانه این دو شخصیت را همچنین در کفر سوم کمینشن ملاحظه میکیم. این امر از اسناد کفر کاملاً همود است. افزون بر این، بطوطیکه قلامنگار شدید، اجلسیه ۷ اکبر ۱۹۲۱ کابک توصیب کرد در صورتی که هر کسی منتخب شنست با کو پرسیت شناخته میشود که "نمایندگان خراسان، سلطانزاده و جوادزاده" [پیشه وری] را بحضورت بین بزرگ [۳۹].

۵- کتاب دیگری بقلم منتشر شده که از میر جعفر پیشه وری و سلطانزاده بعنوان دو شخصیت جدا نیست [۴۰]

### (۳۶) سروگذشت من، جعفر پیشه وری، بنتقل از آمریکا، جلد سوم اسناد، ص ۱۳۷

(۳۷) همچنین سگاه کیند-به "روند شاگردباره زندانیان کمونیست ایران و از جمله پیشه وری Rundschau, Basel, No. 50, 13 Sept. 1934, Seite 2148

"Grauselstaten des Pahlawi-Regimes in Persien, I. Irani" (۳۸)

این کتاب از ده آتش کوئیستی همیتریک نوشته شده است و در نوع خود از لحاظ آتش کوئیست نادر است. مثلاً از آرزوهای این نویسنده این است که ایشان انتگریسمها در ایران میانند و جلوی "امپرالیسم بلشویک" را میگرفتند. ولی علیغم این، اطلاعات مفیدی بنتقل از مطبوعات پس از انقلاب اکبر در ان یافت میشود.

(۳۹) نگاه کیند به Die Täatigkeit der Ete und des Praesid. des EKKI vom 13. Juli 1921 bis 1 Feb. 1922, Seite 225.

(۴۰) صص ۲۱۳ و ۲۱۵ "سیاست دولت شوروی در ایران، ۱۳۰۶-۱۳۱۶-۱۳۱۷" در صفحه ۲۱۲ این کتاب از سلطانزاده پس از تحقیر آمریکا "سلطانفراپس" یاد میشود. این نیز یک کتاب ضد کوئیستی است ولی بنظر ما علیغم این موضع نویسنده آن، دلیلی نمیتواند وجود رائته باشد که وی یک هویت را در پارزین نام پیشه وری و "سلطانفرا" معرفی کند. ۱<sup>۱</sup> "Affaire d'Azerbaïdjan" بوزیر همایون پر نیز در کتاب سلطنه آذربایجان، باین سلطنه میپردازد و در صفحه ۲۰ مینویسد "یک آذربایجانی به اطلاع دارد که پر وری واحد هم سلطانزاده و هم جوادزاده را میشناخته است."

۶- عکس رفیق سلطانزاده که از آرشیو خصوصی یکی از رهبران سابق حزب کونیست فراتر و نماینده آن حزب در کینترن باین نکارند، میوره شده است، کوچکرین شباhtی به میور جعفر پیشه وری ندارد، [۴۱] و دوگانگی هویت این دو شخصیت را در ماروا<sup>۱</sup> هرگونه تردیدی ثابت نمیگردی. این نکه را نیز نیایستنا گفته که از این دو رفیق نه از نظر موضوع مورد علاقه و نه از نظر سبک قابل مقایسه نیستند.

در خانه این بخش باید پرسید چرا مورخین بورزوآی غربی، سلطانزاده و پیشه وری را یک شخصیت دانسته اند؟ آیا این امر صرفاً تصادفی است؟ از "اعمال کاری و بیدقی" ناشی میگردد؟ بنظر ما چنین پاسخی نادرست است، حداقل بعید بنظر میرسد، زیرا هر مع حق که کمی بخود زحمت می دارد بر راحتی میتوانست از طرق اسناد کینترن و مقایسه آثار این دو تن، به دوگانگی هویت ایشان بی بیورد. بنظر ما نویسنده کان بورزوآی غربی انگیزه ای داشته اند که بر مار دیقاً معلوم نیست. آیا این تحقیقین تکشیده اند با یک دانستن این دو شخصیت متفاوت، سلطانزاده و پیشه وری، هر دو را "یک عامل مطیع" وزارت خارجه شوروی قلمداد کنند؟ و از این تصریح آین نظریه خود کونیستی خود را ایسپر بر اینکه هر که کونیست است لاجرم "تسوکر شوروی است"، اثبات کنند؟ اثبات این نظریه ظاهرا و سیله دوام طولانی "خدمات" سلطانزاده هم بنام خود شو هم بنام پیشه وری میسر میگردد! از همان آغاز سالهای ۱۹۲۰، مرجعین سلطانزاده را از کار رهای کمیاریای وزارت امور خارجه شوروی معرفی میکردند. دوکرو فرانسوی سال ۱۹۲۲ در مقاله مفصلی که در مجله جهان مسلمان نگاشت [۴۲] ادعای نمود که سلطانزاده "رئیس بخش خاور میانه کمیاریای ملی امور خارجه مسکو" است. همین ادعا را بطوریکه در پیش دیدیم، بودین و نورث تکو ارمنیکنت [۴۳] ظاهرا علیا و د ساختن چنین بهتانی به رفیق سلطانزاده که مسئول بخش خاور میانه کینترن بود و نه وزارت خارجه شوروی، انتشار یکی دو مقاله ی وی در مجلات کمیاریای امور خارجه آنکه این است. (نگاه کنید به بیلیوگرافی آثار وی در این مجلد، ص ۱۷۴). ولی این بهتان نه امر تازه اینست و نه حرمه ای موشره. بنظر ما بعثتین دلیل بورز جنین بهتانی آثار انتقادی رفیق سلطانزاده علیه نوشته های کسانیست که در زمرة مخفیان سیاست خارجی شوروی، و آنهم در زمان آغاز حکومت استان لینن و بیرون راندن بشویکهای با ساخته است، ببورز پس از سالهای ۱۹۲۷-۸ علیه رضا شاه، نوشتیهای وی بدون تردید ثابت نمیگردی که سلطانزاده علی رغم وقار اریش به اید الهای اکبر، به سوسیالیسم علی و حتى اتحاد شوروی (بدون انکه خود را "موظبداند" دخ و شتای رهبران را بگردید، مثلاً استالین را) مطیع گرد شوروی نبود، برعکس با جرایتی هر چه تامتر آنچه را که درست تشخیص نمیدارد افشا نمیگرد، ببورز پس از سال ۱۹۲۴ و تاجگذاری رضاخان.

.....

این مشله ما را به مواضع سلطانزاده و انتقادات مورخین شوروی و حزب توره (که در واقع کاری جز رویس ناقص نوشته های مورخین رسمی شوروی و رعایت چارچوب رسمی نند اند!) میرواند. [۴۴]

(۴۱) عکس جعفر جوانزاده در صفحه ۱۴۱ جلد سوم اسناد و عکس رفیق سلطانزاده در این مجلد یافت شوند.

(۴۲) نگاه کنید به La Revue du Monde Musulman, Tm. 52, 1922, p.147

(۴۳) نگاه کنید به Soviet Russia And The East, Eudin and North, p.99  
Stuart Schram & H. Carrere d'Ecausse, Le Marxisme et l'Asie و همچنین ۱۸۵۰ - ۱۹۶۴, Armand Colin, Paris, 1964, p.47

(۴۴) در مورد "انتقادات" مورخین شوروی نگاه کنید به :

← دلایله المعارف تبییر شوروی، جلد ۵، سال ۱۹۴۰، صفحه ۱۹۱؛ همان رایه المعارف، جلد

استفاده عمومی که مورخین شوروی به سلطانزاده وارد ساخته اند اینستکه "چپ رو" بوده است. حال بینیشم متقدین حزب توده چه گفته اند.

اردشیر آوانسیان در یکی از خاطرات خود بطریق میهم و با ایها و اشاره مینویسد [۵]، [برحالیکه ایران هنوز کشوری عقب افتاده بوده ای در انقلاب گیلان از انجام انقلاب سوسیالیستی هواهاری یکدند. در مقاله دیگری، همین "مورخ" حزب باز هم عده ای را بدین ذکر نام به "چپ روی" مینمی‌سازد.

[۶] با توجه باینکه در تما م نوشته های حزب توده و مورخین شوروی همه جا سلطانزاده سودسته "چپارو" ها معرف میگردند، روشن است که این حوصلات "شرمده" نیز متوجه رفیق سلطانزاده است. لکن "روشنترین" این "انتقادات" را مینوان در مقاله سابق الذکر رضا رستا، تبریزی زندگی میکی از درخشانترین مردان انقلاب ایران، یعنی حیدر خان، یافت، ما بلحاظ اهمیت این مسئله نقل قول مفصلی را ازین مقاله تر زیر می‌اوریم. رستا با تکیه به خانم آیوانووا [نوشه های سابق الذکر، پانیس شماره ۱۲ [مینویسد]]

"دلیل سوم عدم شرکت حیدر خان [در کفره ازلى] اختلاف نظری بود که با سلطانزاده و آقاید ها [برادران آقازاده] راشته است، و حیدر خان آنها را کوئیست های چپ رو میدانست [بدون سند و مدرک!] و باصطلاح *الشرا* کوئیست مینامید... دلیل اساس دوم [اختلاف رعایت حزب کوئیست] رویه و عملیات چپ رو اه کوه سلطانزاده بوده است. گرچه بانو آیوانووا کرسلاطان زاده و رفاقتیزیار کتاب خود پرووکاتور و غیره مینامد [آقا] رستا از روی شرمده کی "ذکر نمیکند که همین بانوی محظوظ - من ۲۰ مقاله اش از آنان بعنوان "گووه خاتمین ضد انقلابی بسر کردگی سلطانزاده پادشاه گشت" [ولی] [بنظر] این نویسنده که شخص سلطانزاده را میشناخت و با او کار کرده ام سلطانزاده و غالباً رفاقتیزی کوئیست های چپارو بوده است. شخص سلطانزاده با وجود خدماتیکه به تخت کارگری و کوئیست ایران نمود، غالباً چهار مرض چپاروی یا راست روی بوده است... و رفیق خوشچی ف د بیش اول حزب کوئیست شوروی در جلسه شورای عالی مسکود رسماً ۱۹۱۶ چه خوش گفت: "هر کس از چپ سرورد از راست ببرون می آید". این گفته طلاشی رفیق خوشچی ف هز اربار حقیقت دارد و با زندگی حزب و اجنبیان ما تطبیق مینماید. رفیق سلطانزاده و رفاقتیزیار انقلاب گیلان در چهار چپارویهای مضری شدند و مردم و توده های زحمتکش را از انقلاب متفرق و متجزر نمودند که شرح آن موجب تطهیر مقاله میگردد. بعده همین سلطانزاده در سال ۱۹۱۵ رئیس رضا خانی را که بدست امپرالیسم انگلستان برای خفه کردن جنبش رهایی بخش و برای اراده سلطه امپرالیست در اثر کودتای خان شاه سید ضیاء و رضا خان در حوت [اسقده ۱۹۱۹] روی کار آمد و بود پیک قدم بجلسو و متفرق میدانست، بعد از حزب کوئیست ایران در کفره دم خود نظریه راست روانه چپارو و بیرون را مکون نمود! [تاکید از ماست] پس از شرکت رفاقتیار سلطانزاده در حکومت انقلاب گیلان چپارویها توسعه یافتد و بعد کمال رسید (بوسیله صدقیلی ها و اتفاقی ها وغیره) و انقلاب گیلان با آن فتوحات درخشانیک چرچیل را نگران کرده بود و ارتضی انقلاب را نزدیک قزوین رسیده بود و چار شکست و عدم موفقیت میشود )) و اکون باید باین اتهامات پاسخ گفت.

۱۸ صفحات ۱۴-۱۶؛ ادایه المعارف تاریخ شوروی، جلد ۶، صفحات ۲۷۸-۲۷۹؛ و دو اثر بسیار شده از بانو آیوانووا، مورخ شوروی، در پانیس شماره ۱۲

(۴۵) دنیا، سال نهم، شماره ۴، ص ۱۰۴

(۴۶) دنیا، سال ۶، شماره ۳، نیز جلد نخست اسناد، صفحه ۲۲۴-۲۲۵

۱- هیچ سندی دال بر این وجود ندارد که علت عدم شرکت حیدرخان در کنگره نخست (انزلی) عدم توافق وی با سلطان‌زاده یا چپ‌روی شخص اخیر بوده است. افزون بر این، چپ‌رویهای مرتبکه در جریان انقلاب گیلان به غالباً پس از برگزاری کنگره موسس حزب کومنیست، یعنی پس از حردست سلطان‌زاده به مسکو برای شرکت در کنگره دوم کمینترن صورت گرفت.

۲- نظر بانو ایسوانووا، مؤخر شوروی، علیه سلطان‌زاده رایر بر اینکه وی "خان" خف انتقلابی و "پرسوکاتسوز" بود نظریست آنکه کهنه استالینی علیه همه کومنیستها که سیطره استالین رانده بودند لازم بگفت نیست که تنااید هواداری سلطان‌زاده از انقلاب ارضی را با چپ‌رویها مرتبکه از جانب آثارشیستهاشی چون احسان الله خان اشتباہ گرفت.

۳- کریم کشاورز، از اعضا با سابقه حزب کومنیست ایران و از فعالین آن در دوران انقلاب گیلان در کتاب اخیر خود در مورد گیلان [۴۷] چپ‌روی را به همه ایرانیان مقنن قرار که پس از انقلاب اکبر به ایران آمد بودند نسبت میدهد. وی مینویسد: «در اواسط تابستان ۱۹۴۸ میزا [کوچک] بر اثر اختلاف که با بعض از همراهان چپ‌روی خویش‌مانند احسان الله خان وغیره پیدا کرد، و در نتیجه تحریکات عمال بیگانه که در هرد و گروه وجود داشتند، رشت را ترک گفت و به جنگل پناه برد و مخالفان وی با تفاوت جمعی از ایرانیان که در ریاکو خزین بنام "عدالت" تشکیل داده بودند، ولی از اوضاع ایران بالکل بی اطلاع و بیگانه بودند، هدفه ما در گیلان حکومت کردند و سرانجام بر اثر همین اختلاف هردو نابود شدند و در زستان ۱۹۴۹ انقلاب گیلان رچار شکست کامل گشت و میزرا کوچک خان نیز در راه آن سردار (۰۰۰۰۰)

۴- اینکه رضا روسنا با سلطان‌زاده "کار کرده است" بهیچ‌وجه رلیل شناخت وی از سلطان زاده نمی‌ست. در آندورانیک سلطان‌زاده در زمرة رهبران جنبش جهانی کومنیست بود، رضا روسنا یا امثال وی تازه رانشجویانی بودند که برای آموزش اصول کومنیسم پا به داشتگاه "کوتلو" گذاشته بودند؛ این "دلیل" آقای روسنا نمیتواند جزو به خود ستائی تلقی کردد. علاوه بر این، کوچکترین سندی رال بر "راستریو" یا "چپ‌روی" سلطان‌زاده بدست نمیدهد و برای گنجاز استدلال لازم طبو پیل "مقاله را بهانه قرار میدهد. و با تکیه به گفته طلاقیس رفیق خوشچیف (که در اصل از کلمات قesar استالین است) خود را از هر استدلال بنیاز می‌سازد.

۵- تا آنجا که آثار موجود سلطان‌زاده نزد ما نشان میدهد، این رهبر کومنیست ایرانی در هیچ جای سخنانی را که روسنا به وی نسبت میدهد اظهار نداشته است. روسنا مینویسد سلطان‌زاده "رضا خان را . . . یک قدم بخلو و متوفی" میدانست، و اینرا بدون نظر قول مستقیم از آثار سلطان‌زاده اعلام نمی‌کند.

در این مورد باید توضیحات بیشتری داد. در آثار سلطان‌زاده در مورد سید ضیاء الدین طباطبائی و رضاخان تنها بیکی دونکه مهم بر میخواهیم که باید در پرسنل اوضاع و احوال آنوز ها توضیح (ونه توجیه) گردند.

نخست وی در کتاب اقتصاد و مسائل انقلاب مملو در کشورهای خاور دور و ترددیک منتشره بسال ۱۹۲۲ (صفحه ۱۵۱-۱۵۲) در مورد کوتای سوم اسقف اینطور اظهار نظر می‌کند: این وضع نا ثابت [دولت] تا فریه ۱۹۲۰ [مسلمان مقصود فریضه] است [ادامه یافتن تا سرانجام گروهی از زمکرا تهای چپ با کمک نیروهای قراقز قزیان به واگذاری حکومت اقدام کردند و قدرت را بکفر گرفتند و از تصوری قرارداد [۱۹۱۹] مطلقاً سر بازند. وی سپس ضمن اشاره به محتويات اعلامیه سید ضیاء الدین، وی و همکاران او را نمایندگان "بوروز آری ایران" که علیه ارسیتکراسی متفقی با انگلستان برخاسته اند معروف می‌کند.

درست است که سلطانزاده نیز مانند بسیاری از ملین خد اشراف و خد انگلیس نیز برای مد تکوتهای فریب‌نیزگ سید ضیا الدین را خورد، ولی بزودی بر حقیقت واقع شد و در کتاب دیگری که در همین سال ۱۹۲۴ منتشر شده، مطلب را با روشنی بیشتری تحریح کرد. وی در کتاب ایران معاصر ۱۹۲۴ (نگاه گشید بهمن مجلد) مینکارد: « سید ضیا الدین بنوی خود اعلامیه ای انتشار داد که در تاریخ انقلاب ایران یک سند فوق العاده جالب بشمار میرود ». سلطانزاده پس از اشاره به روش مخالف بورژوا دمکرات ایران در مقابل برنامه ارائه شده از طرف سید ضیا می‌افزایید، تصدیق این مطلب بسیار دشوار است. که آیا سید ضیا الدین با انگلیسها در ارتباط بوده است یا نه ولی همچنین می‌افزایید: « برنامه دولت سید ضیا الدین تمام و کمال با صافع اقتصادی و سیاسی ایران مطابقت داشت. عقیده راسخ ما اینست که فقط از راه این قبیل شیوه های جراحی یا انقلاب ملی میتوان تکویر را برای ترقی و تعالی ورشد نیروهای مولده اقتصاد ملی آن سوق داد ». ( تأکید از زیرا ) البته اگر این سخنان سلطانزاده را خارج از فضای تاریخی آن و بینهایی به داد و برد گذیرم، آنگاه از دعای انگلستانیکه سلطانزاده را به دفاع از رضا خان و کودتا متهم می‌دانست « ناخن تشواده بود ». لکن چنین کاری نادرست است و بدور از تفکر تاریخی مارکسیستی است. تخت باید یار آور شد که بسیاری از دمکراتهای انقلابی از سید ضیا الدین بد غای برخاسته، مانند میرزاوه عشق و بعد فخری پسردی از رضا خان و رضا شاه. حتی دکتر مصدق که از همکاری با سید سر بازد در کابینه قوام السلطنه با رضا خان سردار سپهه همکاری وزارت را شد. ( در این مورد نگاه کشید به کتاب بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران )، مع الوصف باید تأکید کرد که سلطانزاده در همین کتاب ایران معاصر پیش از این درباره برنامه سید ضیا الدین مینویسد که در اثر مبارزه میردم ایران سیاست حکومت بریتانیا در ایران با شکمت روسو شد و لذا اینکهان جرئتی در روش این حکومت نسبت به « همسنگی با انقلاب » بدید از گشت. سلطانزاده در این زمینه می‌افزاید: « حال روش میشود چرا انگلستان سیاست « انقلابی » در پیش گرفت، و از این لحظه هر جا که جنبش چپ گرانه ای شروع شود، انگلیسها می‌کوشند بوسیله عمال صدیق خود همیزی آنرا بجذب آورند تا بدست عناصر ادرا روحیه خد انگلیسی نیفتند. چنین تلاش هایی در روزهای کوتای فوریه [ اسفند ۱۹۲۱ ] در تهران و در جریان حوار ث خراسان در تابستان ۱۹۲۱ صورت گرفت. ) ( تأکید از زیرا ) ب. برای توضیحات بیشتر نگاه کشید به ایران معاصر (۰) ۱۹۲۱ چنین اظهار نظر نمود:

(( ایشان [ رهبران دولت انگلستان ] با ملاحظه اینکه اجرای قرارداد ۱۹۱۹ غیر ممکن مینمود، تصریم بر آن گرفتند که از تاکنیک دیگری استفاده کنند. اینان وسایل کودتای صریح همکان را در اوایل فوریه ۱۹۲۱ فراهم ساختند، که وسیله سید ضیا الدین انگلو فیل شناخته شده که با انگلیسها نه در حرف بلکه در عرصه مذاهب بسیار نزد یک داشت بعور احراگ آشته شد... سید ضیا الدین پس از وارد ساختن ضربه کوینده خود، به مرأه رضا شاه شمارهای رادیکال چسب مطرح ساخت. مشتی از قبود الهای بزرگ را دستگیر ساخت و حتی برخی از هوار اران انگلیسرا بزندهان افکد تا تغییر را معلوم دار، از آن طلب وجه نمود و مانیفست متفاصل به چسب را که باندازه کافی رادیکال بود بتصویر برساند. در این زمان اعلام داشتم که این اعلامیه برای ایران کاملاً مغایر است ولی معتقدین آن بهمچو وجہ در فکر اجرای آن نبودند. )) ( تکیه بروی کلام از زیرا ب. )

پدین سان اشکار میگردد که سلطانزاده بین مصنفین برنامه سید ضیاء الدین و مجریان ادعای آن و خود برناهه تغییر قائل میشد، یعنی کوتاه را در اصل ناشی از تغییر تاکنیک سیاست امپریالیسم برپانیها در ایران میدانست.

افزون بر این، باید گفت که اگر سلطانزاده در این باره دچار اشتباه، لغتش، یا عدم دقیقت در بیان شده است، او تنها نیست و بسیاری دیگر، از جمله دولت اتحاد شوروی که ما بعد به اظهاریه وزیر خارجه اش، چه چیزی، انتشاره خواهیم کرد، بهمین اشتباه دچار اندند.

در نوشته های سلطانزاده ایهام رگرسی وجود دارد که باز با عدم رعایت اوضاع و احوال زمان، مس تواند از طرف دشمن و مذکورین وی مستعد قرار گیرد. وی در کتاب ایران (سال ۱۹۴۴، صفحات ۹۰-۹۱) به تکلم جانبی از جنبش جمهوریخواهی و علیه سلطنت که در سالهای ۱۹۲۲-۲ در ایران در رویت بود، و رضا خان از آن حد اکثر استفاده را نیز مینمود و در واقع خود را قهرمان آن قدر کرد که در آن رای گیری و فریب دارد، پس از اشاره به جلسات هفته آخر سال ۱۳۰۲ شمس مجلس شورای ملی که در آن رای گیری بسود جمهوری و علیه سلطنت مطرح بود، نوشت: «(روشن است) که امپریالیستها ای انگلیس نمیخواهند دولتی از ناسیونالیستها (ملیون) را که بنابر ماهیتش خواهد بود، اگر از راه غیر قانونی (آتش کوستیتیویتل) بوجود آید، برسیت بشناسند. - چنین وضعی ظاهرا بدخی از جمهوریخواهان سر سخت را وارد میسازد از اعلام فوری جمهوری درگزسته. - دولت جمهوری بر ارتقیه آفریده وزیر جنگ رضا خان تکه خواهد داشت. خود رضا خان از محبویت کلانی (کولوسانوی) برخورد ارادت و نه تنها بهنای آفرینده ای ارشن ملی (شوری) ایران بلکه همچنین سیاسته اری با ارزش».

((تحریکات انگلستان که (برای مدت کوتاهی\*) به استعفای رضا خان انجامید، احتمالاً قرین موقتیت نخواهد بود. بنابر همه شواهد، ایران همان طریق ترکیه را طی میکند و بورزوآری ناسیونالیست ایران خود را در راس قدرت قسراً خواهد دارد. در عین حال وی (بورزوآری ملی) بهنای طبقه حاکم کشور به نیاز کوششی جدی بعمل آورد تا استقلال مملکت را در مقابل امپریالیستهای خارجی و مهتر از همه در مقابل انگلستان تقویت کند. چنین کوششی مطابقاً با حمایتی بروز و مدد اشاره وسیع مردم روبرو خواهد شد. و بدین سان در خاور قدرت‌نوی پدید می‌آید که نه تنها ناج و نفت شاهان را بخطر خواهد انداخت، بلکه همچنین بطور جدی قدرت لاشخوران سرمایه داری جهانی را بخطره خواهد داشت.)) چنانکه از سطور بالا هوید است ب نحوی از رضاخان "جمهوریخواه" و همکاران وی مانند مشیر الدله مستوفی المالک وغیره حمایت میکند. وی در کتاب دیگری که سال ۱۹۳۰، منتشر ساخته رباره کوتاه و حوار ب بعد اینگونه توضیح میدهد که با اینکه اعلامیه سید ضیاء را دیگل بود، لکن نقشه انگلیس ایجاد ارا تشن منظم بود و افزود: «(از همین جایتوان به تایل انگلستان برای سازماندادن مبارزه علیه دشمنان داخلی و خارجی، علیه جنبش انقلابی، یک ارتش باصطلاح ملی، دست پرورد مربیان انگلیسی بی برد، زیرا که در این اعلامیه در هیچ جا سخن ازین نمی‌شود که این ارتش برای مبارزه علیه اشغال امپریالیستی، برای رفاقت ایران مستقیم ایجاد نمیشود... همه عناصر را بکمال چسب، بـا تخته وزیر جدید [سید ضیاء] با اختیاط بسیار برخورد کردند، ولی آن این بود که (گردش تاکهانی انگلوفیل سرختنی بسوی نزدیکی با روسیه [شوری] عده ای را بران داشت که برناهه سیاسی ضیاء الدین با بن اعتمادی برخورد کنند؟) در مورد برنامه اصلاحات اراده شده وی تزبد جدی

★ در مورد استعفای رضاخان، سردار اربیله، رجوع کنید به کتاب مملک الشعرا بیهار، تاریخ مفترض احزاب سیاسی، صفحه ۴۲۹. استعفای وی در مقابله با انتقام ای ایشان بود که بدخی نمایندگان مجلس به بیقاتویسی گردیده وزیر جنگ را شتند؛ پس از حمایت مطبوعات انگلیسی از رضا خان نگاه کیده و سنا خیز ایران مد ارک، مقاالت و نگارشات خارجی ۱۳۲۳-۱۳۲۹، گرد آورندۀ نوری، اسقفاً پاره، چاچانه سازمان برناهه، وغیره!

وجود داشت، حسوات بعدی این تردیدها را تایید نمود. بر همکان روشن گشت که سید خیام الدین را انگلیسیها بجلو رانده بودند و سرخ تمام اقدامات وی در دست انگلیسیها بود. یک امر غیر قابل تردید بود: انگلستان مصمم بود که تاکنیک جانبداری خود را نسبت به ارتقایون و مالکان و روحانیون تغییر دهد. لکن هنگامیکه انگلیسیها دریافتند که درست سید خیام الدین رو شده است و کسی به وی اعتماد نداشت، بر آن شدند که همکاری وی رضا خان را علم کنند.<sup>[۴۸]</sup> متأسفانه سلطانزاده در اینجا توضیح نمیدهد که چرا خود وی در سال ۱۹۲۲ در کتاب اقتصاد و مسائل انقلاب در خاور دور و نزدیک، که سابقاً از آن پاد شد، کوتا و به "دکراتهای چپ" نسبت دارد، یا در کتاب دیگر منتشره در همان سال ۱۹۲۲، با اینکه "گردش به چپ" در سیاست انگلستان "را ملاحظه میکند، در همکاری نزدیک سید خیام" با انگلیسیها قاطعیت بعدی خود را ندارد. بعدها مساوی فرق سلطانزاده نخست تاثیر اوضاع و احوال روزا) یا شاید حتی فشار مقامات شوروی - فشاریکه بعد از ۱۹۲۵ هرگز بدان تن ندارد) دچار انتباهاست چند در مورد رضاخان و سید خیام شد، بود. ولی بنظر ما این ارزیابی نادرست را نه میتوان بحساب "راست روی" وی گذاشت و نه "چپ روی خیانت آمیز"<sup>[۴۹]</sup> نوشته بنظر ما چنین اظهار نظری درست کنم، نهایت ساده گرایی، و غالباً از کیهه تویی استالینی نسبت به کسی استنکه هرگز تن به خواری مداح از استالین پدر بشریت "ندارد. اصل طلبدر اینست که چرا سلطانزاده، کمیکه بسال ۱۹۲۰ در گرمه روم کمینترن از ایجاد سویت‌های رهگانی برای کنار شرق به کوئیسم سخن میگفت و دفاع از بورژوازی ملی را درست نمیدانست، چهار سال بعد از حما یست از بورژوازی ملی" ایران، آتشم در ترکیب از رضا خان، مشیرالدوله و مستوفی‌المالک در آن سخن میگرد، به اقدامات اصلاحگرانه نیم بشد بورژوازی ایران از شعار انقلاب ارضی سوخته رفاه باین پرسشها و ازین گونه پاسخ گفت. ما بسهم خود باختصار باین اصر اشاره میکیم.

(۱) نخست اینکه پس از شکست انقلاب در رباختر و افول جنبش انقلابی در خاور زمین، سلطان زاده همانند سایر رهبران جنبش‌جهانی کوئیستی، باین نظر رسانیدند حفظ دست آوردهای جنبش انقلابی را پسندیده‌ای جست‌گه امپریالیستی (اول) از وظایف انقلابیون است و لذا باید به تحکیم اتحاد شوروی پرداخت و تا انجا که به شرق مربوط میشد، باید از جناح مترقب بورژوازی این گروهها در مقابل جناح وابسته به امپریالیسم حمایت کرد. در ایران این سیاست بشکل حمایت شوروی و حزب کوئیست ایران از مستوی فی‌المالک و مقابله با قوام‌السطنه و برادر روی و نویں‌الدوله ناظه‌ر کرد. در این میان اینچه روشن است اینستکه نظر رضا خان بدرست ارزیاب نشد. بنظر ما در این دوران هیچ راهی راهی حمایت از جنبش‌انقلابی ملی (مائند جنبش‌جنگل در ایران) و کوشش در بدست‌گرفتن رهبری آن توسط حزب پرو لتری نمیتوانست شرق را بسوی انقلاب هدایت کند، و در عین حال بزرگترین ضربات را به امپریالیسم وارد سازد و در ضمیر بهترین کمک به تقویت اتحاد شوروی که در محاصره امپریالیستی قرار داشت، بایشد.

(۲) دو دیگر انکه، و این در ارتباط مستقیم با نکه بالا است، دولت اتحاد جماهیر شوروی و کمینترن بر این نظر بودند که میاید از حکومت‌های "بورژوازی ملی" در مقابل امپریالیسم حمایت نماید. این نظر مبتنی بر دلایلی است که بنظر ما اتفاق گفته نیست. (در مورد شخص ایران، ما بعد به نقل قول‌های استمار خواهیم حست.)

با این همه‌هزوز پا مسئله بیجواب میماند، و آن اینکه، حتی اگر حمایت از "بورژوازی ملی" دکراتیک را درست بینکاریم، پیشیگانی از رضا خان چرا؟ میدانیم که رضا خان یک از عاملین کودتسای سوم استند بود. این اصر اکسر رماههای نخست پس از کوتا روشن نبود، و دست کم پس از صدور

(۴۸) سلطانزاده، انتقاد اقتصادی ایران و امپریالیسم انگلیس؛ (روس)، کوتو، مسکو، ۱۹۳۰، هن

(۴۹) ۲۵

اعلامیه مشهور رضا خان سردار سپه، مدیر پرس کسی پوشیده نمانته . رضا خان در این اعلامیه مسئولیت کودتا را شخصاً بهمراه گرفته و چنین قبول مسئولیت کرد : « این [کودتا] فکری نبود که فقط در سال ۱۹۲۰ میلادی تأثیر کرد، باشد؛ این یک عقیده نبود که در تحت تأثیر افکار پیگران [متلا سید خالدین] بن تعجیل شده باشد... آیا با حضور من مسبب اصلی را جستجو کردن مطلع نیست . . . من از اقدامات خودم در پیشگاه عموم ابد شرمده نیستم و با نهایت میاهات و اقتدار است که خود را مسبب کودتا بشما معرفی میکنم » [۴۹] .

این درست است که رضا خان سردار سپه از کودتا ۱۹۲۰ تا روز جلویه سلطنت همواره در همه کابینه های مشغله ( چه قوام اسطنه که شورویها نسبت بآن مخالفت میورزیدند، و چه مستوفی‌المالک و مشغول‌السلطنه پیش‌نیای مورد تأیید شورویها بودند ) شرکت داشت [۵۰] ولی ماهیت وی و اقداماتش در سرکوب جنبش‌های انقلابی ایران نیتوانست بر مسئولیت سیاست خارجی شوروی و نه رفیق سلطانزاده پنهان مانده باشد .

اسناد وزارت خارجه درلت بریتانیا بخوبی هدید امیازد که رضا خان سردار سپه و سرکوب جنبش گیلان و سایر جنبش‌های ضد ارتقایع ضد امیرالیستی ایران مستقیماً دست داشته و همانطوری که خود سلطانزاده در کتاب ایران معاصر مینویسد، مخارج این اقدامات سرکوب را انگلیسیها ثانیمن میکردند، گواش مستر نورمن (Norman) وزیر مختار بریتانیا در تهران، به لرد کرزن وزیر خارجه آنکشور در ۲۶ اوت ۱۹۲۰ [۵۱] معلوم میدارد که ۵۰۰ هزار تومان وام بانک شاهنشاهی بدولت ایران برای تامین مخارج دیپیزیون فراق بسرکردگی رضا خان علیه انقلابی‌های گیلان بود . گواش نظامی دیگری از سفارت بریتانیا به وزارت خارجه آنکشور [۵۲] (بتاریخ ۲۲ اکبر ۱۹۲۱) مینویسد: « وزیر جنگ [رضاخان] هنوز در رشت است و شخصاً بعضیات [علیه جنگلیها] اراده میدهد ». این حقایق واقعیات دیگری از نوع توقیف مطبوعات چیز در آزمان دو تهران که سیاست مستعمراتی انگلستان را مورد حمله فرار میدارد و بهمین سبب، وزیر جنگ توقیف میشوند، نهیتوانست از چشم سیاست خارجی شوروی و نیز رفیق سلطانزاده پوشیده مانده باشد .

سرپرس لورن (Sir P. Lauren) سفیر بریتانیا در ایران، در ۲۰ فوریه ۱۹۲۲، طس گواشی به لرد کرزن نوشت، « من در زهن سردار سپه نظر منجدی fixed idea را در باره خطیر شوروی باقیم و قادر نشدم آنرا بر طرف سازم » [۵۳] ولی علیم‌همه اینها دولت شوروی در اواخر فوریه ۱۹۲۴ (چند ماه قبل از انتشار کتاب ایران سلطانزاده) طی تلگرافی به مجلس شورای ملی ایران اظهار امیدواری کرد که خلق ایران تحت « همیری خردمندانه سردار سپه » [۵۴] زندگی نویشی دست یابد . [۵۵] و روزنامه ایروستیا در شماره ۱۶ دسامبر ۱۹۲۵، درباره مسلسله جدید پهلوی در ایران اینگونه اظهار نظر کرد:

(( در ۱۹۲۱ دیکاتوری بوروآری ملی رضا خان پدید آمد . این دیکاتوری طی سالهای متعاقب از ۱۹۲۲ ))

(۴۹) ملک الشعرا، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، امیرکبیر تهران، ۱۳۲۳، ص ۱۸۴-۶  
(۵۰) همان کتاب

British Foreign Office Documents:	F0	C4923/56/34, 26.8.1920	(۵۱)
	F0	E286/285/34 22.10.1921	(۵۲)
	F0	E4712/6/34	(۵۳)
	F0	E340/340/34	(۵۴)

F0  
371/11481

\* پشتل از ترجمه انگلیسی در اسناد وزارت خارجه بریتانیا

تا ۱۹۲۵ مساقی مورد اختلاف را با فتوو الها<sup>۱</sup> مرتضی شین حمل کرد، معاهده ۱۹ را ملغی ساخت. مالیاتهای گسرگی حوالی مزنهای سوری را که در سال ۱۹۲۰ وجود داشت، از میان برداشت و باظفتر ضدی<sup>۲</sup> علیه همه درخواستهای انگلستان مبارزه کرد.<sup>۳</sup> [و درنتیجه] [مزنهای] [فتود الها]<sup>۴</sup> بدست تجار افغان، شیوه های کنکت فتوو<sup>۵</sup> را مضمحل گشست و پیشرفتیای خردگرایانه (راسپول) در اقتصاد روسنایی پدید آمد.<sup>۶</sup> برپرایه های سلطنتی<sup>۷</sup> تیمه فتووال قاجار، امروز سلطنت جدید رضا خان، با ایده های نوین اجتماعی، استوار است.<sup>۸</sup> سیاست انگلستان خواهد کوشید از هر فرصتی بدین منظور استفاده کند تا مسلسله جدید را بظری فکر بریتانیا مقاعد سازد، ولی چنین تلاشیهای در آنیتے تزدیک محاکم بشکست است.<sup>۹</sup>

ما باین مسئله مقصلاً خواهیم پرسد اخ特 و نشان خواهیم دارکنده تنها سلطانزاده دچار این اشتباہ نبود و این "جناح راست" حزب کمونیست ایران نبود که از رضا خان بعنایه "سردار ملی" و "قبومنان طی" پاد میکرد، بلکه سیاست خارجی اتحاد شوروی همین مشی را تعقیب مینمود. رضا روسنا مینویسد که گنگره دوم حزب کمونیست این روش "راست روانه" "چیز روان" دیگر را محاکم ماخت. این اظهار نظر روسنا یا از روی بن اطلاعی است یا بر اساس هنار؛ در هردو حالت گناهش بخشنود نیست. همه کسانی که پاسدار گنگره دوم رجوع کرده اند به نیک براین آگاهند که سلطانزاده از مبتکرین نه فقط بطریکاری گنگره دوم بلکه همچنین تهیه کنندهٔ اصلی تزمیت‌های مصوبه این کنگره بود. و اگر گنگره دوم دفاع از رضا شاه را حکم ساخت، در واقع اینکار را تحت تأثیر نظرات انتقادی سلطانزاده نسبت به کمینتن و سیاست خارجی شوروی و حتی کسانی چون "میرزا"<sup>۱۰</sup> (از نویسنده‌گان حزب کمونیست ایران در شوروی که از رضا شاه دفاع میکرد)، انجام داد.

اما باز هم در مورد این چیز روى<sup>۱۱</sup>، کامبختش مورخ حزب توده بدین امر اشاره میکند و آنرا اشتباہ همه گیر<sup>۱۲</sup> آن‌زمان میداند و از اشاره باین که سلطانزاده نیز باین "بیماری" دچار بود درین نمایورزند.<sup>۱۳</sup> حال بینیم آیا این اتهام که باز برونویس از مورخین شوروی، چون ایوانووا، وارد می‌آید، در مورد سلطانزاده درست است یا نه؟ برای دوست این امر بهتر است به صورت جلسات گنگره نخست حزب کمونیست ایران و عین سخنان رفیق سلطانزاده مرجع کشیم.

سلطانزاده از جمله در این گنگره اظهار داشت (( در حال حاضر در ایران [حال] انقلابی وجود ندارد، زیرا توده ها بطور کلی در جنبش انقلابی شرکت نمی‌جوینند . شعارهایی که اکنون باید بسود انقلاب‌خوان ساخت عبارتند از مبارزه علیه انگلستان، مبارزه علیه دولت شاه و مبارزه علیه خانها و زمینداران بزرگ. حق اکبر یکی ازین شعارها کارگاهشته شود، انقلاب در ایران به پیشیزی نخواهد رسید )) (همین مجلد، صفحات ۵۹-۶۰)

از نقل قول بالا کاملاً آنکار است که سلطانزاده حتی در شرایطی که در شمال ایران جمهوری سوریتی گیلان مستقر بود، بر این نظر نبود که اوضاع انقلابی است، زیرا توده ها در جنبش شرکت نداشتند. وی نه سخنی از انقلاب سوسیالیستی بیان آورد و نه برنامه چیز روانه!

تنها موضع وی که از جانب مخالفین وقت و کوتی او عنوان شده است اینسته وی هوادار انقلاب ارضی و جلب‌حایات توده های برقانی بود. ما قبلاً با نقل قول از کتاب "ایران" وی بدین مطلب اشاره کردیم و دیدیم که نه تنها عده ای از سران حزب کمونیست ایران بلکه حق در اتحاد شوروی نیز رهبران بر جسته چون اروینکرده با طرح شعار انقلاب ارضی مخالفت میوزدند. در این مورد خوانندۀ را همچنین به خلاصه صورت جلسات گنگره نخست حزب کمونیست ایران رجوع می‌ریسم که در آن بکار از سخنرانان بنام ابوجوف (عوض‌اف)<sup>۱۴</sup> اظهار داشت که بوروگازی ایران

چه در شمال و چه جنوب خود انگلیسی است ( امری که درست نبود ) و اغماهه کرد .  
تبلیغات فرعی میتوان زمینه اران شمال و همچنین بورزو آزی و هقانان را نیز بهاره علیه  
انگلستان کشاند . ” و بدین سبب ” تایید علیه مالکین ارضی و بورزو آزی اقدام کرد . ”  
اگر این عوض اف و اینچه یک نفر باشد ( که احتمال می‌هیم چنین باشد و این تفاوت در نسبت  
حاصل رکنگاری از فارس بروس و سپس آلمانی باشد ) آنکه روشن میشود که جناح مخالف سلطانزاده  
و حزب کمونیست که سپرس آخوندزاده در میان آنان بوده است ، بخاطر همکاری با بیروت کوچک  
جنگی حتی حاضر شده بود که از اصلی ترین شعار انقلاب مکاتیسک در پکن در . این امر را همچنین  
مکاتیل پاولویچ در کتاب پیش‌گفته اش مذکور میشود . وی میتویسد که برخی از کمونیستهای ایرانی  
با انقلاب ارضی مخالف بودند و میخواستند انقلاب تها به مباره علیه انگلیسیها واحد شاه محدود  
سازند . خود پاولویچ این نظر را رد کرد و تنظر سلطانزاده را تایید میکند . [۵۶]  
لذا نیتوسان سلطانزاده را بخاطر طرح دوست شمار ارضی ” چسب رو ” را نیست بلکه مخالفین ویرا  
در مسئله ارضی مقابله با مالکین ارضی برستی باید ” راست ” بحساب آورد . بنظر ما مطلب  
روشنتر از آنست که توضیح بیشتری بطلبید .  
حال باید دید چرا این ” چسب روی ” به سلطانزاده نیست را نمیشود ؟ و نیز چرا و چگونه  
اختراج شد ؟

بنظر ما آن ” تاریخنگاری ” که برای حزب کمونیست ایران در این زمینه جناح ” راست ” و ” چسب ”  
نمیتواند و میتواند سیاست حمایت از رضا خان را بدان ها نسبت دهد ، تلاش در اینست که سیاست  
معینی را که از روی اختیاه ، ویجه بسا بخاطر حفظ منافع معینی ( مثلاً حفظ ” سوسیالیسم ” در یک  
کشور ) از رضا خان و رضا شاه پشتیبانی میکرد بزیر بزیره استشار بپوشاند : ولی خوبیختانه حقایق  
تاریخ آتشنام درخشندگی لوٹناین بیری را از نیست که سرانجام از همه ی بزیره های استشار گذشته چشمهاي  
حقیقت نایاب را نیز خیره میزاند .

ما در سطور بعد خواهیم کوشید نشان دهیم که برخلاف ادعای ” مورخین ” رسمی سیاست حمایت  
از رضا خان سود از سپه و رضا شاه ناشی از ازیزی نادرست کمیترن و حزب کمونیست اتحاد شوروی بود  
و گاه آنرا نیتوسان بحساب حزب کمونیست ایران نوشت ، اگرچه باید بآن کمونیستهایی که از چنین  
سیاست نادرستی پیروی کردند بپرخانه انتقاد کرد .

نخست باید یاد آور شد که در مورد ماهیت کودتای سوم اسفند مستولین سیاست خارجی شوروی  
دچار گوچکریں ابهامی نبودند و مید استند که این توطئه بدست و بسیود امپریالیسم برپایانها  
صورت میگرفت . هفته نامه ” سوویت راشیا ” تشریه رسی دولت شوروی بینان انگلیسی ، در شماره دهارس  
یعنی در حدود ۲ هفته پس از انجام کودتای سید ضیا سرضاخان [۵۷] ، پیمان اشاره بعند رجات مطیو  
ملات لندن دایرس بر اینکه کودتای نایبرده بمنظور مقابله با ” خطط بشیوه ایم ” در ایران ترتیب دارد  
شده بود ، و از آنیا که این کودتا یک امر داخلی ” ایران است دولت انگلستان در آن دخالتی  
نخواهد کرد ، بصراحت نوشتند هدف ازین ” امر صرفاً داخلی ” اینست که مردم ایران را نیز ( مانند  
مردم مصر و هند و ایران ) در جرگه همان آزاد مردان ” مورد نظر وینستون چرچیل در آورد ، و بعیارت

(۵۶) میخائل پاولویچ ، انکاف اقتصادی و مسئله ارضی در ایران ( مفحات ۶۱-۵۹ آلمانی و ۲۱-۲۹ روسی )

M. Pavlovitch, Die Ökonomische Entwicklung & Die Agrarfrage in Persien, Leipzig 1921; Ekonomitcheskoye Razvitiye i Agrarnye Voprosy v Persii, Myskya 1921

(۵۷) سوویت راشیا ( تشریه انگلیسی دولت شوروی ) مورد نظر وینستون چرچیل در آورد ، و بعیارت

Soviet Russia, March 5th, 1921 . p. 236

ساده اینکه این کوتا را انگلیسیها بمنظور تامین سیارات خوپوش و اسارت مردم ایران ترتیب دارد بودند. پس من معلوم نیستم چرا اگر کوتای سوم اسقد بدست مأمورین بریتانیا، و برای دفاع از منا فع آنان علیه توسعه باشیم صورت گرفته بود همه غافین و مجریان سیاست خارجی شوروی در جهت تقویت حکومتی در ایران قدم برمید اشتبه که علی رغم خروج سید ضیاء الدین همچنان از طرق رضا خان و سپس رضا شاه در جهت تامین شاخص امیریالیستهای انگلیسی گام میگذشت؟ ما قبل اشاره کرد یسم که بودجه مالی سرکوب قیامهای مردمی در ایران را بدست لشکر قزاق را بریتانیا تامین میساخت. خواننده همچنین میتواند به نامه و روشنایی سفیر شوروی در تهران [ استاد، جلد یک ص ۹۱-۸۳ ] به میرزا کوچک چنگلی که طی آن سفیر شوروی از میرزا میخواهد به تبرد علیه دولتمرکزی خانصه رهه زیرادولت متوجه او انقلاب را در آن دوران درست نمید است.

اسناد دیگری بر خط سلطنتی انقلاب در ایران پرتو میافکد.

بنابرگارش سفارت بریتانیا در ایران بوزارت خارجه آنکه در ۱۵ اکتبر ۱۹۲۱ کسول روسیه شوروی در ریاست بعلات میرزا کوچک چنگلی در کسما وقت تا کوشش آخرینی برای تامین صلح پنهانید. ولی کوششهای وی قریب موقیت نبود و میرزا حاضر بصلاح با دولتمرکزی نبود. [ ۵۸ ]

سند دیگری نشان میدهد که همین کوششا برای "آرام ساختن" خالق قربان و احسان الله خان (جفاح چسب) چنگل صورت دیگرفت و با موقیت روبرو گردید. گزارش سفیر بریتانیا از تهران روشن میزارد در حالکی که میرزا هنوز در چنگل بمقام وظیله لشکر قزاق رضا خان اراده میدارد بر اثر وساطت کسول شوروی در رشت "احسان الله خان پس از آتش با وزیر چنگ [ رضا خان ] به ازلى باز گشته است و اکون چون فرد مستقل در شهر اقامدارد و هیچگونه شرکی در فعالیتهای سیاسی نداورد [ و ] کسول روسیه در رشت بهر تبعه روسیه که در خدمت کوچیخان بوده است، یا هنوز هست بشرط آنکه خود را بکوسلگری روسیه در رشت معرفی کند عفو اعطیخواهد کرد. کسول آذریجان شوروی در رشت نیز اعلامیه مشابهی در مورد اتباع خود صادر کرده است. [ ۵۹ ]

سند دیگری بتاریخ اول نوامبر همانسال میافزاید که افسردار خالق قربان که از میرزا حد اشده بدشمن پیوسته بودند، بد رون لشکر قزاق جذب شدند و خالق قربان نیز بد روحه سرهنگی تخته شد. [ ۶۰ ] بدین سان و شصت میگردد که جریان سیاست خارجی شوروی بد لایلی که اکون مورد بحث ما نیست نه تنها از حمایت از انقلاب گیلان سر باز زدند بلکه کوشیدند سرکردگان آنرا با لشکر قزاق رضا خان، ایجاد کننده آرامش و سکوت گروستانی ایران، آتشی دهند.

اسناد دیگری روشن میدارند که دولت شوروی بعنایت اهمیتی که برای عقد قرارداد تجاری معروف با انگلیس قائل بود باین توافق ضمیم با بریتانیا رسید که حتی از تبلیفات ضد انگلیس و حمایت از نیروهای انقلابی در شرق دست یافت. این شرط دولت انگلستان برای عقد قرارداد تجاری در آن زمان بطور وسیعی در مطبوعات منتشر گشت و کراسین تعاونه شوروی طی مصاحبه ای از جمله اظهار داشت " ما حاضریم این شرط را تنها بر اساس رعایت متقابل آن، و آنهم پس از آنکه کمیون زیصالحتی تمام شرایط و همه سائل پیچیده سیاسی مربوطه را تعریف کرده، بینیم. " [ ۶۱ ]

ما بعد ا نشان خواهیم دار که دهه ای از رهبران شوروی و بویه تروتسکی هوار این نظر بودند که انقلاب در شرق وجه المصالح عقد قرارداد تجاری و تفاهم با انگلستان قرار گیرد. برای تایید

(۵۸) FO E 285/285/34

(۵۹) FO E 445/285/34, 5.11.1921

(۶۰) FO E 293/285/34

(۶۱) سویت راشا Soviet Russia, February 12th, 1921 , pp 164-65

این نظر کافیست به سند دیگری استناد کیم. این امر از یکی از اسناد سری وزارت خارجه برپانهای (بنارخ ۱۷ اوت ۱۹۴۲، شماره ۱۲۱۹) در گزارش که یکی از جاسوسان آن دولت از صورتجلسات کمیتهن "بخاریت" گرفته بود، نیز هویت است. خلاصه این گزارش بشرح زیر است: سک بولتن سری پخش خاورمیانه کمیسیون شوروی در روزهای ۱۹۴۲ اعلام میدارد که پخش خاورمیانه بین امداد این مورد [تبلیغات ضد شوروی] را تخطی از وعده ای میداند که آن دولت کمیته ای اجرائی کمیتهن نیز رسید، اعلام داشت. با توجه بوضع در حال تثییر ایران، گفتش از فعالیت عال انگلستان است، اینگستان که میکشد ایران را بزیر نفوذ خود در آورد، پخش خاورمیانه فعالیت انگلستان در این مورد [تبلیغات ضد شوروی] را تخطی از وعده ای میداند که آن دولت طی پادشاهی است ۱۳ (وشن داده بود دایر بر اینکه علمیه رویه شوروی به پویاگاند دست نزند). با توجه با این اصر پخش خاورمیانه از بین امداد اینکه کمیته ای اجازه میخواهد بکار خود در آسیا و بوریه ایران از برای مقابله با کار انگلیسیها ادامه دهد. همین جاسوس انگلیسیکه اصل مندرجات اینکه گرفته بود در گزارش میگوید که به حزب کمونیست ایران اجازه امداد میشود با تمام قوا بتحريم محصولات انگلستان در ایران، بین اینهای، و عنستان کم بررساند، و اینکه این کار را تحریم تحت نظر انجام خواهد گرفت، از این سند آشکار میگوید که بین شوروی و بریتانیا، همانطور که از اطهارات کراسین بر میآید، توافق شد که اگر انگلیسیها علمیه شوروی بقیلی نهاده ازند، شوروی (و متناسبانه کمیتهن نیز) بدینکار اقدام نخواهد کرد؛ تنها پس از عهد شکی انگلیسی است که کمیتهن (و آنهم بطوریکه معلوم است زیر شمار پخش خاورمیانه اش که رفیق سلطنت امداد میگیرد) میگیرد. همینجا اینکه اسلامیسم برپانیستا در ایران و سایر نقاط همسایه اثر میگیرد.

بر این نهجه بدون تردید واضح میگردد که جناح "راست" در حزب از رضا خان حمایت نمیکرد، بلکه سیاست عمومی کمیتهن و شوروی در اشتباه بود. ولذا ادعای کامبخش، مورخ حزب تولد، دایر بر اینکه جناح راست "با تزمای ویژه خود به کارهای [روم] آمد" درست بنظر نمیرسد [۶۳]؛ بیوی اینکه این مورخ حتی متابع نقل قولهای خود را در این مورد ذکر نمیکند. وی در همینجا میگوید که سیاست مملو شناختن رضا خان در حزب ریشه عیق دومنه بود.

اردشیر آوانسیان بنویه خود باقرزاده، بیلیل زاده، سرتیپزاده را رهبران جد ساح "راست" و "حاجی" رضا خان معرفی میکند [۶۴]. تا آنجا کما اطلاع از این هیجیک از افسران نامبرده ای ز اعفائ کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران نبوده است. مشهدی کاویان که از اعفائی با سایه‌ی حزب بوده است در یکی از شماره‌های بعدی مجله "گنیا" اطهارات آوانسیان را مورد تردید قرار می‌دهد و مینویسد،

(۶۲) در مورد سیاست دولت شوروی در منصرف ساختن انقلابیون ایران از اراده انقلاب و تقویت حکومت "ناسیونالیست" تگاه کنید به کتاب لوئی فیشر L. Fischer, *Soviets In World Affairs*, Vol. I, J. Cape, London, 1932, pp. 288-91 & 426-32 & 730.

و همچنین دیگر کتاب‌وی Men & Politics, An Autobiography, Pearce, N.Y., 1941, pp. 136 و 77 توجه خواهند باین نکته جلب میگردد که لوئی فیشر از همکاران نزدیک چیزین و کاراخان مسئولین وزارت خارجه شوروی بود و چنانکه در مقدمه کتاب انسخه میگوید مطالب آن بر اساس اطلاعاتی تنظیم شده بود که مسئولین فوق الذکر در اختیار وی گذاشته بودند و همچنین اینکه این کتاب قبل از انتشار بنظر کاراخان رسیده بود. مطالب وی در مورد ایران بر اساس اطلاعاتی تنظیم شده بود که روشتبان در اختیار وی گذاشته بود. همین فیفر مینویسد روشتبان رضا خان سرد از سه را تشویق نمود به گیلان لشکر کشی گرد و "روزای قبایل" و بیوی شخص بنام کوچکخان را که از گرجستان [دولت سوویت گرجستان] کم میگرفت سرکوب کند.

(۶۳) کامبخش، همان کتاب، ص ۲۸۳، همین نقل قولها بدون اراده مدرک است. این بدون تردید همان

اینکه رهبری حزب کمونیست ایران در زمان "مخاکله" با رضا خان پس از مدتی افراطی چشون سرتیپ زاده بوده است تا در وقت آنست؛ وی همچنین تایید میکند که سرتیپ زاده "شخص خود را به تشکیلات اجتماعی و سیاسی مخصوص نمایند" است. در حزب کمونیست ایران فعالیت در رشته‌ای انجام نماید. [۶۵] کامبختز در مورد جناح راست تصریح میکند (همچنان بودن ذکر مأخذ و مدرک) که "برخی از رهبران حزب کمونیست ایران قادر بتحليل دیالکتیک از تحولات آن زمان نبودند، مصروف‌ها شوا که پرسه روی کار آمدند رضا شاه را علی میکردند تهدید نمودند، یعنی توجه تغییرات ماهیتی حکومت رضا شاه نشدند، بلکه با برخوردن گاییک خود در چار اشتباها بزرگ شدند". کامبختز در همین مقاله می‌افزاید: "اینکه رضا شاه از بد و ورود به صحنه سیاست از چه مراحلی عبور کرد" است را شرح می‌نماید. فرق این مراحل را نمیداند، رضا خان و رضا شاه برایشان یکسان بود. [۶۶] تاکید همه جا ازد ب [۶۷] خواسته توجه دارد که حتی تعریضی "چشون کامبختز ۱۹۲۰ سال پیش از این حادث براین نظر است که رضا خان اوایل سال‌های ۱۹۲۰ با رضا خان اواخر همین سالها متفاوت بود. آیا این سخن را نمایند بدان تفسیر کرد که رضا خان در آغاز عامل انگلیس نبود. ولی رضا شاه بعامل آنان بدل شد. و گزنه باید پذیرفت که ماهیت رضا خان از آغاز تا آخر یکسان بود. روش است که رضا شاه با رضا خات تفاوت‌های داشت، ولی اینها تفاوت‌های ماهیوی و اساسی نبودند.

واقعیت اینست (و سلطانزاده در تمام آثار خود پس از سال ۱۹۲۴-۱۹۲۵ بروی آن تکیه میکند) که رضا خان از همان‌روز نخست کوشا عامل برپانهایا بود. اسناد وزارت خارجه انگلستان که ما پیش ازین بدانها استناد جستیم، این نکته را بروشنی اثبات میکند. کاری که کامبختز میکند اینست که نه جناح راسته بلکه سیاست‌حمایت شوروی از رضا خان را که در دوران سلطنت وی حتی تا پس از تصویب قانون سیاه ۱۳۱۰ از آنها یافت (و با مخالفت شدید سلطانزاده روسرو شد) توجیه کند.

در مرور وجود جناح پندتی و وجود تداشتہ است. شاید هنوز باید بدنبال استناد دیگری مورد رضاخان جناح پندتی و تدقیق وجود تداشتہ است. شاید هنوز باید بدنبال استناد دیگری گستاخ که به حال در اصل مطلب یعنی ارزیابی تداشت کمیترن از رضا خان و مسئله هماری با "بورژوازی ملی" در ایران و سایر کشورهای خاور (چانکایچک چین، کمال ائتمورک ترکیه، رضاخان ایران و غیره) تغییری نخواهد دارد. بهر تقدیم پسر، حتی اگر جناح راست اهل همایند بوده باشد، نماینده آن سلطانزاده که آنکه روسنا به او می‌ستارد نیست، بلکه همان سیروس آخوندزاده و دیگرانی هستند که پس از نشست باکو در کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، بیزور حزب کمونیست آذربایجان و با حمایت آذربایجانیک و ستالینیک اکثریت را بدست آوردند، و بعضی سلطانزاده و رفاقتیش را از حزب کمونیست آذربایجان "توبوند".

مجددی تربین، "علمیتین" تاریخ نگاری است که احسان طبری در سر سخن کتاب کامبختز به نویسنده کتاب، یعنی تورخ اتفاقی، پرس و سوال و با وجود آن "حزب توره" نسبت میدهد... همان کتاب صریح.

(۶۴) گنیا، سال ۲، شماره ۱، و نیز جلد پنجم اسناد، صفحه ۴-۱۳۹.

(۶۵) گنیا سال ۳، شماره ۴، و نیز جلد نخست اسناد، صفحه ۱۴۱-۱۴۲. در مرور دقت و سندیت اینین خاطرات کافیست مثاب مثال خاطرنشان کیم که آوانسیان در یکی از آنها (گنیا سال سوم، شماره ۴) مبنی است در سال ۱۹۳۰، سه نفر از کارگران، هنجاری، شرق و شعبان در گره اتحادیه های کارگری [بروفینیشن] شرکت را اشتباهی و لی واقعیت اینست که حجازی در سال ۱۹۲۸ در زندان رضاشاه بقتل رسید. در مرور خبر قتل وی نگاه کنید به این سند کمیترن، Inprekorr, no 117, 16 Okt. 1928 شرق هم اصولاً کارگر نبود (گنیا، سال ۱، شماره ۲، ص ۲۲).

(۶۶) کامبختز، همان کتاب، صفحه ۴-۳۹. طبیعی است که رضا خان با رضا شاه تفاوت‌های داشت، ولی اینها ماهیوی نبودند. رضا شاه حیله گرفت، نیز نگزینه و وضع مستحکمتر و دشمن بازندگی بود.

نادری در مقاله ایکه در مورد نیک بین در مجله "دنیا" نگاشت [۱۷] تصریح میکند که مفازله حزب کوئیتیست با رضاخان نا آنچه پیشوفته بود که قرار بود سپرس آخوندزاده [۱۸] بعنوان نماینده حزب با رضا خان ملاقات کند . وی میافزاید این ملاقات بسبیب پیوش رضا شاه به حزب کوئیتیست صورت نپذیرفت، منشاء این سیاست چه بود؟ اردشیر آوسیان باین پرسشها باشخ میدهد . وی در مقاله ایکه در مجله دنیا در مورد دانشگاه "کوتو" نگاشتمذکور شد که در ملاقاتی که بین پرفسور کوئیتیست ایران و سفیر وقت شوروی در تهران، شومیاتسکی، که از تیرماه ۱۳۰۲ (ژوئن ۱۹۲۳) با پرمانوار شده بود، دستدار، سفیر شوروی رضا خان را شخص "ترقی" از نیام گرد . مسلم است که این نظر شخص سفیر نبود و بازگو کندۀ‌ی سیاست خارجی شوروی در ایران بود [۱۹] بنظر ما اشتباه اساس را شوروی همان زمانی مرتکب شد که حمایت از "بورژوازی ملی" و نه انقلابی را برگزید. عده‌ای ناسیونالیست ممکن است بر این نظر باشند که شوروی با انقلاب ایران خیاست گرد "یا اینکه" بدنبال منافع تنگ نظرانه ملی "خود" رفت، این نظر اگر باقی کوئیسم آلوهه نباشد و با رونویس سر می از موهین غربی (امپرالیست) نبوده باشد و دست کم ناشی از تغیر تنگ نظرانه "ملی" راستگاریانه است. مارکسیتها وظیفه دارند بروندلۀ انقلاب در ایران، همچون مسئله انقلاب‌بداریگر کسروهای آسیانی، بهثابه جزوی از انقلاب‌جهانی پنگزد و معمایر آنان شبا میتوانند این باشد که آیا این یا آن ستراتژی در جهت توسعه انقلاب‌جهانی و تضعیف امپرالیسم هست یا نه؟ هر معیار دیگر غیر تاریخی و فضد مارکسیست است. بنظر ما انخواز سیاست هکماری با بورژوازی در این کشور هموصوله موقعی با بریتانیا باعث انقلاب در غرب، تعمیق تاریخت بود . واقعیت نهیز بعد ها عده م صحت این ستراتژی را نشان داد (انقلاب‌بدار چین و یتام، کوبا وغیره، و شکست انقلاب در غرب،) افزون بر این مورد مورد ایران حتی در انتخاب "نماینده" این بورژوازی که نهادن و حزب کوئیتیست شوروی دچار اشتباه بزرگ شدند و رضا خان سلما نماینده این بورژوازی ملی ایران نبود . نگاهی به استاد پیتفکیم .

چیزی را ویسرا خارجیه اتحاد شوروی در نوامبر ۱۹۲۱ در مورد حکومت رضا خان . که [۲۰] از نیمه‌نامی سید ضیا الدین رها شده بود چنین اظهار نظر کرد، ((در ۲۴ فانویه ۱۹۲۱) رفیق روشناییان بعنوان سفیر ثام الاختیار [حکومت] شوروها در ایران منصوب شد . کاراخان [معاون چیزی] کلیپنه جدید انگلوفیل را مطلع ساخت که آذربایجان سرخ زمانی نیروهای خود را از گیلان ... فراخواهند خواهند که نیروهای انگلیس نیز از ایران بیرون کشیده شوند . کلیپنه انگلوفیل افتتاح مجلیرا بتعویق اند اخافت . در ۲۱ فوریه رضا خان آن [دولت] را واگوئن ساخت، دولت جدید سید ضیا الدین قرارداد ایران و انگلیسرا ملغی کرد . و برنامه وسیعی را از برای اصلاحات

(۶۷) نادری- گنیا سال ۱۱، شماره ۰۳، ص ۵۳.

(۶۸) در اینجا جالب است توجه خواهند شد را باین ادعای رضا روزتا جلب کیم که آخوندزاده و آمثاله‌ی را که قرار بود با رضا شاه ملاقات کند "جناب متفرق" میداند و سلطانزاده و رفاقتیش را "راست رومناک" . گنیا سال ۳، شماره ۴-۶، ص ۷۰.

(۶۹) گنیا سال ۹، شماره ۰۴ .  
 (۷۰) پرخی ممکن است بروما ایران پنهانیست که پس از طرد سید ضیا، "حکومت دیگر حکومت رضا خان نبود و کسانی چون قوام، مستوق، السالک و مشیرالدوله نخست وزیر ایران بودند . ولی چنین نظری ساده لوحانه است، نزیرا واقعیات تاریخی نشان میدهد که تعین کننده ای اوضاع سیاسی ایران در این زمان مستوق و پیر نیا نبودند و هست قوام . سیاست اصلی گسترش بله ای اختلاف و تامین "صلح و آرامش" را جاسوسان انگلیس از طریق رضا خان پیش‌بینیدند . در این مورد گافیسته به کتاب ملک الشعرا بیهار "تاریخ احزاب سیاسی" رجوع کرد .

طرح کرد . در همانروز روسیه سرخ معاهده ای باشنا رساند که از همه آثار سیاست ستگرانه‌ی تزاری در ایران می‌سرا بود . . . لکن کابینه سید خسرو الدین باین علت که علی‌رغم همه این اقدامات مقصود انگلوفیل مانده بود ، در بیرون نباشد . . . از آن‌زمان تا کون مشارین نظاری افغانستان از کار برگزار شده است . در ۱۸ سپتامبر مشاور مالی بریتانیا ایران را ترک گفت . تندگ ایران جنوب ( اس-بی-آر ) که افسران آن انگلیسی بودند نیز مرخص شدند . در ۳۰ اکتبر جمهه گیلان محل ( لیکیده شد ) [ ۲۱ ] . این نقل قول نشان میدهد که این حزب کمونیست ایران نمود که " قادر بتحلیل دیالکتیک از تحولات آن‌زمان " نمود ، بلکه مسکولین سیاست‌خارجی شوروی نتوانست از زبان درستی از اوضاع و احوال ایران و تغییرات آن و رضا خان و اقدامات وی کمک کند و بواقع سیاست افغانستان را در ایران برگاری سیاست ایران سنتی هوار ارجویش از صحت سیاسی ایران و جانشین مهره‌های توی چوون رضا خان را بدستی در پاشد . ( در واقع تها کمیکت تا حدی تغییر جهیت سیاست بریتانیا را به سوی " انقلاب " بعنوان تاکتیک جدید دریافت ، همان سلطانزاده بود . )

جهجین در ۱۹ نوامبر ۱۹۲۱ طن نامه ای به استالیسن نوشست که " حکومت شوروی نمایستی تها خود را به حمایت سیاسی از جنبش‌های رهایی‌خواهی در خاور زمین محدود نماید ، بلکه الزام آور است که حکومت‌های ملی جوان را کمک کند تا اقتدار خود را انتکاف بخشنند و گار تغییر کنند . " [ تاکید ازد . ب ] جهجین ضمن اشاره به نتایج ثبت این خط‌مشی در مناسبن تبا افغانستان مغولستان و ایران ( که در آن‌زمان قوام نخست وزیر اثرو رضا خان سردار سیه همه کاره اش بود ) به استالیسن نوشست که " همان سیاست را می‌بایستی در مورد ترکیه نیز بموردن اجرا مینگذارند . " لئن نیز در نامه خود به استالیسن ( مورخ ۲۰ نوامبر ) چنین اظهار نظر کرد ، ( رفق استالیسن ، ورنوشت پاسخ خود به چهجین را لطفا برای من ارسال خواهید داشت ؟ بمنظور من حق با وی [ چهربن ] است . ) [ ۲۲ ] در این مورد ما به نامه روتاشیان به میرزا کوچکخان نیز اشاره کرده ایم . لئن در نامه ای به چهربن وزیر خارجه شوروی از شکایت روتاشیان از " باکو " ، یعنی دفتر قفار قرقاوز حزب کمونیست روسیه شوروی مص肯 می‌سرد و این می‌ساند که این دفتر و جناح قفار ( استالیسن و اروینکر ) با سیاست روتاشیان در ایران توافق نداشتند . به سرعت لئن خود در نامه ایکه مباریخ ۱۳ اوت ۱۹۲۱ به روتاشیان نوشته ، در مورد سیاست وی در ایران چنین اظهار نظر کرد ، ( فکر می‌کنم که با سیاست مختارانه شما در ایران کاملا موافق باشید . من هنوز مخفی طرف در می‌گذر ) [ ظاهرا دفتر باکو ] را شنیده ام ولی بنظم می‌رسد که دلایل اساسی شما غیر قابل رد باشند . آیا شما می‌توانید رساله ای در مورد ایران پیویسید تا ما مبنویسم همه در باره موضوعی چنین هیجان‌انگیز ولی کم شناخته شده بیاموزیم ؟ بسیار مهم است که جهت ( اوربانشیون ) کار مادر خاور تعیین گردد . ) [ ۲۳ ]

باز هم سند دیگری . چهربن در پاسخ یک مولو غیرین بسال ۱۹۲۲ در باره‌ی پرخور حکومت

شوروی با رضا شاه نظر زیر ابراز داشت ( و این دیگر زمانیست که سلطانزاده و دیگر کمونیستهای

( ۲۱ ) یک‌سال دیپلماسی شوروی در خاور زمینی *Une Année Diplomatie Soviétiste En Orient* Inprekorr ( Ed. Fr. ) No. 17, 23 Nov. 1921, p. 103

( ۲۲ ) نامه لئن به استالیسن در مورد ایران ، کلیات لئن ، جلد ۴ ، چاپ مسکو ، ۱۹۷۰ ، ( فرانسه ) ص ۲۷۰ .

( ۲۳ ) نامه نخست ، نامه لئن به چهجین ، ۱۶ ژوئیه ۲۱ ، صفحه ۲۱ ، کلیات تفرانس ، ۱۹۷۰

و نامه دوم به روتاشیان مباریخ ۱۳ اوت صفحه ۲۲۹ جلد ۵ کلیات ، چاپ فرانس ، ۱۹۷۰

در مورد توضیحات و دخالت دفتر باکو نگاه کنید بیهان جلد ۵ ، صفحه ۶۸۵ ، شماره ۲۳۶ .

همنظر او در مورد رضا شاه موضع قاطع اختیار کرده است.) : (( رضا شاه در گذشته اش امانت نیکی دو سازمانه ادن ارتقای ایران [ که بکار سرکوب جنبش انقلابی گرفته شد ! ] و مبارزه علیه بقاواری دارد ) این میم انجام داد و بدینسان شالوده‌ی پاک حکومت مدron را با تمام مفہومیت آن در جهت انتکاف سیاسی و اقتصادی ایران ریخته تا این حد وی عملیاتی بدینی علی اینستی به باطلخ لشکریم «از حمایت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برخوردار بود . اگون کاملاً روشن نیست که وی در آینده چه خواهد کرد . کراپشیوی بسوی برپایانها کاملاً همود است . اما شاید این امر تمام از متفقیات مالی خزانه داری ایران ناشی باشد . در هر اقدامیک در جهت تحکیم استقلال ایران باشد ، وی بدون تردید از حمایت اول و سمتی ما برخورد از خواهد بود . )) [ ۷۴ ]

بیناید خواهد بود یا آور شکریم که کنگره دوم حزب کمونیست ایران (در ارمیس) در ارزیابی خود در همان سال ۱۹۲۷ باین نظر درست رسید که رضا شاه از همان آغاز عامل امیرالیسم انگلستان بود و تردیکن های ظاهری وی با تحدیر شوروی و اخراج مشاورین انگلیس از ارتش و مالیه ایران و اللای قرار داد ۱۹۱۹ توسطیک غایی الدین همه جز مانور برای فریب نیرو های ترقخواه در ایران نبود [ ۷۵ ] . سیک سند وزارت خارجه انگلستان [ ۷۶ ] این مطلب را بخوبی میرساند . در این سند مستر نورمان سفیر وقت بریتانیا در ایران بوزیر خارجه آنکسرو گزارشید که روز قبل سهند ضایا به نزد وی رفت، اظهار اشته بود که الغای قرارداد ۱۹۱۹ صرفاً اقدامیت ظاهری ولی من این قرارداد در عمل «عمل» بموردن اجرا گذاشت خواهد شد . ستر نورمان همچنین میگذاید (( وی [ سهند ] گفت بمنظور پررهیز از خصوصیت دولت شوروی حائز کمال اهمیت خواهد بود که ماهیت انگلوفیل و خد بلشویکی دولت جدید در حال حاضر تا حد ممکن مستقر بماند . ))

ولی متأسفانه این سیاست محیلانه بریتانیا و عالیش در ایران موثر افتاد .

ما قبل اشاره کردیم که پیش این مطلب طولانیست که چرا شوروی و کمیتهن چنین سیاستی در ایران اتخاذ کردند . اینکه علت این سیاستاند راست چه بوده است . اگون مورد بحث مانیست ؛ تهمای پاییت تاکید کرد که برخلاف نظر ناسیونالیستهای راست ایرانی ، این سیاست از «خیانت» عاد اش و هیران آندوران ناشی نشده ، بلکه تبعیه منطق ستراتژی ناد روشی بود که رهبران شوروی برای حفاظت از انقلاب روسیه در قبال شکست انقلاب در غرب و شرق و الیستران باولی اتخاذ کردند . این سیاست علاوه در جهت «سوسیالیسم در یک کشور طی طریق کرد . تروتسکی که خود بعد ها از مخاطبین «سوسیالیسم در یک کشور واحد» بود سندی بدست میدهد که حاکی از آنست که این سیاست حتی زمانیکه وی مسئولیت طرح و اجرای سیاست در حکومت شوروی را داشت نیز بود تایید وی بود . احتیاج شوروی به مبادلات تجاری که ناشی از متفقیات مرحله انشکاف نیروهای مولده روسیه بود ، آنکسرو را بسوی عقد قرارداد تجاری با انگلستان کشاند . تروتسکی که از هواه ایران این نظر بود که انقلاب نخصت ضرورتا باشد در باختر پیروز گردد ، و نه در شرق ، این نظر را درست نمیدانست که هیوان و باشد از طرق دامن زدن به چشمها اینقلابی ضد امپریالیستی در خاور زمین ، یعنی شعب اصلی استمار و انسایش است از این اضطرار اتحاد را بین اطلاع سرمایه داری را تضمیف کرده و پیشود را آورد . بمبارت دیگر

( ۷۴ ) V. Sheen, The New Persia, The Century Co. N.Y., 1927, p. 210

( ۷۵ ) نگاه کنید به مقاله سلطانزاده در مورد کنگره دوم حزب کمونیست ایران (همین مجلد) و نیز کامبخت همان کتاب ص . ۴ ، که بدون ذکر مأخذ همین فاکت را تک سرار مینماید .

( ۷۶ ) Tel. 683 Mr. Norman to Earl Curzon No. 125, Telegraphic, E2605/2/34 در مورد بحث در قیصر نگاه کنید به رساله Ahmad Salamatian, Historique du Rôle de l'Armée en Iran, Mémoire, Faculté de Droit et des Sciences Economiques, Université de Paris, 1970, pp. 78-97

وی دیالکتیک بین انقلاب آزاد پیغامبری در خاور (بهره‌بری پرولتری) و انقلاب پرولتری در باختراستیه بد و البته تاریخ در ۵۰ سال اخیر عکس نظر وی را ثابت کرد. این انتباش تروتسکی (که متناسبانه هنوز از جانب هواز اران او امروز نیز تکرار نمی‌شود) وی را با پنجا رساند که طس نامه ای به لندن و سایر رهبران شوروی پیشنهاد کرد که از حمایت از انقلاب‌دار شرق دست بشویند و بمه صالحه با بریتانیا تن در داشت.

متن این نامه سری که اخیرا در استاد تروتسکی منتشر شده است بشرح زیر است.<sup>[۷۷]</sup>  
 (( رونوشت ، تهایت سری ، تلگراف پستخانه شماره ۶۴۳ ۴ ژوئن ۱۹۲۰ -  
 به کیمیاری اهل امور خارجی ، رفیق چهارین ، رونوشت به رفقا لندن ، کامیف ، کوتسلیکی و بخارین .

تمام اطلاعات مربوط به وضع خیوا ، ایران و بخارا و افغانستان بر این واقعیت (فاکت) گواهی میدهد که انقلاب سویتیس در لحظه گشون در این کشورها بزرگسربین دشواریهای ممکن را برای ما موجب خواهد گشت [★] . حتی آذربایجان [شوروی] علی‌رغم صفت نفت و ارتباطات با روسیه قادر نیست بروی پای خود بایستد . تا زمانیکه وضع در باختر تثیت نگته است و وضع صنایع و ترابریهای خود را بهتر نشده است ، خطرات لشکر کشی سویت در خاور کسر از خطرات جنگ در غرب اخواهد بود .

از سوی دیگر ، در این مورد تایید هرچه بیشتری موجود است در سیاست بریتانیا بهم‌سوچه یگانگی مطلق نظر دیده نمی‌شود و ما ظاهرا میتوانیم بید ایشیگانگی نظر را بتعویق بیاند ازیم .<sup>[۷۸]</sup> این نتیجه می‌شود که انقلاب سویتی در شرق اگون برای ما عذرنا بمنزله بسیک وسیله اصلی معامله دیپلماتیک با انگلستان امیاز آور است .

لذا نتیجه می‌شود ۱- در شرق ما باید بکار سیاسی و تربیتی ببرد ازیم (در سیاست ، کار خرس و تشکیلاتی مدد و سین نظایر وغیره) . در حالیکه تایید از هیچگونه توصیه ای علیه گامهایی که چه از روی خدای سب ، وجهه ضرورتا حمایت نظایر ما را در برگیرد ، فروگزار کرد .  
 ۲- ما باید با استفاده از همه طرق و وسائل به تاکید رایسر بر آنکه خود در رسیدن به تناهی با انگلستان در مورد شرق اراده دهیم .<sup>(تروتسکی)</sup>

آنچه در بالا رفته نشانده‌ی نظر توتسکی است و ثابت می‌گرد که اساس تفکر سیاست خارجی شوروی در اوایل سالها بیان است از کجا سرچشمه میگرفت . چنانکه قبل از بد نیز خواهم نوید سیاست شوروی این بجدد وستاد رجهتی که تروتسکی نظر داد سیر کرد . ادامه این سیاست در ایران را در حمایت از رضا خان و سپس رضا شاه ، حسن نا پرس رکوب شد به نیروهای انقلابی و برویه کوتیستهای ایرانی مشهده میگیرم . نگاهی بظاهر انتسابی این حمایت بیتفکیر .  
 (\*) خواننده توجه دارد که این نظر تروتسکی درست عکس نظر سلطانزاده در کنگره دوم کنیترن است .

The Trotsky Papers, 1917-22, Ed. Jan. M. Meijer, Vol II  
 Mouton & Co. The Hague, 1971, p. 209

(۱) زوشن مصادف است با حضور نیروهای شوروی در ایران و تشکیل جمهوری سوسیالیستی ایران در گیلان بعد از میزرا کوچیک خان و سه هفته پیش از تشکیل نخستین کنگره حزب کوتیست ایران .

(۲) لندن در پایین این نامه مذکور می‌شود ، "ذکر اکرات لوبید جوج با کراسین [فرستاده شوروی در لندن برای عقد قرارداد اقتصادی ] با روشی مطلق نشان داد که انگلستان به لستهایها و رانکل کک می‌گرد و کل خواهد گرد . بدون تردید یگانگی نظر وجود دارد : (همانجا)

چشمیران در هفتنه کهیتنن، پس از بحکومت رسیدن رضا خان براین عقیده، بسوده دولت ملی سردار ارسپه، رضا خان "زیر حله امیرالاستها" جست و فتوی‌الها بتحریک آمریکا و انگلیس جنگ داخلی علیه وی را آغاز کرده است.<sup>۷۱</sup> همین تویسته از سخنرانی داور زیر رضا خان (۲۷ سپتامبر ۱۹۲۴) درباره بهبود وضع دهستانان پار کشیده، افزود "دولت سود ارسپه بدون تردید بسته در جهت بهبود وضع دهستانان اقدام مینمود و بدبونویله بر توجه دهستانان نکیه مبنی تویست کرد".<sup>۷۲</sup>

[۷۱] تویسته دیگری از کهیتنن تحت عنوان ((حوالات ایران)) ادعا کرد که رضا خان زیر فشار انگلیسیها بسود و مبارزه علیه آنان علیه وی در لباس بازار گشت احمد شاه با این حضرت میگرفت، [۸۰] ایران و سمت تویسته، نویسنده دیگر کهیتنن با اینکه عقیده داشت ایران هنوز تمام و کمال از قبیل تضوز امیرالیسم بینانها آزاد نشده بود و سبب آنرا نیز ضعف اقتصادی و مالی ایران میدانست، بالاین همه بر این نظر بود که "ساختن حکومت ملی" برویانه های هرج و مرج کن و فتوی‌ال و مناطقی‌نشود انگلیسیها در دست انجام بود.<sup>۸۱</sup>

همین ایران و سمت در مقاله دیگری در هفته نامه کهیتنن در مورد انتقال سلطنت از قاجاریه به پهلوی این تغییر را "مرحله مهمی از انتقال حکومت ایران" دانست؛ قاجاریه را تاییده ارجاع و رضا شاه را تاییده بورزوآزی شهربی، بازارگانان، پیشه وران و کارمندان دولت قلمداد کرد و بر این عقیده بسود که فتوی‌الا علیه رضا شاه متعدد شده بسودند.<sup>۸۲</sup>

ایران‌سکی نیز بنویه خود از دیگان‌تلوی بورزوآزی رضا خان که در عین حال به "آق‌امات پیشوی".

درست‌زده بسود پار میکرد [۸۳] و در مقاله دیگری صریحاً از "میازده دولت‌علیه رضا خان علیه فتوی‌الیسم ایران" سخن گفت.<sup>۸۴</sup>

۷ سادوفسکی، نیز رهیم هفته نامه کهیتنن [۸۵] نوشته نزاع بین سردم و تبروهای نظامی رضا خان در اواخر سپتامبر ۱۹۲۵ در مقابل مجلس کوشش اتحادیه‌یون ایران [۸۶] برای مبارزه ساختن و بنی اعتمار نمودن شوروی است. بهره این بخش ملی‌ون ایران از روی [رضا خان] حمایت میکرد. این موضع گیری سادوفسکی در واقع مربوط است با خبرین نبردین آزاد پیوهان و مطیعون راستین ایران علیه از جایز در حال اوج رضا خانی. همین تویسته رضا خان را "فاکتور سیاسی تعیین کنده آی میدانست و افزود که" رضا خان صافع طبیه معینی را تایید کی نمیکشد و پایه اجتماعی ثابتی ندارد، "وی از همه بدموکراتهای نزد پکسر است" و اینکه امیرالاستهای انگلیس در صدر بودند از هر وسیله ای برای واگذون ساختن رضا خان و جانشین ساختن وی توسط یکی از معتقدین خوبیش استفاده گشت. از تحلیل طبقاتی "مارکسیستی" سادوفسکی که پکسر که رضا خان را ماروا طبقات

Tcheschmiran, Zur Lage In Persien, Inprekorr, 22 Dez. 1924, S. 2277. (۷۱)

آندره چروروسی همان شومناسکی سفر شوروی در ایران پس ۱۹۲۳ است.

André Tchervonny Events In Persia, The Communist International, Dec. 1925 (۸۰)

Inprekorr (Ed. Fran.) 26 Mai 1926, p. 736 (۸۱)

" " 31 Dec. 1925, p. 1081 (۸۲)

" " 7 Nov. 1925, p. 931 (۸۳)

" " 14 Jan. 1926, (۸۴)

(۸۰) نگاه کیسد به سادوفسکی

A. Sadovski, La Situation Politique En Perse  
La Correspondence Internationale, 17 Oct. 1925

(۸۱) آین نظر چقدر به نظر مورخین معاصر شوروی در مورد خود ارشبه ای است در در این مورد نگاه

صرفی میکند، تکنیک همچو اینست که وی با کمال تقدیم آزاد بخواهان ایران و نیروهای دمکراتیک را ارجاع رضاخان را بهشروع ضد ارجاع معرفی میکند. تاریخ در این مورد داروی قاطعی گردیده است. راسکولنیکف، فرمانده پیشین ناوگان شوروی در ریاضی مازندران که در ۱۸ ماهه ۱۹۲۰ در پسند رازی لشگر اند اشت (نگاه تکید به نظرات مثبت او در مورد میرزا کوچکخان، اسناد، جلد پنجم صفحات ۷۸-۸۰) نیز پنونه خود در ادامه همین سیاست در ۱۹۲۶ پس از نکر اینکه نفوذ انگلستان در ایران افزایش یافته بود چنین اظهار نظر کرد، [۸۲]

(( از سوی دیگر، اتحاد شوروی هماییه وی [ایران] به کشوری نیرومند بدل گشته است و با ایران مناسبات اقتصادی را دارد، و با شیوه های سالم امیز در بین طبقات حاکم جامعه ایران اختبار (آنوریه) سیامن کسب کرده است. بالآخر قدرت و نفوذ [الدوله] توسط رضاخان که هوادار استقلال ایران و سیاست اصلاحات [وقم] است کتول خواهد شد. وی [رضاشاه] در مبارزه علیه زمینداران قویان پقدرت رسید. ))

جالب توجه است که در این دروان هیچگونه مقاله ای نه از سلطانزاده و نه هیچیک از دیگر رهبران حزب کمونیست ایران در مجله کمپنیون نشر نمیباشد و اظهار نظرها تنحصر به تخصصی «کمپنیون» است. ولی اگر کمونیستهای ایرانی چون سلطانزاده در پاره ای موارد دچار اشتباه شدند و پاسکوت «اختیار کردند»، ولی پس از جلوی رضا شاه بخت سلطنت دیگر مبارزه آنان علیه وی قطعنی بسود. اما این اصرار و مورد سیاست خارجی شوروی صادق نیست.

میدانیم که چندی پس از جلوی رضاخان به تخت شاهنشاهی وی بکمک مشاورین فاشیست خود و بیویه تیمورتاش، اقدام بتأسیس حزب «ایران نو»، سلف حزب ایران نوین گرفت، کرد. سفیر بریتانیا در گزارش که در پاره تایپیس این حزب به وزارت خارجه متعوی خود فرستاد نوشته: «من اعتقد دارم که آن عالیجناب [تیمورتاش] کوچکترین علاقه ای به اید الایهای بلشویکی ندارد و یکی از اهداف حزب او ریشه کن ساختن کونیسم و سوسالیسم است، و اینکه وی صیانتی مضم اینست تا چائیکه برای او میسر است به تبلیغات شوروی در ایران پایان دهد.» [۸۳]

هیمن سفیر در گزارش دیگری از خود [۸۴] که مبارزه با سوسالیسم و کونیسم از جمله برنامه های تیمورتاش است و اینکه حزب ایران نو را شاه تیمورتاش چیزی «حزب فاشیستی» است.

برخورد سولولین حکومت شوروی حتی تا یکسال پس از تصویب قانون سیاه ۱۳۱۰، پس از اینکه نیروهای انقلابی ایران قلع و قلع شده، دموکراتها و بسیاری از کمونیستها بزندان افتکده شده بودند، به احکم شتی که حتی بقول سفیر انگلیس، ایران «تائیست» است چگونه بود؟ این برخورد را بخوبی میتوان از پیروان شایان آن دولت از همین تیمورتاش خست کونیست که کربنابودی چنین سوسالیست کونیستی ایران بسته بود، مشاهده کرد.

در وانیه ۱۹۳۲ تیمورتاش برای یک دیدار رسنی از اتحاد شوروی وارد مسکون شد. در اینگاه راه آهن با استقبال لیتوپسوف، وزیر خارجه، و کاراخان، همراه وی، وزیر شوروی گردید. در ضیافتی که با خداوندان تیمورتاش داده شد، وزیر خارجه شوروی، چام خود را بسلامتی رئیس دولت ایران، رضا شاه، تیمورتاش و نیز سر بلندی مردم ایران (اهدافنا متحانس) نوشید (تعارف دیلماتیک!) تیمورتاش، این دشمن قسم خود را کونیسم نیز چام خود را بسلامتی استالین نوشید. وزیر کیتی به انتقاد کامبختزیه کتاب آقا یاف، «ورخ شوروی»، که معتقد است خرد اقوام اجتماعی علیه برو نامه های اصلاحگران شاه بوده است. (دنیا، سال ۸، شماره ۲).

(۸۷) La Corresp. Internationale, 24.7.1926, No 85, p.937

(۸۸)

FO E 4113/520/34, 26.9.1927

(۸۹)

FO E 3909/520/34

خارجه شدروی در مذاکره خصوصی با وزیرین پنایا در مکو، سر جان اوی داشته بود، تیسیور تاش را "مسیره" با مشخصات استثنائی و حاکم واقعی ایران معرفی کرد [۹۰].

پس از تکمیل این بخش‌ها مناسبت پنهان نمیرسد در برآوردهای شوروی از رضا خان و رضا شاه که به ثبات حکومت وی کمک فراوان کرد، این اظهار نظر مطغی فاتح کارمند صدیق شرکت استماری نفت ایران و انگلیس را نیز اضافه کیم. وی در کتابی که بنام انگلیس نگاشت [۹۱] اینطور اظهار نظر نمود: «در نتیجه رویدادهای سیاسی اخیر در این بخش از جهان، عدالت ناشی از اوضاع و احوال حاکم در روسیه، که مقاصد پیش از جنگ روسیه را نسبتاً تحت کنترل در آورد، ایران طی چهار سال گذشته [۱۹۲۶-۲۲] از ثبات داشت و پس بروخته از بوده استه سالها بود که ایران تا این حد زیاد از استقلال سیاسی، امنیت کشوری که امریز بروخورد از استه بهره ای نموده بود» [۹۰].

ولی اگر جمیعت شوروی با گرایش هرجه بشتر رضا شاه به قلب ارتاج جهانی برویه باشد این‌ش و قدرتمندی هیتلریسم، آغاز فاشیسم، ای‌قوش فاشیسم، ای‌قوش فاشیست شوروی ایران تغییر کرد [۹۲]، ولی این معنای رفاه حکومت شوروی و کمیتن از کوتیستهای ایرانی نبود. بخیر از قلع و قمع سیاری از آنان بدست صنگاه سالیانی، بقیه نیز که در ایران در چنگل روم فاشیست رضا شاه امیر بودند، بمندرجات از حمایت هنر الطی بروخورد ارشتند. نگارنده مثلاً کوچکترین اعتراض از جانب نه حزب کمیتن و نه حزب کمیونیت شوروی علیه تصویب قانون سیاه ندیده است؛ حتی محاکمه و مرگ ارانت، موافق اسناد کمیتن که ما برسی کرد، ایسم، حتی شایستگی ذکر نیز پیدا نیکند. جالب‌خواهد بود که مورخین حزبی، در صورتیکه چنین اسنادی باشند، بانتشار آنها کفر همت بینندند!

اکنون که سیاست شوروی در مورد رضا خان و رضا شاه را بر رسان کرده، ایسم همتوانیم بتحقیق بگوییم که "جناب راستی" از حزب کمیونیت ایران، رضا خان را مورد تایید قرار نمیدارد، بلکه سیاست کمیتن، اتحاد شوروی و نیز حزب کمیونیت ایـ ران، هر سه در این زمینه امتناع آمیز بود. حتی سلطانزاده که از نخستین و شاید تها منقد جدی سیاست حمایت از رضا شاه پس از سال‌ها ۱۹۲۵ بود، نیز ازین اشتباہ میری نبود.

این نکته نیز حائز اهمیت است که، چنانکه قبل ازیده، بین سال‌های ۱۹۲۴-۱۹۲۷ از ایـ روم در دست نیست. آیا اینها باید به "مضبو" بودن اونستند؟ ناشی از مخالفت وی با سیاست آشتیاه آمیز یا لاد است؟ آیا او پس از تابکاری رضا شاه پلاقاله مخالفت خود را با ادامه چنین سیاست اعلام نداشت؟ و بهمن دلیل برای مدقق از صحت سیاست کارگاه اشته شد؟ آیا بازگشت وی ابتکار او برای تجدید حیات حزب کمیونیت ایران در کـ مـگـرـه دـوـم و تصویب برنامه جدید حزبی و مبارزه حزب علیه رضا شاه بستگی ندارد؟ این پرسش‌های است که مـ طـرـحـ مـکـیـمـ وـلـیـ بـرـاـ آـتـهـاـ بـاـسـخـنـ نـدـ اـرـیـمـ،ـ بـاـیـنـ اـمـیدـ کـهـ رـوـیـگـارـیـ بـاـ تـکـهـ بـاـسـنـادـ دـیـگـرـ آـتـهـاـ بـاـسـوـانـ روشن ساخت.

بهتر نهیـرـ، عدم مخالفت اولیـه سلطانزاده با سیاست نادروست حمایت از رضا خان، و مخالفت سر سختانه از برآوردهای سیاست نادروست حمایت از رضا شاه از ۱۹۲۷ بعده تا پایان شدن رسالت ایرانی ۱۹۳۱-۳۲، هیچکدام را نمیتوان بحساب "راست روی" یا "چـپـ روـیـ" مـدـاشـتـ. همینطور ایـ منـ تـظـنـرـوـیـ رـاـ اـیـرـ بـرـعـدـ لـزـومـ کـارـ اـرـیـ اـزـ مرـحلـهـ سـرـمـایـهـ رـاـیـ (ـ کـهـ دـرـ کـنـگـرـهـ دـوـمـ حـزـبـ نـهـ) (۹۰)

(۹۱) مصطفی خان فاتح، ۱۹۲۶، p. ۸۸

E 363/363/34 Sir John Dvey  
Economic Position Of Persia, King & Son, London, 1926.

۹۰) نهایت ناگفته گـارـدـ کـهـ حتـیـ درـ سـالـ ۱۹۲۰ـ (ـ درـ رـاهـهـ المـارـفـ کـبـیرـ شـوـرـیـ (ـ جـلـدـ سـابـقـ الـكـسرـ صفحـاتـ ۶-۹۹)ـ بـهـنـگـامـ ذـکـرـ اـزـ رـضاـ خـانـ هـنـزـ اـزـ مـبـارـزـهـ "ـضـدـ انـگـلـیـسـ"ـ وـیـ سـخـنـ مـیـسـرـوـدـ.

تصویبگرید) بحسب چسب روحی نوشست. باین انتقاد تقویتکار آقای کامبختش که این نکته را پیش روی میداند [۹۲] میرزا زیم زیرا حائز اهمیت است. در نگرش اول، نظر کامبخت راست مبناید، یعنی اینکه امروز سهولت دیده میشود که ایران به مرحله سرمایه داری پا گذشته است، و بر میان کشورهای با اقتصاد وابسته از آن دسته است که با ساخت مناسبات سرمایه داری در آن گسترش مییابد. ولی آیا به صرف اینکه امروز ایران پایه انشکاف- سرمایه داری گذشته است میتوان نظر سلطانزاده و لکه دوم حزب کمونیست را کسر اوپا ع و احوال ایران سالهای ۱۹۲۰-۱۹۴۰ نادارست اگاه است؟ بنظر ما نه.

نخست باین دلیل که بنابر شیوه علمی تاریخی مارکسیستی، ما میتوانیم برای تاریخ تنها پاک تالیف (الترناتیف) قائل شویم، یعنی این نظر را تایید کنیم که جون ایران باشکاف سرمایه داری کشانده شده است، این امری اجباری، و غیر قابل اجتناب بوده است. مارکسیستها، بخلاف شرکتمنیستها به "جسر تاریخ" معتقد نیستند. تایاری تاریخ حاصل و برآیند عل Ced عوامل و اوضاع و احوال مختلف است. در هر مقطع تاریخی عامل یا عوامل میتوانند اثرات گوناگون را سبب کردند.

مارکس که از کار اجتناب ناید پس فلسفه ایم به سرمایه داری و از سرمایه داری به کمونیسم سخن میگوید، بر این نظر نبود که این ضرورت در مورد همه کشورهای جهان صادر خواهد بود؛ کذار از فقد ایم به سرمایه داری، اگرچه برای پیشرفت ترین کشورها الزام آور بود، در عین حال خود، با توجه باین فاکت تاریخی که انشکاف جوامع تا برابر است (بودجه در دوران سرمایه داری و مراحل پلاکاله پیش از آن - قانونمندی انشکاف تا برابر) نقی کشنه همین ضرورت برای سایر کشورها توансد بود که به مدار بازار جهانی (بازار سرمایه داری) کشانده میشوند. بعارات دیگر منطق دیالکتیکی همین ضرورت خود نایق ضرورت انشکاف (کامل) مناسبات سرمایه داری در کشورها نیست که تحت تاثیر انشکاف سرمایه داری متوقف قرار میگیرند. این مطلب را مارکس و انگلش یعنی دموکر و روسیه که تازه با انشکاف سرمایه داری یا میکارشند، هر چند با اختصار در مقدمه به چاپ رسوس "مانیفست کمونیست" بهان کردند. ما در این مقدمه از قول آنان میخوانیم: [۹۳]

(( وظیله مانیفست کمونیست عبارت بود از اعلام نایوی آنی و اجتناب نایی مالکیت کمونی بورژوازی و لی در روسیه بموازات التهاب پست و تاب سرمایه داری که با سرفت تمام در حال انشکاف است، و نیز بموازات مالکیت ارض بورژوازی که تنها اکون در حال تکوین است، پیش از زمین از اراضی را در مالکیت اشتراکی در همان مشاهده میکنیم. اکون این سوال پیش میآید: آیا آشچیان روسی - این شکل مالکیت است جمعی ابتدائی زمین - که در حقیقت اکون سختی مختلف و پیشان شده است، میتواند بلا واسطه [یعنی بدون گذار از سرمایه داری] بشک عالی کمونیستی مالکیت زمین بدل گردد؟ یا اینکه، بر عکس، باید نخست اعلان جنیان تجزیه ای را پیماید که مختص انشکاف تاریخی باختراست؟ تنها پاسخی که اکون میتوان باین سوال داد اینست: اگر انقلاب روسیه سر آغاز انقلاب پرولتسری باخترا بشود، پیش از اینکه هردو یکدیگر را تکمیل کنند، در آنصورت مالکیت ارضی اشتراکی کمونی روسیه میتواند سر جمیع تکامل کمونیستی گردد. )) این نقل قول بخوبی و بینحوی غیر قابل انکار روش میگردد که پیدا این مالکیت بورژوازی همواره یک ضرورت "تاریخی" ندارد، بلکه به شرایط و اوضاع و احوال انقلاب در جهان، یعنی جهان سرمایه داری در حال گسترش و در عین حال مضمحل شونده از یکسو و انقلاب پرولتسری از سوی دیگر ازد.

(۹۲) کامبخت، همان کتاب، ص ۴۲.

(۹۳) برای ترجمه فارسی نگاه کنید به مانیفست کمونیست، چاپ مسکو، ۱۹۵۱، ص ۱-۱۴.

همین نکته را لذتمن با در وقت پیشتری ( وقت پیشتر هم از سرا در زمانی که لذتمن اخراج موضع میگردید ) از انتشار سرمایه و ارزی پیشرفت تر بود و هم اینکه جنبش انقلابی در شرق گامهای پاشند تری پرسد از شنیده بود ) بهان داشتند، لذتمن در کنگره دوم کمپتن مطلب را بشرح زیر بیان میکند :

« آیا در وقت اساتید انتشار سرمایه و ارزی برای آنسته از کشورهای عقب افتاده، ایکه درست است و کسارت راهی خوبیست هستند و از جنگ [ اول ] بسعد جنبشیای ترقیخواهانه در آسما آغاز شده است، اجتناب نایه پسر است؟ ما بدین سوال پاسخ منفی میدهیم. هنگامی که پرولتاریایی ظفر میشود پروپلکس منظم را پیش بورد، و دولتیای سوویتیں با تمام وسایل که در اختیار دارند، بکمک آنها بشتابند، آنکه نادرست خواهد بود اگر تصور کنیم مرحله انتشار سرمایه داری برای این کشورهای عقب افتاده اجتناب نایه پسر است... . بین الحال کوئیست باشد اساس شوریک این نظر خوب را روشن سازد که با کمک پرولتاریایی پیشرفت تر، کشورهای عقب افتاده من توائند پریم سوویتی برسند و از آن بگذرد، و از طریق مراحل مختلف انتشار سرمایه برسند بن آنکه شیازی بگذرد از مرحله انتشار سرمایه داری داشته باشند » [ ۹۴ ]

بدین ترتیب میتوانیم که تحلیل مارکسیستی کاربه سرمایه داری را برای کشورهای مانع ایران ضروری نمیدانست، باید توجه داشت که سلطانزاده نیز پرهیز از مرحله سرمایه داری بسرا ایران را در خلا مطرح نمیمایخت وی همانند لذتمن چنین امکانی را تنهای در سایه پیر و زی انقلاب در کشورهای پیشرفت میسر میدانست. در واقع صحت این نظر را در تجربیات و عدم گذار جمهوری شوروی در آسما از مرحله انتشار سرمایه داری ملاحظه کرده ایم.

بدین سان میتوان گفت که اگر انقلاب ایران در سالهای ۱۹۲۰ به پیروزی میرسید، پرولتاریای جوان میهن ما نیز میتوانست با تکیه به پیروزیهای پرولتاریایی در دنکار از این امر و دنک سرمایه داری اجتناب پوزد و از طریق میستم سوویت ( مقصود رونویسی سوویت های روسیه تیست )، بلکه انتطباق این نظر به اوضاع و احوال ایران، یا بعبارتی انتشار و انتطباق انجمنهای رایشیده دوران مشروطیت استم به ساختمان کوئیست نزد یک گردید، و از همین طریق با انقلاب جهانی نیز مدد برساند.

دنکار این نکته بیفاید نیست که اصل تر سوویت های دهقانی در شرق را سلطانزاده در کمیست مسئله خاور دومن کنگره کمپتن اراده دارد و لذتمن نظرات خود را با تکیه بان تر سلطانزاده کمیست بر اساس تجربیات جمهوریهای آسیائی ( ترکستان ) تنظیم شده بود تکمیل ساخت [ آنکه کمیست به نطق لذتمن در کنگره دوم - ] [ ۹۴ ]

اگون و روشن نیست چرا کامبیشن سلطانزاده را در این زمینه آماج حمله قرار میدهد همچنان و لی این همه "انتقاد از" به سلطانزاده در مقابل حملات یکه فردی بنام "رجیس" در دو مقابله مفصل مدرج در شوروی بنام ( "خاور اقلایی" ) شکاشت جلوه ای ندارد. این حملات ظاهرا پس از "مخضوب افتادن رفیق سلطانزاده و تبعید وی ( به سیری؟ ) صورت گرفت، همیست واقعی "رجیس" بر ما روشن نیست، ما در میان کوئیستهای ایرانی شخص بدین نام نیشناشیم. میتوان احتمال دار که وی از "ایرانشناشان" ستالینی بوده باشد که پس از تبعید رفیق سلطانزاده "افتخار" آرام ساختن اهتماشات علیه این تبعید را یافت و طی این دو مقابله میانی "علمی" این خوب و تبعید را مطرح کرده.

رنجیس در مقاله ای بنام "وفیق سلطانزاده سختگوی خود" بپروآزی در زمینه انقلاب ایران [ ۹۵ ]

( ۹۴ ) لذتمن، گلیات، مجله ۳۱، ۱۹۶۱، فرانسه، ۱۹۶۱ مسکو، صفحات ۵۲-۵۱.

Revoluzii Vostok

( ۹۵ ) شماره های ۱۷ و ۲۰ ( ۱۸ ) و ۲۱ ( ۱۹۲۳ ) و ۲۴ ( ۱۹۲۴ ) در مجله مقالات رنجیس تحت عنوان "وفیق سلطانزاده جیون سختگوی کرایش خود" بپروآزی در زمینه مسائل انقلاب

طبق پیک "تحلیل" شماتیک تارکیستن درباره اینکه گویا علت شکست حزب کونیست ایران عدم دوام آن در مقابل دیکتاتوری رضا شاه، همانا تأثیر پذیری حزب از ایده قولوی خرد بورژوازی و دهقانی و پیشنهاده و لیبرالیسم سیاسی بوده است، رفیق سلطانزاده را نماینده نقوص دوگانه خرد بورژوازی شهری در حال اضلال در حزب کونیست ایران معرفی کرد. (جای شگفتی تیست که رنجبر کوچکرین اشاره ای به سیاست انتباہ اسیز کمینترین در حمایت و تقویت رضا خان خرد نکنده جنبش انقلابی و کونیست ایران نمیگرد و همه کاسه کوزه ها را بکجا بر سر سلطانزاده مینگند.) رنجبر با کمال بی پرواپی سلطانزاده را متهم ساخت که در بر رنسبهای لنینستی تجدید نظر (روزنیون) بعمل آورد؛ ضرورت لنینی یک تحلیل تحقیق و عینی از آرایش طبقاتی جامعه و روابط متقابل آنها را پیش از دست یازیدن به عمل انقلابی، درک نمیگرد. رنجبر همچنین به پیروی از بهترین من忿ن ستالینیسم و طبق معمول بدون اراده کوچکرین مدرک، سلطانزاده را "آتش لنینیسم"، "شماتیک"، "التقطگرایی"؛ "سترنز مکانیک"، "امپرورتونیسم راست"، "چیزپروری"، "عدم درک نقش لنین و بشویک" ها در جنبش راهیان خش ایران و بالاخره تفاصیل از اندکاف نیز سرمایه‌داری متهم می‌سازد. (شما هت برش از اینها با تکیه در بخش انتقادات نقل شد شکفت انگیز است!) کار حمله ناجوانمرد آن سلطان زاده باز هم با تکیه به بهترین سنن ستالینیسم، با تجا می‌گشند که وی در "روز وشن" سلطان زاده را متهم می‌سازد که گواهی نز امپرالیسم لنین را درست نمی‌انداشت، اینکه عصر سرمایه داری کونی را بمنابع عصر امپرالیسم نمیگیرد است، چگونه رنجبر این جمل تاریخی را اختراع می‌کند؟ درگاه ششم کمینتن سلطانزاده طن نطق علیه نظریه "سرمایه مالی" در طرح برگاهه [۹۱] گفت، "رقا من در کمیون بنامه علیه این نقطه نظر سخن گفتم که عصر ما را عصر سرمایه مالی میدانم. من در درجه اول این نظر را نادرست میدانم که این عصر [۹۲] [۹۳] عصر سرمایه مالی را با عصر امپرالیسم همانست بدانیم." رنجبر چه می‌گذرد؟ رنجبر بر احتی لفظ "این" Diese, This, Cette را بر می‌دارد و بجا ای آن لفظ "ما" را می‌شاند و این تنبیه را پیشتر میدارد: من در درجه اول این تنظر را نادرست میدانم که عصر ما عصر سرمایه مالی میدانیم. بدین سان با تغییر پیک کلمه آفای رنجبر به جملی که افراد می‌گردند و دنیا ای را زیزو رو می‌سازند و بدینظری موقق" می‌گردد سلطانزاده را تاقی امپرالیسم معرفی کرد. البته چنین جملی تهبا از دست ستالینیست های قهار و مجرم که تهبا "واه حل" مسائل را بدانم ساختن مخالفین خود، و از اینظری نابودی جسمانی آنان میدانند، بر صاید شگفت انگیز تیست اگر روسیه است ستالینی پس از سالهای ۲۱ و ۲۲ دیگر به رفیق سلطانزاده فرموده قاعده داده شد.

RNGBR ایران اتدیگری به سلطانزاده وارد می‌سازد؛ از آنجا که بحث پیروانون هم این اتهاما تو و ایرادات سیار مفصل است، و قصد این مقدمه تهبا معرفی سلطانزاده بوده و نه از یاریں کامل زندگی سیاسی او، ما تهبا بیهودگی ازین ایرادات که بنتظر ما درست می‌اید می‌برد ازیم. سلطانزاده معتقد بود که رضا شاه حامل منصب سرمایه داری در ایران نبود و به تقویت فتوح الیسم کمک مینمود. بنتظر ما نیز این نظر و رفیق سلطانزاده نادرست است. روشن است که رفاهه بـ

ایران" Tav. Sultanzadé Kak Birazitel melko-bourzhouzno blyania vi voprosakh persidskii revolutzii/ (۹۶) نگاه کنید به صورت جلسات گگره ششم کمینتر و نیز این مجلد صفحات ۱۴۵-۱۴۶

(۹۷) Diese, This, Cette

ملاکیمن بزرگ و متوسط نیز تکه داشت، ولی حکومت او با اقدامات فرمیست که طبق برنامه های توأم برای پیشنهاد مبنظر جلوگیری از انقلاب در ایران انجام میگرفت، پوشید سرمایه داری کشک مینمود. در واقع باید قبول کرد که حرکت سریع اقتصاد ایران بسوی مناسبات سرمایه داری از آغاز حکومت رضا خان شروع گردید. بهر حال، حتی بطور یک گفته شد، «اگر نظر سلطانزاده را نادرست تلقی نکیم، باز هم نمیتوان نظرسی و راحمل بر این کرد که وی سختگوی خود را بورژوازی در حال اضطرال بود! مگر مارکسیست» کسی را بد انتیم که هرگز رجبار انتباش نمیشود؛ مثلاً استالین! ». روشن است که هدف رجبار ازین انتقاد از سلطانزاده نذکار اشتباها و تنشیات نبود، بلکه مقصود در واقع توجیه برگاری، تبعید و سهیس تیرباران این کوششی انت ناسیونالیست ایرانی بود. این شیوه ای بود (و هنوز هست) که ستالینیستها برای مبارزه و نابود ساختن مخالفین خود بکار میبرند.

این نکه را نیز نباید ناگفته گذاشت که در سالهای ۱۹۳۰، یعنی حنی سیز از تصویب قانون سیاه ۱۲۰، رنجبر مستقد بسیاری از سیاست خارجی شوروی نسبت با ایران، ضمن "انتقاد" به سلطانزاده در واپسگی رضا شاه پامیریالیسم بریتانیا تردید کرد و این تصریر فرقی سلطانزاده را که "ارابه رضاشاه را اسب انگلستان میکشد" ناد رست اندکاشت [پانیمه ۹، مقاله اول صفحه ۶۷]. و خواننده این بخش باید این نکه سنگی "رجبار" را حمل بر "رقیبی مارکسیست" وی و تعلق سلطانزاده به خود بورژوازی بکشد.

سلطانزاده از جمله رهبران جنبش کمونیستی کادست پسرورده انقلاب کبیر اکبر و اوضاع و احوال انقلاب بی پس از جنگ جهانی اول بسود. وی به جنبش کمونیستی جهانی و جنبش کمونیستی ایران و همچنین به اتحاد شوروی خدمات بسیار ارزنده ای نمود. در اهمیت او همین پس که کتابی درباره بین الملل کمونیست نیست که (از دوست یا دشمن) منتشر شود و از وی یاد نکرد [۹۸] بروخن ستالینیست ها اورا "تروتسکیست" معروف کردند، تا همانند هزاران هزار مسعود دیگر، نابود ساختن او را توجیه گفتند. نگارنده مندی دال بر زندگی نظرات سلطانزاده با مقایسه تروتسکی نیافرته است (که البته اگر هم یافته میشد، نمیتوانست توجیه جنایت نابود ساختن رفیق سلطانزاده باشد) مگر این نظر سلطانزاده که انتقلاب در شرق رمانتیک به پیروزی میرسد که بولتاری ای منتعن متول از سرایه داری این کشورها سلب شد. ولی این موقع دلیل "تروتسکیسم" یا زندگی یکی با تروتسکی نیست، زیرا این نظر منحصر به تروتسکی نبود و بسیاری از رهبران بلشویک همچنانه لئن نیز در دنیا و ایران بر این نظر بودند؛ این نظر را حق استالین نیز تایید کرده است [۹۹]. بر عکس دلیلی درست است که نشان میدهد سلطانزاده از انسز

Palmieri, Aurelio, La Politica Asiatica Dei Bolsheviki, Bologna, 1924

(۹۸) مثلاً لاه کیم بـ "Internatinal kratki, istoritches- kii otcherk, Moskva, 1981; Desanti, L'internationale Communiste, Payot, Paris, 1970; Gunther Nollau, International Communism & World Revolution, Hollis & Carter, London, 1961, P. 59

(۹۹) نگاه کمیت به مقاله استالین بنام "شرق را فراموش نکنیم" *"N'oublion pas l'Orient"* کلیات روسی، جلد چهارم، صفحه ۱۷۱-۳ و نیز کتاب *S. Schram, Le Marxisme et L'Asie* استا لین در این مقاله صریحاً نوشت "این در پایان زمین است که نخست باید زنجیرهای را که امپریالیسم برای اروپا بسته است و سراسر جهان را زیر سلطه خود گرفته است از هم درید".

دیگان تروتسکی نبوده است. تروتسکی در ازین باب مقدماتی که از ششین کنگره کمیتهن داد [ ۱۰۰ ] نوشت، "بر سرستله بر تامه تایانده آندوزی، آلغونزو، تنها کسی بود که دقیقاً نظرات ما را منعکس ساخته" از موضعی که سلطانزاده در مسئله انقلاب و رفوبیسم از یکسو، و جنبش انقلابی در خاور و باختصار از سوی دیگر، اختیار میکرد، بنظر تروتسکی نظرات اوی بهتر به مواضع روزالوگرامبیوک نزد پیک بوده باشد تا نظرات تروتسکی.

بر این نکه باید تأکید کرد که رفیق سلطانزاده نخستین آسیانی بود که با تکیه بنه متداول وی مارکسیسم‌گستی به مطامعه جوامع آسیانی پرسد اختر و بوبیه در مورد ایران آثار تحقیق وی حائز اهمیت‌فرافراوان است. بجرات‌میتوان گفت که وی نخستین مارکسیست آسیانی بود [ ۱۰۱ ]. نکاهی پاکاروی ایمن امر را در موارد هرگونه تردیدی باثبات‌می‌رساند. کافیست اشاره شود وی بسال ۱۹۲۰ رو اشر در پاره "جاسمه ململ" و سر مایه مالی " منتشر ماخت که هنوز بخوان آثار منتشر از جانب کمیتهن دن حائز اهمیت تاریخی و تئوریک است، و این چنین نیز مورد استفاده و استناد قرار میگیرد.

تکسیر این نکه بی اهمیت‌خواهد بود که رفیق سلطانزاده اگرنه تباکس، از جمله افراد محدودی بود که در آغاز سالهای ۱۹۲۰ مسئله سوییت‌های رهقانی را بتابایه و سیله ای در بیان و سازماندهی رهقانان مطرح ساخت. رساله سابق الذکری در آستانه کنگره دوم کمیتهن، که بنا بد رخواست نهین نوشته شده بود، و همچنین سخنرانی لنهین و خود وی در این زمینه در همان کنگره دو م در مورد تجزییات سوییت‌های در ترکستان بهشتین گواه این مدعی است. بدین ترتیب آشکار میگردد که برخلاف نظر مورخیسن فرین و همچنین مبلغیسن مائویست، مانو شهادون نخستین کمونیستی نبود که باین نظریه رسید. (باید اذعان کرد که اهمیت ماقو بیشتر در کاریست ایمن نظریه است.) [ ۱۰۲ ]

سلطانزاده یکی از فرزندان شریف و میازمیهن ما بود. سراسر زندگی آگاه او در مبارزه علیه ارجاع بین الطلاق و سرمایه داری جهانی و بخاطر پیروزی کمونیسم و بهروزی خلق ایران و رهائی شرق از اسارت امپریالیستی گذشت. فروتنی، از خود گذشگی، پسر کاری بعلمت و دقت در کار تحقیقی، استقلال رای، جرات‌بانتقاد از بزرگترین مراجع سیاسی تا حدس‌باختن، از خصوصیات ای وی در مبارزه باخاطر کمونیسم بود. با اینکه از اقاییست‌مذہبی ایران بود، اسلام را خوب‌بینشنا خسته بر انتصار و تاریخ ایران سلطانزاده است. در امور نظایر از جمله بهشتین کارهای کمیتهن

Quelques Remarques Provisoires sur VI Congrès (du Komintern), 9.9.28 (۱۰۰) (۱۰۰)  
Contre Le Courant, L'Organ de l'Opposition, Paris, 1927-29, Maspero, 1971

(۱۰۱). پس از مرگ رفیق هوشی میان، "ایران آزاد" طی مقاله ایکه در سوگ وی نوشته وی را تخفیت مارکسیست نهینیست آسیانی معرفی کرد. این مقاله به نویسنده کان "توده انقلابی ایران" آمد، برآشتفتد و این بر این حمل کردند که گویا "ایران آزاد" خواسته بود مائویسته دون را "تحقیر" کند، و این اظهار نظر را در ال پسرد شفیعی با گوئیسیم معاصری یعنی "مائویسم" را انتقد. "ایران آزاد" بنویه خود جواب گفت. ما مطهتیم که اکثر نویسنده‌کان "ایران آزاد" از سایه رفیق سلطانزاده‌گاهی مید اشتبهند، آن اظهار نظر را در مورد هوشی مین تغییر کردند. اکثر این داوری مایز برویسند که "ایران آزاد" امروز گران آید، جز افسوس‌بر تحریر و تعصب شان، که تا گردن برایشان بسیار کزان تمام شده است، تخد و اهیم خسورد. شماره مطبوعات فوق، اللذ که بترتیب زیر آنست: "ایران آزاد" شماره ۶۴، شنبه ۲۷ شهریور ۱۳۴۸؛ "توده" شماره ۱۲ (ص ۱۱)؛ "ایران آزاد" شماره ۶۹، مارس آوریل ۱۹۲۰.

(۱۰۲) نهین، کلیات، چاپ فرانسه، جلد ۳۱، مسکو، ۱۹۶۱، صفحات ۵۷-۴۷.

در آسیا بود . و مهمنتر اینکه ، علیرغم وفاداری باتحاد شوروی و کوشش برای ساختمان سوسالیسم آنکه که شخیزه‌گردان سیاست آنکسور در مردم ایران نادرست است و به پیروزی انقلاب در ایران ، بهتاره جزوی از انقلاب‌جهانی ، گفت تحریمات از انتقاد نا دم مرگ بازنایستان . وی علیرغم لغزشیانی چند ، تفکری مستقل نداشت . مدحه سوای رهبران "کبیر" نبود . با سیاست فنکری تکین و موح و شا غریبه بود . واختنالا ، یکی از علی‌غضب‌ستانیان بروی نیز همین امر بود و باشد (۱) سلطانزاده از جمله کسانی نبود که با خاطر حفظ مقام "رهبری" وضافع باچیز فردی بهر خواری تن در داشت و عمری را در مدحه سوای "خدایان" دور رفت و آمد بگراند . با توکر منشی و اطاعت کوکرane الفتی نداشت . بنظر ما درست بد لیل همین خصایل انقلابی بود که بسر خلاف برخی ایرانیان دیگر به میدان تیرباران اعزام شد ، یعنی بافتخار پادشاه شایسته‌ایک ستابانیم به بهترین کوئینتها عطا میکرد ، هنالک آمد .

آنچه در این سر صحنه گفته شد مختصراً بود در باره‌ی رفیق سلطانزاده . بحث مفصل پیرامون نظرات اوی چه درست و چه نادرست ، را باید به انتشار آثار کامل اوی موقول کرد . ما امیدواریم که انتشار این مجلد گام نسبتی بآشد در جهت منتسباندن این کوشنده کوئینست بر جسنه ایرانی . باشد که ارتیه معنوی این فرضیه انتزاعیونالیست درین آمرز مبارزان انقلابی ایران و شیفتگان ساختمان کوئینست و رهایی ایران از بند امیرالیم قرار گیرد .

پاریس ۱۶ دیسه‌م ۱۹۷۲  
(۲۵ نیمه ۱۳۵۲)

## فهرست دیگر آثار سلطانزاده

- سیاست اقتصادی سرمایه داری مالی - کتاب ۱۹۲۰ -  
( تحلیلی تئوریک از سرمایه داری، همایه و محدودیت‌های آن، تضاد بین قدرت‌های امپراتوری و نقش سرمایه مالی )
- "خطیر جدید جنگ" - مقاله ۱۹۲۱ -  
( مقاله‌ای درباره تضاد‌های بین الامپراتوریستی )
- پژوهان اقتصاد جهانی و خطیر جنگ جدید - کتاب ۱۹۲۱ -  
( تحلیل کثیف به کشورهای داری مالک امپراتوریستی و پدیده‌هی جامعه ملل )  
( از انتشارات بین‌الملل کونیست )
- تبازه برای منابع جهانی نفت - مقاله ۱۹۲۱ -  
● سلطه ارضی در ایران معاصر - مقاله ۱۹۲۲ -  
● اقتصاد و مسائل انسقلاب‌ملی در کشورهای خاور نزدیک و دور - کتاب ۱۹۲۴ -  
( از انتشارات کمپنی، تحلیل از اوضاع و احوال اجتماعی اقتصادی خاور ایران  
ترکیه، کشورهای عربی، هندوستان، چین، چینشیان‌علی، هنگ‌کنگ و کارکری خاور )
- مسالت‌نفت در جهان - بخشی از مکاتب درباره نفت - ۱۹۲۳ -  
● ایران - کتاب ۱۹۲۴ (تسوگاری ایران معاصر - همین مجلد صفحات ۱۰۵-۶۲ )  
با درنظر گرفتن آخرين تعلولات سیاست اجتماعي )
- مساحت‌سنجیدن چین و هند - مقاله ۱۹۲۴ - ( در مجموعه ای بهم‌خواه او درباره  
خاور مستعمره )
- امپراطوری انگلیس در ایران و سرچشمه اقتصادی اجتماعی رضا شاه پهلوی -  
مقاله ۱۹۲۸ ( مقاله‌ای درباره رضا شاه، حمامان امپراتوری و درانتقاد از کارشناس  
سان ایرانی و شوروی حامی رضا شاه )
- آیا عصری بنام عصر سرمایه‌مالی وجود دارد؟ ( مقاله تئوریک در زمینه کمپنی )
- تدارکات انگلستان برای چنگ علیه اتحادیه شوروی سو و نقش ایران ( مقاله ۱۹۲۹ ایران )
- مطالعه مستعمره و اقتصاد جهانی - کتاب ۱۹۲۹ ( درباره‌ی پیدائش استعمار  
انگلیس سرمایه داری و مستعمرات، بازار مستعمرات، ضایعات خارج، نقش مستعمرات  
در اقتصاد جهان سرمایه داری، و استشار مطالعه مستعمره )
- ایران - کتاب ۱۹۳۱ ، ( درباره آخرين تعلولات سیاست اقتصادی ایران )
- مسائل اسکناف اقتصادی و انسقلاب‌ارضی در ایران - مقاله ۱۹۳۱ -  
● آهن، ذغال سنگ، و نفت، موضوع تراز جهانی - مقاله در دائرة المعارف کبیر  
شوروی، جلد هفتم .



تصویر رفیق آونیس (سلطانزاده) مکائیلیان نقاشی شده  
از روی عکسی که هنگام از رهبران سابق حزب کمونیست فرانسه  
از آرشیو خصوصی خود به ما سپرده است. (۱۹۵۱)

رقصن سلطانزاده در سوییں گنگہ کھینچن (X)



آثار آ. سلطانزاده

www.iran-archive.com

## جنبهش انقلابی در ایران\*

### ۱- ایوان ط انقلاب ۱۹۰۷

مساحت ایران ۲،۶۰۰،۰۰۰ کیلومتر مربع است، ( فرانسه تها ۵۸۶،۰۰۰ مترمربع است و جمعیت آن به ۱۵ میلیون نفر بالغ میگردد ، که از آن ۲۰٪ عشاپر ، ۴۵٪ شهرنشین است و مابقی ۳۵٪ روشنان که تها پرداخت گندگان مالیات است .

اهمی ایالات جنوب ایران ، فارس و کرمان راعشاپر از سه نواحی [کذا] زیر تشکیل میدهند: کردان و لرهاي ايراني الاصيل ، قشقاقان هاي سوراني ، و لعربابدوي . در میان اين گوهرها غالباً تمام خوشبین رخ میدهد . در شرق پدر منصرازهای کربان و مکران اقوام کوچک زند ، بدوي ها [عرب] و بلوجها در کوچ داشتند . اين عشاپر جزو احشام چیزی بگردند از اینه . کشاورزی ضعیف تهنا نان حیاتی آشناز را تامین میکند و مازاد ناجیزی را که در بازار برای پرداخت چای و شکر مورد استفاده قرار میدهد . در گذشته زنان شان قالی میافتد؛ ولی هنگامیکه سوئیس ها در کرانشاه سلطان آباد و سایر شهرها کارخانه [فرش باف] احداث کردند ، این صفت نیز تند اینان از اهمیت افتاد .

بسیاری از اینان اگون به با رسان بنادر خلیج فارس بدل شده اند . وضعیت عشاپر ساکن مناطق مختلف آذربایجان همچو بهتر نیست . تقریباً تردد همه اقوام [در ایران] گونه ای زندگی پدر سالاری همراه با شکل سازمانی دقیقاً معین و اندک تمايزی در فرآیند کار حکم فرماست .

از نقطه نظر اجتماعی-اقتصادی ، تقریباً تمام شهرهای ایران بیک پکسر شیوه اند . روحا نیون و باز زرگانان تردد یک به ۳۰٪ ، هنعتگران ۱۶٪ از اهالی را تشکیل میدهند و مابقی باشد اران و تولید گندگان دست کوچک اند . البته تمام این ارقام تقریبی است ، زیرا بطور کی در ایران داده های آماری وجود ندارند ، همچو آمار گرفتی که بلژیکها تنتظیم کرده اند که انتہم همواره دقیق نیست .

از سالهای هشتاد سه گذشته بی بعد ، سیاست استعماری روسیه و انگلستان ایران را به حد ارتاجار جهانی کشاند . صادرات پنبه ، بزنج ، و خشکبار به روسیه ، فرانسه ، انگلستان و سایر گشورها به قدر پر زبان آغاز گشت . کلرایس زین در شهرها و حوالی آنها بطر قابل ملاحظه ای افزایش یافت . ظرف فرماده کوتاهی بسیاری از اراضی پایه به باستان های سبز و خرم بدل گشت . بورژوازی شهری به خبرید اراضی زمینه اران بزرگ آغاز کرد . از جانب پیکر ورود کالاهای ارزانی از اروپا و از اینها به اضمحلال هنعتگران سمعت قابل ملاحظه ای بخشدید و به تعداد نیمه پرولترهای شهری افزود . تمام نشانه های اینهاست آثاری من سرمایه وجود داشت ، لکن سیاست چیاولگسراهه ای انگلیس و روسیه ای در زندگی

(\*) ترجمه از متن فرانسه که خود ترجمه متن روسی منتشره در ((لیزن ناسیبونالستسوی)) شماره های ۲۸ و ۲۰ ، سال ۱۹۰۷ ، مسوده است . مقاله دوم سلطانزاده (شماره ۲۹ مجله روسی) متن افانه بحلت اینکه قتو کی آن که در اختیار ماست نا خواناست ، ترجمه نمیتوانست . از کسانیکه آنرا میتوانند بیانند ، در خواست میشود آن قسمت را برای مزدک ارسال دارند . این مقالات حاوی برشی نظرات او در گنگه نخست حزب است .

ابیضاد صنایع ملی را که میباشد این است ارتش خمیره کار برولتاتریای حقیق بوجود میاورد، مانع گردید. مثلاً، کارخانه های قند و شکر ۵ سال قبل در تهران تأسیس شدند، تحت فشار صادر گندگان روسی و انگلیسی شکر [ به ایران ] تعطیل گشته و تا به امروز بلا استفاده افتاده استند. مناسب مال کشور بسیار حدود است. رهقاتان تقريباً تمام پرداخت گندگان مالیات اند که خود از نظر اقتصادی پسته اند. مالیات ها عدتاً به جنس سیکل پان دهم خرمن پور باخت میشوند. میزی اراضی که حد سال پیش در عصر فتحعلی شاه انجام شد، و پس از آن چندین بار ترمیم کردند، سهم هرگز را به جنس روپول تعیین نمود. [ مالیات ] پکدهم بزرگ [ عشر ]، پکدهم کوچک [ نیم عشر ] مالیات بر احشام و پکدهم سیز [ ۴ عشر مضاف ] و فیروز [ نیز ] وجود دارد، بنحوی که مأمورین شاه سرانجام پسک پنجم محصول و حتى کاهن تا ۴۰ تا ۳۰ درصد محصول گردآوری شده را از رهقاتان میستانند.

از زمانیکه میزی اراضی انجام و ترمیم شد، بدین آنکه هرگز مورد بازرسی قرار گیرد، همه چند در روستا تغییر یافته است. رهات قدیمیان ای یافت میشوند که از آنان بجز چند خانه باقی نمانده است و مالیات همواره چنان بر آنها بسته میشود که گویی [ غنی ] شوتفند است. رهات تازه سازی نیز یافته میشوند که میزی را با آنها کاری نیست، ولی مأمورین سلطنتی با آنها بسیار آشناند و مالیات را از آنان بحساب خواهند داشتند.

تمام در آئد های حکومت، و بعبارت دقیقت در آئد های شاه، عمارتند از یک دهم [ تحصیل ] تعیین شده پنهان سال قبل و جند [ ها ] [ رقم ] مالیاتی همانند که مجموعشان مالیات تأمینه میشود.

جمع کل ایست رقم پسال ۱۸۹۸ به ۱۲۲۰، ۶۰، ۵۴ بالغ گشت. رهها سال است که لاپتیه مالیات بدین شکل اخذه میگردند.

سداد معینی پول و نیز مقداری غله برای دولت جمع آوری میگردند که اخذ آن یا به حاکم یا به آن مالکی واکذار میگردد که بالاترین پرداخت را تعیین کند، یا اینکه به آنکس سپرده میشود که بیش از همه مورد حمایت دربار است. معمولاً حاکم [ اخذ مالیات ] ولاستخوار را بعده میگیرد و آنرا بین چند کس اوز کچک تقسیم میکند که با کارفماهیان محلی، یا غالباً معاشرین مالکان محلی، و بینتر کسانیکه در عین حال هم نماینده رسمی حاکم است و هم منتخبین اهالی ( گذا )، به توافق میرسند. باید گفت که در آئد های تعیین شده در درفتر های رسمی [ دولت ] همواره به جب شناسوانیز تغییون شاه در محاصره مشق مقخوار ( پارازیت ) است که مجد آن میگشند از روی " پیشگشی " در ریافت را درست. غالباً سلطان ایران بمنظور برآوردن چنین خواهشی استفاده ای داتم العصر مالیات این یا آن محله را به متقاضی واکذار میکند.

خد منکران دربار با کسب حق اخذ مالیات از شاه به مقدار مالیات ثبتی رفاقت نمیداشت و فروا آنرا نادو سه برابر افزایش میگردند و آنرا با شدت ناشنیده ای اخذ میکنند. تالقلاب ۱۹۰۷ [ مشروطیت ] تقریباً ۱/۱ [ ۹۱/۳ ] ک مالیاتی ایران درست نزد یکان شاه قرار داشتند.

شاه هرسال از ولایات خود بین ه تا ۶ میلیون تومان ( ۴۱۰ میلیون روبل ) در رفاقت میگذرد ولی حاکمان، ناییین آنان و مشاوران، و بطور کلی تمام جماعت مأموران دولتی، حد اقل پنج برابر این مقدار را در رفاقت میگذند. باید حساب کرد که بازنشستگان و مأمورین مختلف از اری و نظامی [ نیز ] کترراز ه برابر این رقم را در رفاقت نمیگذند. براین باید دست کم مبلغ معادل ۱۵

برابر این رقم باست حق القاوت پسر اختیه به ملاها، و سود تهاری بازگانان اغاف کرد. جمعاً این وقت است ببیشتر از ۱۲۵ میلیون تومان که هرسال از جیبده قاتان (رعايا) که تنها تولید کنندگان کسوز اند - زیرا تمام منابع ملی به حرف کوچک و منتهیگری محدود میگردد، مگر چندین کان مس و زمره - بیشرون کمیده میشود. (ثروتیهای نیز زیاد ایران [جزء نفت] هنوز استخراج نمیشود).

ازین ۱۲۵ میلیون تومان حتی یک قران نیز بصرف نیازهای حکومتی نمیشد: نزدیک به ۲۰ میلیون بصرف نگهداری دربار و حرمای شاه میشد و بقیه بصرف زندگی کاهلانه‌ی مشتمل مقنخوار، بسرو رازی شهری، روحانیون، مالکان ارضی طعام، دسته چهارگان ماموران شاه. هر چند که ممکن است غرب پنهان نظر بود، لکن طبقه تجار در ایران مالیات نمیپرورد ازد. قران تنها پکدهم محصول زمین و مالیات ارضی را فائضی میشماد. تجار حق از شاه و ماموران وی بخطرا و لخچیها پیشان در آمد های سرشواری بدست میاورند.

راهداری در آمد زیادی برای شاه در برداشت. در آمد چاده‌ها تقریباً در اختیار سوانعشایر ساکن نزدیک این چاده هاست. در دوران اخیر، هر یک از چاده‌های تجارتی به ملک شخص یک از ایلات بدل گشته است، که مالیات چاده‌ها را اخذ میکند و بختناجیزی ازین در آمد هارا به حکام شاه میبرد ازد. حکام شاه نیز همچ فرمان را برای افزون اخاذی خود برآجه خان هاوایلخانها دریافت میدارند، از دست نمیدهند. تجار علاوه بر راهداری مجبورند محافظین کاروانها را بهبود ببرند و بد انها حقوق ببور ازد و معاشان را نیز تامین سازند. ولی شاه ازین پامت چیزی دریافت نمیدارد.

گمرکات تا دروان اخیر به تجار به اجراء داده میشد، و در آمد شاه ازین پامتناجیز بود. اشتباخ بحساب بازگانان، به عنان تجار روس و انگلیسی لطمہ شد به وارد میباخت. تعریفه گمرک جزو ۱۸۱۱٪ بال ۱۹۰۲ ب بعد این تعریفه به تمام واردات گسترش دارد. لکن در آمد های گمرکی در گروی و اصهای قرار گرفت که دولت شاه در روسیه و انگلستان تهیه میکرد.

با تقلیل در آمد های شاه، مخارج وی بظیز سوام آوری میگرفت. افزون بر این، از زمان ناصر الدین شاهنشاهان ایران دید ارهای بی دریسی ای را به اوروبا آغاز کرده است، و هنر بازار این سفر مای خوشگر رانی میباشد چند میلیون بیشتر پول تامین میشد. این وظیفه آمارت ازین نیز بود که این وجهه را از جیب رعایا ببورون کشند. وسیله ای [دیگری] بود - قرضه. امیریا اینستهای انگلیسی و روسی داوطبلانه این وجهه را در اختیار دولت ایران میداشتند، و هر یک ازین قرضه غالباً امتیاز نیونی به سرمایه داران انگلیسی و روسی را بهمراه داشت: راهبای جنوب و شمال، تلگراف، پست و شیلات و غیره.

ناصر الدین شاه میکشید خط تلگراف را در دست خود بگیرد، باین امید که آنرا به منبع در آمدی بدل سازد. ولی جانشیسن او مظفر الدین [شاه] مجبور شد خط تلگراف را درجنوب در اختیار انگلیسیها و در شمال در اختیار روسها قرار دهد. روسها با این شرطها تعمیر و خطوط موافق شدند که آنان بتوانند طی روز این خطوط را اختصاراً در اختیار داشته باشند. بدین سان است که ناراج واقع ایران آغاز شست. فروش ایران بهمان سعری پیش معرفت که شاه از پطریسونگ و لندن پول طلب میکرد. سرانجام بال ۱۹۰۷، سرمایه داران روسی و انگلیسی

به مدد مالکان ارضی ایرانی، ایران را بین خود به دو منطقه نفوذ تقسیم کردند. این لحظه پی بعد حیات ایران بثابه کشوری مستقل، هایان یافت.

[مقاله دوم سلطانزاده بعلت ناخوانا بودن فتوکسی آن که در اختیار ماست قابل ترجمه نیست.]

## ۲- دورنمای انقلاب اجتماعی در ایران

انقلاب اکبر که همه نیروهای روسی را از ایران فراخواند، اشرافی روپنه بسوی طبقات حاکم ایران باقی گذاشت. این امر سبب اساس دودستگی حزب دمکرات گردید. جناح چپ [ایمن حزب] شکلیون (رفمیشنها) که از سرایت انقلاب روسیه هراس داشت، خود را به آتشش انگلستان انداخت. این تقسیم بهمان نسبت که مناطق تخلیه شده از جانب ارتش روسیه از طرف انگلستان اشغال میشد، تقسیم میگردید. جناح راست - یا بهارت دیفتر، حزب مالکان بزرگ که مواد خام اوپله را برای بازارهای خارجی تأمین میاخت - به مدد سر نیزه های انگلیسی اهمیت زیادی کسب کرد. جناح چپ عدتاً اعضا خود را از میان بورژوازی - تجاری و صنعتی میگیرد و برای ریسم پارلمانی و استقلال کامل ایران مبارزه میکند.

در عین حال انشاع حزب دمکرات در مجموع از اهمیت عمومی وی کاسته و تفوق اعتدالیون را بسطدارد. این [اعتدالیون] حزب مالکان بزرگ، روحانیون شوتند، و سهند هاست. طی سالهای اخیر قدرت در ایران بدست این حزب افتاده است که انگلیسیا بهم طرق مورد حمایتش قرار میدهد.

رهبر این حزب و شوق الدله، نخست وزیر کوئی ایران، انگلوفیل سرسرخی است. پیش حزب سویال دمکرات (اجتماعیون) است. این حزب سال ۱۹۰۶ در آغاز انقلاب [مشروطیت] سازمان یافت و زمانی دستگاه نیروضد خوبی داشت. این حزب تقریباً همهاره قاتلی کار میکرد، میگردد پاره ای مناطق که انگلیسیها "بدلایل سوق الجیش" با آن مخالفت میوزنیدند. خود بورژوازی حاصل عده این حزب بود. افزون بر این، این حزب از حمایت رهبران شد آشده جناح چپ حزب دمکرات (تفق زاده) و سهند ار نیز برخوردار است.

در انجام سال ۲۲ و شصت امسال حزب کوئی ایران نخستین کنگره خود را در شهر انزلی برگزار کرد. این روزه تنها برای جنبش انقلابی ایران، بلکه همچنین برای تمام تاریخ خاور زمین نقطه عطفی است. چهل و هشت نفر ناینده علی رغم دامپیس جاسوسان انگلیس از نقاط مختلف ایران در انزلی گرد آمدند که در میان آنان نایندگان کوئیتهای ایرانی مقیم ترکستان و فقفاز نیز حضور داشتند. نایندگان عدتاً از کارگران و دهقانان بودند، و روشنگران زیادی در میان آنان بود، اما غالباً نایندگان بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال در جنبش انقلابی ایران شرکت داشته اند.

کارگران ایرانی مقیم باکو حتی سال ۱۹۱۱ درتظاهرات خیابانی پس حرارت علیه جنگ امپراطوری شرکت جستند. سال ۱۹۱۶ گروهی از کارگران ایرانی با گرایشی بالشویکی با نفس حزب سو- سیال دمکرات، برای مدتی طولانی به کار میگردند. در میان توده های پرولتاری باکو که اکثرشان ایرانی اند، پرداختند. پس از انقلاب فوریه [۱۹۱۷] این گروه رشد داشته، نفوذ آن در میان توده های کارگران افزایش پیدا کرد. در عین حال کار بزرگی در خود ایران انجام میگرفت،

و لطفی بپهترین کارگران برای تبلیغ و سازماندهی بدانجا فرستاده میشدند. بسیاری از آنان هم اکنون در زندانهای تهران، قزوین و دیگر شهرها زندانی اند. بسیاری را انگلیسیها یا به هندوستان تبعید کرده، یا بر احتیت تپیارات کردند. سال گذشته در رشت پسکی از بهترین رهبران ما، رفیق غفارزاده، الهام رهنده و سازماندهی سوزگر حزب کمونیست ایران را تپیارات کردند. دو ماه پیش بهنگام اbeschال اربیله از طرف گروه انقلابیون ایران، هدف نظر از وقتی فعال ما را زدند از آنار شدند. چند تن از آیان بیش از پکال در زندان بسر برداشتند.

هیج نهایت سوزگر کارگری در باکو نبوده است که حزب ما در آن شرکت نکرده باشد. در سختی‌های روزهای ارتیاع، حزب کمونیست ایران بیش از ۶۰۰ عضو در سازمانهای مخفی خود داشت. دو ماه پیش‌ها ناضریوس در اوش‌صرخ ایران [نهضت جنگل متوجه] را تلاز کردیم. تعداد اوتیین آنقدر کمتر بود که مان‌چار ناضریوس را متوقف ساختیم، زیرا از نظر قی این امکان را ندانستیم که همه را اطلبین را باندازه کافی آمده سازیم.

پس از گشته که از جله تصصم گرفت نام حزب را از "عبدالله" به حزب کمونیست ایران تغییر دهد، کینه مرکزی تصمیم بر آن گرفت که هر چند کمیتی مركوب بین ۳ تا ۴ ماه در سازمانهای سوزر زمینی در مناطق تحت تصرف اسپریالیسم انگلیس فعالیت کند، پس از آن شرکت‌های اقتصادی ایران هماوریت شدند. در حال حاضر در سراسر ایران کار شدید سازماندهی ارکانهای حزبی انجام میگیرد. تدریجاً کمیته‌های حزبی که عمال انگلیسی‌های افغان کرده بودند تجدید سازمان میشوند، و راسته پیش‌مرکز و محلات پراز تو سر قرار میگردند.

حزب ما بیوی از همدردی افراد ارتش، واند ام‌ها و قزاق‌ها بسیار خود را از همچنان این اجتماعی نیروهای واند ام و قزاق عصبه ندارهای است، یعنی از هفتمان گرسنه و بی‌زمین است. در نتیجه نسبت به کارت‌تیجی‌جن ما حساسیت بسیار داریم. در خود ایران موافق ارقام تخمینی ماره هزار عضور ایم.

ماعلهه بزرگ‌تر ایران، فعالیت‌وسیعی در بین کارگران ایرانی مقیم آذربایجان (شوروی)، روسیه و ترکستان انجام میدهیم. مابا سازمان را در کارگران ایرانی در این سوزمینها هدفی درگاهه تعقیب میکیم: از پکو از طریق کلا سهای حزبی کارگران فعال را آماده می‌سازیم، و از سوی دیگر دا اطلبین را بسوی خود جلب کرده، اعضای حزبی را برای مقاصد نظامی بسیح میکیم. در این سوزمینها، سازمانهای ما از فرد پک با سلوهای حزب کمونیست روسیه همکاری میکنند. در آذربایجان حزب ما و حزب آذربایجان حزب واحدی را تشکیل میدهند.

اکنون به برنامه‌های جد اگاه این اعزام روزیه مبارزه انتقامی در ایران میور ایم. از حزب اتحادیون آغاز میکیم. این حزب چمند سال است که بر ایران سلطدادارد. این حزب برای بیرون وضع اقتصادی اهالی چه کرده است؟ هیچ همکر وده و حرب‌آلقی پارالمانی. علاوه بر این گاه اتفاقی قرارداد [۱۹۱۹] ایران و انگلیس که فروش قطعنی ایران را به راه‌زنان انگلیس فراهم آورد بعده است، در ایران فشار قدرت‌خارجی هرگز بانداز ایک بهنگام زیاد اری ایمن حزب‌حسنه میشند، نبوده است. قدرت‌نظمی نیروهای واند ام‌ها و قزاق و نیز قدرت اداری در دست انگلیسیها قرار داشت. همه حاکمان، روسای ادارات، مأمورین عالی‌ترین و نظیمه یا مستقیماً از طرف سیاست‌چیا و لگرانه انگلیسیها بیوی در ظمرو مالی محسوس بود. سال ۱۹۱۹، نخ پوتند سترلینگ بسباب واردات شتاب بانده اسکامن تا ۲۲ قران تزل پافت. در این زمان دولت انگلستان اسلام داشت

که در آینده از کمک مالی به ایران به این نفع به این نازلی سر باز خواهد زد و نفع اجباری را از قدر پسندی ۶۰ قران تعیین کرد . دولت ایران مجبور شد پوند سترلینگ را به ۱۰ قران بپنداشد ، اگرچه اجبار داشت این کمک را از قرار پوندی ۲۲ قران بصرف برداشت .

بسال ۱۹۱۸-۱۹۱۷ [۱۹۱۷-۱۹۱۸] قسطنی سختی در ایران پیش آمد . انگلیسیها بکمک مالکان ارضی تمام غلات را پیکجا بحضور صدور به افغانستان خربه اری کردند . کشم خواری ۲-۳ تومان ۳۰۰ تومان افزایش قیمت یافت . در برخی مناطق [اهمی] تماماً از گرفتن جان سبودند ، و کسی رزمنده نماند (مناطق مراث ، سراب و فارس بورژوا لطمه دیدند) ، لکن دولت هیچ اقدامی برای کمک به اهالی ننمود .

این واقعه برای دور شدن اقتدار زیادی از مردم از حزب اعتمادالیون کافی بود ، و اکنون هر انسان ، رستگاری در ایران ازین پائید نظر ندارد .

حزب دمکرات نیز قدرت را در دست داشت ، و در چشم مردم بیش از یکباره منافع آنان پشت کرد . جناح چپ این حزب در تبریز قدرت را بدست گرفت و برای مدیریت زیادی مبارزه فعالانه ایرا علیه شاه و انگلیسیها به پیش پسرد . لکن شمارهای آن بسیار بیش و ناروشن اند و بدین دلیل خود بورژوازی با اشتیاق بیشتری به حزب سوسیال دمکرات روی میآورد . این واقعه را این اسر توضیح میدهد که برنامه اقتصادی سوسیال دمکراتها روشنتر است ، و بهر حال این بسویهای حاوی وعده های بیشتری است .

سوسیال دمکراتها ، از ۱۹۱۹ که وضع در روسیه شوروی کنی تثبیت شد ، با بیشتران برنامه اصلاحات نیم پند مد این از احزاب بورژوازی دنبال روی میکنند ، و در میان آنان تمايز روش و وظایف گروههای چیز بچشم میخورد . در پاره ای از شهرها ، مثل در مشهد ، ایلان در تمام کامل با سوزمانها مکونیستی مأکار میکنند .

بدین مان ، کوششده ترین محکمترین و سازمانداره ترین حزب همان حزب کوئیست است . وی در میان کارگران و رهقانان از محبوبیت کلانی برخوردار است . بجز اینکه گفت بشویکاو و اهداف آنان در همه اکاف کشور شناخته شده اند . در کشوری که در آن تمرکز اراضی [در دست زمینه اران] ابعاد رسوائی کنده ای بخود گرفته است ، در کشوری که در آن زمینه اران بزرگ بیش از ۲۰۰۰ ملک با جمعیتی بیش از یک میلیون صاحب هستند (بهعنی با مساحتی باند ازهی بلوک و هند رویهم) تنها شمارهای طبیعی و مزدی میتوانند شمارهای انقلاب ارضی باشند . بیش از نیم از ایران در دست ۱۰ مالک ارضی است .

تنها مبارزه ای تاطهنه بخاطر زمین است که میتواند نه تنها تولد های رهقانی و کارگری را جلب کند ، بلکه همچنین اکثریت خود را کبه و منعکران را که اکنون زندگی وقت باری را سر میکنند و امیدوارند که به برکت مبارزه برای زمین به چیزی برسند . همه این اوضاع و احوال آن وضعیت ایرا پیش میآورد که با [توجه به] خصوص بورژوازی باید اجبارا به انقلاب اجتماعی بدل گردد .

## ۲. سلطانزاده

## ۱ انقلاب در خاودزمین

پیش‌بینی شست دوین کنگره کیتیشن (نشست ساعت ۱۱ صبح برای است رفیق زینو ونیف کشاورزی می‌باید، و بحث پیش‌امون مسئله مستعمرات اراده دارد.)

سلطانزاده - ایران - بین الصل دوم در کنگره‌های خود غالباً مسئله مستعمرات را مطالعه نیمی‌سود و قطعنامه‌های زیادی نیز درباره آن صادر می‌کرد، که هرگز صورت تحقیق بخود نمی‌گرفت، این قطعنامه‌ها غالباً بدون شرکت نمایندگان سوزنیهای عقب‌مانده می‌ورد بحث و تصمیم قرار نمی‌گرفت.

باری، مهتر آنکه هنگامیکه سیال دمکراتیای ایرانی، بس از سرکوب‌انگلستان انقلاب ایران [مشروطه] بدست جلان انگلیس و روس، از پرولتاریای اروپا که در آن روزگار سلطانه بین الطبل دوم نمایندگی می‌شد، طلب‌کنم تهدید، حتی این حق را نیافتد قطعنامه مربوطه را به رای بگذراند.

و اصرار دوین کنگره بین الطبل کوئیست است که این مسئله با شرکت تقریباً کمی نمایندگان سوزنیهای مستعمره و نیمه مستعمره خاور زمین و آمریکا بطور اساس به بحث‌گذاشته می‌شود.

قطعنامه‌های محبوب کیسیسون کاملاً انتظارات توشه‌های زحمتکار این خلق‌ها را برآورده است و بمنابعه محکم در خدمت پیشرفت‌نهضت سویست [شوری] در این کشورها قرار می‌گیرد. در نخستین دید میان اموری پناظر بر سند که در کشورهای واسته و نیمه واسته (قبرس ال و نیمه قبرس ال) از جنبش‌صویست سخن می‌رسد. بالوصفت هنگامیکه با اوضاع و احوال این نوع کشورها توجه کافی می‌دول در ایم هر شگفتی از میان خواهد رفت. رفیق لئن فیلان درباره تجزیهات حزب کوئیست روسیه در ترکستان، بشیرستان و قرقیزستان سخن گفته است. اگر سیستم سویست در این کشورها ناپیویس خوب بدانسته ازه باشد، همین جنبش باید بتواند در ایران یا هند وستان یعنی در کشورهاییکه تأثیرات طبقاتی هر روز قسر می‌گرد، هر چهارما توسعه یابد.

در ۱۸۷۰ تمام این کشورها در زیر سلطه سرمایه داری تجارتی قرار داشتند. اوضاع و احوال کشورهای ساختشو غنیمت شده بود. سیاست استعماری دول بزرگ با تبدیل این ممالک به (بازار) [فسروش] تولید کننده مواد خام صراحت بزرگ اروپا از انتشار صنایع ملی در این کشورها جلوگیری بعمل آورد. واردات اجناس اروپائی به مستعمرات جایگزین صنایع کوچک بوسی این سوزنیهای گشت و منعکران روز بروز بر ارشقرا می‌افزوند.

(۱) همین متن در صفحات ۱-۲۷ جلد پنجم اسناد نیز درج شده است. در این تجدید چایما ازرا با مقابله با ترجمه فرانسه به تکمیل کرده ایم. قسمتیها که در دو ابرو (نشانه شده اند اضافات متن فرانسه اند).  
Compte Rendu Stenog., Le II<sup>e</sup>me Congrès du Komintern  
Moscou-Petrograd, 1920, pages, 168-171

اگر رشد سریع صنایع سرمایه داری در کشورهای اروپا منتهیگان قدم را پیوسته بزد کرد، و بد انان جهانی بینی ای را داد، در خاور این حالت وجود نداشت، و وضعیت کی هزاران بد بخت را وارد ار می‌سازد بازی سایه آمریکا مهاجرت کند. در این کشورهای مستعمره نیمه مستعمره همچین توده های دهقانی وجود دارد که نسبت اوضاع و احوال تقریباً غیر ممکن است زندگی ادامه نمایند. (سراسر خاورزمین زیر ستم بزرگی قطبی قرار دارد.) در سراسر خاورزمین مالیات و کار در درجه اول به شناسن پخشید بخت اهالی تحییل می‌شود. دهقانان تنها وسیله معاش اند و از آنها رو تهبا نامی می‌شوند کان از تندیه گروههای مختلف استشارگران و بازگانان و استبدادگران می‌باشد. درنتیجه این فشاری که بد انان وارد می‌شود این طبقه زخمکش خاور قدر نیست سازمان مستحکم انتقالی ایجاد کند.

پیوارات این واقعیت در میان طبقات حاکم میتوان خواستهای به شماری را مشاهده کرد. متأذی محالف تجارتی ادامه سیاست استعماری دول پیزگ را ایجاب می‌کند، و این دخالت خارجی سوروآزی را منفسر می‌سازد. هنگامیکه روحانیون علیه واردات از کشورهای کافر اعزام می‌کنند وارد کند کان از ایجاد تماش آنان فروگذار نمی‌کند. در میان طبقات حاکم وجود وجد و نهد از دنیوای پسند و جهود راشه باشد.

این واقعیت محیط انتقالی پسز حرارتی را پیدا آورده است، و با توجه به ضعف بوروآزی، توافق ملی بعدی میتواند این کشورها را بد امنیت پس از انقلاب اجتماعی کشاند. اینست بطور کی اوضاع و احوال در غالب کشورهای خاور آیا نباید نتیجه گرفت که سروشوست کوئیسم در سراسر جهان پس از انقلاب اجتماعی در خاور می‌گذرد. اینست که رفیق روی [کوئیست هندی] [با اطمینان میدهند؟ مسلمانه]. رقصای سیاری از ترکستان نیز پایان اشتباه دیگار شده است. درست است که اقدامات سرمایه داری در کشورهای مستعمره روحیت انقلابی را بسیار از می‌سازد، اما این نیز درست است که استشار سرمایه داری درین اشرافیت کارگری در متropole یک روحیه ضد انقلابی ایجاد می‌کند. (با توجه با پایه سرمایه داری تنها بخشن تاجیکی از غارشتر را به اقلیت کوچکی از کارگران [متروپل] می‌بخشد، تنها پراپریتیور می‌گویند انقلاب را برای مدت کمی بتاخیر بیاند ازد.) سرمایه داری آگاهانه می‌کشد از طریق اعطای اشتیار بصورت خرد متفاعل سرمایه داری به برخی از اشتشار کارگری پاتنرا بسوی خود جلب نماید. فرض کنیم که انقلاب کوئیست در هندوستان آغاز شده است. آیا کارگران این کشورها میتوانند بدون کمک یک چنین پیزگ اندانقلابی در انگلستان و اروپا در طلاق حلمه بوروآزی تمام جهان خاومت کنند؟ طبیعتاً نه. سرکوب انقلاب‌دار ایران و چین دلایل و دلتنی بر این صعی است.

اگر انقلابیون ایرانی و ترک رزیبیرهای اسارت انگلیسی‌زورضد را پاره می‌کنند بدین جهت نیست که آنان امریز نیروشد گشته اند، بلکه بدین شب‌باست که غارتگران امپرالیست قدرت خویش را از دست داده اند. انقلابی که در غرب آغاز شد، زمینه وارد ایران و ترکیه آمده ساخته، و به انقلابیون نیز بخشمید.

عصر انقلاب لابجهانی آغاز گشته است. پس از آنکه از اصول اساسی که باید خط راهنمای ما باشد اینستکه حفایت از چنین بوروآزیست که در کشورهای پیمانه باشد تنها در آن کشورهای لازم شرط شود گهنجش شان مراحل مقدماتی را می‌پیماید.

اگر بخواهیم در کشورهاییکه نه سال با پیشتر تجربه پشت سر گذاشته اند بسا  
کشورهاییکه هم اگون مانند ایران [ جمهوری گیلان - ترجم ] قدرت را در دست  
گرفته اند، همان اصل را بکار بینند یعنی، تئیجه ایش جز این تفاهمات بود  
که تهدوه ها را بداین ضد انقلاب برداشیم.  
در مقام مقابله با جنبش‌های بسیار آزادگانیک، مسئله عبارتست از انجام و حفاظت  
از انقلاب و قیقا کوئیستی . هر از زبان دیگری از این واقعیت میتواند نتایج  
تاسف‌انگیزی به‌دار آورد .

( ترجمه از متن آلمانی و فرانسه  
سیم شین ، و د . ل )

## گزارش تشكیل نخستین کنگره حزب کمونیست ایران در آنسزلی<sup>۱</sup>

در ۲۳ رویه ۱۹۲۰ نخستین کنگره حزب کمونیست ایران در شهر انزلی گشایش یافت. این روز نه تنها برای جنبش انقلابی ایران بلکه همچنین برای تمام خاور زمین نقطه عطف تاریخی است. چهل و هشت نفر نایابد علی رغم همه دسایس جا سوسان انگلیس از نقاط مختلف ایران در انزلی گرد آمده بودند که در بین آنان نمایندگان کمونیستهای ایرانی مقیم ترکستان و قفقاز حضور داشتند. برخور جدی با تمام مسائل مورد بحث، اتفاق نظر کامل، و موضعگیری آگاهانه در زمینه انتخابات نشان داد که سرنوشت رهانی ایران در دستهای مطمئن و قابلی قرار ندارد. نمایندگان بطور عده از بین کارگران و دهقانان بودند. نقش روشنگران در کنگره برجسته نبود، اگرچه اکثر نمایندگان بین ۱۰ تا ۱۵ سال در جنبش انقلابی ایران شرکت جسته اند.

کارگران ایرانی مقیم باکو حتی در سال ۱۹۱۴ با شرکت درتظاهرات جوشان خد جنگ امپریالیستی کام بعید اند گذاشتند. در سال ۱۹۱۶ کارگران انقلابی ایران از حزب سوسیال دموکرات جدا شده و مدت طولانی در بین توده‌ی بولوتی شهرباکو که اکثر کارگران ایرانی بودند مستقلان بکار پرداختند. پس از انقلاب فوریه (۱۹۱۷) این گروه رشد یافته و نفوذ آن در میان توده‌ی کارگری افزایش پیدا کرد. در عین حال کاربرگی در خود ایران انجام میگرفت و اغلب بهترین کارگران برای تبلیغ و سازماندهی بد انجا فرستاد میشدند. بسیاری از آنان هم اکون در زندانهای تهران، تبریز، قزوین و شهرهای دیگر زندانی اند. بسیاری را انگلیسیها با بهندوستان تبعید کرده یا برآختن تیرباران کرده اند. سال گذشته در رشت یکی از بهترین رهبران ما رفیق غفار زاده، الهام رهنده و سازمانده هنده بزرگ حزب کمونیست ایران را خاتمانه تیرباران کردند. دو ماه پیش بهنگام اشغال شهر اردبیل از طرف گروه انقلابی ایران، ۱۷ نفر از رفقاء فعال ما از زندان آزاد شدند. چندین نز این رفاقت در حدود یکسال در زندان پسوند بودند.

هیچ نمایش بزرگ کارگری در باکو نبوده که حزب ما فعالاند. آن شرکت تجسس‌هاشد در سختیرن روزهای ارتجاع، حزب کمونیست ایران بیش از ۲۰ هزار عضو در سازمانهای مخفی خود داشته است. دو ماه پیش نام تنوییس را ورش سرخ ایران [نهضت جنگل - مترجم] یا آغاز کردیم، تهدی در اوطلبین آنقدر عظیم بود که ما ناجا نامنویسی را متوقف ساختیم، زیرا از نظر حقیقی این امکان را نداشتیم که همه داوطلبین را باندازه کافی آماده سازیم.

کنگره تصویب کرد که نام قدیمی "حدالت" به نام جزب کمونیست ایران تبدیل گردد. بلاغاصله پس از برگزاری کنگره ترکیب جدید کهیه مرکزی تصمیم گرفت که هر عضو کهیه مرکزی بدت ۲ الی ۳ ماه در استانهایی که هنوز در اشغال امپریالیستی انگلیس است بکار مخفی بپردازد. یکمینه پس از تنوییس این قرار، شش نفر از اعضای کهیه مرکزی برای انجام وظیفه غریبیت کردند.

۱ این گزارش از متن آلمانی منتشره در مجله ماهانه "انترباسیونال کمونیست" ارگان کمیتهن شماره ۱۳ بفارسی برگردانده شده است. بخشی از این متن در مجله دنیا (سال هشتم شماره ۲) نیز آمده است. ما آن قسمتهایی که در مجله دنیا زیر (۰۰۰) حذف شده اند یا بدون نقطه چینی کار گذاشته شده اند را با علامت — بر جسته میکیم

در حال حاضر فعالیت شدیدی در جهت سازماندهی و ساختمن حزب صورت میکند . ذیمه های حزبی که توسط عوامل انگلیسی مختلف گشته اند ، بنت ریج احیا خواهد شد . پیوند بین مرکز و محلات از نو برقرار خواهد شد . حزب ما بودیه از هم دری افراد ارشنی - یعنی افراد زانه ازم و ترقی - برخورد از استدای این نباید موجب اشتباہ گرد . و این تراقبها و زانه ارمها را نباید با معادل روسی آنان مقایسه نمود . ریشه طبقاتی تراقان و گروههای وابد ارم ایرانی غالباً دهقانی است و بیشتر از دهقانان فقیر و بی زمین . لذا این افراد برای سازمان ما قابلیت جذب سریع دارند . بحساب تقریبی ما در ایران تاره هزار عضو ایریم که در سول سرکنور بخش اند .

ما علاوه بر کار در ایران ، فعالیت وسیعی در بین کارگران ایرانی مقیم آذریاچان (شوری) د افغانستان و ترکستان انجام میدهیم . ما با سازمان دادن کارگران ایرانی در این سرزمینها یک هدف دوگانه را دنبال میکنیم : از یکسو از طریق کلاس های حزبی همکار فعال تربیت میکنیم و از سوی دیگر اوطلبین را بسوی خود جلب میکنیم و لعنه ای حزبی را برای مقاصد نظامی بسیج میکنیم . در این سرزمینها ، سازمانهای ما از نزد یک با سازمانهای کمونیست روسیه همکاری دارند .

حزب کمونیست ایران شفتش تعیین گشته را در جنبش انقلابی ایران ایفا خواهد نمود .

#### سلطان زاده .....

توضیح مترجمم : این مقاله بینانهای روس ، فرانسه و انگلیس و آلمانی در نشریه "انترناسیونال کمونیست" منتشر شد . در مورد تاریخ برگزاری این کنگره که در متن نامبره ۲۳ واقعیه آمده است اینرا باشد گفت که درست نیست ، در این مورد نگاه کنید به سر سخن این مجلد . دلک

E' Internationale Communiste ( No 13, Septembre - 1920 )      The  
Communist International ( No 13 ? 14 ? ; pages 104-5, 1920 ); Die Kom-  
munistische Internationale ( No 13, 1920 )

## رویدادهای خا ور نزدیک

انقلاب ارمنستان و گسترش حکومت شوروها تا حوالی مرزهای ایران و ترکیه، نقشه های پانک اران فرانسوی را بکنی بهم ریخته [ دولتهاي ] آنたانت بزودی مجبور خواهند گشت در سیاست غارنگرهای خود کوتاه بپایند. معاهده‌ی سیسیلو<sup>۱</sup> که هدفتش تجزیه و چاول ترکیه نویسندگانه داران غرب بود، بدین تردید مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت. این نظر را نیز حواله یونان و سقط ونسیلو<sup>۲</sup> ( VENEZELOS ) تایید میکند و تنازع انتخابات [ یونان ] گواهی است برخوب میتواند های مردم علیه سیاست [ دولتهاي ] آنたانت که کشور ایشان را بجنگ علیه کالیسون کشانیدند.

بدین ترتیب، غارنگران غرب در آن واحد دو سک پاسبان و فوار از خود، و نیزیلو<sup>۳</sup> و اشناکها<sup>(۵)</sup> را از دست دادند. روپند رخدادها اینان را مجبور می‌سازد که با ملیون تر که به توافق برسند و بدبین قصد که نه تنها آنانرا از روسیه شوروی جدا نمایند، بلکه همچنین بدین مشظور که اسلحه آنان را علیمه ما بکار گیرند. اگر تا پیش از جنگ وجود ترکیه تعادل بین دو ائتلاف امیرالیستی را تضمین می‌ساخت، امروز برای تضمین همین تعادل بین کوئیسم رشد یابند و سرمایه را ری می‌سرند و وجود ترکیه هنوز ضروری است. بدین لیل است که آنたانت امتیازات عظیم را خواهند پنهان نمی‌فرفت. افزون بر این، مطالبات ملیون ترک گراف نیست. اینان شرایط زیرین را بدولت دست نشانده آناتات در قطب‌نمی پیشیدار می‌کنند: تخلیه آدریانپول، افسیر، تغیر در مواد مالی و اقتصادی معاهده [ سور ]، لغو کاپتوس سیسیون عضویت، و تشکیل کابینه‌ای که مورد اعتماد مردم باشد، سلطان ترکیه صحیح و سالم می‌ماند، و این امریست که قبل از هر چیز مورد نظر آناتانت است.

سرمایه داران فرانسوی بدنیکی می‌انند که سایر مواد معاهده نیز در غالب موارد به بوته فرانوشی سپرده خواهند شد. امتیازاتی که کالیسون در این مورد کسب می‌کنند، هرچه باشد، کمتر از پیش در جنگ بورژوازی لندن و پاریس خواهند بود. و اینست سرنوشت تمام خلق‌های ایکگرد در دند و دوستی با خود رهای امیرالیستی بزنندگی اد اسسه دهند.

حاجت یافتن ندارد که جنین وضعی نمیتواند برای تمام محاذل ترک ارض<sup>۴</sup> کنده باشد. جناح چپا مجله‌ملی آنکارا هر نوع معاهده با آناتانت را قاطعانه می‌رود و راست است. آرایش اجتماعی [ طبقاتی ] این جنام چیباز دهقانان و خرد بورژوازیست. دهقانان بیش از هر طبقه دیگر طبقه جنگ و نیز کمیدند.

• Les Evénement en Proche Orient, Bulletin Communiste, No. 4, 27 Jan. 1921  
 (۵) حزب ادینک اتحاد سوسیالیستها و خرد بورژوازی ارامنه بود که تاریخ نخست‌نشده کوئی فعالیت متفق نداشت. پس ازین دهه است که راه ضد انقلاب و اور پیش گرفتو مثلا در ایران در روز یافحیزب سوهکا بود.

زیسترا این طبقه بود که علاوه بر بیگاری، جبیر بود اسب و حیوانات با رکن حمل و نقل ارتش را تامین سازد. پشکرانهای محاصره، که به تعطیل تغیریا کامل تجارت انجامید، خود بورژوآزی شهری ضمیمه گشتند. بدین ترتیب استکه این طبقه تکری اتفاقیان نزدی را در آمد.

این قطعنی است که سرمایه داران فرانسوی بسختی موقع خواهند شد ملیون ترک را بجنگ علیه روسیه بر انگشتند. خاطره غارنگری هائیسکه خلق ترک خسرو بدانها دچار گشت، هنوز تاریخ است. این فرضیه بهر حال هنوز فرضیه است مرد. ترکیه ایکه در اثر جنگهای مد ام حتی بیشتر از روسیه صدمه دیده است، از شرکت در چنین اتفاق ماجراجویانه ای سیاست خواهد دارد.

انکه اف شطقو اتفاقات جهانی آنچنان است که جنبشی آزادگرانه کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره در مرحله نخستین تبارز خود علیه امپرالیسم میباشد بطور اجتناب ناپذیر بر توافق با روسیه شوروی یعنی تنها بد افع خلقهای سنتدیده علیه سیاست پیغامگرانه سرمایه داران او امپرالیست کام بود ازد.

لکن در آینده ضرورتا تغییرات تمام عیاری پدید خواهد گشت. طبقات دارا که امروز در راس اتفاقهای ملی قرار دارند، پس از کسب استقلال نسی، بزودی مجبور خواهند گشتند از تقادهای طبقاتی با قدرتی امپرالیستی، یعنی با کسانیکه با شدت سیار علیه شان چنگیده اند، دست اتحاد دهند. افزون بر این، برای یک ملک عقب افتاده سیار دشوار خواهد خود را از کک کشورهای امپرالیستی بی نیاز سازد. حال همینکه این اتحاد برقرار گشت، این کشورها کاملاً زیر نفوذ امپرالیستها قرار میگیرند و به ابزار کویی در دست آنان بدل میگردند.

علاوه بر اینها، در دوران میازدات پس از حرارت طبقاتی، حتی اتفاقاتی که با میتواند بورژوآزی ملی کشور های مستعمره و نیمه مستعمره را ازد کند.

از سوی دیگر، تقاد طبقاتی در رون کشورهای متربیل هر چه رشد یابنده تر باشد، بورژوآزی امپرالیست پامیازات پیشتری در مستعمرات تن در خواهد داد، بیوی بکسانیکه خود را بیک اتفاق استعمراء [ضد امپرالیستی و نه سوسیالیستی] محدود میگذاردند که پیمانه اقتصادی و حمل مواد اولیه مورد احتیاج متربیل لطمه عمیق وارد نمیازد. بدین دلیل است که ما فکر میکیم که آنات امیازات عظیمن را [به ترکیه] اعطای خواهد کرد، و مطالبات کمالیون بجز در موارد غیر ممکن برآورده خواهد شد. شبح اتفاقات جهان امپرالیستهای را آن حد به راه رساند اشته است که برای حفظ جامعه بورژوآزی بهمچ رشایت خواهد دارد. ولی این شبح تنها امپرالیستهای را بو حشمت نیاند اخته است. این شبح همه جهان سرمایه داری را بلزه اند اخته است. هرچه جنیش کمونیست بیشتر اندکاف میباشد بر تقاد طبقاتی نیز بیشتر افزوده میگردد و بورژوآزی جهانی نیز متوجه میگردد. همین امر است که آرزوی طبقات ممتاز دارا در کشورهای عقب افتاده (ایران، گرجستان، اوستان، وغیره) را دایر بر تاییل به حفظ نشاید و سرانه با آنات روش میازد؛ اینان در دوسته سی با آنات است، همایت جامعه سرمایه داری را میچوینند. تحول میازده طبقاتی در آینده بورژوآزی حتی در کشورهای مستعمره را واد از خواهد ساخت که از هر گونه نظر اتفاقی راست بشویسد.

پرولتاریای ظفرشند غرب در سیاری از این کشورها در شخصیت بورژوآزی محلی و بورژوآزی غیری که از اتفاقات اجتماعی گریخته است ضد اتفاق [وانده Vendé] را خواهد یافت.

سرمایه داری میزرسد، بهر آنکه این متول میشود تا مرگ خود را بتمویق بیاند اور پیشریت حالاتی این مرحله تاریخ خود را میگردند. در میدان میازده طبقاتی دنیوی عظیم در مقابل هم ایستاده اند و هر یک از دلیستگی و امیدهای یک طبقه در این جهان بروخورد ار است. بانک اران پاریس با خواست تجدید نظر در معاهده سور بسود ترکیه کار نمیکشد مگر بر ملا ساختن ناتوانی نام اریان پیشمن

جهان . و امیرالیسم باختی بمنظور مبارزه امیدوار کننده علمیه کوئیسم رشد یابنده ناچار است تدریجا دست آوردهای پیروز هائی را که با آن همه مرارت کسب کرده نفس سازد .

### آ\_سلطانزاده

( ترجمه از فرانسه ، ل . د . )

## از گواری نخستین کنگره حزب کمونیست ایران \*

(خلاصه اظهارات رفیق سلطانزاده)

### در نشست افتتاحیه

[رفیق سلطانزاده، نماینده ایرانیان مقسم ترکستان] ... اخیراً کار تشکیلانی حزب محمد است  
در ترکستان در فوریه [۱۹۲۰] آغاز گشت. پس از اینکه ما با رفاقت علیخانف و فتح  
علیزاده و فتح الله زاده [ملقات بعمل آوردیم، در صدر برآمدیم که در سراسر ترکستان عده کثیری  
ایران مترکیز سازیم. از برآورده ما این جنین نتیجه میشود که در شهرها ایجاد کنی  
ایرانی گونه برآورده هستند و در میان آنان در حدود صد هزار کارگری که باید بدor حزب کو  
نیست "عدالت" مجتمع گردند.

بدین منظور سازمان [ما] در ترکستان در ۴۵ محله ارگانهای کمک ایجاد کرده است؛ در شهرها  
روستاها، همه جا کمیته های حزبی تأسیس شده اند.

در اوایل امسال، [۱۹۲۰] در تاشکند نخستین کفرانس حزب برگزار گردید که در آن در حدود ۷ هزار  
کمونیست سازماندار شده نماینده را داشتند. حتی قبل از برگزاری این کفرانس، سازماندهی یک ارتش  
مرخ ایرانی در تمام مناطق آغاز گشت.

[این قسم از نطق رفیق سلطانزاده با این جمله تمام میشود که قطعاً اشتباه جایی دارد و قابل برگرداندن  
پفارسی نیست: Wenn heute Niesched, dieser Herd der Gegenrevolution, von uns Konferenz war mit der Organisierung einer persischen Roten Armee aller Waffengattungen begonnen worden.

### در نشست دوم

گزارش هنده [سلطانزاده] به وضعیت کشور اشاره میکند [و میافزاید] اگر بودجه ایران را ۳۶  
میلیون روبل (ترخ چشم) در نظر بگیریم، [نیمه خواهد شد] این کل در آمد حکومتی که از رهای  
نان قبیر بدست میآید چگونه بدست خواصش آه به در راه میشود.

از سوی دیگر، [غروت های] ایران توسط سرمایه اران خارجی که بسود خویش هرگونه ابتکار را در  
کشور خود میسازند، پیغامبر میبورد؛ یک جنین وضعی در میان اهالی روحیه انقلابی ایجاد میکند و وظیله  
رهبر [آن] را تعبین میسازد. [سپس سخنران به روحیه های حاکم در میان مردم پرداخته میگرد]،  
اگر تعداد اهالی ایران ۱۵ میلیون تخمین زده شود، یک میلیون آنرا بسید ها و روحانیون تشکیل  
میهند؛ تقریباً ۳ میلیون را ایلات؛ میلیون را تجار و کسبه، که در امر تولید نیز سهمی ندارند؛ و  
میلیون مانده را دهستان و صنعتگران که علا خوراک کل اهالی ایران را تامین میسازند.

جمعیت فعال کسوز در تولید ۸ میلیون است که ارزش اضافی از [کار] آنان استخراج میشود و ما باید  
خود را بر آنان متکی سازیم.

وضعیت و تاخدا پیده هفتمان از یکسو و رابطه ای مستمر با بولتار یا باکو از سوی دیگر زمینه کاملاً  
\*\* ترجیه کوتاه شده ای ازین گزارش که ازان مان فقط بخش سخنرانیهای سلطانزاده را در اینجا منتشر  
میکند در مجله "ترنیا" (سال ۸، شماره ۲۰) تجزیه آمده است؛ بنگاه کید به جلد یک ایضاً جشن کومنیستی ۰۰۰  
صفحه ۶۷؛ ماتن کامل این گزارش را در جلد پنجم اسناد منتشر خواهیم ساخت. اصل سنده در صفحات  
۲۲۵-۲۲۵ شماره ۴، سال ۱۹۲۱ مجله "بین الملل کومنیستی" Die Kommunistische Internationale ۹۱

- مساعدی برای کار انقلابی فراهم می‌آورد .
- در حال حاضر ، در ایران [ وضعیت ] انقلابی وجود ندارد ، زیرا توده ها بطور کنی در جنبش انقلابی شرکت نمی‌جوینند . شعار هاییک اگر باشد بسود انقلاب عنوان ساخت عبارتند از :
- ۱- مبارزه علیه انگلستان ،
  - ۲- مبارزه علیه دولتشاه ،
  - ۳- مبارزه علیه خانها و زمیند اران بزرگ ، و حتی اگر یکی ازین شعارها کارگذاشته شود ، انقلاب در ایران به پیروزی تخواهد رسید .

توضیح — در متن فرانسه همین مقاله بخش نامهموم آلمانی بشرح زیر آمده است:

(( قابل ملاحظه است که شکرانه همین ارتضی سرخ [ ایران ] بود که ما توانستیم بر منشید ، این مرکز ضد انقلاب مسلط گردیم )) متعیع — انتربنایونالیست کونیست ( فرانسه ) شماره ۱۴ ، نوامبر ۱۹۲۱ ، صفحات ۶۸-۶۹ .

ترجمه از آلمانی ، دک

## وضع اقتصادی در ایوان و حزب کمو نیست ایوان \*

ایران یکی از کشورهای ثروتمند خاور زمین است، ولی رقبات جنایتکارانه ایکه بین اندگستان و روسیه تزاری باشد ادامه داشت، وی را در وضع اقتصادی بینها برتر دوستی دارد. سیاست استعماری این دو قدردانه تسبیح اندکاف صنایع پلی را مانع میکشست، بلکه واردات تولیدات صنعتی ارزان قیمت ازین کشورها، موسسات کوچک صنعتی داخلی را که در گذشته اندکاف قابل ملاحظه ای داشتند، نیز به ویرانی میکشانند.

در نتیجه رقبات نابرابر تولید اتسون (مانوفاکتوری) و تولیدات صنعتی، صد ها و هزاران پیشه ور و تولید کننده خوده پایی گرسنه محکوم به بیکاری، گدازی و مرگ گردیدند. آنان با قلی آنده از ورخ میهن خود را ترک میگفتند و بزرگ آسمان کشورهای دیگر - ترکستان، قرقاز، باکو، آمریکا وغیره - مناطقی که وضعی بخشندۀ تسری داشتند، پنهان میبرندند. دهها هزار دهقان نیز که تحت استشار و خود کاملگی شدید مالکی ارضی و حکام شاه رانده میشوند، مجبور به مهاجرت گردیدند، و با پیوستن به آنانیکه پیش از ایشان بار سفر بسته بودند، به بهای عرق و خون خویش برای کشورهای خارجی ثروت میآوردند. چنین است سرنوشت تمام کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره.

جنگ [جهانی اول] و انقلاب روسیه تا حدودی اوضاع را تغییر داد. کمیاب شدن تولیدات مانوفاکتوری ضروری، فعالیت محدود صنایع کوچک محلی را موجب گشتند، در نقاطی چند از شمال ایران، تولید اشیاء مختلف توسط اهالی محل آغاز شد. حتی در جنوب که اندکیسیها هنوز مخصوصاً صنعتی خود را وارد میکردند صنایع محلی با موقوفیت آغاز بانکشاف نمودند. تولید کننده کوچک که در عین حال مالک کوچک نیز هست، وارد عمل میگردد؛ وی ازینکه زیر پوغ اقتصادی خارجی است بعیقاً متفرق است. ماد امیکه صنایع بزرگ ملی اندکاف نسبتاً قابل ملاحظه ای نیافته اند، تولیدات محلی و فردی از خود نسبت به سرمایه داری اروپائی مخالف مصانعه ای را بروز خواهد داد.

امیرالیستهای انگلیس در ایران نه روی بورزوآری تکیه میکنند و نه بر تولید کنندگان خوده پا آنان نمیروند خود را در میان اشرافیت ثروتنده مالک زمین، که شاید در شرق منفور ترین کاسته هاست، میباشد. سه هزار مالک ارضی تقیباً قبول [کازی قبول] سه چهارم زمینهای زرگوی کشور ما را در دست رانده بیش از ۲ میلیون دهقان تحت بیوگان منفور بورزوآری انگلیسیونج میبرند. این بورزوآری همراه با انگل های بسوی، که توسط اطیحضرت شاهنشاه ایران حمایت میشوند، شدیداً مورد نفرت ستدید کان قرار ازدند. بعلت عقب ماندگی اقتصادی، نمیروی کارگری در ایران بسیار ضعیف است. این امر بویژه در ایالات متحده صادق است، که در آنها گاه و بیگانه به کارگاهها یا کارخانه ای برخورد میکیم که بیشتر از ۱۰۰ کارگر ندارند. در جنوب وضع از نقطه نظر کمی بهتر است، در موسسات نتفی جنوب، که در دست تراست اندکیس ایرانی است، مدیست و پنجاه هزار کارگر در ۷ یا ۸ گروه اصلی، از جمله در مناطق سلیمانیه

\* این مقاله سلطانزاده در دو نشریه زیر بنیان فرانسه منتشر گشت: ۱- "بولننس کمونیست"، شماره ۲۱۰۳ (روئیه ۱۹۲۱) (اینجا عنوان مقاله "ایران" است) ۲- "مسکو" ارگان سومین کمگه بین العلل کمونیست، شماره ۹۰۳۷ (روئیه ۱۹۲۱)

Народный комиссариат по делам национальностей.

# Всероссийская научная Ассоциация Востоковедения

Серия политico-экономическая, под редакцией М. Павловича.

کمیسازیای خلقی امرو ملیتھا  
انجمن علمی خاور شناسی سو اصوی روجمہ - سوی  
سیاسی اقتصادی - دبیری مشنول . میا ولودیج  
*A. Султан Заде.*  
آ. سلطان نژاده

# СОВРЕМЕННАЯ А.И.САМАДОВ ПЕРСИЯ.



1922

مسکو

بفارسی ترجمه اندوسو  
طه ن

МОСКВА

## ЛИТЕРАТУРА.

- Бартольд „Историко-географический обзор Ирана“. Петр. 1913 г.  
■ Е. Ильин „Персия накануне конституции“. Моск. 1908 г.  
■ М. Павлович „Экономическое положение и аграрный вопрос в Персии“ II изд. Моск. 1921 г.  
Его же „Империализм и борьба за великие железно-дорожные и морские пути“ т. II. (см. Борьба за Среднюю Азию).  
■ А. Берар „Персия и Персидская Смута“. 1912 г.  
Дирпет „Магомет Али Шах и Совр. Персия“. 1909 г.  
■ Гер-Гунисов „Экономические интересы России в Персии“. Петр. 1915 г.  
П. Риттих „Политико-Статистический очерк Персии“. Петр. 1898 г.  
Мисль-Рустем „Персия при Наср-Эл-Дин Шахе“. 1909 г.  
Собицкин „Персия“ Статистико-Экономич обзор 1913 г.  
■ А. Л. Томара „Экономическое положение Персии“. Петр. 1895 г.  
Сборник Средне-азиатского отдела быв. общества Востоковедения вып. I под редакцией П. А. Риттиха. Петр. 1907 г.  
Н. Эврудный „Экскурсия по Восточной Персии“. Петр. 1909 г.  
Л. Тигренок „Из общественно-эконом. отечествий в Персии“. П. 1920 г.  
Я. Султан-Заде „Экономика и проблемы национальных революций в странах ближнего и дальнего Востока“. Моск. Госизд. 1922 г.  
Архив быв. Министерства Иностранных дел: отдельные издания посвященные Персии.  
J. Grunfield „Die Verfassung des persischen Staates“. Berlin 1904 г.  
Dr. Walter Schwels „Die Turkisch-persischen Erdöl Vorkommen“ Hamburg. L. Friederichsen—Co.  
Wilhelm Litten „Persien von der penetration pacifique zum Protektorat von 1860—1916 г.“  
Prof. Dr. Th. Jaeger „Persien und die Persische Frage“. Mit einer neuer Karte von Persien.  
Otto Blau „Commerzielle Zustände Persiens“. 1913 г.  
Ernst Diez „Wirtschaftliche Verhältnisse im nordöstlichen Persien. 1913 г.  
Otto Baumen „Untersuchungen über die Hilfsquellen und Bevölkerungsverhältnisse von Persien“. 1800 г.  
Georg Brandes „Das Verbrechen Englands und Russlands an Persien“. 1918 г.  
Heinrich Jakoby „Über den Teppichhandel in Persien und Deutschlands Beteiligung daran“. 1919 г.  
„Englische Dokumente zur Erdrosselung Persiens“. Mit 20 Faksimiles englischer geheimdokumente aus den Jahren 1914—1916.  
„Statistique commerciale de la Perse“. Tableau general du commerce avec les pays étrangers. Ежегодник изд. таможенной администрацией в Тегеране.  
Revue Agrikole et commerciale. Ежемесячный орган министерств: торговли, земледелия и общественных работ, изд. в Тегеране.  
На персидском языке рекомендуем „Гендш-и-Шанкам“, где приведен богатый материал по экономическому положению Персии, изд. Берлин 1919 г., автор этой книги—Магомет-али Цемал-Заде.  
Мы здесь привели только тех авторов и те книги, которые трактуют вопросы, затронутые в настоящей брошюре. Произведения же исторического или религиозно-философского характера мы оставили в стороне.

شیوه‌نشیر، صحراء [خرشید] و خیزه بکار استعمال داشت.

در این اوضاع وحوال روشن است که حزب کمونیست ایران نمیتواند به حزبی تواند ای بدل گردد و در این جهت هم کوشش نمیکند. حزب سعی را دارد آگاه ترین عناصر را از میان طبقه کارگر، کارگران و منعمکران بخود جلب کند، آنان را تحت اصول و پروگرام ملک کمونیست متشکل سازد و تربیت کند، و بعوارات آن در شهرها سندیکا و در روستاهای اتحادیه های زمینکشان را بوجود آورد.

پس از کنگره ما که در ۲۳ دویین ۱۹۲۰ در انزلی [پهلوی] برگزار گردید، کمیته مرکزی ما تحت شرایط بسیار دشوار کوشش واقعاً وسیعی برای سازماندهی نمود؛ اما اکون، کمیته ایالتی، و تعداد زیادی کمیته سه شهرستان که جمعاً دارای ۴۰۰۰ عضو است، تشکیل نداده ایست. سال گذشته تعداد اعضای حزب هر دوی بیشتر بود، ولی بسبب تحрیکات پیک گروه ماجراجوی و فعالیت ترویجی و تبلیغاتی ما در پاره ای مناطق متوقف گشت و انتشار "کمونیست"، ارگان رسمی کمیته مرکزی، هدفی دچار وقفه گردید. با این همه ما موفق شده ایم ۴۱۵ کارگر و بیشه و روا در اتحادیه های کارگری متشکل سازیم.

حزب کمونیست ایران از وضع تبیه - قنود الی که باید در آن فعالیت کند آگاه است؟ با توجه باهمیت متناسب آرایش طبقاتی در کشور ما، جاییکه امپریالیستهای انگلیسی در اتحاد با اشرافیت زمیندار، تمام اقشار مردم را استشار میکنند، حزب در برنامه حداقل خود در در ریشه اول سرتیگون ساختن شورت شاهان و مالکین ارضی و رها ساختن ایران از پیغ اقتصادی سیاست راهزنان انگلیسی را مسد نظر قرار داده است. ما خواهان استقرار آنچنان رژیمی هستیم که امکان انکشاف و تبلیغات کمونیستی را بیزبان وسیعی فراهم سازد. ما کاملاً مطمئن هستیم که این امر را کشور عقب مانده ای جسون ایران، تنها وسیله ایست که میتواند با انکشاف انقلاب جهانی کم کند - انقلابیکه امکان رهایی قطعی خلقهاست متدیده را از استشار سرمایه داری فراهم خواهد آورد.

### ۱- سلطانزاده

## پیشگفتار

مواد از نوشته حاضر توصیف قصده جوانب عده زندگی ایران و در ضمن عطف توجه خوانندگان بحواله ثجاري است

ماخذ لازم برای تکارش این نوشته در جریان سافرت اخیر ما به ایران (سپتامبر - دسامبر سال ۱۹۲۱) گرد آوری شد . در ضمن به مسئله ارضی توجه خاصی معطوف گردید زیرا این مسئله تا کون کمتر از عده سائل مورد تحقیق قرار گرفته است . غیر از ماخذ کمی ، ما در نواحی مختلف ایران با خود در هفقاتان مصاحبات طولانی بعمل آوردیم و آنها بی ریا در باره آن شرایط طاقت فرسای ناشی از خود کامگی بیسابقه ملکان برای ما صحبت داشتند . متأسفانه بعلت تعزیمت فوری ما از تهران ، میسر نگشت قسمتی از استاد و مد ارک وزارت مالیه در باره تعداد املاک بزرگ را که مشمول مالیات های دولتی هستند ، با خود بیاوریم .

با تمام این اوصاف ما تصور میکیم که نوشته حاضر بتواند خدمتی به کلیه آنکه مانی باشد که مایلند با واقعیت زندگی امروز ایران آشنا شوند . گنجایش صد و نو شده بما امکان ندارد که روی مسائل مورد بحث ما با تفصیل بیشتری تأمل کیم ؛ از این رو باره ای مسائل از طرف ما بکی مطرح نگردید یا فقط به آنها اشاره ای رفته است .

سلطان رازم

مسکو ۲۱ روئی سال ۱۹۲۲

## ۱ - نظام سیاسی

تاریخ ایران تحدت قوانینی اداره میشد که از عهد خشایارشا و داریوش بعیراث مانده و با مقادیر زیادی قواعد و رسوم اسلامی آمیخته شده بود . هر حاکم در قلمروی ارض خود فرمانروای مطلق و خرد سلطانی بود . وی منصب خود را اجاره میکرد و در ازای آن به شاهنشاه و وزیر اعظم پیشکشیزگ (هدیه) پس بعیارت درست نموده (رشوه) تقدیم میکرد . وی تمام مشاغل کوچک ایالت‌ها را با جاره میداد و بدین سان مبالغ هنگفتی معادل با چند برابر آنچه که به تهران حواله میکرد بدست میآورد . امیت جانی و مالی اهالی بهمچ وجه از تعدادی خود سری حاکم در امان نبود . حاکم میتوانست هر وقت هر کسی را که میخواست حبس و محکمه کند ، بد اربکند و اموالش را بخطب نماید . و تمام این خود سری ها بالاکفیمه اند بویژه هنگامی که او بخش از اموال غارقی را با کسی از دلتنداد درباری تقسیم میکرد .

ولی حاکم نه تنها از راه فروشنده و اخذ رشه و ضبط اموال ، بلکه از محل جمع آوری مالیات‌ها و دولتی ، و اگر اری مستمری و برداخت مواجب سپاهی و غیره عواید رسشارد اشتند . اگر حاکم ، فردی زرتشگ و کاره ای بود ، آنوقت میتوانست بزرگترین درآمد را از ازتش بست آورد . طبق قوانین یکسر "عیت" مجبور بود که در ارتضی خدمت کند . ضمناً اداره "میزی" در مرور خدمت‌نظام اجباری نیز بمانند مالیات‌جنن ، از پیش‌تعیین میکرد که هر قریه برای دروره جدید چند نفر سپاهی باید تحويل دهد . ارتضیه از افرادی از تمام سنین - از سن ۱۵ تا ۲۰ سال - تشکیل میشد . هر سپاهی که ناشد رواحد مفوضیت‌شده از حاکم مسکن ، پوشان ، خوارک و مواجب میگرفت . ارتضیه‌مان صلح روی کافه از ۱۰۰۰ نفر بیاند ، در دو توپیچ و گردان مهندسین تشکیل میشد . و واحد‌های سوار نظام را عشایر و ایلات تشکیل میدادند . در دو ران چند تعداد نفرات ارتضیه میباشد . ولی بین از نیم قرن بود که جنگی رخ نداده بود ؛ کادرهای نظامی در وطن صلح فقط روی کافه وجود داشتند و در حقیقت ارتضیه به بهترین منبع در آمد برای حکام بدل گشته بود . آنان در مقابله دریافت پول کلان ، خانوارها و دهاتی را تماماً از خدمت نظام اجباری محفوظ نمودند . برعکس از سپاهیان را برای مدت‌نامعلومی بصرخون میفرستادند . غالباً اوایل آن بخش‌های از مواجب سپاهیان و ایاق و حتی تجهیزات را بنفع خود تصاحب میکردند و بعوض ۱۰۰ نفر سپاهی موجود ، صورتحساب مخارج ۱۰۰۰-۱۴۰۰ نفر را بد و لست‌غرضه میداشتند . بدین ترتیب فساد و چیاول خزانه در سراسر کشور حد و حصری نداشت . بر هر کسی روش بود که چنین ترتیبی نمیتوانسته باشد .

در سال ۱۹۰۶ ، مظفرالدین شاه تحت تأثیر انقلاب روسیه و زیر فشار مالی که چند سال متولی اداره یافته بود ، تعمیم گرفت سنت چند حد ساله را بشکند و برای برقراری صلح و آرامش در مملکت و تشبیه و استحکام مبانی دولت ، تشکیل مجلس را در (اوتسال ۱۹۰۶) [۴] خرد ارد مقرر فرماید تا شاید گان مملکت ، شاهزاده ها ، علمای اعلام ، اشراف و اهالی محترم - بزرگران و تجار و الخ بتوانند حواب و نظریات خود را در آن مجلس بیان نارند . در سپتامبر سال ۱۹۰۷ مجلس شاه را وارد ساخت که "تمام قانون اساسی" را تصویب‌نماید و این در واقع‌همان قانون اساسی بود که جایگزین فرمان "معدلت بنیان" مظفرالدین شاه برعایای خود گردید . اصل ۲۶ تمام قانون اساسی اعلام میدارد . قوای مملکت ناشی از ملت است "؛ اصل ۴، "وزرا" دولتمر هر سه گونه امور مستول مجلسین هستند"؛ اصل های ۴۷ و ۴۸ "قوای مملکت به سه شعبه تجزیه میشود: قوه" مقننه ، قوه" قضائیه ، قوه" اجرائیه . قوای ثلاثة مذبور همیشه از یکدیگر مستایزو و منفصل خواهد بود . "اگر بر همه اینها این نکته را هم اضافه کیم که انتخابات میباشد تقریباً چهارجانبه (یعنی با رأی عمومی ، مستقیم ، مساوی و مخفی

انجام میشد آنوقت روش خواهد شد که چرا انقلابیون ایران با چنان شور و حرارتی طی چهار سال ( از سال ۱۹۱۱ تا سال ۱۹۱۴ ) از رژیم دموکراتی جدید و در مقابل تجاوز محمدعلی شاه رفاغ کردند و سرانجام اکثرها ن بدست قرقاوهای تزاری و ایرانی در مید انهای رشت و تبریز و مشهد و دیگر شهرها مغلوب شدند .

در آغاز انقلاب ، آزاد بخواهان ایران امیدوار بودند که انگلیس میتابه کشوری کلاسیک آزادی های مشروطه آنرا در مقابل [ حکومت ] تزاری در نهاد پنهان خواهد گذاشت و در استقرار رژیم بورزا - دموکراتیک در ایران بیماری آنان خواهد رسید . لکن معاهده سال ۱۹۰۲ که میان روسو انگلیس پرسر تقسیم ایران بمناطق نفوذ منعقد شده بود آنان را تماما بهوش آورد و هر گونه امید واهی را در این زمینه از بین بردا ( ۶ ) .

گذشته از این تمام اقدامات روسیه تزاری در مورد سرکوب جنبش آزاد بخواهانه در ایران از جانب انگلیس پشتیوانی و تأثیر میشد . بعد ایند و متعدد اوارد عمل شدند . در تاریخ ۲ آوریل و ۴ مه سال ۱۹۱۰ روسیه تزاری و انگلستان طی دو یادداشت تهدید به آتش ایران را از واکاری هرگونه امیتازی که بنحوی از انجاً پیمان سوق الجیش آنان لطف زند و بیویه واکاری امیتاز ساختن راه های ارتباطی تمام شهرها و خطوط تلگراف و بنادر را بخارجی ها منع را شدند .

در دسامبر سال ۱۹۱۱ دولت روسیه با توافق با لندن بدولت ایران ۱ ولتیهاتوم داد و آن را مجبو ر ساخت که مستشاران امریکائی را که بدعاوتدولت ایران برای اداره کردن مالیه کشور با ایران آمده بودند و سیار شرافتند آن وظیفه خود را انجام میدادند از کاربرکنار سازد . افزون نبراین ، دولت ایران مجبور شد تعهد کد که از آن پس هیچ مأمور خارجی را بدون رضایت قبلی روسیه و انگلستان استخد ام ننماید .

در ۱۸ فوریه سال ۱۹۱۲ روسیه و انگلیس پا تهدید ایران به لشگرکشی ، از دولت ایران مصراحت خواستند که معاهده سال ۱۹۰۷ انگلیسی رویه را بر سیاست بشناسد و آن را مبنای سیاست خود قرار دهند . حتی آنان ایران را از حق داشتن ارتش مستقل محروم ساختند و به استثنای دسته کوچکی که در مورد تشکیل آن ، ایران میباشد توافق قبلی دولتمند کور را جلب نماید و متفاهمانه اینکه دستورات آنها را در باره جزئیات این سازمان مدد نظر قرار دهد . در اوتو سال ۱۹۱۶ روسیه و انگلیسی دولت ایران را به قبول یادداشتی که مدد فتش برقراری کنترل مطلق آنان بر مالیه و قوای مسلح کشور بود ، دارای یادداشت او لا : تشکیل یک کمیسیون مختلط با اختیارات کامل ، مرکب از ناظر انگلیسی و روس و همچنین چند نفر بلژیکی و ایرانی برای اداره امور مالی کشور و نظارت بر مداخل و مخارج ، ثانیا : تشکیل دو ارتش در ایران یکی در شمال تحت رهبری روس ها و دیگری در جنوب تحت رهبری افسران انگلیسی طلب میشد . تجهیزات و مخارج ارتش را دولتمند کور تا پایان جنگ اروپا بعده خود گرفتند .

با وجود اعلام بیطریق ایران ، معدن لک خاک کشور را اثر جود قوای روسو انگلیس به صحنہ عملیات جنگی بین قشون های آلان - ترکیه از پیکرف و قوای متفقین از طرف دیگر تهدیل شد . عقب شنیون و تعرضی دوین این قشون ها یک مسلسله از مناطق آباد و شکوفان شمال و جنوب غربی ایران را یکی از هستی ساقط نمود .

پس از قلع و قع ائتلاف آلمان ، و خروج روسیه از جرگه دول امپریالیستی ، انگلیسی ها موقتا بصورت ایران کامل ایران درآمدند . هدف از قرارداد ۹ اوتو سال ۱۹۱۹ که بین انگلیسی های ایران منعقد شده بود این بود که به الحال واقعی ایران بانگلیس ، صلح قانونی گذارد و شود . متن این سند حیرت آور عبارت بود از و بخش : یکی سیاسی که در آن سعی میشد انگلیس و ایران حکم تربهم ببیوندند و در عین حال کسبیه

( ۶ ) برای اطلاع بیشتر پیرامون معاهده سال ۱۹۰۷ انگلیس و روسیه نگاهنگی به اثرم پاولوچ " روسیه شوروی و انگلستان سرمایه را ری " صفحات ۵ - ۱۹

"انکشاف مظلوب ایران" بدین منظور بریتانیای کبیر و عده داد : ۱) تمامیت ارضی ایران را محترم شمارد (۲) برپهاده ایران کارشناس اعظام را در (۳) برای واحد های نظامی ایران که وظیفه اشان حفظ نظم و آرامش خواهد بود افسر و سلاحات بفرستند (۴) در ساخت راه آهن و دیگر خطوط راهنمایی با تماش کامل با دولت ایران فضای نیت گند.

در بخش دوم قرار دارد ، شرایط و اگذاری وام دو میلیون لیره می انگلیس با ایران تعیین می شد و بوجسب آن اقساط اولیه وام فقط زمانی با ایران پرداخت میگردید که مستشار مالی بریتانیا در تهران مشغول انجام وظیفه باشد ؛ بدیگر مخن ، شرط لازم برای اگذاری وام ، تقویض مقام خزانهداری کل بیک انگلیس بود .

اگر این قرار دارد بمورد اجرا گذاشته می شد تمام نیروهای مسلح ایران تحت فرماندهی مریان انگلیسی قرار میگرفت و کیه مراکز بازرگانی و استگاههای که با خطوط تلگرافی بهم مرتبطند در دست اینگلیس ، متمرکز می شد و در مزهای کشور همان واحد های نظامی انگلیس ایران برای حراست مزهای نگهبانی میدادند . بانک شاهنشاهی ایران نیز که بدون اینهم در دست شرکت انگلیسی است با شبکه خود تقریباً در تمام شهر های ایران توسعه واند ارمهای انگلیس . ایران حفاظت میمود . غصناً این بانک حق چاپ استکناس را دارد و عهده هفته امور مکرات کشور را بازرسی میکند . اداره امور مالی کشور چه در مرکز و چه در ولایات زیر نظارت مستشاران مالی انگلیس قرار میگرفت . بنگاه های حمل و نقل و کیه راههای بازرگانی نیز هم اکنون در دست شرکت حمل و نقل انگلیس ایران قرار دارد و این شرکت حق احصاری ساختن راهها و تمام امور حمل و نقل را در دست خود قبضه کرده است . خطوط اصلی تلگراف مدت تهاب است که در اختیار کمیانی تلگراف هند شرق و اداره تلگراف هند شرق و خطوط طرقی تلگراف زیر نظارت یک مستشار انگلیسی قرار داردند .

#### مکر همه "اینها الحق اجباری نیست" (۵)

ولی خوشبختانه این اخاذی ببسایه امیریالیست های انگلیس که می خواستند با شناسائی تو خالی حق حاکمیت ایران مردم این کشور را اغفال کرده و بد دریج از آن یک مستعمره تازه برای امیراتوری بریتانیا آماده نمایند ، قبل از عقیم مانده است . بورزوای ایران که طی دهه های اخیر بارها بر ضد تلاش های داشتنانه دولت های بزرگ باعتراض قاطع برخاسته نمیتوانست به چنین انتحراری تن در دهد و اصولاً قابلیه مردم نیز باستثنای مشتی اعیان و اشراف مخالفت خود را با این قرارداد ابراز داشتند . بهمین علت هیچ دولتی جرأت نکرده زیر این سند ننگن را که سند تلک کامل امیریالیست های انگلیسی بر ایران بود صحه گذارد . طی تمام سال ۱۹۲۰ تقریباً هر ماه هیئت وزیران تازه ای تشکیل شد لکن ، هیچگذام آنها توانست توقعات آزادانه انگلیسی را ارضاء نماید ، تا اینکه سرانجام کود نای فوریه (اسفند) باین بازی ناشایست پایان داد و در این امر مناسبات بیشانه رویسی شوروی نسبت با ایران که نه تنها از قروض ایران صرف نظر نمود بلکه کیه امتیازات غاصبانه حکومت تزاری را بعدم ایران بخشید نقش عظیم داشت . انگلستان ناجا شد موقعیه ای تنشه های خود دست برد ازد طاهرها باین امید که اوضاع سیاسی ایران در آینده ممکن است باز هم بتفع آن تغییر یابد .

و انگلستان برای امیدواری دلیل دارد زیرا خوب میداند که مادران که قدرت حاکمه کشور در دست ایگارشی قنود ال - ملکی است با آن اگر امروز نشد فردا میتوان زبان مشترک پیدا کرد . در هیچ جا نظیر ایران طبقه حاکمه تا این حد فاسد نشده و هیچ جا نظیر کشور شاهنشاهی سود پرستی ، خیانت ، رشوه و

(۵) برای اطلاع بیشتر به اثر اقتصادیات و مسائل انقلابات ملی در کشور های خاور دور و نزد یک مسکو اداره نشریات دولتی ، سال ۱۹۲۲ ، صفحات ۳۶-۴ و صفحات بعدی مراجعه شود .

ارتقاء ، دستبرد به خزانه ، دروغ ، نیزندگ و عهدشکن در میان ملاکان و نجایی در رباری این چنین ریشه های عمیق ندانده است. بهمین دلیل همچنانچه تعجب نیست که آنان در باری امر رامضای قرارداد اند انگلیس ایران موافقت کردند و آن را با الفاظ و عبارات زیبا ستودند و چنین جلوه را دادند که گویا با امضای این قرارداد از عمر نوبن شکنگی و خوشبختی ایران گشوده میشود. موقعاً موقعاً که امضای قرارداد با عکس العمل نیز وند تقریباً تمام قشرهای اهالی کشور مواجه شد و اینجا و آنجا قیام هائی علیه انگلیسها و دستیاران ایرانی آنان بر پا گردید و هنگامی که آنان تمام خطرات را که نه تنها نفوذ و حیثیت انگلیس لیکه خود آنرا نیز تهدید میکرد ، احساس کردند آنوقت مجبور شدند از مقام اولیه خود منی بر فروش فوری ایران دست بردند ازند و اگر بخواه از نجایی عالی نسبت که این قرارداد را امضا کرده بودند در مجلس علیه آن رای دادند.

اصولاً قشر اشراف ایران بوقلمون صفت است. وی میتواند چهره سیاسی خود را بتمام معنی هر شیوه عرض کند فقط باین امید که بر شرط خود بازهم بپشتربیزاید . حتماً فرد معمولی نیز از "خدمنا" به مقام عالی اشراف نهی نمیشود . بر این مقامی حتماً نباید "خون آبی" داشت زیرا شریعت اسلام که مسلمین را یکسان بحساب میآورد . فقط باید "زندگ" بود . مثلاً بمتال و نویق الدوله مبتکر اصلی قرارداد انگلیس ایران و برادر رئیس قوم اسلطنه زمانی آه در رساطتن اشتد و هر دشمن مشن عن الد وله آریستوکرات معرف بودند . ولی همینقدر کافی بود که بمقام استانداری برسند و بعد وزیر و نخست وزیر شوند تا کاخ های مجلل و املاک و شروت هنگفت بدست آورند و بول های کلانتر های اروپا بگذرانند . و این یک واقعه منحصر بفرد نیست.

پست وزارت بعد از استانداری برادر آمد ترین شغل در ایران است. در این شغل بفرض اینکه نشود هم رسوه و پیشکار زیار گرفت در عرض لااقل میتوان با استفاده از موقعیت خویش مالیاتهای دولتی را تبدیل اخت ولی بدینه است که وزیر این از تمام امکانات خود در مقیاس وسیع استفاده میکند . بهمین سبب تقریباً همه ملاکان بزرگ و حکام سابق که ۳۰-۴۰ پارچه ده و آباره نارنده میگوشند وزیر و شووند یا حداقل بنیانگذاری مجلس پرسند . برای نیل بمقام وزارت باید مورد اختصار اطراف این شاه بود و بع戚ضیات زمان جواب دار یعنی انگلکوفیل یا روموفیل ، آلمان غلیل ، ترکیغیل یا آمریکوگل بود ، سنته باینکه حافظ در رباری یک امیک از این دولت ها خدمت میکند ، وبسارات دقیق تر در صدر فروش ایران بگ امیک از آنها یا شاند . خوانین ایران این شکرها را خوب میدانند . نصرتالدolle ، فرزند شرمند ترین فکود ال انگلکوفیل دو آتشه سایق و یکی از الها هنگامی اصلی قرارداد انگلیس ایران ، امروز یا انگلستان و این قرارداد مخالفت میکند و در ازای این به نیابت رئیس مجلس انتخاب میشود تا در زمان متفقی دویاره نتاب از چهره انگلکوفیل خویش برگیرد .

وضع مجلس هم که به اطراف آن اینهمه خون ریخته شد خوب نیست . انقلابیون ایران بنام مشروطه و بخاراط این مجلس همانطور که خاطرنشان شد طو چهار سال متولی به پیکار بین امان دست زدند . لکن افسوس که در ایران نیز همانند تمام دیگر کشورها باند هیت حاکم توانت مجلس را هم در خدمت متفاهم طبقات خود را آورد .

در ۲۲ زوئن سال ۱۹۲۱ شاه طو مراسم باشکوهی چهارمین دوره مجلس را که با عجله تشکیل شده بود ، افتتاح کرد . مجلس از اکبر سال ۱۹۱۵ تعطیل بود . در آن موقع عده زیاد از نمایندگان مجلس که تحت تأثیر پرسنرایین - سفیر آلمان در تهران و عصیم بی - تغییر ترکیه قرار گرفته بودند از پایتخت به قم غربیت کرده و منتظر بودند که شاه با آن ملحق شود . آنان میخواستند بدینظریق ایران را بمنفع ائتلاف آلمان و اردن چنگ گذند . البته این توطئه فقط بعلت اینکه در حافظ در رباری نظرات متفاوتی در رباره اثربروجور داشت ، سر نگرفت . روز افتتاح چهارمین دوره مجلس در تمام مسیر حرکت شاه از کاخ سلطنتی تا مجلس قوای نظامی در خیابان ها صفت کنیده بودند . شاه در نطق خود که با شبلیک توب پایان یافت خاطرنشان ساخت بقرارداد انگلیس ایران بنحو مطلوب ملغی شده و روابط ایران با تمام دولتها دوستانه است . مجلس در وره چهارم کار خود را

بدین شکل آغاز کرد.

واما این مجلس، این مجلسشورای ملی که با بد از منافع مردم ایران دفاع کند از چه کسانی ترکیب یافته است؟ بانتسئوال روزنامه "جارچی ملت" چاپ تهران (شماره ۵ مورخ ۱۹۲۱/۸/۲۰) پاسخ میدهد روزنامه خطاب بخط مینویسد: "نود و امید داشتی: مشروطه و پیشوایانش رو مطبوعات آزاد. لکن بمرور زمان زمام امور مملکت بدست همان اشراف و خوانین و حکام دیورزی افتاد، همان والی‌ها و ذارفه‌های طرفه از استبداد که آزاد اند یشان را به توب میستند، همان سق‌چی‌های که با چیز داد میزند: "برخیز به خان تعظیم کن" اگون همان‌ها نماینده مجلس قانونگذار و قاضی شده‌اند. معلوم نیست که آنان هنگیا متد وین فتوانین چه ملاحظاتی را ملاک عمل قرار خواهند دار. اگر قاضی ایشان اند پس متمم کیست؟ آزار بخواهان خوش بار ایران که امیدوار بودند امور مملکت را بوسیله پارلمان و وزرا برای مستول اداره کنند اگون پس از ۱۶ سال آزاری‌های مشروطه هنوز در همان جای اولیه در جا میزند. حال برای روشن شدن این موضوع که در ایران چگونه‌یاند ینده مجلس میشوند چند نمونه مشخص می‌آوریم.

قبلی پایه گفت که مجلس در وره چهارم و پرخورد خود نسبت بانگلیس و روسیه روحیه کابیش مخالفه اشت، و همانطور که گفتم تا حدی سوی آلمان گرایش داشت. قیوم ایران در آن موقع باحلال این مجلس شدند، دولت ایران از تصویب قرارداد انگلیس- ایران بدون اخذ رای از مجلس سخت استماع میزد. انگلیس‌ها برای تشکیل مجلس اقدامات جدی بعمل آورده و کوشش نمودند در انتخابات مجدد عوامل خود را بگرسی‌های مجلس پیشاند و در بسیاری از ولایات نیز با کم حکام موفق باینگار شدند. در هر حال انگلیس‌ها تکریتند که بجز نمایندگان ملاکان و خوانین که با آنها میتوانستند آسان تراوید زد و پند شوند نمایندگان طبقات دیگر انتخاب شوند. بهمنین علت کرسن‌های مجلس تقریباً تمام و کمال بدست طبقه حاکم افتاده و نمایندگان عناصر ببوروا- دموکرات اقلیت ناجیزی را در آن تشکیل می‌هند.

قشر اریستوکرات‌ها کم محافل در برای بصریت کرسن‌های هیئت‌رئیسه مجلس را در دست خود قسیمه نمود و با عجله اعتبارنامه‌های همبالکی‌های خود از ولایات را تصویب کرد و باعترافاتی که از محل ها میرسید، هیچ وقعنی ننماید. موارد اعتراض نیز کم نبود. در نامه سرگشاده‌ای که با مصایب پیش از ۶۰ نفر از شهادت در روزنامه "ستاره ایران" مورخ ۱۹۲۱ درج شده این مسئله را میخوانیم: "ما هر قدر اعتراض کردیم سایه لایقطع‌جوایاب میدهند که نظام العلماء نماینده شما است زیرا از نهاده بنمایندگی مجلس انتخاب شده است، و موقعی که میگوییم ما اورا انتخاب نکردیم و هیچگونه اختیاری با ندان ادیم با العالم می‌ارزند: شما دیگر تأخیر کردن چون مجلس مقد س او را پذیرفته است و اعتبار نامه‌اش را تصویب کرده و شما باید با تشکیل مجلس بعدی منتظر باشید". دیگرین بار ما تقاضا کردیم که بهتر است ما را بلکی بی وکیل گذاریم تا این شخص که ابداً نمیتوانیم اورانماینده خود بد این وکیل ما پاشد.

در روزنامه "عصر آزادی" چاپ شیراز (میزان ۱۹۲۱/۱۱/۳) تلگرافی از طرف ملیون کرمان بدین شرح درج شده: "برادران هوار اران آزاری، علیرغم اعتراضات و تایلات قانونی مردم اعتبارنامه‌های جعلی نمایندگان کرمان در مجلس بتصویب شده است. اهالی کرمان ضعن اطلاع خشم بیجد و حسر خود از ایست واقعه از برادران فارسی خود یاری میطلبند. روزنامه بدین مناسبت مینویسد: "هیچ جای تعجب نیست که با وجود تمام این اعتراضات، معذ الیاعتبارنامه‌های این نمایندگان تصویب شده است زیرا بخش اعظم نمایندگان مجلس نه از طرف مردم بلکه با بد اخلاقه والی‌ها و توطه مقامات متقد محلى که موظفند در تصویب اعتبارنامه‌ها بیکی یگر کم برخاستند، انتخاب شده اند و علی‌این نحوه کار آنست که صلاحیت اشخاص که برای رسیدگی باین اعتبارنامه‌ها تعیین شد، اند نیز مشکوک است. این نمایندگان با عدم مخالفت با اعتبارنامه‌های غیر قانونی، منظره‌ند که درگران نیز با آنان معامله بیصل کنند.

جالب توجه ترا آن تلگرافی است که از کوشا شاه بنام رئیس مجلس مخابره شده ( نگاه کنید به روزنامه " اتحاد " تاریخ ۱۱/۱۱/۱۹۲۱ ) در تلگرام گفته می شود : " اگر حق انتخاب نماینده کوشا شاه با سکه محل است در اینصورت ایشان امیرقلی را انتخاب کرده و وی را نماینده خود میداند و اگر چنین نیست، پس تمام ایران حفظه سازیهای انتخاباتی برای چیست؟ بگذار مقاماتی که در رأس حکومت قرار دارند خودشان نماینده کوشا شاه را تعیین کنند ".

در برآورده ولایات، مثلاً در آذربایجان، حکومت تهران یا بوسیله والی ها یا با اعزام فرستادگان مخصوص رأساً نهاد ابیضی برای جعل و تقدیر انتخابات اتخاذ نمود و پول کلانی صرف اینکار شد . چنین است نجحه اجرای اصل بیست و ششم قانون اساسی ایران که اعلام میدارد : " قوای مملکت ناشی از ملت است البته ما میدانیم که سیستم پارلمانی رسم اصولاً از طبقه حاکمه برای اغفال تولد های مردم وجود آمده ولی رسمالیک پیشرفت هست که سیستم پارلمانی رسم اصولاً از طبقه حاکمه برای اغفال تولد های مردم وجود آمده ولی رسمالیک فوراً بجهنم میخورد . بدینه است که بدون ذرای شبیه این قبیل " نماینده کان " مسئول مردم " وزیر امور مسئول " همطراً زنیز خواهد داشت .

جز این مجلس علوی کاریکاتورهایی از بزرگرین انقلابات ایران عبارت است از اصلاح عدله . تا سال ۱۹۱۱ در ایران زنیز بمانند بسیاری از مالک اسلامی فقحطحاکم شرع وجود داشتند و قضای هنگام تقاضا ایات قرآن و احادیث را که از پیغمبران باقی مانده بود و بالآخره فتوای فقها را ملاک عمل قرار میدادند . واضح است که محاکم شرع بر دست روحانیون یا کانه مراجحتاً ویل و تفسیر کتب مقدسه بود . ولی از سال ۱۹۱۱ بتدیریج ایند املاک مدنی ، سپس محاکم صلح و نازارگی حاکم چنانی بر اساس قوانینی که ایران قبل از همه از مجموعه قوانین شکورهای اروپائی اقتباس کرده . لیکن بعلت حق ان کادر تحریصیل کرده حقوق زنا و بخصوص ردر اثر خوف دولت از اینکه روحانیون به بیجان در نمایند تا این لحظه قضای شکور را افاده تشکیل میدهند که ته اینکه قوانین اروپائی ها را نمیتوانند حقیقی از احکام شریعت خود زنیز چیزی تعیین نمی‌کنند . و از اینجا سو استواره های باور نکردنی بروز میگردید . بطوریکه مردم " عدلیه " جدید را " ظلمیه " مینامند . تنها محکمه عالی استیناف کم و بیش از افراد صلاحیت دارد تشکیل شده است .

گذشته از این در ایران ملاها هنوز نقش محضوردار را ایفا میکنند و طبق شریعت اسلام شهادتname ها باید بتصدیق قاضی شرع بررس . شهرستانه هایی که ملاها بمراجعین میدهند غالباً بلکن با هم متناقص هستند و متفاوت با یکدیگر را باطل میکنند . محکمه قادر نیست ملاهای متفاوت را بمسئلیت جزاًی جلب کند و گزنه آنها عدلیه جدید را مخابر با شریعت اسلام اعلام خواهند کرد . ضمناً طبقات حاکمی ایران جدا مایلند که تمام کارها مطابق با احکام شریعت اسلامی انجام شود . بیرونه نیست که آنان سخاوتند اند به متعددین خود - قشر فوقانی طبقه روحانیون باج میدهند و نماینده کان این قشر ماهانه از حد تا هزار تومان از دولت مواجب میگیرند .

جالب آنست که تنها اهالی بلکه خود دولت زنیز بعد از همه عومن خود چندان اعتمادی ندارد . بهمنین سبب تقریباً در هر وزارتname ای بیویه در وزارت مالیه محکمه اختصاص تشکیل میشود و ماموران آن وزارت خانه تشکیل جلسه دارند و بدعاوی اربابان رجوع در مرور مسئله نقش حق مالکیت رسیدگی میکنند . این محکمه حق استیناف ندارد . باید گفت که در این اواخر وزارت بعد از همه براي تحکیم محکم خود ته ابیر جدی اتخاذ مینماید . در متحدد الفال شماره ۱۰۷۷ موافق ۱۹۲۲ فوریه علاوه بر سایر ته ابیر فوق العاده مهم مقرر گردید که بسر ای وارس معلومات کارکنان دستگاه قضائی کشور آنان امتحان بگذارند . آیا دولت در شرایط سلطه باند اشراف خواهد توانست این کار آغاز شده را بانجام رساند؟ آینده نشان خواهد دارد . اما فعلاً قشر اشراف ایران کافی سابق نه به حیثیت محکمه و قاضی میگارد و نه بمعطاليات قانون . در تأیید این موضوع ما خارج جالبی را که در فوریه سال ۱۹۲۲ بین یك مشخص معروف و مستأجر یکی از املاک خالصه روی داد نقل میکیم . این

ملک که در جنوب تهران واقع است و "جوانمرد قصاب" نام دارد توسط شخص بنام آیت الله زاده تهرانی اجاره شد . لکن دیری نگشت که این ملک مورث توجه مالک همچوar - مرحوم شاهزاده شاعاعالسلطنه و مادرش قراقرفتایند و در صدد برآمدند که آن را تصرف کنند . اینان زیاد معطل شده مستاجر را بیرون راندند و ملک را صاحب نهادند . گرچه مملکه پس از رسیدگی به مردم احوال آیت الله زاده ، حق پایمال شده او را احیا کرد ، ولی حکم روی کاغذ باقی نماند . مدتنی است شعاعالسلطنه درگشته است ولی وضع مادرش - والحضرت نزهت السلطنه متزلزل نگشته زیرا سال گذشته نواده " ولی به عقد ازدواج ولیعهد درآمد ، و ولی اهمیت بیشتری کسب کرد . چندی پیش به سثور وزارت عدلیه حکم سابق بدور امیر " گذاره شد . اما چند روز بعد خود نزهت السلطنه بمعیت نوکران خوبیو عمال میسیون انگلیسی به جوانمرد قصاب آمدند و پس از کلندردن آدمهای آیت الله زاده اثاث شان را بیرون ریخته و سپس خود آنان را نیز از ملک بیرون راندند . کار چگونه پایان یابد معلوم نیست . ولی این واقعه بخودی خود نمود ارسیار بازی است از نحوه کار قضائی سلطنت در ایران .

این واقعه بار دیگر نشان دید که مردم معمولی ایران با چه وضع مشتبه ای دست یافته بیانند . مادر ام که وزراء با مد اخلاقات و دستورات خود قادر شوند از تعدی و قدری ببسایه آنها در جوار خود پایتخت جلو گیری کنند طبیعی است که جنایات و بیدارگری های نفرت انگیزی که ملاکان و فئودال ها در نوعی مختص اف کشور مرتبک میشوند اظهermen الشمس است . لکن این خودکامگی ها و این حق کشی ها هیچ جا باندازه روابط ارباب رعیتی تا این حد بارز تظاهر نمیکند . همانا اینجاست که با وضع خاص دیده میشود که در اسکراف اقتصادی ایران در اثر وجود قواد الیم فاسد و پوسیده و منحط رذار چار چه بن بست غیر قابل تصور و علاج ناپذیری شده است .

## ۲ - مسئله ارضی

بغزوج ترین مسئله در کشور شاهنشاهی ایران ، حتی در اوضاع فعلی که تمام رشته های امور آن مثل کلاف سرد رگ شده باز هم مسئله ارض است . در کشوری که اکثریت قاطعه اهالی آن به کشاورزی اشتغال دارد و بودجه آن بانضمام تمام مخارج دیوار و روحانیون و قوادال ها از راه اخذ مالیات و عوارض از رعیت تأمین میگردند ، در کشوری که تجارت خارجی و داخلی آن بیش از هر چیز به محصولات کشاورزی مبنی است هر دو چنین کشوری حتماً این لحظه هم هیچگونه ضوابط قانونی پاید از برای تنظیم مناسبات وجود ندارد . علت اصلی این بدیده اسف انگیز همانا در نفوذ اجتماعی - سیاست نیرومند ملاکان و فئودال هاست که نه اینکه نیخواهند این ضوابط قانونی خواهی طلب کنند ممکن است موجب تجدید خودکامگی آنان گردد برقرار شود حتی بر عکسیابی در دست اثنت همیشگی زمام قدرست ( متأسفانه تا امروز ) همواره میکشند تا به خوین امکان باز هم بیشتری برای غارت و چیاول رعایا و آنکار شود .

همانا در نتیجه فعالیت تبهکارانه آن است که در حال حاضر ایران یکی از عقب مانده ترین مالک جهان است . ایران تقریباً فاقد صنایع ماشینی - کارخانهای است ، و مناسبات کشاورزی آن وضع روبای قرون وسطی یعنی درونی را بخاطر میآورد که سرمایه داری هنوز نتوانسته بود در مقیاس بزرگ در راه نفوذ کند ولی با تمام این اوصاف از لحاظ تغیر اقتصاد طبیعی بر آن تأثیر میگذارد . حالا هم تقریباً ایران با تقاضهای معینی دو چنین وضعی قرار دارد .

چنانکه یاد آور شدیم مناسبات ارضی در ایران معاصر تا حد زیادی شبیه قرون وسطی اروپاست، و تا این لحظه در اینجا همان فنودال ها همان مالیات‌ها ، همان بیگاری‌ها و همان استبداد ، وجود دارند ؛ فقط با این تفاوت که در ایران بمانند دیگر مالک اسلامی ، رعیت برزین وابسته نیست. چنانکه معلوم است قوانین مقدس اسلام تساوی حقوق کامل مسلمین را در برابر قانون تصریح مینمایند . ولی بدین است که این تساوی حقوق فقط روی کاظف وجود را در و در عمل عدم برابری اقتصادی در این مالک بدترین اشکال بزرگی را بوجود آورده است. مناطق کشاورزی جد اکانه ایران بر حسب شرایط توپلوژی و اقلیمی و عوامل دیگر منظره فوق العاده زنگاریگی دارند. نواحی باختری کشور احوالی در ریشه ارومیه [رضائیه کوهی] گرفته تا حدود فارس با کوهها و درهای که رطوبت‌هوا را نگهیب ارند گسترشده، و بر عکس در نواحی مرکزی، بند رت کوههای آنهم ناچیز پیده می‌شود ، به همین علت این منطقه تغیریابی بی آب است. مشرق فلات ایران مرکب از چند دشت و کویر و شوره زار است و فقط بخش شمال شرقی با سلسله جبال و کوهها گسترشده و زمینش از خاک رست حاصلخیز ترکیب یافته است این مناطق جد اکانه از لحاظ زراعت هر کدام خود ویژگی های دارد.

خطه ساحلی دریای خزر در سطح فوق العاده پائین تراز سطح دریا و در بعضی نقاط مانند خود دریای خزر حتی در سطح پائین تراز اقیانوس قرار گرفته است از کوههای مرتفع‌سلسله جبال البرز که فلات ایران را از ناحیه شمال در حاشیه گذاشته است، سیلاب‌ها و جویبارهای بیشماری جاری هستند که در بعض نقاط با پیوستن بیکمینگ رودی های بزرگ نظیر ، سفید رود و ریگلان و هزارد راز مانند ران را پیدا می‌آورند . تزدیک ساحل به کوهها موجب می‌شود که رودها بدون اینکه خشک شوند بدرباره بربزند و در مجاورت‌داد ریا را از گل و لانی که رودها همراه می‌آورند اراضی باتلاقی و حاصلخیز بوجود می‌آید . رطوبت فوق العاده نوام با گرمای زیاد هوا برای رشد و تقویت نباتات گوناگون که تا حدی شبیه نباتات مناطق باتلاقی هند وستان هستند شرایط خوبین فراهم می‌کند . بخشی از این منطقه که در دامنه جبال قرار گرفته و ضمناً هواپیش‌نشستاً خشک و کثیر گرم است مستور از جنگل‌های انبوه است و نواحی سفلای آن که در ساحل باتلاقی دریا واقعند برای پرورش انسواع نباتات خاص مناطق حاره بخصوص برج و نیشکر و مركبات و درختان نوت و انجیر و بادام و پسته و غیره بسیار مناسبند .

حاصلخیز فارس (۱) در شرایط بکلی دیگر قرار ندارد . زمین‌های آن شنی و در اثر بادهای خشک و گرمای غیر عاری و گمیون ابهای کوهستانی که از فلات به خلیج میریزند تقریباً از آبیاری محرومند . بهمین سبب در این منطقه تقریباً هیچ گیاهی نمی‌روید . زراعت در آن خیلی کم پیشرفت کرده و در آن نواحی محدودی هم که چیزی کاشته می‌شود حاصلش خیلی کم است. یگانه انتقال اهالی این منطقه نظیر کشور همچوار آن عربستان عبارت از پورشونگهداری نخل است که بخوبی در اینجا رشد می‌کند ، اگرچه کیفیت خرمای ایران در مقایسه با خرمای بنداد یا سقط‌جنده از خوب نیست. تنها در منتهی‌الیه جنوب‌غیری این منطقه در محل گذار بین‌النهر که رود پر آب کارون در آنجا جاری است زمین حاصلخیز بوده و با خصوصیات خود مانند ران و یا بتنگال شbahat دارد .

بخش باختری ایران کوهستانی است و ارتفاعات آن به حفاظت رطوبت‌هوا کم می‌کند حتی جریان رود های کوهستان بعلت وجود موائع طبیعی در جله ها سد می‌شود . این منطقه دارای هوای معتدل گرم می‌باشد و بهمین جهت این بخش ایران که نواحی جنوب‌غیری آذربایجان (ارومیه، سلامس، مراغه) اردلان، کردستان، همدان، کرمانشاه

(۱) این منطقه شامل نواحی بشاگرد، لرستان و بخشی از عربستان ایران [خوزستان] است.

لرستان ، حال بختیاری و بخش از عربستان [خوزستان] و فارس<sup>(۱)</sup> را در بر میگیرد . پس از کانه دریای خزر حاصلخیز ترین منطقه ایران بشمار میرود . کوهپایه های آن مستوراز چمن و مرتع بوده در جله های آن انساع درختان میوه و صمغی میروید و پنهانه خشخاش ، توتون و گندم کاشته میشود . این منطقه بخصوص سیر ای پیورش دام و گوسفند و بز سیار مناسب است . در برخی از جله های پرآب فارس پرچ کشت میشود .

بخش مرکزی ایران که شامل شهرستان های تهران ، قزوین ، اصفهان ، قم ، سمنان ، خسنه و آذربایجان شرق میگردد با مضيقه کم آین مواجه است . اراضی این منطقه در مسوم بهار با آبهای که از کوه های بانگشت شمار سازیز میشوند مشروب میگردند ، ولی در اوخر نایستان بعلت خصوصیت خاکی زمین ، کمی بارندگی و گرمای شدید (تا ۵۰، ۴۰ درجه) به صحرای خشک مبدل میشوند . زمین های این منطقه از بهترین شیوه خاک رسن تمام و کمال به تراکم اهالی در این و یا آن ناحیه وابسته است . در نتیجه آن زمین های پایه کشتزار هی سیز و خرم مبدل میشوند .

بخش مرکزی ایران بکثرا فاقد جنگل است و درختان فقط در حومه شهرها و باغات شخصی دیده میشوند . محصولات زراعی این بخش بطور کلی میارتد از پنبه ، گندم ، جو ، توتون و خشخاش که در نواحی گرم تر جنوب آن میروید . تقريبا همه جا در اطراف شهرها باغات میوه و تاکستان وجود دارد و مقدار کمی هم بهار توت بسراي پیورش کرم ابریشم غرس میشود .

شرق فلات ایران خیلی کم طالعه شده ولی تا آنجا که معلوم است این سرزمین پهناور ، از صحرای غیر مسکون و بی آب و یا دقيق تراز چند دشت تشکیل شده که زمین شان شوره زار بوده (دشتگویر) و یا پوشیده از ریگ روان است (دشتلوت) . البته در اینجا زراعت فقط منحصر به واحد های کوچکی است که سکه قلیل العده شان را اما در معرض خطر ریگ روان از یکطرف (گاهی آبادی های کاملی زیر تل شن مدفن میشوند) و تاخت و تاز عشاپر بلوچ و بختیاری از طرف دیگر قرار دارند . فقط شهر بیزد با نواحی اطراف آن سرزمین کاملاً آبادی است که از نظر کشاورزی اهمیت فراوان دارد . اینجا در پرتو واحد اشتکه آبیاری مصنوعی و تراکم جمعیت ، خشخاش و پنبه گندم و جو و حنا و زعفران بعمل میآید .

بخش شمال شرق ایران (خراسان) از لحاظ شرایط اقلیمی شبیه بخش غربی ایران است که توصیف شد ر بالا آمد و در اینجا بطور کلی همان محصولات کشاورزی پهعنی گندم و حاو و پنبه و خشخاش و میوه های گوناگون و ابریشم تولید میشود . در این منطقه رامد از فوی الماء پیشافت کرده و حصول پشم آن خیلی قیاد است . در ایران پنج شکل مالکیت ارضی وجود دارد : خالصه ، عمومی ، موقوفه ، خوده مالکی و ارسابیس . املاک خالصه آن زمین های مزروعی هستند که متعلق بدولت است . دولت طبق معقول این املاک را اجاره میدهد تا از مشکلات اداره آنها خلاص یابد . بخش اعظم این زمین های را اشخاص اجاره میکنند که نه از زراعت کوچکترین اطلاقی دارند و نه از قطعه زمین های تعیین شده و چون اجاره کردن املاک خالصه "حرفة" پر رامدی است لذا بسیاری از مالکان در راه آن تلاش میکنند ؛ ولی تقريباً همیشه فقط کسانی موفق به استجاره آن میشوند که روابط محکمی با باند هیئت ساکنه دارند . در ضمن اینکار غالباً بدون خدمت مقابل یعنی بدون رسم و حق حساب درست نمیشود طبیعی است که این نوع مستأجران از همچ علی روگرد ان نیستند و فقط بیول میخواهند ، و آنهم پول هر چه بیشتر و بهمین منظور زارعان و دهقانان اجیر را بپرمانه استثمار میکنند و از زمین وحشیانه

(۱) ایالت کرمان را هم که دارای خصوصیات جغرافیائی مشابهی بوده و در شرق فارس قرار دارد باید جزو این منطقه شمرد .

بهره میگیرند . با تمام این اوصاف اگر مستأجری نتواند از سرمایه گذاری خود ۳۰۰ دلار حد سود ببرد آنوقت شروع بشکایت از زنان های خود خواهد کرد . در این قبیل موارد تصمیم نهائی با حامی اوسته اگروری شخص مستعدی باشد مال الاجاره تخفیف خواهد یافت و گرنه مستأجر باشد به خدمت تقابل " متول گردد .  
تا کون در هیچ جا دیده شده که املاک خالصه بد هفقاتان اجاره داده شود . تابستان سال گذشته (۱۹۶۱) در وزارت مالیه ، کمیسیونی برای حل و فصل این مسئله تشکیل گردید .

مالیات از املاک خالصه بر اساس میزانی که از پیش تعیین شده اخته میشود . مبلغ مالیات به شکل نقدی یا جنسی با توجه ثابت از طرف دولت تعیین میگردد و مقدار خیلی نزدیک به میزان مالیاتی است ولی این میزانی که قریب ۱۰۰ سال پیش از این تنظیم شده است و بعد احتی پیکار هم مورد تجدید نظر قرار نگرفت ، با واقعیت کوتونی ایران وفق تعبید هد . بسیاری از دهات و آبادی های ساقی با وجود ندانزند و یا اینکه بلکن عوض شده اند در نواحی زیادی ، رهات و قصبات تازه ای موجود آمد که اداره میزانی از وجود آنها اهنجای اطلاقی ندارد . حرص و آرمانورین وصول مالیات بد وابر ارزیابی مالیاتی امکان تعبید هد که تمام این دهات و قصبات نوشتیار را ثبت نکند و بدین شکل جا برای سو استفاده های بین انتها باقی میماند . مطابق شریعت اسلام مالیات از املاک خالصه باید باند ازه یک عشر محصول باشد . البته در گفتار این چنین است اما در عمل معممه غیر از این است . از آنجا که قسمت اعظم املاک به اجاره داده میشود مستأجر بدون مراعات شریعت اسلام ۱٪ را از مالیات گراف میگیرد مالیاتی که در هر حال کمتر از میزانی نیست که مالک معمولی اخته میگرد . هرگاه دولت رأساً املاک خالصه را توسط میانشرين خود اداره کند آنوقت خود میانشرين گاهی چند بار بیش از سرخ تعیین شده از زیاران مالیات میگیرند و قسمت بیشتر مالیاتها را بجیب میزنند .

املاک عمومی عبارت از قطعه زمین هایی است که در مالکیت مشترک تمام دهقاتان ره یا آبادی مفروض بوده و شامل قبرستان و مرانعی که انتام افزار ایل یا در هنکه مشترک رام های خود را در آنها چرا میدهند و خرمنگاه و کهربیز و غیره میگردد . این قبیل اراضی یا بر مبنای حق بهره برد اری صد ساله و یا بر اساس قباله نامه های قدیم مالکیت مشترک را تشکیل میدهند . اراضی عمومی در ایران خیلی کم است و در هر همه جا وجود ندارد . زمین های عمومی کم و بیش وسیع بیشتر در ولايت ارومیه دیده میشوند . در این نواحی چن های قابل استفاده ، جزوی با اجاره تمام اضافی آشنجیجن (۱) به برخی از دهقاتان اجاره داده میشود .

نوع سوم مالکیت اراضی در ایران بنام موقوفه مشهور است . این املاک متعلق به موسسات دینی و اماکن مقدسه میباشد . اکثر املاک موقوفه از طرق وصیت این و یا آن شخص متعلق بوجود آمده است . تعداد املاک وقف خیلی زیاد است . مرقد اما رضا در مشهد دارای صدها پارچه ملک و آبادی در خراسان و دیگر ولايات است . مرقد شاه عبدالعظیم در حومه تهران نیز صاحب باغات و اراضی وسیع است . در سلامانه تنها املاک بزرگ و باغات میوه بلکه تاکستان ها و جنگل ها و مستغلات نیز وقت حضرت عباس شده است پیاره ای مساجد نیز در نواحی مختلف کشور مالک اراضی موقوفه هستند .

سر آین سخاونتندی متد بینین متعلق تنها این انگیزه نیست که پس از مرگ در بهشت جا و مکانی داشته باشند ، بلکه نیز آنست که برای ورثه خود عواید ثابت و پایه اری بیاند . عاملی که بیشتر آنان را وارد اریانکار میسازد از طرفی اجحافی حد و حصر مأموران و تحصیل اران مالیاتی و از طرف دیگر کمک کرد ائمی باد هفقات ها و با مالکان همسایه است که مدعا بخش از املاک آنان هستند . و این موضوع آخری بهانه خوبی بدست والی های حرب و طمع میدهد که مد اوما به اخاذی مشغول شده از تمام شاکی ها رشوه بگیرند و مراجعته را به

(۱) لفظ آشنجیجن "روسی معادل دقیق فارسی ندارد و کوششای اشتراکی دهقاتی روسیه را گویند . نزدیک ترین معادل آن "همبائی " است .

نفع هیچگذام از طرفین حل نکند . این شیوه عمل تنها منحصر به حکام نیست و محمد علیشاه در عصر خسرو که ولیعهد بود در آذریجان به اینگونه اعمال بیشترانه دست میزد .

ولی موقعی که املاک و مستغلات طبق وصیت‌نامه یا همه نامه موقوفه میشوند از آن تاریخ بعد از کلیه عوارض مالیاتها معاف میگردند . متولی ملک مفروض‌سخن خود را از در آمد موقوفه مطابق با میزانی که در وصیت نامه تعیین شده بزیبد ارد . این سهم معمولاً یک عشر عواید کل موقوفه یا بیشتر میباشد . مابقی عواید املاک بین مالک و زارعان تقسیم میشود . در برخی از نواحی ایران مثاب مثال در امام‌کنده (ارومیه) یک چهارم عواید حاصله بنفع بقاع متبرکه برد اشته میشود و بقیه مطابق سیستم "سه کوت" یعنی یک ثلث بنفع مالک و دو ثلث به نفع زارعان تقسیم میگردد . در آمد اوقاف صرف مخارج روحانیون بی بضاعت ، اطفال بینم ، طلاب‌علوم بینی و امور دیگر میشود . املاک موقوفه در صورت عدم وجود ورثه ، تمام وکال به تملک موسسات‌ذهبی در می‌آید . گاهی برخی از مدندهای این املاک خود را یکباره بوسسات‌ذهبی منتقل میکنند و در این حالت تمام عواید املاک در اختیار بقاع متبرکه قرار میگیرد . معمولاً این کار را بیش از همه ملاکان فوق العاده ثروتمند بمنظور کسب شهرت انجام میدهند .

در تهران اداره کل اوقافی وجود را دارد که به امور تمام موقوفات در ولایات رسیدگی میکند . تمام اطلاعات و گزارشات مربوط به محل استقرار موقوفه و وسعت آن ، میزان درآمد ، نام وصی یا واقفه ، نوع ملک و غیره به اداره کل اوقاف میرسد . در پیرامون املاک موقوفه تقریباً در سراسر ایران گروه کثیر العددی افراد مقتضی و طفیل جمع شده اند که این مال و مثال هنگفت را تاراج میکنند . پرا واضح است که بعد از تاراج اینان برای بیتیمان و مد ارسحه ناجیزی باقی میماند .

شكل چهارم مالکیت ارضی در ایران خوده مالکی است . این ها اراضی ای هستند که بر اساس منسد مالکیت بزارعان تعلق میگیرد . در این قبیل دهکده ها ، رویت در زمین زراعی خود در رای خانه بوسنایی بوده و بایران آن هیچ مالیاتی نمیدهد . در بخش‌های مختلط‌که قسمی از زمین‌های زراعی ده به ایراب و قسمت ، دیگر آن آنها بزارعان تعلق دارد زارعان غالباً خانه‌های خود را در اراضی ایرانی میسازند . در چنین مواردی آنها موظفند که باریاب مالیات مخصوصه هند . در ایران دهات و قرائی نیز وجود دارند که گرچه مالکیت‌داریان محسوب میشوند ، ولی رعایای آنها از حقوق معینی برخوردارند . در این قبیل دهات ، مالکان از قدریم الایام اراضی مزروعی را بین زارعین تقسیم کردند بطوریکه هر کدام از آنها صاحب‌قطعه زمینی معین است ، آنرا میکارب و نسل اندر نسبی منتقل میسازد . این زمین‌های زراعی "سای-همیای" نامیده میشوند . زارعان در این زمین ها کارهای عمرانی زیادی انجام میدهند از آتشله زمین‌های تامرخوب را برآرضی قابل کشت میکنند . برای آبیاری کشتزارها نهر و قنات حفر میکنند ، اطراف باغات و کشتزارها را پرچین میکنند ، نهال قرفس میکنند ، خلاصه آنکه روی این اراضی مثل زمین‌های خود کار میکنند . در بارهای نزدیکی بزارعان حتی حق خرید و فروش اینگونه زمین‌ها در اداره میتواند ، مشروط بر اینکه معامله فقط فیما بین خود آنان انجام گیرد . در قباله نامه با صراحت قیسی میشود که معامله فقط بر سر فروش "سای" یعنی حق سهره بردازی از زمین است و اما آنچه که مربوط به خانه های رهگاه است : این خانه‌های روسنایی در دهات سای-همیای ، اگر با بول و مصالح ساختمانی ایراب ساخته شده باشند متعلق به اوست و اگر بدون کم ایراب ساخته شده باشند متعلق بزارعان است . در حال است اول ، ایراب همیشه میتواند زارع را از خانه اش بیرون کند و در حالت‌یوم فقط پس از جبران مخارج مصالح ساختنا (کار بحساب نمایاید) مجاز باشند . رعیت در ازای بجهه بردازی از ملک ایراب یک سوم معمول را تحویل او میدهد و این همان مالیات ایرابی است و اما مالیات‌دیوانی یا مالیات‌دولتی مطابق با ضایعه معین برد اخذ میشود . بطور کلی باید گفت که زارعان زمین‌های خوده مالکی و "سای-همیای" نسبت به زمین‌های صرفاریها وضع بمراتب بهتری دارند ، البته همیشه ردهمه جا اینظور نیست؛ سیستم سای-همیای یکی از طرق وابسته کردن زمین پشمچار میسرود .

تا ۲۵ ه سال پیش از این در بسیاری از نواحی ایران، منباب مثال در ارومیه، قرایاغ، میانه و غیره دهات زیادی را زمین‌های خوده مالکی تشکیل میداردند. ولی بعمر زمان این دهات بعلت سواستفاده‌های مکروه از طرق خصب و تصرف بخشی از اراضی مزروعی ده و متعاقب آن اعلام تمام ده به ملک اربابی و یا درنتیجه واگذاری تیول (۱) به صرف مالکان ده آمدند. مطلب برسر آنست که هر واحد زراعی خوده مالکی بعانته تصام دهات بیکر ملزم بود که بدولت مالیات دیوانی بپردازد. دولت نیز برای راحتی خود این مالیاتها را بعنوان تیول به این و یا آن خان و ملاک بمقاطعه میدارد. خان یا ملاک پساز بدست آوردن تیول از راه مقاطعه بتوجه عوارضنقدی و جنسی را افزایش دارد و آن را به سطحی میرساند که از میزان مالیات اربابی کترنمیشند. بدین شکل دارنده تیول بصورت مالک یک ده شدند انگریز می‌آید. و تظلم و اعتراض دهقانان در محاکی که تعامل از درست ملاکان بودند همیشه بینتیجه میماند.

شیوه دیگر غصب زمین‌های دهقانان از طرف مالکان، چنانکه گفتیم، عبارت از اینست که او ابتداء فقط بخشی از این زمین‌ها را بدست می‌آورد و پس از چند مدت خود را مالک تمام قریه اعلام میکند. مثلاً زارعان قریه کولونی از توابع محل قرایاغ در ولایت ائزل در سال ۱۹۰۰ در اثر استیصال بخشی از اراضی مزروعی خود را به مالکی فروختند و علاوه بر بخش دیگر زمین‌های مزروعی، باغات و کهربایها و اراضی عمومی و مراسع و غیره را در دست خود نگهدارندند. ولی بعد ها مالک شروع بسطاله مالیات اربابی از تمام املاک و مستغلات خود املاکی که مطلقاً متعلق بخود دهقانان بود. دهقانان هرچه شکایت و اعتراض کردند بالآخره نتوانستند یعنی حق خود در مقابل این اجحاف گستاخانه رفع کنند. مالک غاصب که فقط قسمتی از زمین‌های مزروعی قریه را خریده بود لایقطع خوده مالکان - صاحبان واقعی این قریه را "اطرافی" یا "بیگانه" مینامید و از آن طلب میکرد که یا قریه را ترک کنند و یا مالیات اربابی را تمام و کمال بپوئی. از زند. نظیر این واقعه در سلماه هرم رخ دارد. در این گونه موارد عذر لیه ایران حتی بشکل اصلاح شده فعلی آن بندرت قادر است از حفوق حقه دهقانان در مقابل این اجحاف علني دفاع نماید.

شكل پنجم مالکیت ارضی در ایران اربابی است. در ازمنه گذشته شاهنشاهان ایران قسمتی از اراضی خالصه را بعنوان اقطاع به ایلات و عشایر می‌بخشیدند. در عوض عشایر موظف بودند که به قشون شاه سواره نظام بد هنند یا سرحدات کشور را حراست کنند. منباب مثال پارماهی قبایل کرد از موطن خود به خراسان کوچ داده شدند و در آنجا برای دفاع از مردم در مقابل ایلخان ترکن ها و بعد احفاظت سرحدات، زمین هایی به آن داده شدند. در ناحیه سلیمانیه سال پیش از این ایل "قره پناه" برای همین مقاصد مستقر گردید و از دولت مقادیر بستابانی زمین برای تملک داشت و انتقال از نسلی به نسل دیگر گرفت. اگون تمام ۱۴ پارچه ده و آبادی که ایسلی اشغال کرده بود متعلقی به ملاکان و اربابان است. در سرحدات اغربی کشور نیز قبایل عرب و کرد و ترک دوست در چنین وضعی قرار داشتند. علاوه بر این در قرن شاهزاده هم میلادی زمامدار ایران ایران بمنظور تسهیل کارخود ولایات کاملی را بنام خانات برای اداره داشتند نسل اندرونی و راخیار اشراف زمین دار میگذاشتند و بدیگر سخن واحد های اداری بزرگی بسرکردگی خوانین حکمران ایجاد میکردند. مثلاً قسمتی از اراضی فعلی مأموراً فقفار که سابقاً جزو کشور شاهنشاهی ایران بود از خانات نخجوان و ایران (نواحی شیروانی مشکوان) وغیره تشکیل میشد.

(۱) تیول - خابطه قدیم ایران شیوه به امتیازاتی است که در قرون وسطای اروپا سینیورها به واسطه ها اعطای میکردند. تیول اسکالا گوناگونی را در گاهی این عطیه موقعی است و زمانی قابل انتقال از نسلی بنسنل دیگر است. تیول میتواند مشروط و یا نامحدود و الى آخر باشد.

خوانیتی که در رأس این ولايات قرار اشتد کایپر حکومت شاه را برسیت میشناختند و بثایه کوچک ابد ال  
ها یعنی موظف بودند که هنگام جنگ با کوک گفتند . خوانین همانند فتوه البهای قرون وسطی اروپا از شاه متبع خود  
بر مبنای تیول اراضی معین برای تملک رائی میگرفتند . بدین ترتیب در آن دوران ، تیول فقط بکسانی داده  
میشد که موظف بودند به شاه در موقع جنگ کمک گفتند و با خراج دهند . (۰)

پس از زمان قدرت نظامی ایران رفته رفته رو به تحلیل مینهند و کوچک ابد الی خوانین نیز علاوه از بین میرود .  
قلمری ارض خانات فقط بصورت املاک و سیع خانواره های خوانین تیول از در میآید . فروتنی لامانع  
این املاک از طرف خوانین تیول اربه اشخاص بولد از یکطرف و تقسیم املاک بین ورات خان از طرف دیگر ، موجب  
تجزیه املاک بزرگ و تبدیل آن به قطعات کوچک میگردند . در حال حاضر از خاناتی که کم و پیش ایق مانده اند  
عبارتند از خانات ماقو و قره راغ و بختیاری وغیره که بمعنای معین نیمه وابسته شاه هستند . عدهه تین هزار  
خانات ماقو شهر ماکو است . این خانات شامل سه هزار پارچه ده و آبادی است که متوازن از ۱۵۰ پارچه آن  
متعلق به خود سردار بوده و بقیه به خوانین کوچک تعلق دارد باز نظر اداری تابع سردار احکام کل خانات ماقو  
میباشند . ولی این امر مانع آن نیست که آنها از کمکترون جدال دائمی بین خود بر سر تصرف این و یا آن قره  
که غالباً حتی به جنگ های کوچک منتهی میشود دست برد ازند . خانات قره راغ نایخدا حدی در صلح و صفا  
و اما در باره خوانین بختیاری باید گفت که آنان در مقایسه با خوانین ماقو و قره راغ نایخدا حدی در اختلاف حل  
بسیار میزند . همه ساله در شهر اصفهان کمکه خوانین بختیاری تشکیل میگردند و در آن مسائل مابه الاختلاف حل  
و فصل میگردند .

از دهه نهم قرن گذشته موقی که ایران تد ریجا بد اقتدار اقتصادی جهانی کشیده میشد و صادرات محصولات  
کشاورزی آن سال افزایش میافتد بهره زمین بشدت رفته از ترقی نهاد . سرمایه داران شهری و ریخواران و  
تجار با عجله و شتاب شروع بخرید زمین از تیول اران مختلف کردند و در اندک مدتی جای آنان را گرفتند .  
البته دولت از زمان انقلاب اول [انقلاب مشروطه] اعطای اراضی خالصه به اشخاص جد اکانه را بکوی قدغن اعلام  
کرده بود و بدین شکل ست تیول اری رفته رفته از بین میرفت . ولی در عوپیزی استثمار بهره کشی بیشتر از  
توده های عیت ، محارلی و مدن تری بید آمد . تقاضای روزافون به محصولات کشاورزی انتشاریات مالکان بر  
زارعان را شدیدتر ساخت و مضافاً بدین موجب شد که مالکان یک سلسله از املاک و رهات و قبایات را که قبلاً  
بد هقاتان و موسسات مذهبی و دولت تعلق داشت تصرف کنند . هم زمان با این تحولات ، واپسی زراعان به  
مالکان نیز بیشتر میشد و با این امر بخصوص قوانین و ضوابط موجود در کشور که قویاً از منافع چند هزار مالک در  
مقابل میلیون ها زارع حمایت میکرد ، کمک مینمود .

در واقعیت بر منطقه سلام میتوان ده ها ملک و دهکده ایران شان را که از طرف مالکان جباران غصب  
شده است ثابت نیاب مثال دهات ساورا ، پایه جوک ، تزیگ ، دریشك ، همبلام وغیره . دهقاتان این دهات بارها اعتراض  
کردند و از نظام ملکان تکایت نمودند ولی نتیجه نداد . (۰)

همه این دهات ملزم بودند که باند ازه یک عشر محصول خود بد دولت مالیات «آت آریان» [جو برای اسب  
های دولت آن بد هند .

(۰) نا سال ۱۹۰۶ شاهان ایران کماکان به اعطای تیول اراده مید اند و تمام سر برایان در مقیاس وسیع  
از این عطیه طوکانه برخورد ار بودند . لکن پس از انقلاب سال ۱۹۰۶ واکاری املاک خالصه بعنوان  
تیول قدغن گردید .

(۰.۰) ما در تعمیر واقعیات ، از مدارکی که س. آواکیان در شمال ایران - آذربایجان جمع آوری کرده استفاده  
میکیم .

و اینک مالکان جمع آوری این مالیات را بدست خود کرده و بند ریچ خود را بنام ارباب مالک جا زده و با توله بزور و قلد ری ، میزان این مالیات را از یک هم به پان هفتم و در پارهای از نقاط ( تغییر دهنگ سوزنگ ) حتی به پان سوم افزایش دادند . نه قبایل نامه هائی که اکون در دست زارعان استو پارهای از آنها صد ها سال پیش از این مهر شده گونه تصرف واقعی این زمین ها در طی چندین دهه یا حتی صدها سال نتوانستند در نظر تقاضاً مفرض محکمه که غالباً از قاضی همین اربابان ملکدار هستند ، ثبوت کافی به حقانیت دهقانان در مشاجرات ملکی شنید .

بر اساس قبالهای که ۱۲۰ سال پیش از این نوشته شده کوه ریلمان جزو موقوفات بود و مادام که اینچنین بود نسخه توافت قابل انتقال و فروش باشد ولی حال همان دیلمان با بخشها و توابع خود مالکیت شخصی عدمای اشراف و روحاںی را تشکیل میدهد . دههای قضاط ارومیه از آجمله کوشچی جمال آباد ، قیلان ، کوبونجی ، وغیره نیز به عنین سرنوشت دچار شدند . در ولایت گیلان هنوز هم املاک متعددی بر اساس فرامین و دستوراتی که معلوم نیست چه وقت از طرف شاهان صادر شده در اختیار ملکان قرار ارزد . در محل اونچ واقع در شمال شهر ب تبریز اکون اکریت قاطع رهات را مالکیت اربابی تشکیل مید هند در حالی که تا همین ۲۰ سال پیش از این ، مطابق اسنادی که موجود است در آنجا تعداد زیادی املاک خرد مالکی وجود داشت . بهمین علت تصادف نیست که چند صد نفر مالک این ناحیه ، هزار پارچه ده و آبادی را در دست خود قبضه کرده اند . این نمونه ها که نمایشگر استبداد و خودسری ببسایه مسلط رکشور شیر و خورشید است میتوان زیاد بر شمرد .

مادام که مالکان میتوانند با چنین سهولتی بدون کیفر زمین های دهقانان راغب گشته آنوقت میتوان تصویب نمود که زارعانی که در املاک شخصی آنان کار میگذند در معرض چه استثمار مدھتی قرار ارزد . در گیلان بعد از آنکه جنبش انقلابی که قریب دو سال ادامه داشت ، سرکوب شد و ملکان بالمالک خود بازگشته آنان نه تنها تأذیه تمام مالیاتها و عوارض معموقه با ریچ در ساله ، بلکه کیه خساراتی را هم کشیده اند وارد آمده بود از زارعان طلب کردند ، معلوم نبود که اگر دولت مخصوصاً اینکار رکجا میکشید خصنا کسرا پاتجا رسید که حتی روزنامه اندی " اتحاد " چاپ تهران در مقابل مطالبات بیش از حد مالکان بحایت از دهقانان برخاسته . ولی هیچ چیز باندازه مالیاتها کمر شکن و عوارض بیگاری ببسایه رعیت ایرانی را تهدید است و بینوا نصیحت سازد . بسختی میتوان در دنیا کثوری ظهیر ایران یافت که زارعان کم باعث تشتیز این چنین فشار مالیاتی قرار داشته باشد . تنظیم حتى فهرست تقریبی تمام آن مالیاتها و عوارض اربابی که رعیت فلکو که تحمل میگذد فوق العاده دشوار است . ولی با تمام این اوصاف ، ما سعی میکنیم خواننده را لائق با اشکال عده مالیات های اربابی که بیش از همه در کشور رواج دارند آشنا سازیم .

مالیات اصلی که رعیت میگیرد از عبارت از مالیات قطعه زمینی است که از آن محصول برمی دارد . معمم مالک در این محصول وابسته به آنست که رعیت از عامل بذر ، گاو و ابزار تولید وغیره کدام را ناشته باشد ؛ اگر رعیت از مالک تقاضای بذر ، گاو یا چیز دیگر نماید آنوقت به تابع این عامل سهم و بحق مالک گذشته - باید . برای همین اصل استثمار رعیت چند شکل کسب میگذد : نصفه کار ، سه یک بار ، و چارک دار ( چهار یک دار ) . بطوريکه از معانی این کلمات پیدا است سهم رعیت از محصول جمع آوری شده با کسور  $\frac{1}{2}$  ،  $\frac{1}{3}$  ،  $\frac{1}{4}$  مشخص میگردد .

سیستم نصفه کار شامل زارعانی میگردد که گاو ، ابزار تولید و عوامل دیگر را در تملک دارند و روی زمین مالک کار میگذند . این زارعان اند  $\frac{1}{5}$  محصول کل را بالمالک مید هند و بعد بقیه را بالمالک بالمناصفه تقسیم میگذند .

سیستم دوم مالیات جنسی سه یک کار است و این در مواردی است که زارع بذر لازم برای کشت زمین را از مالک میگیرد و برای خدمت زدن زمین مزروعی از گاو مالک استفاده میگذد از محصول جمع آوری شده ایند  $\frac{1}{5}$  با تبار

مالک حمل میگردد و بقیه محصول به سه قسمت به نسبت ۲/۳ بنفع ارباب و ۱/۳ بنفع عیت تقسیم میشود . اشکا  
در سیستم تصفه کار و سه یکبار از این لحاظ با هم تفاوت دارد که در حالت سه یکبار رعایت مالیات دلتی نمایر را زد  
در حالی که در سیستم تصفه کار نبین از مالیات دلتی را رعایت میبرد ازد و نیم دیگر را خود مالک .

سیستم چارک دار مربوط به راهنمی است که همچوئه ایزولو و سیله تولید نداده است و در مزارع مالکان باوسائلو  
که مالک در اختیار آنان میگارد برخی میکارند و سرخوردن حق ندارند جزو ۱/۲۰ محصول را برد اند . با  
این ترتیب سهمنی که مالک از محصول گندم و جو میبرد طبق یک قاعده کلی ۱/۵ محصول است در حالی که  
محصول برخی تام و کمال باریاب میرسد .

لکن قواعد اخذ مالیات جنسی که طی سطور پیشین شرح داده شد، همیشه در همه جا رعایت نمیگردد . در  
بسیاری از نواحی مثلا ارومیه، ارباب ۱/۲ و فقط در پارهای نقاصر، عواید خالص زمین مزروعی را ناصحبا میکند .  
معمول در روزات آبی ۱/۲ یا ۱/۳ و در روزات ابری ۴/۱ محصول جمع آوری شده بمالک دارد میشود . در  
خانات ماسکو، دهستان موطفند که حداقل نصف محصول را تحويل ارباب دهد . در دهستان مجاور تهران، ارباب  
۵/۲ محصول کل را میگیرد . در دهستان اطراف تبریز میزان محصولی که از زراعان گرفته میشود از زمین های زراعی  
آبی ۱/۳ و در زمین های دیگر ۲/۹ است و این فقط موقعی است که رعایت از ارباب همچوئه نخواسته باشد و  
الا سهم ارباب به تناسب که افزایش میباشد . بطوریکه از تونونهای مذکور پیدا است در ایران برای اخذ مالیات  
جنسی سیستم متعدد الشکل وجود ندارد . همه چیز را بسته باراده ارباب است . حتی مالیات های دلتی که  
کابیت بطور دقیق تعیین شده اند سواب و گاهی تا سه بار بیش از بیزان مقرر اخذ میشوند و تمام این تفاوت ها  
دوباره بحیب ارباب و میروز نیزرا هم اوست که تقریبا همینه مأمور مالیات است .

مالیات جنسی همچنین از صیغه کاری و پوچه زار اخذ میشود؛ مثلا از جا لیوها در حد محصول و از  
پونجه ۲۰ درصد از بالاتامیه نیز مالیات جنسی معینی گرفته میشود . و اگر باغیان بعلی خود از قریه خارج  
شود آنوقت از شره کار خود محروم میگردد و یعنی بالقوه را که در اراضی مالک اخذ کرده تام و کمال بتصرف  
ارباب در میآید .

غالبا آبی که بصرف آبیاری زمین های زراعی میرسد نیز در تulle ارباب است . چنانکه معلوم است که بیو ر  
آبد در ایران رعایت و کشاورزی را با مشکلات جدی مواجه میسازد . در این کشور نه تنها گندم زارها بلکه باغات  
میوه، تاکستان ها، بیشه ها وغیره نیز آبیاری میشوند . بهمین سبب هر کس که توزیع آب را در دست دارد  
در رواج ارباب بالتفاوت آن منطقه است . البته شایع آب تقریبا همینه در تulle مالک است و مادا این سو .  
استفاده میکند . نرخ آب انیز همانند نرخ مالیات جنسی تاما وابسته به اراده مالک است . ولی نه تنها ملاکان  
بلکه غالبا مقامات محلی حکومت نیز از آبس استفاده میبرند . نکته در اینست که در ایران رودها و نهرها در  
انحصار دولت هستند . در نتیجه تمامی بار سنگین انحصار آب در باره بدشروعیت بیچاره میافتد . مثلا در تهری  
دولت تنها بایت فروش آب برای آبیاری زمین های مزروعی ورامین و شهریار ۳۰ هزار تومان در سال میگیرد و مصر  
کند گان آب پیچ بار بیش از این مبلغ میبرد ازد .

غالبا واقع رعایت برای پرد اخذ بهای آب پول ندارد و ناجار است که از راخواران محلی با ربح فوق العاده  
زیاد (از ۱۲۰ تا ۲۰۰ درصد) وام میگیرد، یا محصول آینده خود را با بهای فوق العاده ارزان پیشفروش  
کند تا بدینوسیله بتواند آب مورد نیاز را بموقع از میاشران دولت خریداری نماید . از سوی دیگر میاشران دولت  
آب را بقیمت چند برابر میزان تعیین شده برعایت میرسانند . در نتیجه تمام این اعمال ناروا، سطح اراضی زیر  
کشت تکمیل میابد و قیمت گندم سال بسال گرانتر میشود . طی پنج سال اخیر قیمت هر خوار گندم در تهران از  
۶-۷ تومان به ۲۰-۲۵ تومان ترقی کرد .

رعیت علاوه بر مالیات جنسی که بشک مالیات اربابی را بوانی توسط خود مالکان جمع آوری میشود ، باید یک سلسله مالیات نقدی دیگر هم بپردازد که ابتداءً است ارباب میرسد و بعد وارد خزانه دولت میگردد . در قهرست مالیات های نقدی ، جای عده را مالیانه سرانگشید که بطور کلی از مردم و در پارهای از نفاطاز زنگنه نیز اخذ میشود . رعیت متأهل - یک سرانه کامل ، رعیت مجرد - نصف و رعیت نوجوان ( از ده سال بیالا ) یک چهارم سرانه باید مالیات بدهد . در دهات و قضبات اطراف تبریز از هر ده هقان مجرد ه فرقان و از هر ده هقان متأهل ه فرقان مالیات گرفته میشود . در فاصله کمی دور از تبریز در ناحیه راه آهن شهر از هر ده هقان مجرد ه فرقان و ده هقان متأهل ه فرقان مالیات سرانه میگیرند . در ناحیه مراغه و هشتاد و از زنان از ۱۰ تا ۲۰ بـ فرقان مالیات سرانه گرفته میشود .

بعد نوبت مالیات نظام اجباری است که "پا را زنامیده" میشود . میزان این مالیات به نسبت تعدد اهالیتین خدمت نظام اجباری هر قصبه تعیین میگردد . این مالیات دار پاره ای نفاط به مبلغ نگفتنی بالغه میشود و با مبلغ کل تمام مالیات های دیگر برابر میگردد . در برخی از نواحی ، مثلاً در هر زمان ۴ ه فرقان مالیات اخذ میشود و در تبریز این مبلغ ۲۰-۴۵ تومان میرسد . علاوه بر این در پارهای نفاط ه هقانان بابت هر سریاز یک خوار گندم هم مید هند .

ولی مسئله تها باین مالیات ها محدود نمیگردد . سلسله مالیات های دیگر هم وجود دارد که تقریباً از اثنا اموال و دارائی ه هقانان و حصول تولیدی آنان اخذ میشود . در دهات اطراف تبریز از جمله مالیات های زیرین رایج است :

بابت هرگاویسین ۳ فرقان ، شتر ۷ فرقان ، قاطر ه فرقان ، اسب ۵ ه فرقان ، گاو ۲۵ شاهی ، گوسفند . اشنهای از هر خوار غله ه خوار کاه ، از بونجه ۱۰ ه مخصوص و الی آخر مالیات گرفته میشود . بعلاوه هر خانوار دهقانی باید همه ساله چند تا جوجه و مرغ و مقادیر معینی هیزم و چیز های دیگر برای مالک بیاورد . یا بهای آنها را نقداً بپردازد . دهقانان آذربایجان این سیستم را "گووال" میدانند یعنی هر چیزی که بچشم مالک بیفتد قطعاً مشمول مالیات ارباب خواهد شد . باید متفکر شد که تبریز منزو هم مرکز انقلاب ایران است و دهقانان این ناحیه از نظر دفاع از حقوق خود آگاهی بیشتری دارند . بهینه سیب در اینجا یک سلسله از عوارض مالیاتی ه جنسی یا بطور کلی وجود ندارد . یا اینکه بعیان سیار کنی گرفته میشود . وضع در دهات و قره تهران که دهقانان آن باید غیر از مالیات ها مخارج میانور را بعده گیرند و شکم کشند و میرزا بنویسرا سیر کند بمراتب و خیم تر است . در پاره مالیات از دام ها باید گفت که این مالیات تقریباً در همه جای ایران اخذ میشود . (۶)

ولی هیچ چیز باند ازه بیکاری ( کار مجاز و رعیت برای ارباب ) بر اقتصاد روستائی تأثیر و خیم نمیگزند . ارد کار شاق بیکاری از ۳۰ تا ۲۰۰ روز در سال وقت دهقانان را غصب میکند . در اینجا نیز هیچ ضابطه ای وجود ندارد و همه چیز وابسته به اراده ارباب است . هم اور عایا پل ها را تعمیر میکنند ، خندق میکنند ، نهر ها و کهربایی ه را پاک میکنند ، زمین های زراعی مالک را آب میمایند هند ، سهم مالکانه را مجازی بانهار هایش حمل میکنند ، خرمن ارباب را میکویند و گند مشر را آسیا میکنند ، خانه ارباب را تعمیر میکنند و گاهی هم از نسو میسازند و خلاصه هر کاری را که برای ارباب ضروری و لازم باشد انجام مید هند . علاوه بر این در پارهای دهات

(۶) مالیات فقط خیواناتی که برای شخم زدن زمین های مزروعی بکار میروند مثلاً از گاو و گاوچر و نسر و اسب گرفته نمیشود . مادیه این حیوانات مشمول مالیات نمیشود .

نظیر رهاتخان ماکو و هقنان باید از خود تفکر و اسلحه نیز را شته باشند تا در صورت لزوم از ارباب خود دفاع کنند . با وجود اینکه پس از انقلاب سال ۱۹۰۶ بیگاری ظاهرا ملغی شد ، معدن لک وضع رهقنان در این زمینه علاوه تغییر بسیار جزئی یافته است . بیگاری نه تنها در روایات بلکه در جوار خود تهران نیز بیدار میکند<sup>(۱)</sup> .

اما این هنوز پایان وضع مصیبت بار عیت نیست . هقنان همچنین موظفند که به ارباب خود هدایا ی مخصوص پیشکش کنند و این هدایا را میتوان به اجباری و غیر اجباری تقسیم کرد . هدایا اجباری عبارت از پیشکش هائی نظری شکر سرخ ، گوسفند ، پول نقد ، اشیاء دستیاف ، غیره است که عیت مثلاً بمناسبت عیت نوروز باریاب تقدیم میگرد . در مواردی که رختری بعض ازدواج جوان هم محل خود در میآید ارباب حق را در از هر توان پولی که داماد بایت شوینها به پدر و مادر رعوس میپردازد یک قران بگیر و هرگاه دختر به عقد ازدواج جوانی از ده بیگر در آیینه آنوقت ارباب از هر توان پول شیر بدها و قران برمیدارد . در برخی از نواحی ساوجبلاغ هنوز رسم قبیح "شب اول" باقی مانده است . در ناحیه قوه داغ شهرداران دختری دهن اجازه رسی ارباب غیر ممکن است و کسب چنین اجازه ای مشروط باینست که یک یا چند رأس گوشنده باریاب پیشکش شود . طبیعی است که در این جزو مختصر نمیتوان حتی ده یک تحقیرات و شکجه هائی را که عیت ایرانی هر روز و هر ساعت با آن ها مواجه است شرح را در قوانین مقدوس اسلام و عیت را باطاعت از بزرگ خود یعنی ارباب خود فرامیخواهد و شریعت اسلام اصل مالکیت خصوصی را بمنای اصل خدش نایاب نیز و مشیت الهی میداند . سطح نازل فرهنگ رهقان ایرانی به استشارگران امکان میدارد که بحساب دارآمد نحیف و عیت ز حفظکش در پارک ها و کاخ های مجلل پایخت و بیگر شهرها خوشگرانی کند .

این وضع بردگی با مالیاتها و موارض بیشماعر ، تأثیر بسیار و خیلی بر اقتصاد روسانی میگارد . تا این لحظه در غالب موارد در ایران رعیت برای شخم زدن زمین هنوز خیش بیکار میرید و فقط در بعضی نقاط از گاو - آهن استفاده میگرد . همانا بعلت وجود استشار و خبیانه است که همه ساله ره ها هزار ره هقنان ایرانی محل زاد و بیوی خود را ترک کرده و زرق و بزری خود را در مرکز صنعتی ترکستان ، قرقاز و بیگزاخی رویه میجویند . آنها باین جهت جلای وطن اختیار میکنند که در ایران محلی برای بکار آند اختن تبریو خود بیدانی گند و این هم در شرایطی است که در کشور اراضی بکو و بایر پهناوری وجود دارند که قابل کشت است و متعلق بدولت میباشد . ولی باند حاکمه قبور ال - ملاک ها در پیوند با رژیم سلطنتی غالماً و عامداً نمیخواهد که در هقنان باین اراضی راه یابند زیرا در اینصورت از صد ها هزار برد خود محروم خواهند شد ، بزرگانی که باشیل وار هر لحظه آماده اند که از چنگ ملاکان غارتگر گریخته و این نواحی جدید را اشغال کنند .

ولی ظاهرا این مسئله تا زمانی که قدرتادر دست ملاماکان است تغییری تخواهد یافته . تنها انقلاب بیرون متد ، تنها نایابی قدرت قبور ال ها بر عیت ایرانی امکان خواهد داد که ولی اکثر تا حدی هم شده شرایط جهنبی زندگی مشقت بار خود را بهتر سازد و بیوی اسارت چند صد ساله را در او فاند .

ولی مصیبت رعیت ایرانی تنها در این نیست که ملاکان روحانیون مطالع شاه ، معاونان دولت و ارتش مد ها هزار مقنخور بیگر سوار بر گرده اشن از قبل اونان میخورند . افزون بر اینها در بعرض استشار سرمایه ایران خارجی نیز قرار را رد . اگر انکشاف سرمایه را ریز کنورهای اروپائی موجب بیدایش صنایع ملی شد و بد هفتم نان امکان دارد که نیروی کار خود را در تولید بکار بگیرند ، در ایران بالعکس ، این انکشافه تنها مانع

(۱) در بسیاری از نواحی ، رهقنان موظفند که با وسائل خود آن قسمت از محصولی را هم که بعنوان مالیات دولتی از آنان گرفته میشود مجانی به اهارهای قله وزارت مالیه حمل کنند .

بزرگی در راه رشد صنایع داخلی گردید بلکه جریان فقر عمومی پیشه و زان را هم سریع تر ساخت و آثاراً بعنوان نیروی کار از زان بخارج از کشور راند . احتیاج ملک ایران بیشتر نظیر سنیور های فتووال قرون وسطی که در وقت خود چنین احتیاجی داشتند شدید تر گشت و هم زمان با این امر فشار مالیاتی ایجاد نقدی که تمام بار سنگین آن به دوش رعیت ایرانی میافتد و سنگین تر گردید و در همان آن ایران سرانجام بصورت تحويل دهنده گان عادی مواد خام برآکر صنعتی اروپا و خرید ایران امتعه آنان در آمدند . تفاوت بهای مواد خام از زان و امتعه گران آن باج خون آلووی بود که رعیت ایرانی بسرا میبرد اختر . در نتیجه این استثمار مضاعف یعنی استثمار خود را و بیگانه ، در همان آن ایران هنوز هم عقب مانده ترین و تهدید سنترین قشر جامعه در سراسر جهان است .

### ۳- نظام اقتصادی

در کشوری که سرمایه آن بعلت فقدان امنیت جانی و مالی فرار میگند و اختیار تجاری از آن رخت برپسته و بول را تنها با ضمانت فوق العاده مطمئن با ریح بیش از ۴۰ درصد میتوان بدست آورد ، در کشوری که میلیون ها رعیت زیر ستم فتووال الیسم زجر میگشند و تمامی سیاست را داخلی و خارجی آن توسط عمال امپریالیسم غرب را بیرون با اشراف وطن‌پرور محلی اداره میشود در این چنین کشوری مشکل بتوان در باره انشکاف جدی صنعت سخت گفت از سوی دیگر فقدان صنایع ملی مانع بسیار بزرگی در راه انشکاف ، توسعه کشاورزی و تطور طبقاتی بشمار میبورد .

تولید کشاورزی فقر الى در وقت خود در اروپا نیز دچار بن بستگردید و با نیروی خودنمیتوانست از آن خارج شود . صنعت انشکاف یابنده در شهرها نیروهای انقلابی بوجود آورد که خواستار محرومیت فتووال الی بود و قدرت اینکار را هم داشتند . آنها با از بین بودن رژیم فتووال الیه نه تنها بر صنعت بلکه بر فلاحت نیز راههای تازه‌ای گشودند . صنایع برای کشاورزی خود گرا [راسپوئل] [نوین شرایط علمی و فنی فراهم ساخت و با تولید ماسنین های کشاورزی ، و کود مصنوعی ، تحول انقلابی در آن ایجاد کرد و تولید بزرگ سرمایه در ایران را مافو ق تولید کوچک روستائی قرارداد و بدین ترتیب بازارهای منسخ فتووال الیسم را برای همیشه مدفن ساخت . در ایران تولید کشاورزی همچنان درین بست قرار ارد و تا زمانی که قدرت درست راست هیچ ایمان و اشراف است هیچ امیدی به خروج از این بن بست نیست . ضمناً ایران در پرتو منابع طبیعی سرشار خود دلایل کافی برای راعیه سرنوشت بهتری دارد .

در واقع نیز ذخایر طبیعی ایران عظیم و پایان ناید نیزند ولی این ذخایر در مقیاس محدود مورد بروزهای برسی قرار گرفته اند و با شیوه‌ای بسیار نامطلوب استخراج میشوند . لکن حتی آن اطلاعات جسته گریخته ای که توسط مهندسان شوکت استخراج معدن باتکار بارون رویتر (۱۸۸۱-۹۰) جمع آوری شده وفور این شرط‌های طبیعی را نشان میدهد . در کشور معدن معنی ، آهن ، سرب ، نیکل ، چوبی ، قلعه گرافیت ، زغال سنگ ، مرمر ، نمک ، نفت و غیره بعد وفور وجود دارند . منابع زیرزمینی ایران بخصوص از لحاظ معدن موارد سوختی بسیار غنی است : در شمال کشور تقریباً سرهمه جا کانهای زغال سنگ را بدینه میتوند و اراضی نفت خیز در طول هزاران ورست (۶) در جنوب و شمال کشور گسترده شده اند .

منابع طبیعی ایران با معدن و آن هایی که بر شمرده بیم پایان نمی یابد ؛ در ریاهای متصل به آن مقا- دیر متابه ماهی (در دریای خزر) و موارد و صدف (در خلیج فارس) صید میشود .

(۶) ورست VERSK مقياس طول در روسیه قدیم مساوی با ۱/۰۶ کیلومتر است . [متترجم]

ایران در فرود گشته با محصولات صنعتی خود - مصنوعات فلزی، چینی آلات و انواع پارچه های پنبه ای پشمی و ابریشمی شهرت داشت. در حال حاضر این کالاها اجبارا جای خود را به مصنوعات ماشینی ارزان تر منجستر، لیون، مسکو وغیره میدهند. فقط در زمان جنگ تأثیر این مرآگر صنعتی بعده قابل ملاحظه ای کاهش یافته و این امر امکان دارد که مصنوعات مانیفاکتوری کشور دوباره بعد از افزایش وارد بازار شوند. صنایع محلی هنوز هم مثل سابق است و برآنکه است و در ضمن تقریباً هر ولایت و هر شهری به تناسب موارد اولیه و مصالحی که در آن ناجیه یافت می شود تولید مخصوص بخود را دارد. صنایع محلی در طی چند قرن گذشته شالوده ریزی شد. با توجه به قهرست تقریبی شهر های عده ایران که زیلا آورده می شود میتوان در باره اینکه چه حرفه و صنعتی بیش از همه مختص این و یا آن شهر ایران است تصور کنیم که بیدا تصور : آستانه - آستانه (پارچه های ابریشمی راه؛ بروجرد - صنعت زرگری، بستانه (ایالت خراسان) - مصنوعات فلزی، پارچه های ابریشمی پنبه ای و قالی وغیره؛ بیرون گردند - قالی های نامغرب بیزد - رنگریزی، مصنوعات ابریشمی، قنادی (تاورود - قند خارجی، قند بیزد در سراسر ایران شهرت داشت)؛ تصرف (۵) (نژد یک بیزد) - نمد مالی؛ تبریز - پارچه های رنگارانه (که ابریشمی و نخی، عبا وغیره؛ اصفهان - زرگری، خاتم کاری، پارچه بافی، چاقوسازی و دیگر اشیاء فلزی، شراب سازی وغیره؛ خوشی - پارچه های پشمی؛ همدان - نمد مالی و شراب کار میکنند باید گفت که تعداد این قبیل کارخانه ها در ایران بسیار ناچیز است. موسسات فعلی ایران گرچه کارخانه نامیده می شوند ولی بیشتر شبیه کارگاه های بزرگ هستند تا کارخانه. در این کارگاهها از ۵۰ تا ۱۵۰ نفر کارگر دارند و قادر نیستند مد تزریزی در مقابل رقابت کالاهای خارجی مقاومت نکنند. بدش اعظم آنها در سال دوم یا سوم تأسیس خود تعطیل میگردند. قهقهه زیرین کارخانه ها و فابریک های ایران و چگونگی وضع صنایع کشور را شناس می دهد:

۱- کارخانه اسلحه سازی تهران - تأسیس در سال های ۱۸۵۷-۱۸۶۶ (سالیانه ۱۰۰۰ قبه تفسیگ تولید میکرد؛ اکنون کار تیکنده ولی برای بکار اند اختن مجدد آن کوشش های بعمل می آید.

۲- کارخانه کافندسازی تهران.

۳- کارخانه های قند (مازندران (ونژد یک تهران) کار نمی کنند.

۴- کارخانه چلوار بافی (نژد یک تهران) کار نمی کند.

۵- کارخانه بلور سازی (تهران از سال ۱۸۶۶) حال تعطیل است.

۶- کارخانه چینی سازی (تهران) کار نمی کند.

۷- کارخانه شمع سازی (تهران).

۸- کارخانه کافندسازی (اصفهان).

۹- کارخانه اسلحه سازی (اصفهان) تعطیل است.

۱۰- کارخانه اسلحه سازی (اصفهان) تعطیل است.

۱۱- کارخانه های باقندگی (اصفهان و تهران)

(\*) در متن تأثیر آمده است، با رجوع به مقدمه المعارف فارسی (صاحب) و فرهنگ فارسی دکتر محمد معین نتوانستیم لفظ درست فارسی را بیابیم. [نشر]

۱۳ و ۱۴- کارخانه های حریر بافی ( نزدیک رشت - گیلان )

۱۵- کارخانه باروت سازی .

۱۶- کارخانه مخصوص تهیه پیستون .

۱۷- کارخانه گاز تهران . ماشین آلات این کارخانه ۰۰۰۰۰ ۳ لیره انگلیس تمام شد ولی پس از دو سال به مبلغ ده هزار لیره انگلیس فروخته شد و اخیراً بدست یک شرکت خارجی افتخاره است .

۱۸- کارخانه کبریت سازی ( تهران ) ساختن این کارخانه ۰۰۰۰۰ ۲ لیره انگلیس خرچ برداشت ولی نتویست در مقابل کبریت روسها و اطربیشی ها مقاومت کند و بسته شد .

۱۹ و ۲۰- کارخانه رسنده ( تهران از سال ۱۸۹۳-۴ ) بعلت عدم قدرت رقابت با محصولات خارجی بسته شد . کارخانه رسنده ( تبریز ) .

۲۱ و ۲۲- کارخانه های پنبه پاک کنی ( اصفهان ظبایبوره مراغه ) .

۲۳- کارخانه های برق ( تهران ) کارخانه مشهد ، رشت ، تبریز .

۲۴- کارخانه صابون سازی ( تهران ) .

۲۵- کارخانه آبجو سازی ( تهران ) .

البته این فهرست بهمیچ و چه کامل نیست ولی با این وصف نشان میدهد که منابع ایران چه وضع اسنادی دارد . صنایعی که نه تنها قادر نیستند به پیشرفت عادی خود ادامه دهد بلکه حتی نمیتوانند موجود بیت اولیه خود را زیر فشار رقابت کالاهای خارجی حفظ کند . جلوگیری از سیل کالاهای خارجی نیز ممکن نیست ، چون هر دولتی که خود را "محترم" بشمارد با قводالهای ایران قراردادی بسته که سیاست مستقل اقتصادی را برای ایران غیر ممکن میسازد .

یگانه روش تولید که بسرعت رشد میکند صنعت نفت جنوب ایران است که در دست انگلیس هاست . استخراج نفت در آنجا بیش از همه در ناحیه میدان نفتون ، واقع در ۱۴۰ میلیون شرق محمره تمکز یافته و قصبات کارگر نشیب از ارد و گاههای کارگران و کارمندان بوعی در همینجا واقع اند . بخش اعظم کارگران متخصص از هند وستان استخدام میشوند . از سال ۱۹۱۲ یک لوله نفت بطول ۴۰ میلیانگلیسی از محل استخراج نفت تا پالایشگاه کشیده شد ، و مورد بعده برد اری قرار گرفته است . تولید نفت سال بسال با آهنگ غیرقابل تصویری افزایشی یابد . بسال ۱۹۱۰ در آینجا تقریباً نفت استخراج نمیشند ولی در سالهای بعد میزان استخراج به ۱/۵ میلیون بشکه و در سال ۱۹۲۰ به ۱۲ میلیون بشکه ( قریب ۹۶ میلیون پوت ) رسید ( ۱ ) . بدین شکل ایران هم اکنون در تولید جهانی نفت مقام پنجم را احراز میکند ، و در استخراج نفت ، رومان و گالیس را پشت سر گذاشت . در سال ۱۹۲۱ میزان استخراج نفت بازهم ۲۰ درصد افزایش یافت و بدین طریق شرکت نفت انگلیس و ایران ۱۲ میلیون لیره استرلینگ سود خالص برد . این شرکت در ببره برد اری نفت جنوب ایران از حق انحصاری برخوردار است . در نوامبر سال ۱۹۲۱ مجلس شورای ملی امتیاز استخراج نفت شمال ایران را بعد از ۵۰ سال به تراست امریکائی استاندارد اولیه "اکذر کرد . بهر صورت نفت ایران آینده درخشنده در پیشید ارد .

علت ضعف اکشاف صنایع ایران تنها در رقابت کالاهای خارجی نیست بلکه در وضع فوق العاده بد راهبه ارتباطی نیز هست . این امر بشدت مانع توسعه تجارت خارجی و داخلی ایستگاهای میان مراکز بزرگ تجاری کشور حتی راه های ارائه رو هم وجود ندارد . منابع مثال قسمت اعظم راه تهران - مازندران را ، با وجود این

( ۱ ) پوت واحد وزن روسی معادل با ۱۶/۳۸۰۴ کیلوگرم است [ مترجم ]

که مازندران از شر و تند ترین ایالات ایران است، باید با الاغ یا اسب پیمود . راههای شوشه و آهن موجود در توسط خارجی‌ها ساخته شده و منحصراً از طرف آنها بهره برداری می‌شود، باستثنای راههای سابق روسها که پیش از انقلاب اکثر از طرف حکومت‌شوریه ای ایران واگذار گردید . اکون در ایران راههای شوشه زیرین وجود دارد: ۱) جلفا - تبریز (۲) ارزلی - تهران (۳) قزوین - همدان (۴) تهران - سلطان‌آباد (اراک) (۵) باجگیران - مشهد (۶) آستانه - اردبیل . کل طول تمام این راههای حقن به ۴۰۰۰ ورسوت هم نمیرسد . راههایی که چاپار (پست‌دولتی) از آنها میگردند شایان توجه است:

۱- راههای ارابه رو (از آجمهله شوشه)	۵۰۱۲ ورسوت
۲- راههای چاپار سواره .....	۸۸۸۳
۳- راههای چاپار پیاده .....	۸۵۲۳

جمع ۱۹۲۶۸ ورسوت

بدین ترتیب قریب ۲۵ درصد از این راههای را جاده‌ای شوشه تشکیل میدهند . ضمناً عبور و مرور اتوبوسل ها از این جاده‌ها فقط از زمان جنگ شروع شده‌است . در ایران باستثنای رودخانه کارون که از منطقه امتیاز شرکت نفت انگلیسی ایران میگذرد رودهای قابل کشتیرانی وجود ندارد .

و اما آنچه که مربوط به راه آهن ایران است تا شروع سال ۱۹۲۲ خطوط آهن زیرین وجود داشتند:

۱- راه آهن تهران - شامعبد العظیم . ۸۷۰۰ متر کار نمی‌کند .

۲- راه آهن محمود آباد در معادن زغال سنگ آمل - ۱۱۰۰ متر کار نمی‌کند .

۳- راه آهن پیروزی - رشت . ۱۲۰۰ متر کار می‌کند .

۴- راه آهن - جلفا - تبریز با خط فرعی صوفیان - شرفخانه : حدود ۲۰۰ ورسوت کار می‌کند .

۵- راه آهن بوشهر - احمدی - برازجان : ۵۶ ورسوت کار می‌کند .

جز راه آهن جلفا - تبریز ، فاصله رویل های بقیه خطوط آهن باریک است ، و خیلی بطری کار می‌کند .

و اقعاً برای کشوری که فاصله میز هایش از یک سو تا سوی دیگر ۲-۳ هزار ورسوت است این طول راه آهن مضحک است .

نقض این جاده خوب، و مهتر از همه راه آهن، نه تنها برداش و ستد بلکه بر نوسان قیمت‌ها در نواحی مختلف کشور نیز تأثیر بسیار منفی میگارد . مطابق آمار منتشره در روزنامه‌های ایران قیمت فروش گدم وجود در تابستان سال ۱۹۲۱ قبل از برداشت محصول از این قرار بود :

جه	جهنم	تومان	قیمت هر خسروار به تو مان
۱۵	۲۲-۲	.....	شیراز .....
۱۶-۱۷	۳۰	.....	همدان .....
۴	۵/۵	.....	سرخس .....
۹	۱۳	.....	اراک .....
۵/۵	۸	.....	مشهد .....
۱۴	۱۴۵	.....	صفته .....
۴/۵	۵	.....	باجگیران .....
۱۶	۱۸	.....	زنجان .....
۱۰/۰	۲۴	.....	ملایر .....

وجود چنین نوسان بزرگی در قیمت مخصوص لاستخذ این نمیتواند بر انکشاف تیرهای مولده کشور تأثیر نگذارد آن کارفرمایی که در تهران کارخانه ساخته نمیتواند روی گدم از زان سرخس یا مشهد حساب کند . او مجبور است بکارگران خود مطابق قیمت‌های بازار تهران که ۵ - ۶ بارگران تراز شهرهای منکر است «مزد» دهد . در غایب امور تمام این تفاوت قیمت‌های جیب‌مالکان میور و بهره مالکانه شان را بالا میبرد . بهمین سبب ملاکان و شاهزادگان تهران نشین که حکومت واقعیه راست آنهاست و باتفاق آنها خود شاه هم که املاکش در نزد یکی تهران است به احراز راههای مناسب بین مرکزو ولایات چندان علاقه‌ای ندازد زیرا در این صورت عواید آنها بعیزان فاحشی تقلیل خواهد یافت ، ولی در عوض در حومه تهران ناشمام ۱۰۰ - ۴۰۰ وrost ، «جاده‌ها وضع نسبتاً خوبی دارند . ضمناً راههای ارتباطی دور از مرکز نه تنها وضع خراب را ارزد بلکه در عین حال قلمرو دستبرد راه زنان نیز هستند . باند اشرار اغلب چاپارها و مسافران را بلاکیفر غارت میکنند . سیاست راهیکانه انگلیس و روسیه تزاری و مبارزه آندو در راه تصرف ایران نیز نقش بزرگی در این زمینه ها باری کرد . البته تمام این عوامل هنوز هم مانع انکشاف اقتداری کشور میگرد و بر تجارت خارجی و داخلی آن تأثیر مهملک میگذارد .

لکن هیچ عاملی باند ازه جنگ جهانی و میهم بون اوضاع سیاسی خاور نزد یک طی چند سال متولّی ، ایران را ورشکست نساخت . صادرات محصولات بازرگانی چه در شمال و چه در غرب تقاضای بکل قطع شد . تجارت ترازیتی افغانستان نیز با روسیه و اروپای غربی قطع گردید . بویژه صادرات خشکبار ، پنبه ، ابریشم ( پله و لاف ) ابریشم و همچنین پارچه‌های ابریشم ) ، محصولات از راه ترازیت فقاز و یا از طریق تبریز . از روز طرابوزان ، بروسیه و اروپا صادر میشد . تجارت در جنوب ایران همیشه جنبه وارد این داشت و تقاضای فقط تریک وارد میشد که از هندوستان و چین مرسید . در نتیجه تقلیل صادرات کشور ، در و سند و آخوند نیز دچار بجران گردید و زارغان ، بد ام اران ، قالیچاقان ، و نوغان کاران نیز توanstند مدت متمادی مشتریان کافی برای محصولات خود پیدا کنند .

بویژه به محصول پنبه و پنبه کلان کشور خسارت هنگفتی وارد آمد . تا شروع جنگ ، ایران همه ساله از نواحی شمال کشور چند میلیون پوت پنبه خارج میکرد . در اوایل قرن بیستم در منطقه وسیعی از سواحل دریای خزر گرفته تا نواحی سمنان ، دامغان ، شاهرود ، سبزوار ، نیشابور بخراسان و/or این ، ساووجبلاغ ، قزوین ، قم ، تهران کاشان وغیره قریب ۳۰ درصد اراضی موقب‌زیر کشت پنبه قرار گرفتند . ولی تزل فاحش قیمت پنبه از در و ران جنگ و بعد از آن موجب گشت که بخش‌هایی از این اراضی به کشت نباتات دیگر اختصاص داده شود .

قیمت‌های در سالهای جنگ تقاضای رهجه جا نسبت بد و ران قبل از جنگ ۴ - ۵ بار تزل یافت و بعد از جنگ یعنی در آغاز سال ۱۹۲۰ بزحمت به ۵ درصد قیمت سایق رسید . بهمین دلیل جای شکنی نیست که اکثریت دهستان ایران برای نجات خود از خطر گرسنگ و قحطی از کشت پنبه دست کشیدند و بعوض آن در زمین‌های مزروعی غله کاشتند . در نتیجه این اقدام قیمت غله تا حدی تقلیل یافت در حالی که قیمت کالاهای کمیصرف وارد این روز بروز سیر صعودی را طی میکرد . برای روش شدن بیشتر آمار قیمت‌های تقاضی را نقل میکیم :

### قیمت‌های قران

۱۹۲۰/۲۱	۱۹۱۶/۱۷	۱۹۱۴/۱۵	گندم (خروار)
۱۱۰	۱۰۰	۱۳۵	برنج
۴۰۰	۳۸۰	۲۳۰	برگه زرد الو
۲۲۰	۲۰۰	۱۰۰۰	بادام (یک من)
۶	—	۲۴	

روغن (یک من)	۱۹۱۴/۱۰	۱۹۱۶/۱۲	۱۹۱۰/۲۱
نفت (۰)	۱۲	۴/۲۵	۵۱
لوله چراغ (عدد)	۴۸۰	۵/۵۰	۵/۵۰
قند (یک من)	۰/۵۰	—	۷
چای (گیوانکه)	۸/۰	۲۲	۱۰
استکان (عدد)	۹/۰	۲۸	۳۶
چیت (ذرج)	۰/۲۵	—	۴
	۰/۵۰	—	۴۰

این ارقام که مربوط به نواحی شمالی هم سرحد با روستیانه اند اگر کامل هم نباشد باز هم نشانه‌ای از آنست که رعیت ایرانی مجبور است محصول خود را بسیار ارزان تراز قبل چند بفروشد . در مقابل کالاهای کار خارج وارد میشوند مثلاً استکان و چیت ۱۴۶۷، ۶ و حتی ۱۶ بارگران ترشیده اند در سال ۱۹۲۲ در اثر بهبود روابط بازارگانی با جمهوری فرانسه شوروی قیمت کالاهای معیزان بعیزان قابل توجهی کاهش یافت و مواد خام کشاورزی و میوه ۱۰۰ درصد ترقی کرد .

عقب ماندگی اقتصادی کشور و سیاست جنایت بار قشر اشراقی - ملکی ، رعیت ایرانی را به خراج ده مالک سرمایه را مبدل کرد و کشور را پکرد اب فقر کامل افکد . طی چند دهه اخیر ، ایران هرگز موازنۀ بازارگانی را نداشت . بر عکس همیشه واریا تعرفه‌های العاده بیش از صادراتش بود . در عرض سالهای ۱۹۰۰- ۱۹۲۰ تجارت خارجی ایران چنین چشم اند ازی داشت :

### به میلیون قسران

سال	واردات	صادرات	میزان افزایش واردات بر صادرات
۱۹۰۰	۲۵۵/۵	۱۴۷/۳	۱۰۸/۱
۱۹۰۵	۳۸۶/۵	۲۹۳/۱	۹۳/۴
۱۹۱۰	۴۸۴/۵	۳۷۵/۲	۱۰۹/۱
۱۹۱۴	۶۴۷/۲	۴۵۰/۹	۱۹۱/۳
۱۹۱۶	۴۹۴/۸	۴۲۳/۱	۶۰/۹
۱۹۱۸	۴۷۶/۳	۴۷۰/۱	۷۰۰/۶
۱۹۱۹	۴۳۳/۴	۲۴۶/۵	۱۸۹/۱
۱۹۲۰	۵۲۹/۰	۳۰۹	۴۲۰
جمعکل ارسال آخر ۱۹۰۰	۹۲۲۸/۵	۶۲۱۰/۸	۲۰۱۷/۷
سال ۱۹۲۰			

(۰) نفت از باکو بشمال ایران وارد نمیشد .

صادرات ایران بطور کلی عبارت از پنجه پشم، پوست، خشکبار، تریاک و در درون اخیر غله و واردات کالا های صنعتی مختلف است.

بدین ترتیب ایران در طول فقط ۲۰ سال ۲/۵ میلیارد قران بکشورهای خارجی باج دارد. این مبلغ برای یک کشور فلاح‌تر عقب‌مانده بار فوق العاده سنگینی است. در زمان حنگ کسر بازارگان خارجی ایران تا حدی کاهش یافته و از ۱۹۱۱ میلیون در آستانه جنگ به ۶۰ میلیون قران در سال ۱۹۱۶ تنزل کرد. علت این امر افزایش میزان صادرات نفت از طرف شرکت انگلیس و ایران بود (در سال ۲۰- ۱۹۱۹ بیش از ۱۸۰ میلیون قران نفت صادر شد). ولی بعد احتیاج وجود افزایش میزان صادرات نفت که ایران از آن سهم بسیار کم می‌برد کسر تجارت خارجی را بواره رو باز نپردازد، در سال ۱۹۲۰ به ۲۲۰ میلیون قران رسید. این رقم برای سال اخیر ایران حد نصاب استه در این رهگر، تقریباً همه کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره سروشوست یک سانچ دارند: آنها فقط صادر کنندگان عادی مواد اولیه ارزان بکشورهای سرمایه داری و خرد ایران داشتند کالاهای صنعتی آن کشورها هستند کالاهای که غالباً از همین مواد اولیه ساخته شده ولی چند بار گران تر از بهای تمام شده فروخته می‌شدند.

تجارت ایران با پارهای از کشورهای جهان در سالهای ۲۰- ۱۹۱۸ چنین چشم اندازی داشت.

### به هزار قران

افغانستان	انگلستان	آلمان	چین	مصر	ایالات متحده	امپراتوری بریتانیا	فرانسه با مستعمرات	ایتالیا	ژاپن	روسیه	ترکیه	عنان
۲۴۵۳/۲	۸۴۶۱/۲	-	۱۴۴/۵	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۹۰/۱	۳۹۳۳/۱	۱۲۵۸۱۵/۲	۳۶۲۲۲/۰	۱۳۰۰۹/۹	۶۴۱۹/۴	۸۱۶۰۴/۲	۴۴۸۵۷۸/۱	۱۲۵۶/۲	۲۶۲۷/۴	۳۳/۴	۶۲۲۰/۰	۷۵۴۷۲/۶
۲۹۰/۱	۳۹۳۳/۱	۱۲۵۸۱۵/۲	۳۶۲۲۲/۰	۱۳۰۰۹/۹	۶۴۱۹/۴	۸۱۶۰۴/۲	۴۴۸۵۷۸/۱	۱۲۵۶/۲	۲۶۲۷/۴	۳۳/۴	۶۰۷۳/۸	۸۴۹۶۵/۷
۵۱۴۵۹۳/۴	۱۶۴۹۷/۳	۹۲۸۲/۴	۴۷۷۴/۳	۵۱۴۵۹۳/۴	۱۶۴۹۷/۳	۹۲۸۲/۴	۴۷۷۴/۳	۵۱۴۵۹۳/۴	۱۶۴۹۷/۳	۵۱۴۵۹۳/۴	۱۶۴۹۷/۳	۹۲۸۲/۴

پس از سقوط امپراطوری روسیه، انگلیس در صدر تصرف تمام ایران برآمد<sup>(۱)</sup> و از رعایت تجارت تقریباً بایستن هدف نائل شد. از ۱۶۹ میلیون قران واردات کل کشور در سال ۲۰- ۱۹۱۹- ۱۹۱۶- ۱۹۱۴- ۱۹۱۲- ۱۹۱۰ میلیون سهمیه انگلیس است (بطور کل منسوجات پشمی و نخی) یعنی حدود ۷۰ درصد سهم کشورهایی<sup>(۲)</sup> یگر در واردات ایران ضعنا فقط بیش از ۲۰ درصد میرسید. باید منتظر بود که پس از انعقاد قرارداد روس و ایران این منظمه تغییر ممکن باید. قسمت اعظم کالاهای که ایران وارد می‌شوند عبارتند از اشیاء صحرق و تجملی واردات مانعین

(۱) در بازار برتری روسیه در بازار ایران در آستانه جنگ جهانی [اول] به اثر باولوچیج "امپراطوری امپریالیسم و میازده بخاراط راههای آهن و راههای بزرگ در آینده" جلد دوم صفحات ۳۰- ۱۷- ۱۲ رجوع گیست.

آلات و ابزار تولید باستثنای توبیل اقلام ناچیزی را تشکیل میدهند . و اما در باره صادرات ایران به انگلستان باید گفت که هیشه ناچیز بوده است . در سال مالی مذکور جمما ۲۰٪ صادرات کل انگلیس بایران را تشکیل میدارد .

در سال ۱۹۲۱ تقریباً در تمام نواحی ایران بحران تجاری بسیارهای روی داد بخصوص در ولایات شمالی کشور که به ووشکستی یک سلسه ارشکت های تجارتی بزرگ منتهی شد . علی بروز این بحران از طرفی رکود دار و ستد را خلی و خارجی و از سوی دیگری ارزش شدن کامل صدها میلیون استکان بیرون که در روسیه تواری در روی جنگ براز خرید ارزاق ارتش خود بایران وارد کرده بود . در اوقاین باج خود ویره مردم ایران به امپرالیسم آنتانت (Entente) بود که در نتیجه نهایی تمام " فواید جنگ نصیب آن گردید .

وضع مالی ایران نیز کتر از این اسفاق نیست . از سال ۱۸۹۴ بودجه کشور تقریباً هر سال کسری بزرگ داشته است . در دوران سلطنت ناصرالدین شاه کسر بودجه همه ساله به قریب ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ قران میرسید بعد از پرتوی ابیری که میرزا تقی خان، بیک از وزیری او ، برای اصلاحات مالی کشور اتخاذ نمود موقعتاً کسر بودجه از بین رفت، ولی در زمان سلطنت ظفرالدین شاه دوباره باشد تابیشتری رو به صعود نهاد و شاه براى ترمیم آن بقرضه های خارجی متول شد . در سال ۱۹۰۶ کسر بودجه به ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ قران رسید (در آمد بودجه ۷۵۰،۰۰۰ و هزینه ۱۰۵،۰۰۰) (قران) . ارقام زیرین وضع مالی ایران را از سال ۱۸۸۷ تا ۱۹۲۲ نشان میدهد :

سال	عوايد	مخارج	اختلاف
۱۸۸۷-۸	۵۶۱۸۶۷۱۶	۴۲۰۲۳۲۴۷۲	۱۳۶۹۵۶۶۴۴۴
۱۹۰۳-۴	۱۲۰۰۰۰۰	۱۳۵۶۴۴۰۰۰	- ۱۸۶۹۲۰۶۰۰۰
۱۹۰۹-۱۰	۱۰۶۶۰۵۱۶۸۰۰	۱۹۰۴۳۰۵۶۰۰۰	- ۸۳۶۲۵۳۶۲۰۰(۱)
۱۹۱۱-۱۲	۱۱۸۶۲۵۳۶۲۹۹	۱۱۸۶۲۵۸۱۶۹۰۱	- (۶) ۱۱۸۶۲۵۸۱۶۹۰۱

بدین ترتیب دولت ایران طی ۲۵ سال اخیر مدام با خطر افلاس مالی مواجه بود و با دشواری زیاد اغلب فقط از راه اخذ قرضه های خارجی بسرو ته بودجه را بهم می آورد . پر واضح است که بار سنگین تمام ایست قرضه های نیز بد و شمرد میافتد ، مردمی که لائق دوبار بیش از آن مبلغی که با سیاسته دولت تعیین شده است بول میبرد از نهاد .

برای توصیف اداری قیق تر ، لایحه بودجه سال ۱۹۲۲-۳ را در نظر بگیریم که رقم کل عوايد نقدی آن ۱۳۶۳۲۴۶۱۳ تومان و عوايد جنسی - ۸۶۵۱ خروار گندم ، ۲۰۰ خروار جو و ۱۰۰ خروار برنج برآورده شده است باندازه عوايد بودجه سال گذشته است . در بخش مخارج بودجه ۶۸۳،۸۰۰ تومان نقد و ۲۲۶،۸۰۰ خروار گندم ، ۳۴۸۴ خروار جو و ۱۱ خروار برنج - جنس پیش بینی شد است . فزونی مخارج بر عوايد با پول نقد ۴۶۸،۴۵۰ تومان و با جنسه ۳۲ خروار گندم ۳۲۸،۴۶ خروار جو ۳۰ خروار برنج است . خصیصه

(۱) در اینجا قرضه قریب ۱۸ میلیون قران حساب نشده زیرا تقریباً تمام آن سال آینده منتقل شده است .

(۲) در اینجا کسر بودجه بشکل جنسه ۳۵۵ خروار گندم ، ۲۸۴ خروار جو و ۳۰ خروار برنج بحساب نیامده است .

(۳) در متن اسن روسی ۱۹۱۱-۲۲ آمد است که بنظر نادرست آمد ولذا تصحیح شد [ناشر]

مشخص باین لایحه بود جهه عبارت است از اولویت‌خواهی نظامی بر تمام اقلام دیگر بود جهه . در حال حاضر دولت ایران با اکران میجنگ و در صدد است ارتقی برای خود تشکیل دهد . بهسین مناسبت برای وزارت جنگ ۹ میلیون تومان اعتبار اختصاص داده شده است . البته برای این منظور بود جهه تقدیریا تمام ادارات و وزارتخانه ها را تقلیل راه انداخت . بوزیره به بودجه بود جهه فرهنگ ملى که از ۴۰۰،۰۰۰ تومان در سال ۱۹۲۱ به ۲۳۷،۰۰۰ تومان در سال جاری کاهش یافته لطمه جدیدی وارد آمده است . لکن لایحه بودجه را نمیتوان موافق دانست زیرا به تصدیق شخصیت‌های صلاحیت اولیه عواید عالماً و عادل احتمال ۸-۷ میلیون تومان کمتر برآورد شده‌اند و این بول های هنگفت بجیب‌اموران کوچک و بزرگ و قبل از همه شاه و وزیرانش میرود .

در مجلس‌هنگام مذکوره لایحه بودجه ( ژانویه سال ۲۱ ۱۹ ) حقایق حیرت‌آوری درباره اختلاس‌بیت المال از طرف مأموران دولت‌نگر شد . در سال ۱۹۲۱ تنهایاً میکس ما مسؤولیت در اصل فهمیاً ن ۱۱،۰۰۰ تومان مالیات و عوارض مختلف بامضای شخصی گرفت و قبضه‌رسید دار ولن حتی یک قران آن بخزانه نرسید ، نظیر این واقعه در کرمانشاه و تبریز و دیگر نواحی نیز خ داده است . سليمان میرزا نماینده مجلس ( از جناح چپ حزب‌دموکرات ) ضمن نقط خود اظهار داشت : « پول هائی که مردم میدهند به مصرف مایحتاج مملکت نمیرسند ؟ بلکه قبل از همه صرف ساختن پارک ها و کاخ ها و خرید اتوبیل میشوند . وی گفت تهقیقات و پیشه و ران بیچاره بول میدهند و من میتوان سوگند یار کنم که بمراتب بیش از آنچه که بحسابان گذشته میشوند . اگر تمام آنچه که در کشور ما از مردم میگیرند وارد خزانه شود عواید ما اگر نگویم سه برابر ، محقق دو برابر آن مقداری خواهد شد که بما ارائه میدهند . » سليمان میرزا درین‌الله اظهارات خود شواهد متعددی درباره اختلاس‌بیت‌المال شدند خواهش از این دوزارتخانه‌های مختلف آورده . در اثر این سرقت‌ها و غارتگری‌ها غالباً حتی آن‌عوایزی که براتب‌کنتر از میزان واقعی است از ایالات بخزانه دولت نمیرسند . مثلاً در سال ۱۹۲۰ آذربایجان که یکی از بزرگترین ایالات ایران است و ۱۹ شهرستان را در بر میگیرد نه تنها هیچ پولی به خزانه کشور نداده حتی برعکس خزانه مجبور شد مبلغی بروجعه آن نیز بفرازید تا کسری عظیم بودجه آن ایالت را که با مخراج کل ۶۲۵،۱۳۶،۴۴۷،۰۰۰ قران در مقابل عواید جمعاً ۹،۳۲۶،۲۵۰ معادل با ۰،۵۱،۸۷۵ قران میشد تا حدی توجه کند . بدین سان ایالت‌ثروتمندی نظیر آذربایجان نتوانست حتی مخراج اداری خود را تأمین سازد . پیر واضح است که در اینجا نیز حرص و طمع و خزانه زدی مأموران ادارات‌نتقش‌بیهی داشته .

این قشر مأموران که اکبریت‌شان را مالکان محلی و مرکزی تشکیل میدهند بمنظور از دست‌دادن امکان چیاول بی‌کنتر خزانه دولت با هرگونه تلاش و زمینه تعریک‌امور مالیه‌کشور و الغای سیستم مقاطعه داری متغیر با تمام قوا مبارزه میکنند . البته کابینه مشیرالدوله در سال ۱۹۲۰ برای اثنای سیستم مقاطعه داری ته ابیری اتخاذ نمود و حتی در چند شهرستان شافتلو را که تا آن لحظه بمقاطعه داره شده بود ملغی ساخت و لسو همه اینها نیات خیرخواهانه‌ای بسیار نبود سیستم مقاطعه داری هنوز هم در ایران رواج دارد صرفظیر از اینکه بکرات‌چه در جراید و چه در گزارشات رسمی خاطر نشان شده که عواید محل هائی که بمقاطعه داره شده براتب‌بیش از میزان اجاره بهاست .

در شرایطی که عواید مملکت از طرف باند مأموران جزء ارشد چیاول میشند و خزانه تهی بصورت پدیده ای من در آورده بود ، دولت‌طیعاً به قرضه های خارجی متول میگردید تا بدینوسیله لائق خطر افلات مالی را بطور موقت تخفیف‌آورده . اولین قرضه در سال ۱۸۹۰ ببلغ ۱۸۹۰ هزار لیره از بانک انگلیس گرفته شد ، و متعاقب آن بی‌درین قرضه‌های دیگر اخذ شد . جدول زیرین ، فهرست‌عدد تین وام هائی را که دولت ایران قبل از جنگ جهانی گرفته بود نشان میدهد :

(\*) این رقم نادرست است . بنظر میرسد که رقم ۹۷۰،۰۷۰ درست باشد [ناشر]

سال	مبلغ	رسانه	مدت پرداخت	محل دریافت	روزیه
۱۸۹۹	۲۴۵۰۰۰۰۰	لیره طلا	۵ سال	روسیه	% ۵
۱۹۰۱	۱۰۰۰۰۰۰۰	"	"	"	"
۱۸۹۹	۳۱۴۶۲۸۱	لیره طلا	۱۵ سال	هند وستان	"
۱۹۱۰	۱۱۱۶۱۰	لیره نقره	روسیه	"	% ۷
۱۹۱۰	۱۰۲۰۶۰۰۰	لیره طلا	۵۰ سال	انگلستان	% ۵
۱۹۱۱	۱۴۰۰۰۰	"	% ۷	انگلستان و هند وستان / تعیین نشده	"
۱۹۱۲	۲۰۰۰۰۰	"	۳ سال	روسیه	"
۱۹۱۲	۲۰۰۰۰۰	"	۲/۵ سال	انگلستان	"
۱۹۱۴	۱۰۰۰۰۰	"	"	تعیین نشده	"

در پایان سال ۱۹۱۳ مبلغ این وام‌ها برابر با ۶۰۷۴۵۶۰۰۰ لیره انگلیسیا ۲۶۱۶۰۰۰ - ۲۶۰۰۰ لیره آن قرضه روسو ۴۰۰۴،۰۰۰ لیره قرضه انگلیسی بود . بهره سالانه این قرضه ها بالغ بر ۵۶۲۶۰۰ لیره میگردید . ولی حکومت ایران علاوه بر قرضه های مذکور تمدید است یگری هم داشت که تا آن‌زمان طبق گزارش سفارت انگلیس در تهران تا به ۴۴۳۲۰۰۰۰ قران میرسید ، ختمه ۲۵ میلیون قران بد هم بانگلیس و روسیه باست جبران "خسارات" که در انقلاب ایران به آن دول وارد آمده بود . قرضه های درجه اول از رآمدگمراکا تو بقیه از محل عواید دیگر دولت پرداخت نمیشد . در سال ۱۹۱۵ روسیه و انگلیس با درنظر گرفتن شرایط بینک، با ایران در پرداخت اقساط قرضه ها مهملت اضافی دارند . غصنا فقط روسیه بود که در تمام دوره تدبیر مهملت اقساط قرضه های ۷۰۴۹۰۲۰۸۴۸ رول طلا را گرفته و بهره سالانه آن هارا . پس از انقلاب اکابر جمهوری فدراتیف سوسیالیستی روسیه شوروی رسم از کلیه مطالبات تقدی خود ضرفنظر نمود و این اقدام تسهیلات محسوسی در وضع آشفته مالی ایران فراهم نمود . ولی با تمام این اوصاف ایران دچار بحران مالی سنگینی است . کسر بودجه سال ۱۹۲۲ که در پیش است ایران را وارد خواهد ساخت که نظیر سالهای قبل ۱۹۲۰-۲۱ نست تکی بسوی انگلیس‌ها دراز کرد و در نتیجه نفوذ انگلیس‌ها میان طبقات حاکمه باز هم تحکیم خواهد یافت . گرچه دولت ایران میکوشند از امریکا نیز که پس از انعقاد امتیاز نفت شمال، مناقش در ایران بطور محسوسی افزایش یافته است مبالغی دریافت کند . ولی تا این لحظه تلاش‌ها بعوقبیت چشمگیری منتهی نشده‌اند .

واستگی مالیه ایران به انگلیس‌ها از این جهت هم شدت می‌آید که تمام عملیات بانک و ارزی ایران درست "بانک انگلیس" است ، که تقریباً در تمام شهرهای بزرگ کشور شعبه دارد کرده است . این بانک که نام پرسو صد ای "بانک شاهنشاهی ایران را دارد" میک شرکت سهام انگلیس بیش نیست که بعویب امتیازنامه ۳۰ و انتویه سال ۱۸۹۹ با سرمایه اصلی ۱۰۰۰،۰۰۰ لیره انگلیسی تأسیس شد ، و از حق انحصاری چاپ و نشر اسکناس در ایران تا سال ۱۹۴۹ برخوردار است . در عین حال این بانک ، واسطه اصلی درانعتاً قراردادهای قرضه بین انگلیس و ایران بوده است و کثیر بر عوارض گمرکی جنوب ایران که صرف پرداخت این قرضه ها میگردد درست است و لی سیطره بانک شاهنشاهی تهبا باین امور محدود نمیگردد . بانک هر لحظه در هر نقطه کشور بمنظور سودجوشی و اختصار ، مظنه ارزهای مختلف را ترقی و تنزل میدهد و در نتیجه این اصر بکرات تعدد از تجار بزرگ ایران بگش مغلوب و روشکست شدند .

دولت برای مبارزه با این منشا شر و سفاد و سروسامان دادن بمالیه کشور نه ابیر جدی برای تأسیس یک بانک دولتی اتخاذ میکد و بدین منظور بانک استقراری روسرا که از طرف جمهوری فدراتیف روسیه شوروی به

ایران واکدار شده ( سال ۱۹۱۴ ) در آستانه جنگ سرمایه این بانک برابر با ۲۰ میلیون رول طلا بود ) برمیگوییم تازمای شکل میدهد . و اما اینکه آیا این بانک خواهد توانست در آینده نزدیک با بانک انگلیس رقابت کند آینده نشان خواهد داد . ولی سلم آنست که بانک انگلیس تا این لحظه قدرت انحصاری مطلق در کشور است .

بدین سان وضع ایران چه از لحاظ اقتصادی وجه مالی واقعاً پائی آور است . البته سبب پیدا ایش چنین وضعی ناحد زیادی سیاست استیلا گرانه انگلیس رویه تزاری است که هر یک از این دو کشور به پیروی از چنین سیاستی کوشید مانع انسداد صنایع محلی گردید تا سلطه انحصاری بر بازارهای ایران محظوظماند . علاوه بر این آنان بانخواه گوگانگن از واکداری امیتار ساختن راه آهن ایران به کشور ثالث مانع بعمل آوردند ، و حتی خودشان نیز از ترس اینکه مبارا طرف مقابل قوی گردیده توانستند اینکار را آغاز سازند . ولی با تمام این اوصاف ، تصریف اصلی بگزیدن حکومت شاه و هدستان او میباشد . همانا این بانک حاکم است که پستهای وزارت و ایالت را بنماید را مدنظر آمد های هنگفت برای تعلیم بیشتر خود مبدل کرده و از راه حراج و فروش بیشترانه شروع کشور با جنبه های مملکت شیر و خورشید را به چنین روز سیاه و فقر ببسیاره ای کشانده است .

### ک- جنبش اجتماعی

استثمار چندین ساله سیاسی و اقتصادی ایران از طرف دولت بزرگ سرمایه داری اثرات عجیب نه تنها بر زندگی اقتصادی کشور بلکه بر تمایی و نوند مبارزه اجتماعی آن گذاشت . یکی از عدهه ترین علل انقلاب سال ۱۹۰۷ در ایران و هچنین انقلاب سال ۱۹۰۸ در ترکیه عبارت از تمایل نزدیکی های مردم به نیات از نفوذ و تأسیس مخرب این دولت ها بود . در ایران نقش پیشقدم را در این زمینه ، رویه و وقت و انگلیس ها بازی میکردند . واضح است که بند و بست این دو قدرت پس از انقلاب سال ۱۹۰۷ یعنی موقعی که آنها در یافتند این جنبش نه تنها بر ضد استبداد شاه بلکه بر علیه خود آنان نیز متوجه است شدیدتر شد .

اگر خطر افتادن ایران به "جنگ" امپراتوری های خارجی نبود این کشور بختی بان زودی ها بفک تغییر رژیم موجود میافتاد . از آنجا میتوان بن برد که چرا رژیم تزاریم ضمن تعاس و ارتباط کامل با انگلیس ها ، باید این قساوتی انقلاب اول ایران [ انقلاب مشروطه ] را سرکوب کرد و چند صد تن از بر جسته ترین مجاهد از راه آزادی را مغلوب و اعدام نمود . جنگ داخلی که طی چند سال ( ۱۹۰۷-۱۱ ) ادامه داشت و نایاب شد این راه رسانه با طlahای روس و انگلیس مشتعل شده بود سرانجام با تبعید محمدعلی شاه از ایران پایان یافت . از سال ۱۹۰۷ روسیه و انگلیس پس از انعقاد قرارداد تقسیم ایران بمناطق نفوذ سیاسی - اقتصادی ( شمال - منطقه نفوذ روسیه و جنوب - منطقه نفوذ انگلیس ) در مورد تمام سائل مهم مشترکاً عمل میکردند . بهمنین دلیل هر دو دولت در سرکوب انقلاب ایران نینعم بودند . ولی علی رغم تمام تلاش های خود موقع نشدن دن جنبش رهایی بخش ملی را نایاب سازند .

در سال ۱۹۱۶ در دو روان تسلط ارتیاع هارو لجام گسیخته که مجریانش نظم ایمان انگلیس و روس بودند در گیلان جمعیتی بنام " اتحاد اسلام " با تعداد زیادی شعار های اسلامی برای مبارزه با بیگانگان تشکیل شد . اندک بعد میرزا کوچک خان هم باین جمعیت پیوست و بزودی در رأس آن قرار گرفت . نام و شهرت کوچک خان در سال ۱۹۲۰ هنگامیکه او پیاز طرد انگلیس ها توسط قوای روسیه شوروی از گیلان در رشت جمهوری ایران را اعلام کرد و حکومت موقت را تشکیل داد در سواحل این پیجید .

با وجود تمام محبویتی که گروه کوچک خان ( چنگل ها ) در میان بوروزایی و قشراهای وسیع مردم را داشت معذ اللک وی نتوانست و توانائی آنرا نداشت که پیکار آزادی بخش ملی ایران را به آخر بوساند همینقدر با پس

علت که خود کوچک خان در راه این وظیفه تصور بااطلی داشت. او که در گذشته ملا بود، نه تنها خرافاتی بلکه شخصی با دید محدود نبیز بود. بزرگترین اشتباه ای اوگرهشید آن بود که فکر میکردند مبنیاند نفوذ انجیلیها و حکومت شاه را تاحد معنی با کک مالکان "لیبرال" یعنی همان کسانی که درست پشتیبان هم شاه و هم انجیلیها هستند از بین برند. بر مبنای این این فکر نادرست، برای او نه فقط کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران که در آن موقع این نظر آشکارا مخالف میگرد سو تفاهمات و مناجرات سخت پیش آمد بلکه در میان خود جنگلی هم نبیز اختلافاتی روی داد که بعداً موجب انشعاع گروه شد؛ گروه درست چیز برپای است احسان الله خان فایق شد و باتکا به دستهای مسلح، طرفدار این کوچک خان را برگار نمود (واخر روشه سال ۱۹۲۰) و حکومت جدید را تشکیل نماد. این کمکتنهای داخلی که ماهرا نه توسط عمال شاه دامن زده نمیشد تاثیر شون بروند آنی خواست گردشت. هنگامی که کوچک خان بار دوم به مسند قدرت بازگشت دیگر دیر بود. در اثر دسایرسرو توپه چیز عمال شاه و ملکان محلی، بحیط خیانت و تسلیم طلبی عجیب بوجود آمد و با گروپن خالو قربان (۵۰)، یکی از همزمان نزد یک کوچک خان، با واحد مسلح تحت فرماندهی خود به قشون شاه پایان یافت.

این خیانت بسایه سرنوشت انقلاب گیلان را از پیش تعیین کرد: خالو قربان بعنوان یک جنگلی تمام راه های دخول و خروج این جنگل های بکر و انبو را بلد بود، اندکی بعد از این واقعه، قوای مسلح کوچک خان شکست خوردند و سرتاسر گیلان دوباره بتصرف قشون شاه درآمد (اکتبر سال ۱۹۲۱). خود کوچک خان مدته در کوهها مخفی بود. بعد جسد او را گویا منجذب شده بود (بروایات رسنی) یافتد و سر بریده اثرا را خود خالوقریان بعنوان پیشکش به شاهنشاه ایران پیشان برد. احسان الله خان مدته پیش از این وقایع در اثر خیانتها با رفاقتی نزد یکش برویسه هما جرت کرده بود. بقیه مجاهدین در نقاط مختلف ایران پر آنکه شدند و حس نفرت و انتقام روح پیکار با رژیم موجود را همراه خود بردند.

هزمان با این اوضاع و احوال در آذربایجان، بخشید یگر ایران نبیز خوارت مشابهی رخ نداد. شیخ محمد خیابانی (رهبر دموکرات) حکومت تبریز را تصرف کرد و بر علیه انجیلیها و حکومت شاه مبارزه شد پس از را آغاز نمود. نهضت گسترش بیافت و بینی از نواحی آذربایجان را فراگرفت. طی جنده ماه (تابستان سال ۱۹۲۰) در تمام این نواحی حاکیت عملدار دست شیخ محمد و هواداران دموکرات او بود. دموکراتها برای مبارزه مو آمیزتر، مجد اند دسته های خدای تشکیل را دادند. ولی فقد ان کامل انتباشارهای مالی و وسائل فنی مانع جدی در راه گسترش بیشتر جنبش شد. ملیون تبریز که از تمام ایران جدا مانده بودند در اوآخر تابستان بدست والی شاه سرکوب شدند؛ والی آذربایجان با کک نیروهای قراق (ایرانی) جنده حد نفر را توقیف کرد و در جریان پیش از زد و خوره ها خود شیخ محمد هد خیابانی هم گشته شد.

پاد آوری این نکه لازم است که در تمام این مبارزات علیه ملیون - چه در گیلان و چه در آذربایجان انجیلیها بیویه از نظر کلکه‌پنی و مالی نقش فعالی داشتند. و این مداخله، خشم و نفرت‌زدگی را نسبت بآن شدید تر میساخت. مردم در رک میکردند که آنها با سرکوب هرگونه جنبش انقلابی میخواهند قرار داد معروف انجیلی ایران را به تصویب حکومت شاه برسانند قرار دادی که ایران را جزو ایجاد کلا بزماد ایران لندن میفرودند.

(۵۰) چریک های کوچک خان در جنگل مخفی میشند و بهمین مناسبت آنها را جنگل مینامند. سپیر (۵۱) خالو قربان از نزد یکان احسان الله خان جناح باصطلاح چیز بود. خالو قربان پس از وساطت شوروی در تهران و کسول آنان در رشت جنبش جنگل را ترک کرد و به شهردار ایزولی نبیز گمارده شد. احسان الله خان نبیز در اثر همین و سلطنه خانه نشین شد و بعداً به شوروی عزیمت کرد. میرزا بر عکس علیرغم وساطت مکرر نایابدگان شوروی حاضر نشد با دولت مرکزی کار آید. [توضیح ناشر] نگاه کنید به گزارش سفارت بریتانیا در تهران به وزارت خارجه آنکشور سند شماره ۳۴/۲۸۶/۲۹۳

آنها با همان اینزی در خراسان و مازندران و کرمانشاه نیز "نظم و آراش" را مجدد آنه برقوار کردند. هر چهار بروند و مسلمان ایرانی در پیشنه کن ساختن هرگونه "آزاداندیشی" کمک کردند. ولی صوفطر از تمام این نیزینگ‌ها، وقتی آنها موفق شدند قرارداد سال ۱۹۱۹ را بتصویب برسانند و موقعیتی داشتند که در عرض تمام سال ۱۹۲۰ هیچکدام از دولت‌های مستعجل که تقریباً هر ماه عرض می‌شدند، هجرات نکردند بچنین عامله تنگی‌تر در هنر و هنگامیکه متفاوت شدند که پشتیبانی لایق‌نمایی از قوتوں الهای مرتعج فقط خشم و نفرت اهالی را نسبت بانگلیس‌فرون تر می‌سازد آنوقت ناگهان چرخشی در روشن‌انان بسته "همسکی با انقلاب" شروع شد. این تغییر سمت بخصوص از آنجهات غیرمنتظره بود که انگلیس‌مدتها به شاه تلقین می‌کرد که نواحی نا امن شمال را بگذارد و به جنوب منتقل شود. ضمناً بشاه و داده دار که او را از هرگونه خطر انقلاب مصون دارد. علت این تغییر سمت بهتر از همه در سخنرانی خود لرد چلسفورد، نایاب‌السلطنه سابق انگلیس‌در هند وستان، شرح داده شده است. وی ضمن سخنرانی خود در "انجمن تحقیقات آسیا" روزنامه تایمز مورخ (۱۹۲۱/۱/۱۶) گفت: انگلستان در ایران اشتباها عدیده‌ای مرتكب شد. نسبت بایرانی‌ها به خود خواهانه داشت و با فکار و روحيات اجتماعی آنان وقوع نمی‌گذاشت. علاوه بر این انگلستان با عناصر مرتعج پیوست حکم برقرار کرد و تهاباً اتفاقاً پاتان موجب سلب اعتماد عمومی گردید. ایرانی‌ها در دیدند که انگلیس‌فقط در فکار از خاصیت انتقام‌خواهی است و بهیچوجه به ایران توجهی ندارد. قرارداد انگلیس‌و ایران‌سنفور عام، و از همان آغاز محدود به شکست بود. اکنون در نتیجه همه اینها انگلیس‌منتهای در روحه بد نام است و یکی‌سی آمو شده، حال آنکه انگلیس‌یعنوان بزرگترین دولت‌اسلامی می‌باشد نسبت با احتیاجات و روحيات‌عالمند اسلامی توجه خاصی معطوف میداشت. لرد کرزن نیز در پارلمان آن کشور مطالب مشابهی گفت. حال روشن می‌شود که چه انگلیس‌در ایران سیاست "انقلابی" در پیش‌گرفت.

از این لحظه هر جا که جنبش چیزگرانه‌ای شروع می‌شود انگلیس‌ها می‌کوشند بوسیله عمال صدیق خود رهبری آن را یعنی بیاروند تا این جنبش بدست عناصر دارای روحبه خد انگلیس نیافتد. چنین تلاش‌هایی در روز هایی که توافق نهاده شد (استقند) در شهران و در جریان حوار خراسان در تابستان سال ۱۹۲۱ صورت گرفت. لکن این تاکتیک جدید نیز با عدم موفقیت روبرو شد زیرا ماهیت واقعی تمام این روشن‌مزورانه، یا بوسیله جراید و یا از طرق دیگر فاش نمی‌شد. در نتیجه عنصر انقلابی از جنبش‌دروری می‌جستند و چون جنبش از چارچوب این و یا آن ایالت‌خوا رج نمی‌شد بسته قوای نظامی شاه سرکوب می‌گردید. جراید ارتقا عی و روزنامه‌های وابسته بد و لوت اغلب بمنظور اینکه رهبران جنبش را هر چه زودترین امتحان سازند تهدید چنین شایعاتی پخش می‌کردند و در عین حال بدینوسیله روحبه واحد های نظامی را که برای سرکوب قیام‌ها گسل می‌شدند بالا می‌برند و آنان را می‌زاران خد رسایس انگلیس‌و مجاهد ایان قلمد ام می‌کردند.

بزرگترین و در عین حال غیرمتوجه ترین نتیجه تغییر سیاست انگلیس‌ها چنانکه بعد از خواهیم دید در وست و پشتیبانی بسیاری از ملاکان و خوانین را از دست دادند. آیا این اوضاع و احوال زیاد دوام خواهد آورد؟ دشوار است. ولی واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت. قضیه ازکود تای فوریه (استقند) آغاز گشت. دولت سپهید ار که توافقی‌حتی اصلاحات جزئی را نداشت، در مقابل از هم پا شیده‌گی شیرازه اصول کشور عاجز و ناتوان ماند. عناصر راریکال اصلاح طلب باز همکاری با او امتناع ورزیدند. کشور رستخوش بحران مالی و اقتصادی سنگین بود. قراق‌ها بیش از ۶ ماه مواجب نگرفته بودند. روحبه انقلابی در همه جای‌الا گرفته بود. در چنین اوضاع و احوالی در تهران کودتا روی داد که توافقی که هدش ایجاد تغییرات بنیادی در نظام اجتماعی - اقتصادی ایران بود.

وضع ظاهری کودتا بدین شکل بود : نیروهای قرار پادگان قزوین بسوی تهران راه افتادند و ۲۱ فوریه سال ۱۹۲۱ بد ون پرخورد با همچ گونه مقاومتی ، پایتخت و کلیه دواویر نظامی و دیگر مراکز مهم را اشغال کردند . کاخ سلطنتی بمحاصره پاسداران شریفاتی درآمد و قرب ۲۰۰ تن از شخصیت‌های عالیرتبه که از قلعه الهای بزرگ بودند منجله تقریبا تمام اعتصای دولت توقيف شدند . فرمانفرما<sup>(۱)</sup> که مطمئن بود کودتا بدفع انگلیس‌ها صورت توقیف شد . متعاقب او سپهبد ارعین‌الدوله ، سعد الدله ، شاهزاده نصرت‌الدوله و فیروز (فرزند فرمانفرما) سالار لشگر (فرزند روم فرمانفرما) ، منتظم‌الملک ، حشمت‌الدوله و دیگران بازداشتند . همه اینها ملاک و فرودال‌ها شوتندند . از محبوسین غرامات بزرگ گرفته شد و وجود آن صرف پدر اخت مواجب سربازان قرار و تأسیس صندوق ذخیره برای مصارف نظامی گردید . بارز اشتها و آشوب‌های ممکنی سه روز از آمده داشت . سرانجام ۲ فوریه فرمان شاه در رباره انتصاب سپهبد ضیا‌الدین طباطبائی بسته نخست وزیری صادر گشت . سید ضیا‌الدین بنویه خود اعلامیه‌ای انتشاره اد که در تاریخ نهضت انقلابی ایران سند فوق العاده جالبی بشمار می‌رود .

مفاد اصلی اعلامیه سید ضیا‌الدین از این قرار است : تغییر اراضی خالصه بد هفغانان ، اعلام حق زحمت - کشان در تصاحب شده دستجو خود ، تدبیرین قوانین استیجاری عادلانه ، اصلاح دواویر مالی و قضائی ، استقرار انجمن‌های شهری ، تشکیل ارتش ملی . در زمینه سیاست‌خارجی : اتخاذ خط مشی معطوف به حصول استقلال قبض ایران بمعنایه یک کشور دارای حق حاکمیت ، ابطال کاپیتولاسیون ، تجدید نظر در سلسله امتیازات ،لغای قرارداد از انگلیس ایران و نسبات روسانه و شایسته با تمام همسایگان و بخصوص روسیه اعلام می‌شند . ضمناً در اعلامیه گفته می‌شند : " چند حد نفر ایمان و اشراف در رباری زمام امور کشور را دست خود قبضه کردند و مثل زوال‌ها خود ملت را می‌کنند و آن را بمرحله فنا قطعی نزد یک میسانند ... " باید بهر قیمتی شده تمام ادارات دولتی را از وجود مقتضیه از که آنها را به ماوای خود مبدل کرد مانند تصفیه نمود ."

هویت شخصی سید ضیا‌الدین بمعنایه ناشر سایق روزنامه "عد" - روزنامه طرفدار انگلیس و مولفانشیه معروف "قراردار انگلیس" ایران یا عصر جدید در زندگی ایران<sup>(۲)</sup> که در آن بمحابات‌جذی از این قرار دراد برخاسته نیتوانست حسره عدم اعتماد عناصر دموکرات و رادیکال را چه نسبت‌بخود او وجه تسبیت به اهدام اش بهر نیانگزید . و این روش‌عنی محافظ بورژوا - دموکرات بهترین وجهی مورد استفاده ملاکان و فرود الهای رنجید . خاطر و تحقیر شده که در دقيق ساخت و دشوار همچون تن واحدی بد فاع از حقوق و مزایای خود بر میخیزند قرار گرفت . در اثر این مقاومت و "رفع" جدی حکومت سید ضیا سقوط کرد و خود او در بند از مخفی شد و اما تصدیق این مطلب که آیا انگلیس‌ها این کودتا را رهبری می‌کردند و آیا سید ضیا‌الدین چنانکه در تهران می‌گفتند با آنان در ارتباط بود ، بسیار دشوار است؟ کو اینکه در همان‌وقت روزنامه "تایمز" بعلامت همبستگی با او چند مقاله نوشت . صرف‌نظر از صحت و سقم مطلب ، برخانه حکومت سید ضیا و تدبیری که او پیش‌بینی کرده بود ، تمام و کمال با منافع اقتصادی و سیاسی ایران مطابقت داشت . عقیده راسخ ما اینست که فقط از راه این تبییل شیوه‌های جراحی یا از راه انقلاب ملوی میتوان کشور را برآه ترقی و تعالی انتکاف نیروهای مولده اقتصادی ملوی سوق را<sup>(۳)</sup> اصلاحات جزئی که دمکرات‌ها میخواهند بوسیله‌آن ایران توینی بسازند محقق‌بهجه جا نخواهد رسید .

(\*) شوتند ترین فرودال و آنگلوفیل .

(۱) این نشریه در بهار سال ۱۹۲۰ در باکو موقوعی که اونماهینه مختار ایران در قفقاز بود برویس چاپ شد .  
(۲) فوریه روزنامه "ستاره ایران" نیاپ تهران مبنایت سالگرد کودتا ، مقاله پرجارو جنجالی زیر عنوان مقصود واقعی کودتا انتشار دارد . در مقاله گفته می‌شند که نقشه کودتا تکانی براهمنایی با راهنمایی و مشورت شاهزاده نصرت‌الدوله (رفیق فعلی رئیس مجلس) در بند انتظام شد و وی مأموریت داشت (لابد از جانب انگلیس‌ها) که برای اجرای این نقشه به تهران باید . او قصد داشت شاه را سرنگون کند و پس از اعلام جمهوری خود رئیس جمهور شود ←

این کودتا بروابط و سلطانه قیود الهای ایران با انگلیس که تا آن لحظه او را متعدد خود در میازره بخاطر اختیارات طبقاتی خود مید استد لطفه جدیدی زد . اندکی بعد هنگامیکه مجلس دروره جدید که ۳ نمایندگانش از طبقه مالک بودند تشکیل شد اولین کارشنشر بیانه ای با مناسباًی اکثربت نمایندگان مجلس بود . در این بیانیه که در رواج اعتماد نامه ای علیه " تمامی سیاست انگلیسیون بود ، نمایندگان شوریه محال ، بازار اشت و حبیس سید ضیاءالله بین نخست وزیر سابق را که قبل از همه به طرف اری از انگلیس متمهم بود ، طلب کردند و اعلام داشتند که ایران باید مستقل بدون مذاخله همچیزه هوار از انگلیس بودند و تتها اکنون با آن مخالف شده بودند . حتی شاهزاده فیروز وزیر اسبق امور خارجه که بیک از بیانیان اصلی قرارداد انگلیس و ایران (۱۹۱۹/۸/۹) و طرفدار جدی آن بود زیر این بیانیه صحه گذاشت . بدینسان سمتگیری انگلیسیها بسوی " انقلاب " ملاکان ایران را بطور جدی بهراس اندخت ولی البته آنان را به عناصر انقلابی و رادیکال نزد یک نکرد .

پس از کودتا فوریه در تهران ، قیام خراسان آغاز شد : محمد تقی خان ، افسر واند امری که در زمان حکومت سید خسیان الدین به سمت والی نظامی خراسان تعیین شده بود از تحول پست خود به مقام السلطنه بختاری استکاف نمود . خان بختاری از طرف حکومت تهران بسته والی جدید خراسان تعیین شده بود . محمد تقی خان قیام کرد و ایالت خراسان را مستقل اعلام نمود . در اینجا نیز معاونت تهران مالکان بزرگ توافق نمودند و مشغول حفاظت گردیدند . حکومت تهران بدرنگ برای از بین بودن قیام دست بکار نمود و قوای نظامی با تجاھیل داشت . روزنامه " اتحاد " ناشر افکار مرتعین (۵ سپتامبر ۱۹۲۱) خبرداد که انگلیسیها مقادیر متلبی ، اسلحه و تجهیزات از اختیار قیام گذشته اند و همه گونه به آنها کمک نمیکنند . ولی بطوریکه از بیانیه محمد تقی خان خطاب بمقدم ایران پیدا است . دشوار نظر مرسد که از دستورات انگلیسیها بیرونی کرده باشد ، ولی نزه هر حال این شایعات بکار اول لطفه جدی زد و خیلی ها را از اورور ساخته . در پائیز سال ۱۹۲۱ قیام خراسان بدست نیروهای دولتی سرکوب شد و خود محمد تقی خان بقتل رسید .

هنوز چهار ماه از سرکوب قیام های گیلان و خراسان نگذشته بود و حکومت تهران هنوز سرگرم این مسئله بود که چگونه به شورش اکران بسرکردگی سیمتفو که با پشتیبانی جدی انگلیسیها خواستار استقلال کردستان هستند (۱) پایان دهد که در آذری ایران قیام تازه ای برپا شد . لاهوتی (۵) افسر واند امری با واحد مرکب از قریب ۱۰۰۰ نفر ، جبهه جنگ با اکران را ترک نمود و رهسپار تبریز شد . شهر تبریز پس از چند ساعت نبرد تصرف شد و ادارات دولتی و تلگراف اشغال گردید . چنانکه بعد اعلام شد میازره مردم تبریز را " تجدد خواهان " رهبری میکردند (تجدد - نام روزنامه ای بود که شیخ محمد خیابانی انتشار میدارد . دعکرات ها پیرامون خیابانی گرد آمده بودند ) ملیون آذری ایران نسبتو مستند روی جنایت حکومت تهران که رهبری شان خیابانی را کشته بودند قلم غفو بکشند . بهمنین علت میجان و غلیان آشنا طی تمام این مدت لحظه ای فروگش نکرد . آنان با استفاده از فرست ، موقعی که از پادگان شهر فقط ۴۰۰-۳۰۰ نفر باقی مانده بودند حکومت را به دست گرفتند و امیدوار بودند که واحد های راند امری (حدود ۳۰۰ نفر) که در جبهه بودند به یسا ری آنان خواهند رسید . ولی این امید عیش و بیبهوده بود . در ۸ فوریه سال ۱۹۲۲ تبریز از طرف قوای دولتی که اکثربت شان را قراقی ها تشکیل مید اند محاصره شد و پس از ۱ ساعت نبرد خونین قیام سرکوب شد . خود

ولی سید ضیا از بین آنکه این ماجرا ایران را بهله که خواهد اند اخた با کم رضادان ، وزیر جنگ فعلی او پیشستنی کرد و حکومت را بدست خود گرفت . . . . روزنامه بمناسبت نشر این مقاله توافق شد .

(۱) انگلستان میخواهد کردستان را تحت قیوموت خود مستقل سازد تا از طرفی ایران و ترکیه را بیشتر ضعیف کند و از طرف دیگر پشت جبهه مطمئنی برای منابع نفت بینالنهرین تأمین نماید .

(۵) مقصود مأمور لاهوتی (شاعر) است [ مترجم ] .

لاهوتی خان باگروه و فقایق معتبر شنینی کردند و بالاچیار رخاک ارمنستان متوقف شدند . بدین ترتیب بانهضخت آزادی در ایران حتی پل قیقه هم قطع نمیشود و لینقطع گاهی اینجا و زمانی آجاشراوه قیام هائی که بیرحمانه سرکوب میشوند فروزان میگرد و طفیان و نارضا قی از روزی موجود بدربیج سرتاسر کشور را فرامیگیرد .

حال بینینیم که ام نیروهای اجتماعی در این قیام ها شرکت میکنند و آنها را تشکیل می دهند ؟ قبل از هر سخن در مرحله انتشار اقتصادی که ایکون ایران در آن قرار دارد طبقات اجتماعی نتوانسته اند چنانکه پاید و شاید نظیر آنچه که در غرب وجود دارد، تشکل یابند . از این و آرایش گیری طبقات در اینجا با آهنگ خیلی بطي و هماهنگ با انتکاف صنعت و تجارت پیش میرود . مقدار ترتیب طبقه چه از لحاظ افتخاری و چه سیاسی طبقه مالک و اشراف زمین دار است، ولی این طبقه هیچگونه سازمانی بهمفوظ اریاش ندارد . قدرت این طبقه بطور کلی در روابط شخصی ملکی و در حاکمیت دولتی است که درست آنان قرار دارد . ملاکان ایران برخلاف اینگ طبقات که وضع اقتصادی آنان نا این حد باز مشخص شده دارای خود آگاهی طبقاتی حساسی بوده و هر روز که سخنی ازین و یا آن سو امتیازات و منافع مالی شان را تهدید میکند با حد اکثر انزوی همچون تن واحدی بد افاده از حقوق خود برمیخیزند . آنان میتوانند خود را آنکوفیل و روسویل و ترکوفیل، وطن پرست و جمهوریخواه چلوه دهند فقط باین شرط که از شناخت اقتصاد پیشان بهتر حراست شود .

و اما در مورد آنچه که مربوط ببورزوی از صنعت وجود ندارد یا تقریباً وجود ندارد . بورزوی تجاري کسا بیش کثیر العده است ولی او تاریخدا با روزی قدر الى زیسته است، و میتواند با آن سازار . البته این قشر بورزوی اغلب در راه انقلاب نیز مباره میکند، اما در مورد سازمان دادن و پس از رساندن آن مشکل که توئانی آنرا را شناخته باشند .

بورزوی ایران نا انقلاب سال ۱۹۰۶ هیچگونه سازمان واقعی نداشت و از آن بن اطلاع بود . در آغاز انقلاب برای نخستین بار تشکیل حزب دمکرات ملی شروع شد . این حزب اعضا خود را بزور یا بخواهند نهاده جمع میکرد و آن را وادار میساخت که نام خود را در کتابچه مخصوصی ثبت کنند و به قرآن سوگند پاد گند که اسرار تشکیلات را فاش نخواهند کرد . در پارهای از ولایات دمکرات ها نامزدی های انتخاباتی خود را معرفی و انتخاب میکردند ولی ناگون هرگز موفق نکشته اند در محل انتخاب بدست آورند . علاوه بر این آنها حتی پل کنگره هم تشکیل ندادند و در نتیجه فاقد کیته مركزی منتخب هستند . ایشان نتوانسته اند دستگاه تبلیغاتی خود را نیز تشکیل نهند . برنامه حزب آنان که در ۱۴ صفحه چاپ شده از روز انتشار ناگون هنچ یکبار هم حک و اصلاح یا تکمیل نشده و حال آنکه این حزب چند باره مستخواش انتساب گشته است . (۵)

برای توصیف فساد داخلی این حزب، ما در اینجا قسمی از بیانیه گروه اشعاعی این حزب را که خود را حزب " دموکرات های مستقل ایران " تابعیه نقل میکیم . در این بیانیه که ۱۹ دسامبر ۱۹۲۱ منتشر شد ، گفته میشود " هموطنان در لحظاتی که در کشور کابوس و وحشت حکفرما بود و دست های خون آسود تبهکاران عهد شکن ملت ایران را خفه میکرد ، زمانی که بیرون اجنبی کم مانده بود با پشتیبانی اشرافیت ما بوقوع بیرونی و موقعی که دموکراسی جوان ایران زیر منگه نیوان فرما بینالید و از فرط شکجه بین رون شده بود . . . . در این هنگام اشرافیت مقندر و متمول به دموکراسی اعلان جهاد دار، جهاد نه تنها با خاطر حفظ اشکال نسخ فقره الیسیم بلکه برای آنهم که یا کل نیروی های اجنبی هرگونه حسروطن پرستی را در ما مسوم و معذوم سازد . اجنبی ها

(۵) زمانی این حزب به طرف اران تشکیل شد، ضد تشکیلی، و اعتدالیون و یا صحیح تر به دست چیزی ها دست راستی ها و مرکزی ها تجزیه شده بود .

بخاطر تحکیم سلطه خود در کشور ما از هرگونه فرضی استفاده کردند تا کلیه عناصر پلید و عهد شکن را با رشوه و نفعی بسوی خود جلب کنند، همانا صریح‌که حاضرند برای تأمین منافع شخصی خود شرف و حیثیت و دمکراسی را به حراج بگذارند و کلا و جزو آنرا در بازارها و سالن‌های اشتراق و تماينگی‌های خارجی پغوشند و بدینظریق روح و ایده‌آل دمکراسی را که قبلاً لکه دار نشده بود ملوث سازند.

”طی ه سال اخیر تمام دولت‌هایی که برسر کار بودند باشنا مختلف نسبت به سازمانهای مملو تضییق رواداشتند و حزب‌دموکرات را بفساد کشاندند. چنین وضعی تحمل ناپذیر بود . . . در این لحظه دشوار که فساد دهشتتاً روح و احساسات هوای خواهان ملت را زیر منگه قرار میدهد در لحظه‌ای که حیثیت سیاسی و اقتصادی ایران با سیاست خارجی تصادم پیدا میکند و موقعی که دنیایی مشتخف و لگد مال شده غرب، بنا امکان تفسیر آزادی بیان میدهد – حزب‌دموکرات‌های مستقل پس از تشکیل چند جلسه اعلام میدارد که مصمم است برنامه خود را اجراء کند . ما برای آنها جدا شیوه خود را مستقل نماییم . ما با تزمیت راسخ بسوی عذر خود پیش‌برویم تا اینکه پرجم دمکراسی را در اهتزاز و پرافشار نگاه راریم.“

این بیانیه بتحویل باز نشان میدهد که قساد و تلاشی حزب‌دموکرات‌مغلول ورود عده کثیری از افسر ارمنیوبه شتر اشرافیت به آن حزب بوده است، قدری که علاوه بر این، بعراقب فعال تراز بورژوازی است و امسا اینکه آیا حزب مستقل دموکرات خواهد توانست یک سازمان واقعی سازمانی که نه از بالا چنانکه این در ایران معمول است بلکه از یائین شکلی واقعاً پرجم دموکراسی را در اهتزاز نگهدارد . این را آینده نشان خواهد داد ولی قدر سلم آئسته حزب سابق دموکرات‌حتی بشکل کاریکاتور خود که در ورود اخیر خود نهائی میگرد ریگ وجود ندارد .

وضع حزب سوسیالیست حزبی که اتحاد عناصر خرد بورژوازی و دفاع از منافع آنان را در سرلوحة فعالیت خود قرارداده بود از اینهم استفان است. این حزب هم‌على الاصل روی کاغذ وجود ندارد . حزب سوسیالیست چند بار تشکیل شد و بسان حزب‌دموکرات‌نه حتی یک کنگره داشت و نه کمیته مرکزی منتخب؛ تمام‌کارهای حزب از بالا انجام گرفته و میگیرد و خصا مرکز ابتکار عمل به تابوگاهی به ترتیب زمانی تهران منتقل میشود . و در سایر ایالات اگر سازمان‌هایی هموجود داشته باشدند، فقط ستورات مرکز را اجراء میکند، آن‌هم نه همه‌ی این حزب در اثر ترکیب اجتماعی خود و نداشتن یک برنامه مشخص، اد اما در حال نوسان بین دو مکرات‌های اکونیستی هاست. در نظر اتفاقی که ترکیب اجتماعی حزب کابیش پرولتری است اعضاً آن به کونیست‌ها ملحق شده‌اند .

و اما حزب کونیست ایران که در مقایسه با احزاب دیگر یکارچه ترونشکل تراست، تاریخچه پیدایشش از اینقرار است : پس از انقلاب فوریه سال ۱۹۱۷ روسیه باستان‌گروهی از کارگران ایران که در معا در نفت پاکوکار میکردند حزب‌آعدالت ایران را تشکیل شد. این حزب که با فراکسیون بلشویک‌ها پیوند نزدیک داشت بعد از خود را حزب کونیست‌ناصیه . در طی سالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ حزب‌آن نزد شکوفی در میان کارگران ایرانی مقیم باکو بدست آورده و زمانی حدود ۶ هزار نفر غضو مخفی داشت . کمیته حزب ”آعدالت“ اعضای خود را برای کارهای تبلیغاتی و تشکیلاتی با ایران میفرستاد و در آنجا حوزه‌های حزبی تشکیل میداد و مطبوعات خوبی ارسال میداشت. اندکی بعد در همه جا و نه تنها در قفقاز بلکه در ترکستان نزد سازمان‌های مشابهی در میان کارگران ایرانی بوجود آمد .

ستم توافقسای قلود الیسم از یک سو و افلاده اعی پیشه وران و فقر روزافزون از سوی دیگر همه ساله ردها هزار بازوی کارگری از زان را از ایران روانه بازارهای کاریان ماوراء قفقاز و ترکستان می‌ساخت. بهمین علت در این منطقه در اوایل سال ۱۹۱۸ حدود ۳۰۰ هزار کارگر ایرانی وجود داشتند که پیش‌وترين و آگاهترین عناصر آنان حزب‌آعدالت را تشکیل دارند . در ۴۲ روئن سال ۱۹۲۰ باستان‌گهی ایالتو حزب‌آعدالت در ترکستان

کنگره حزب در شهر انزلی تشکیل شد . کنگره دهیته مردمی حزب را انتخاب کرد و به آن مأموریت داد که پیش از هر چیز در خاک ایران فعالیت کند ، سازمان های موجود در کشور را تقویت نماید و سازمانهای تازه ای تشکیل دهد و این وظیفه بخصوص از آنچه است اهمیت کسب میکرد که مطابق تصویب نامه هشتین کنگره حزب کمونیست روسیه ، کلیه احزاب ملی کمونیست که در چارچوب چمهوری قد راتیف سوسیالیستی روسیه شوریوی وجود داشتند بیایستی به عضویت حزب کمونیست روسیه در آیند .

حزین که سایه کار طولانی سازمانی نداشت ، حزین که در میانش کار و فتاوی دارای آمارگی شوریک کافی نبود ، حزین که در شرایط کشور عقب مانده نیمه مستعمره فعالیت میکرد ، طبیعی است که نمیتوانست بسرعت قوام یابد و روی پای خود بایستد . همین و همین حزب در این نراسیت ها ، خطاهای اشتباها زیادی مرتکب شد که بمنازعات داخلی و انشعاب منجر گردید . ولی در آغاز سال ۱۹۲۲ پس از مداخله جدی کمیته اجرایی بین المللی کمونیست ، تمام این مشاجرات افسوس ایند از بین رفت .

لیکن اگر حزب در مسائل سازمانی ، اشتباها زیادی مرتکب شد ، در عوض در مسائل اصولی و حل وظایفی که در مقابله قرار داشت روش کامل درست نداشت . در کنگره حزب در این نگرانی شده بود از اینکه کوچک [میز] قصد دارد انقلاب بپرورد . مکاتیک را با جلب خوانین و مالکان مختلف و قواد الهای بزرگ بسوی خود بانجام رساند و در توجیه این مشی خود دلیل میاورد که در مبارزه علیه شاه و انگلیسها باید تمام ملت را متخد ساخت . بدین معنی است که حزب کمونیست نمیتوانست این تاکتیک پشتیبانی کند زیرا خوب برای میکرد که هر گونه انقلاب در کشور عقب مانده فلاحتی مادام که ستم قواد الیسم در آن ریشه کن نشده و میلیون ها رعیت از قید بندگ رهایی نیافرند محاکمه به شکست و نابودی است ؛ رهایی دهستانان با کک همان قواد ال ها طبعا خیال خامی بود که حزب میایستی با آن مبارزه چندی میکرد . تاریخ صحت این نگرانی را نشان داد . کوچک خان بخصوص قربانی خوشبادری خود نسبت به عنین ملاکان و قواد الهای "لیبرال" شد و در عین حال وجهه خود را میان توده های وسیع دهستانان از دست دارد .

در حال حاضر حزب کمونیست بعد کافی قوی شده ؛ در ماه مه سال ۱۹۲۲ تقریباً ۱۵۰۰ نفر عضو داشت . پیدا ایشتو توسعه و اتحاد یه های صنفی نیز که تازی آغاز شده اند ، برای جنبش اجتماعی حائز اهمیت فراوان میباشد . در کشور عقب مانده ای نظیر ایران که در آن قواد الیسم هنوز به مجموعه ازین نرفته در کشوری که از خالک روابط اقتصادی چهاره حیوانی سرمایه تجاری و راسخواری نمایان میگردند ، طبقاً جنبش مسند پاک شی نمیتوانست بوقتیها از که در کشورهای سرمایه داری در این زمینه حاصل شده است نایل گردد . گذشتاز این ، حالت جنینی صفت از پس و عقب مانندگی سیاسی مردم زحمتکش از سوی دیگر ، امکان تعاملات وسیع در این زمینه را منتفی میکند .

کوشش های اولیه برای تشکیل اتحادیه ها در ایران از سال ۱۹۰۶ یعنی از مرحله انقلاب اول آغاز شد . در آن موقع کارگران چاپخانه های تهران که زیر نفوذ شدند دمکرات ها قرار داشتند اتحادیه های خود را تشکیل دادند . ولی بعد اوقوع که ارتیاع سلطنتیافت ، و هنگامی که حزب دمکرات تغییر ماهیت دارد و پیشوایانش پس از رسیدن به پست های وزارت ، مد افع جدی تاج و تخت شاه شدند این اتحادیه بدو اینکه به موقعیت چشم گیری برسد منحل شد . این وضع تا سال ۱۹۱۸ ادامه یافت اساساً که قحطی بسایه تقریباً سراسر تواحشی شمال ایران را فرا گرفته بود و صدها و هزاران نفر از گرسنگی تلف میشدند و گرانی دائم التزايد خواربار ، توده های وسیعی کارگران و زحمتکسان را بمرگ از گرسنگی تهدید میکرد . این بار نیز کارگران چاپخانه های تهران پیشقدم شده و اتحاد یه صنفی خود را تشکیل دادند . آنان بعد از چند اعتصاب ، دولت را ودار ساختند که لایحه قرارداد دسته وضع اقتصادی خود را که توسط خود آنان تنظیم شده بود و روابط مقابل کارگران و کارگرانیان را متعین میکرد ، تصدیق نماید . ضمناً تا حدی وضع اقتصادی خود را بهبود بخشیدند . در این قرارداد ، هشت ساعت روزانه ، سیستم پرداخت اضافه کار ، بهبود شرایط بیداشتی در مطعمه ها و غیره مقرر شد .

این موقیت نسبتاً بزرگ کارگران چاپخانه ها، روحیه کارگران و پیغام رشته ها را فوق العاده بالا برد بطوریکه آنها نیز بدتر پیغام دست به تشکیل اتحادیه های خود زدند.

تا اویل و زانوی سال ۱۹۲۲ وضع اتحادیه های صنفی تهران بشرح زیر بود:

۱۸۰	.....	۱) اتحادیه کارگران چاپخانه ها
۳۵۰	.....	۲) بزارها
۳۰۰	.....	۳) نانوا ها
۲۵۰	.....	۴) کارمندان تجارتخانه ها
" ۹۰	.....	۵) نامه رسانان (پستخانه)
" ۴۰۰	.....	۶) تلگرافیس های تهران
" ۲۰۰	.....	۷) تلگرافیس های تمام ایران
" ۳۰۰	.....	۸) کفاشان
" ۲۰۰	.....	۹) خیاطان
" ۱۵۰	.....	۱۰) سرای بافان

در سال ۱۹۲۰ برای رعایت عمومی و امور تعلیماتی و همچنین برای تشکیل اتحادیه های تازه، شورای اتحادیه های تهران تشکیل شد که در آن از هر اتحادیه سه نفر نایند منتخب بشرکت رارند. بدین ترتیب در اوایل سال ۱۹۲۱ تمام اتحادیه های مذکور با قرب ۱۰۰ عضو که ۴۰٪ تعداد کل کارگران تهران را تشکیل میدهند به شورای اتحادیه های ملحق شدند.

بزودی شوراهای ایالتی از تهران سروش گرفتند و در این شهرها با استثنای تبریز (اتحادیه های نظیر تهران تشکیل شد). اکنون در ایران مجموعاً حدود ۲۰ هزار نفر کارگرو کارند، عضو اتحادیه های صنفی هستند.

اتحادیه های ایران با اینکه تاریخ تشکیل شده اند طی ۶ ماه آخر سال ۱۹۲۱ به جند اعتصاب موقیت آغاز دست زدند نظیر اعتصاب کارگران نانوایی های تهران، کارگران چاپخانه ها سقط فروشی ها، کارمندان و کارگران پست و در انزوا اعتصاب کارگران یستگایه. تمام این اعتصابات جنبه صوفاً اقتصادی داشت. فقط اعتصاب معلمان مدارس ملی در زانویه سال ۱۹۲۲ که ۲۱ روز طول کشید سرانجام بصورت تظاهرات سیاسی در آمد و موجب سقوط کابیه غلام السلطنه گشت. بدین ترتیب اتحادیه های صنفی رفتہ - رفتہ نقش جسمی در حفظ سیاست ایران بازی میکنند. اتحادیه ها یک دفتر مرکزی نیز رارند که در نوامبر سال ۱۹۲۲ تأسیس شده و جزو اتحادیه های سرخ انتربنیونال مسکو میباشد.

برای ترسیم دور نمای آتش جنبش کارگری ایران و نشان دادن آن رشته های تولیدی که کارگرانشان به عضویت اتحادیه ها در میآیند، جدول زیر را میآوریم. البته در این جدول فقط کارگاهها و موسسات تبریز و تعداد کارگران آنها در اوایل سال ۱۹۲۲ نشان داده شده ولی نume شخصی برای سایر شهرهای ایران نیز هست.

نوع تولید	تعداد کارگاه یا موسسه	تعداد کارگران
قرنی باقی	۱۲۵	۲۶۲۵
خریضی	۱	۱۰۰
بافتندگی (فاستونی)	۲	۲۰۰

نوع تولید	تعداد کارگاه یا موسسه	تعداد اداره کارگران
باقندگی (عبا)	۱۰	۱۰۰
باقندگی (WEP)	۴۰	۱۰۰
باقندگی (شال)	۳۰	۱۸۰
ظرف چینی بدلو	۱۰	۵۰
چاپخانه	۸	۱۲۰
باسمه	۷	۳۵
دخانیات	۳۰	۳۰۰
پایپروس سازی	۰	۵۰
آجر پزی	۰	۵۰
باروت سازی	۳	۳۰
دوشاب	۲۰	۱۰۰
رنگری	۴۰	۲۰۰
صابون بزی	۱۰	۷۰
آهن گزاری و گچ بزی	۵	۵۰
جمع	۲۸۱	۴۴۰
باین تهیست [باید کارگاههای زیر را افزود :		
۱) کارگاههای کوچک صنعتگری نظیر :		
آهنگری، ریختهگری، چلنجری،		
جوراب باقی، نانوایی، کاشی و غیره . . .		
۲) سایر کارگاههای پیشمری : د. باقی		
سرآجی سلمانی و مواد غذائی		
۳) موسسات بازرگانی و بنگاههای معاملاتی . . .		
۴) تعداد مقلی‌ها، سقاها، سنتگرانش ها، باربرها وغیره		
۵) درادارات و موسسات دولتی		
۶) کارگران سایر حرفه‌های لاله‌ها، اربه‌چون‌ها، باقیان‌ها وغیره . . .		

بدین ترتیب تعداد افراد صنعتی بگیرد و تبریز برابر با ۴۴۲ نفر است و اگر خدمتکاران منزل و بسی کاران را نگه تعدادشان در ایام اخیر بعلت بحران اقتصادی افزایش یافته بر این رقم علاوه گیم آنوقت رقم کل به حدود ۳۰ هزار نفر خواهد رسید . تبریز از بسیاری لحاظ یک تنونه کامل برای سایر شهرهای بزرگ ایران مثلاً اصفهان، شیراز، کرمان، بزد، تاحدی رشت، مشهد، قزوین وغیره بشمار می‌رود . و اما در باره تهران باید خاطر نشان نمود که طبق آخرین آمار در اینجا تعداد افراد مزد بگیر ۵۰۰ نفر است.

بهره کمی و استشاره در این کارگاهها و موسسات واقعاً وحشتناک است. تقریباً هیچ قانونی درباره مدت کار روزانه وجود ندارد و بهینه سبب هر کارفرمایی هر طور که دلش بخواهد با کارگران خود رفتار می‌کند. مخصوص

صاحبان کارگاههای کوچک بپید ام میکنند . در این کارگاهها ۱۲-۱۱ ساعت کار روزانه یک امر عادی محسوب می شود . استشاره رکارگاه های قالبیافی که کارفرمایان معنای واقعی کلمه عرق زنان و کودکان را در می آورند بحث ناک است . مد تکار روزانه در این کارگاهها از ۱۰ الی ۱۲ ساعت است . ضمنا خود سالان درست باند ازه بزرگسالان کار میکنند و پذیرشی اخراج کارگران ، مطلقا وابسته به رای مدیر کارگاه است .

برای نمونه تصویب نامه لازم الاجرا د لولت در مورد مقررات کار در کارگاههای قالبیافی کرمان را در اینجا نقل میکیم . باین مناسبت تلگرام زیر از کرمان به تهران فرستاده شد ۱۹۲۱ دسامبر سال ۱۹۲۱ . ما صاحبان کارگاههای قالبیافی مطابق دستور د لولت ، در حضور والی ، تعهد است زیر را در کلیه کارخانه ها و کارگاهها - اعم از اینکه به کارفرمایان ایرانی متعلق باشند یا اتباع خارجی - تعهد میگیریم : ۱) بهمچ عنوان به کار اجباری متول نشویم و شرایط استخدام را بر اساس توافق متقابل طرفین منعقد کیم ؛ ۲) شرایط قرارداد پس از حاکم شرع باقیستی توسط مدیر کارخانه در شعبه وزارت فواید عامه به ثبت برسد و در آنچا نیز تقدیق شود ؛ ۳) کلیه کترات های که تا ۱۳ مارس امسال ( اول حمل ) منعقد شده اند ملحق شده این تعهد نامه برای ثبت به اداره فواید عامه تسلیم شوند ؛ ۴) مد تکار تمام کارگران و افرادی که در تولید شاغل هستند در تمام قصول سال ۸ ساعت تعیین میشود ؛ پس بجهه هایی که در تولید کار میکنند باید سننهان تکثر از ۸ سال و دختر بجهه ها - کمتر از ۱۰ سال باشد ؛ ۶) کار فرمایانی که استطاعت مالی را دارد باید موسسه خود را تجدید ساخته اند و آنها که استطاعت مالی نداش باشد در وحد امکان خود موافق دستورات نمایندگان نظارت صوحایشکار را انجام دهند ؛ ۷) از بن تاریخ تا ۱۳ مارس سال آینده که سنتله پار ای کارگران بطور نهایی مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت میزان پاداش کار گران ه درصد افزایش میابد ؛ ۸) کارگاهها باید روزهای جمعه و اعیاد تعطیل شوند ؛ ۹) کارگاههای زنان و مرد آن باید از هم مجزا باشند ؛ ۱۰) جمعیت قالبیافان موظف باجرای مقررات مد کو بوده و در صورت تخلف به بازخواست چلب خواهد شد . تغییرات و نظارت بد اشتی بر کارگاهها بعده دکتر احمد الطک مقول میشود .

ما تعهد امن کامل این سند را آورده بیم تا نشان دهیم که کارگر ایرانی و عائله او در چه شرایط دوزخی زندگی و کار میکند . از من قرارداد بپید است که در کرمان نه تنها کار طویل الدامت معمول است ، نه تهمه ایند این ترین شرایط بهداشتی و تعطیل در هفته وجود نداشت و نه تنها استشاره کودکان شنساله روا شیوه بلکه کار اجباری هم مرسوم بود یعنی کارگر در واقع بصورت سرف و بوده ارباب خود در میآمد . اصولا تنها خود واقعیت مد اخله حکومت تهران بر اینکار نشان میدهد که وضع کارگران کرمان تا چه حد شاق و توانفسا بوده است .  
باید مذکور شد که این استشاره بیرون از نفع کرمان نبوده بلکه در خراسان ، کاشان ، آذربایجان سلطان آباد ( اراک ) فارس و همه جا و هر جا که قالبیافی دایر است چنین استشاره وجود دارد . در کارگاه های قالبیافی بطور کلی زنان و کودکان کار میکنند . کار از طلوی آتاب شروع میشود و تا غروب ( ۱۴-۱۳ ساعت ) از آمه رارد . کودکان خرد سال از ۶ سال ببالا بکار پذیرفته میشوند . دختران از ۶ تا ۱۲ سال از ۶ تا ۲۵ شاهی در روز مزد میگیرند . دختران از ۱۴ سال ببالا اگر بتوانند مستقل کار کنند و دیگران را تعلیم زند از ۱۵ تا ۳۰ شاهی در روز مزد میگیرند . خوارک معمولی آنان فقط ننان و آب است و اگرگرانی یا قحط شروع شود رهگ و میز در میان آنان با سرعت برق آسا افزایش میآید . چنین است توجه تولید آن قائمی های نفیس و زیبائی که در ایران و خارجه زیست بخش بیشترین کاخ ها و سالن های بورژواست . ( ۱۰ )  
بدین سان ، در مقابل اتحادیه های ایران ، میدان فعالیت مساعدی برای نجات هزار کارگر زن و مرد از

( ۱۰ ) تا شروع جنگ : ایران همه ساله قریب ۴۰۰۰۰۰ روبل طلا ، فرش صادر میکرد .

از استشاره هشتگر و بالا بردن سطح زندگی اقتصادی و فرهنگی آنان گشوده میشود . البته اگر زمان حکومت در راست خود کارگران میبود آسان تر میشد باین هدف ناصل آمد . ولی منافعه تها کارگران بلکه دهقانان نیز حکم مینکند که قبل از هر چیز بقایای قانونالیم ریشه کن شود و در شرایط موجود با استفاده از پشتیبانی عناصر بورژوا - دمکرات کشور ، میتوان و باید این کار را انجام را . همزمان با اینکار ، ما باید سازمان های خود را مستحکم و نیرومند سازیم زیرا در جریان پیکار نا آخرین دقیقه ، تشک و یکارچگی طبقه مبارز بخاطر آزادی خود بصورت عامل قاطعی برای تمام روئند آتی انقلاب در می آید .

## موصیت زن ایوانسی \*

در میان کشورهای اسلامی، ایران را میتوان از لحاظ استشار و انتقاد زنان در مقام نخست بشمار آورد. سوابق فرامسن پیغمبر [اسلام]، هر مرد مومن میتواند تا "چهار زن شروع" [عذری] و بنا بر مدلش تعدادی زن تا شروع [صیفه] اختبار کند.

شاهزادگان و زمیند اران توانگر و غیره چون بیویان وفادار اسلام ازین قوانین خد اکسر استفاده را برده اند و نادر تبدیله اند. موادی که تعداد زنان شاهزاده با سلطانی به ۱۰۰، ۲۰۰، یا حتی سیصد بالغ گشته است. اما هنگامیکه بدنیان ایشان ایجاد میشوند سوابق داری محصولات کشاورزی در بازار ارزش معینی پاافتند و تمثیلات - بسیک اوریانی - امکانات مالی کلانس را میطلبند، به جامعی [نگهداری] گله ای از زنان خود را بر زمینه ارایه اند اینکار ساخت.

نایابی بحران اقتصادی گشتنی باینده پس از جنگ [جهانی اول]، بیویو برای طبقات متسط میانه از آن شد که از حق تعدد زوجات استفاده گردد. برای اهالی چشک ایران حق بیک زن نیز جزو تمثیلات بحساب می‌آید. این امر بانجا انجامیده است که در ایران فحشا کتر از کشورهای اروپایی شکوفان نیاشد. در این رابطه، بختی میتوان تهران امروزی [۱۳۰۱] را از پایتخت های اروپایی عقب از نهاد.

در شهرهای تهران و تبریز - اگر نخواسته باشیم از توانگران سخن بین آوریم - غالباً با خانواده های متسط محلی بر میخواشیم که در مقابل پسر اخت چند قران دو یا سه خد تکار استفاده میکنند. هشت تخدمنگاران بسیک از زمینه اران بزرگ در تهران به ۴۰۰ تن بالغ میشود که نهی از آسان از زنان اند. در کفتارهای سرفوجه تباکو و غیره زنان روزانه ۲۰ ساعت کا میکنند و در مقابل آن دستور محتبایار و ناجیزی دلنشسته اند.

در زمینه های سیاسی - حقوقی موقعیت زن بازهم وخیمهتر است. بنابر مقررات حاکم، بودی تقیها بسرمه شوهر است که میتواند در هر لحظه ای گذخواهد او را از خانه بیرون راند. لکن قوانین مقد سراسر اسلام مانع از آن میشود که زن ایرانی شوهرش را بدون رضایت اوی ترک گوید. این مخلوق بد بخت دیگر اجازه ندارد با صورت تاپوشیده به جهان نظر انگشته مزیtra طبق قوانین حاکم وی ازین سن ببعد میتواند بعقدر در آید. نیوشهیدن نقاب [روینه] مستوجب جراحت نظمه است. تهبا در پایتخت است که مقررات در این رابطه به اشد بیور اجرای کاشته نیشوند.

در ایران آموزش زنان نیز از مطلوب عالی برخوردار نیست. باستثنای پایتخت، بذرستاده راه راه خودی میتوان پافت. دختران تا سن ده یا پانزده سالگی به مادر مهد هی [مکتب] میروند و در آنجا بهمان سبک مرسم هزار ساله به قرائت و آموختن قرآن میپردازند.

دختران این مدارس روزانی ترک میگردند که هنوز کاملاً بسوارند. تهبا در تهران و دو سه شهر دیگر است که چند دستان تسبنا خوب برای دختران موجود است. مدارس میسونهای [مد هیس] فراترسی و آمریکانی که در بسیاری از شهرها بزرگ پافت میشوند، همراه تبهتراند. در این مدارس جوانان رستم که در مدارس زبانهای فرانسه و انگلیسی را با هم در کلاس های مختلف میپردازند. بسیاری

\* Die Stellung der persischen Frau", Ingrakor, No. 78, 27 Mai 1922; Seite 591.

از زنان که باین مد ارسروخته اند، نمیتوانند با بردن کی گه باشدان تحمل شده است، سازگاری را شتّه باشند. زنان تهران بمنظور مجتماع ساختن خود و سایر زنان نارا اخض، چندین بار از دولت خواسته اند که در راه خروج به جای آنان سنگ اندازی نشود. مع الوصف دولت فتوح المترجع با تکیه به منویت [ صادره از جاتب ] علمای اسلام سرختنانه این تقاضا را رد میکند. این امر هم اکتفا نشده است، اور پائیز گذشته مجله نسبتاً محبوب زنان (( عالم زنان )) راکه غالباً زنان پیشو از تهران تنظیم و منتشر می‌ساختند، متوقف کرد. جالب است که در توقیف این مجله اتحادیه اجتماعیون اسلامی که میخواهند سوسیالیسم را بنا بر اصول قران محمدی تحقق بخشدند دست داشت، پس از مدتی، زنان بار دیگر هفت نامه تاره ای بنام (( لسان زنان )) منتشر ساختند که بشکراند هم تغییر کابیه فعلای برقرار است. نشایرات مشابهین در شهرستانها منتشر میشود. (۴) ولی همه آنها تحت پیگرد راهی مقامات دولتی قرار دارند. این جنبش [ زنان ستملی ] یعنی حافظ توانگر را در بر میگیرد. عناصر پرولتاری در حال حاضر در آن شرکتی ندارند.

رهانی نهایی زنان ایران از هر گونه بردگی را تقبیلاً پرولتاری جهانی میسر خواهد ساخت.

#### سلطانزاده

( ترجمه میم شیخن از آلمانی )

---

(۴) مقصود رفیق سلطانزاده " پیک سعادت " رشت است که خانم بوشنک نوع دوست موسیخ و سه سعدی رشت منتشر می‌ساخت و " زنان ایران " خانم مدبیه دولت آبادی در اصفهان، و نیز " زنان ایران " منتشره خانم شهناز آزاد است که در اشر طبعه دارد و نشریه خود حتی بزندان افکنده شد.

## چنیش سند یکائی در ایران \*

در کشورهای عقب افتاده ای چون ایران، که در آن قوی الیسم هنوز رشد کن نشته است در کشورهای قصر ارتجاعی مالکین ارضی بحاییت روحانیون نادان، سیاست میکنند، در کشورهای سرمایه دار و ربا خوار در نزد هر لعاق مناسبات اقتصادی سایه انگشت است، در چنین کشوری چنیش سند یکائی مطمئناً نمیتوانست بدروجه انکشاف برای برآنچه در سایر کشورهای سرمایه داری حاکم است، بررسی از جای بد پکر، حالت ابتدائی صنایع از پیکسوس، ز و نادانی سیاست نموده های رحمتکش از سوی پیگر اجازه نمیدارد که در قلمرو سند یکائی کار فعال انجام پذیرد.

نمیشن کوششها برای سازماندهی سند یکائی در ایران نخستین اتفاق [چنیش مشروطه] هنگامیکه کارگران چاپخانه های تهران تحت نفوذ نیروهای حزب دمکرات تاخته اند و خود را ایجاد کردند، انجام گرفتند، بعد از هنگامیکه ارتیاع در سرکوب بیدار میکرد و حزب دمکرات انتطااط یافت، هنگامیکه رهبریان آن با تحصیل مقام وزارت به محافظین با وفات تاج و تخت ایران بدل گشته، این سند یکای بدن آنکه نتا پیغ جسدی کسب کرده باشد شغل گشت، این وضعیت بدون تغییر نا سال ۱۹۱۸ هنگامیکه سراسر شمال ایران را قحطی شدیدی فرا گرفت، و مرگ صد ها هزار نفر را موجب گشت، و گرانی [هزینه] زندگی روز افزون نموده های وسیعی را تهدید میکرد، در وام یافت.

در این هنگام است که کارگران چاپخانه ها اندام سازمانده اند افراد طبقه خود نمودند، اینان پس از اقدام به چند اختیاب، دولت را مجبور ساختند برقرارداد مستحب معنی که تنظیم کرده بودند و مناسبات بین کارگران و کارفرما را تعین میکرد، صحة گذاشت، اینان همچنین موفق گشته بجهودی چندی را در وضع اقتصادی شان تحصیل گشتند، این قرارداد روز هشت ساعت کار، مقررات استخدام

و اخراج کارگران و نزد اشخاص کار را معین ساخت و بهبود وضع بد است کار در چایخانه و غیره رامطالبه کرد.

این موقعیت نسبتاً قابل ملاحظه کارگران چایخانه ها روچیمه کارگران حرف دیگر را که سازمان دهی سندیکاهای خود را آغاز نمودند، بعده از قابل ملاحظه ای ارتقا دارد. اتحادیه کارگران ناتوانیها (خیازان) کارگران دست باشیها و پست و تاکسی راف و تلفن و بالاخره اتحادیه کارگران کاشیهای سکی پس از دیگری تأسیس شدند.

شورای اتحادیه ها تهران بسال ۱۹۲۰ تشکیل گردید و وظیفه یافت اتحادیه های کارگری را رهبری کرد، آموزشیدهای اتحادیه های جدیدی را سازمان دهد. این شورا از سه نماینده از هر اتحادیه تشکیل میشد.

در آغاز ۱۹۲۲ ده سندیکای باره هزار عضو کارگر، یعنی ۲۰٪ از کارگران تهران، در شورای سندیکائی عضویت داشتند. بغير از سندیکای فوق الذکر، چندین سازمان کارگری دیگر نیز در شرف تشکیل گردید، چون سندیکای داروسازان و کارگران تراووا وغیره.

نتوهی تهران بزرگ از طرف چند شهرستان دستیاب شد. دولال پیش مدیریت اتحادیه ای از کارگران شام ((حزب کارگر)) [حزب کارگران] تشکیل گردید.

این سازمان بسیاری از وزیری های خاور زمین را با بر جستگی زیادی منهض کنیده بود. باین هم، موافق نظام این "حزب کارگری" تهبا کسانی مهتوانند بغضین آن در آیند که از استثمار دیگران زندگی نمیکنند. در اوایل ۱۹۲۱ این سازمان در حدود ۳۰۰۰ عضو داشت. ولی نفوذ آن بعد اعماق اش تحدید نمیگشت. در تبریز همچون در سایر شهرهای بزرگ خاور زمین کاسپیکاران و صنعت گران بخشیهای از جمیعت را تشکیل گردیدند. قانون اسلام تجارت را حرمه ای محروم (وزیر) میشمرد. هر مومن نیکی با اشتیاق به تجارتی مشغول میشود. در موکو شهر را الانهای آجریین نوعی سرا، باورودی و خروجی بهمه جهات شهر ساخته شده است. در اینجا در مقاومه های کوچک اجاره ای، کاسپیکاران کوچک مانند قاران، کاشان، زرگران، وغیره لول میزنند (ملو اند). هر حرمه ای بخش معینی ازین سرای عظیم را که "بازار تارام" دارد اشتغال میکند. بازار تبریز، ۱۷ هزار مترم اثنا هار، کارگاه وغیره را دارد که از آن به مالکان کوچک که همچنان خود را بمتابه کار گسر نمیکند و او نافع تجارتی امارات معاشر میکند، تعلق دارد. اینان با استفاده از موقعیت اتحادیه خوش بطور نوبت کرایه مقاومه های افزایشی میگردند و بروخ اوقات اثرا نداشته ترخ مسدوده ای باشند. نتایج چنین روش بهنگام بحران تجارتی پس از جنگ [اول جهانی]، بهترانه شمال ایران کسنه منحصر از طریق تجارت با روسیه زیست میکرد، بیشتر از هرجای دیگر لطفه وارد ساخت، هر چه بیشتر محسوس میگردید.

اتحادیه تبریز (حزب کارگری) بمنظور تشکیل بد تضاد بین مالکین بزرگ و صاحبان مقاومه های کوچک بازار، تصمیم گرفت اینان را بر حسب حرفة شان مشکل سازد. جلسه تعایین دگان حرفسه دفتر عمومی انتساب نمود که سا ثل مهم را در تفاوت با دفتر اتحادیه تبریز، حل مینمود. بدین سان نه تنها رهبری اید توکریک، بلکه همچنین رهبری علی این سازمان وسیله بد و خسورد بیش از ۲ هزار عضو گردیده است، در دست اتحادیه [حزب کارگری] است، مهندسین تصمیمات معمول باشای ارگان اجرایی اتحادیه [حزب کارگری] است، مثلاً در سال گذشته بنابراین پیشنهاد اتحادیه، در بازار تخفیف ۲۰٪ کرایه مقاومه از طریق اتفاقیان حقوق یافت. و از اینجا است خصم صاحبان مستغلات بازار [تبریز]. ولی اینان قادر نبودند کاری کنند، زیرا هر مقاومه با تکه به تصمیم حزب کارگری قاطعاته از پرداخت بیش از ۸۰٪ کرایه ساقی سر بازد. ابتدا مخبر

السلطه، بتمایندگی دولت، با توجه به محدودیت‌های اتحادیه، کوشش‌شده‌اند آورده‌اند این سازمان را زیر نفع خود درآورده‌اند. ولی بد ان موفق نگشت، و بهتر از آن این‌که در اکتبر سال گذشته بدنبال ضرباتی که شهردار شهر بیک از اعضا این سازمان وارد ساخته بود، اختلافی بین این دو احزاب کارگری رخ دارد. حزب از استاندار خواسته شد از را بر کار ساز و شخص دیگری را به جای او منصب کند. استاندار مقامت نمود... جریان تند پیک بود به بستن بازار کشانه شود. (در ایران بستان بازار از تظر اهمیت افق امیست همراه از انتقام عصیون) در آخر استاندار امتیازاتی [بسود حزب] قائل شد و سلطه خانه پافت.

در ایسرا مناطق ایران، اتحادیه‌های کارگری مطابق همان روش تهران سازمان داده شده‌اند. نیرو متد ترین در میان آنها عبارتند از اتحادیه کارمندان و کارگران شیلات‌دریایی مازندران؛ این اتحادیه هزار عضو دارد اند از معمولی کارگران در حدود ۹ هزار تن است، در رشت، انزلی و قم وغیره نیز اتحادیه کارگری وجود دارد.

در مجموع در ایران ۲۰ هزار کارگر سازمانده شده وجود دارد. چنین انشافی برای اتحادیه‌ها کارگری وضع اقتصادی بسیار سختی واکه کارگران ایران با آن دست یکدیگرانند، توضیح میدهد. اتحادیه‌های کارگری ایران علی‌رغم جوانی شان در نیمه دوم سال ۱۹۴۱ چندین انتساب‌سپار موقق سازمان دارند و از آنجمله باید انتساب خیازان، کارگران چایخانه‌ها، کارگران ریضانگاه‌ها پست و تلگراف و تلفن تهران را یاد کرد. در انزلی انتساب کارگران بذر سازمان داده شد. همه این انتسابات ماهیت صرف انتسابی دارند. و اسا در مرور انتساب‌عملیاتن (ژانویه ۱۹۴۲) که ۲۱ روز بطول انجامید، این انتساب سر انجام شکل پک نمایش واقعاً سیاسی علیه دولت را بخود گرفت، دولتش که بدست ششماء پور اخراج حقوق آنان را متوقف ساخته بود. نمایشات بدست روز ادامه یافت، در این تظاهرات در انش آموزان نیز بند از زواری شرکت داشتند. هیجان عمومی در تهران بعد اعلان‌سیده بود. عاقبت دولت شناقت و بعلمندی وعده را حقوق آنان را بپردازد. ولی دیگر بسیار دیر شده بود. یک تظاهرة وعظیم، که در تاریخ ایران نخستین نمایش‌بزرگ بحساب‌می‌آید، موضوع کابینه قوام‌السلطه را که از قبیل متزلج بسود در هم گرفت ویرا مجبور باستعفای ساخت. کابینه لیسرال شیروالد وله جای ویرا گرفت و قول داد پک سلطه اصل‌الاحات را دیگر کمال را متحقق سازد.

با اینکه اتحادیه‌های کارگری در ایران از شخصیت حقوقی برخوردار نیست، مقامات دولتی موافق بسیار در سرمه اینکاف آنها ایجاد می‌کنند. این میان (ستشاران) اروپائی هستند که بین از همه در این جهت سرکوب شده‌بود و بعدها اجرا می‌کردند. یک سوچه‌ی بنام مولیتوک که مدیر پست و تلگراف است توائیست اتحال موقت اتحادیه کارمندان اداره تلگراف را فراهم آورد و سپس کوشیده پستچیسان را نیز مشمول همین سوتنشست سازد.

این میازن ای طولانی بود. پستچیسان جزوی ای علیه مولیتوک منتشر ساختند و بر کاری وی را خواستار شدند. سلطه در مجلس مطرح گردید. دولت جائز بفونکیونر خود را گرفت، اتحادیه‌های کارگری بکار تهییجی خود را دادند. در این زمان کابینه قوام‌السلطه طبق تمویینه‌ای شرکت کارمندان دولتی را در اتحادیه‌های منحصراً ساخت. این تصویب‌نامه‌اشم و نفرت‌توبه‌های مسردم را بر اینگشت و به سقوط کابینه منتهی شد.

بدینسان، اتحادیه‌های کارگری ایقای نقش‌نسبتاً قابل ملاحظه ای را در زندگی سیاست ایران آغاز می‌کنند. دفتر مرکزی اتحادیه‌های کارگری که در نوامبر ۱۹۴۱ پایه گذاشت، اکنون مشغول سازماندهی کارگران معاون نهادت‌جنوب ایران، کارگران ریزمند و همچنین کارگران سایر رشته هاست. دفتر مرکزی وظیفه سنگیست بعدها دارد: سازماندهی توده‌ها در کشوری عقب افتاده ای چون ایران

که اوضاع و احوال ویژه‌ی زندگی شیوه‌های سازماندهی ویژه‌ای را میطلبد که نسبت باتوجه به پس از همایش فعالیت‌های سندپکانی در کشورهای اروپائی متداول گشت، تا حدی متفاوت است. ما این‌واریم که با حمایت بین‌الملل سندپکاهای سرخ، جنبش سندپکانی ایران وظایفی را که در سر ایسرا ارد، با موقتیت بانجام برداشت.

### آ. سلطانزاده

( ترجمه از متن فرانسه، د. ک. )

## \* پیکار بسا نفتایران

در گذشته این فرستاده است (۱) که در باره مبارزه عظیمی که اکنون بین دولت های بزرگ سرمایه داری برای تصاحب منابع نفتی در اینا در حال گسترش است سخن بگوییم. در این مقاله مایلیسم تها بروی رقابت تمام آمیز تراستها ای انگلیس و آمریکائی بر سر نفت ایران تمامی کیم.

اهمیت روز افزون ایران بنا به کسور تولید گندمی نفت درجا توجه سلطنتی نفت دنیا را با خود معطوف میدارد. تا سال ۱۹۱۶ استخراج نفت در اینجا [ ایران ] ناچیز بود و در سالهای بعد استخراج نفت تا اندازه ای افزایش یافته و در حدود ۷/۰۰ میلیون بشکه در سال ثبت شد. در سال ۱۹۲۰، ۲۶ میلیون بشکه استخراج شد، یعنی ۱۸۰۰ تن ( نزدیک به ۱۰۸ میلیون بود ) اما در سال ۱۹۲۱ افزایش استخراج کسر از ۲۰ بُر نیسد. بدین ترتیب، ایران در این زمان مقام پنجم را در صنعت نفت دنیا حاصل شد، و در استخراج نفت رومانی و کالیسی را پشت سرگردار. لیکن این داده ها بهبود جوشه پوتاسیم ایران را منعکس نمی‌سازند. ثروت‌سوار ( استثنای ) نتابع ایران بنا بر ارقام گزارش شده که این نفت ایران-انگلیس به امکان آن را میدهد که پیش‌بینی کیم که در صورت وجود پالایشگاه‌های کافی و سازمان متناظر حمل و نقل، صنایع نفت ایران میتواند نتایجی می‌ستادد که کمتر از نتایج صنایع نفت ایالات متحده نخواهد بود. مناطق نفتخیز ایران مساحت عظیمی را در بر میگیرد. اگر منابع نفت ایلان و شمال ایران، که اهمیت زیادی دارند، بر راه نظر نگیریم، منابع نفت در روانه قرار گرفته اند: در شمال و در جنوب ایران، و هردو بشکل خطوط بسیار طولانی. ضایعه‌مالی بطول ۱۰۰ کیلومتر امتداد دارند. این منابع از استان خراسان شروع شده، تا در استانهای استرآباد، مازندران، گیلان و تا آذربایجان ادامه دارند. این منطقه دنیاکی منطقه قفقاز است - باکو، تجلکی، ( منطقه جزایر تجلکی ) . منابع منطقه جنوب ایران با منابع بین‌النهرین در رقصش شیرازن در نزدیکی مرز ترکیه، یعنی جنوب شرقی کرکوک در ساحل درجه تا بند عباس و قشم برسر راه آغاز می‌گردند. طول این منطقه ۱۳۰ کیلومتر است. شرکت نفت ایران-انگلیس حق انتشاری استفاده نفت در این منطقه ایران را درآورد. زمانی بمنظور

(۱) پسربای را پرسیده سکویه نفت " اوجله وستیک "، شماره ۶، ژوئن ۱۹۲۲، آوریل ۲۱.

(\*) نگاه کنید به مقاله ما " مبارزه بخاطر منابع نفتی دنیا " در تحریره تاریخ دنیا خوشبست، آوریل ۲۱.

حفظ برتری در راه خوبیست، امیرالیستهای انگلیس ایستگاههای شناور نغال سنگ را از جبل الطارق تا لکنکه برقرار کرده بودند. در سالهای اخیر ایستگاههای نفتی نیز بر آنها افزوده شده استند احصار صابع نفت جنوب غربی ایوان ردنیله نقشه وسیع توسعه قدرت در راه بریتانیای کبیر است.

لکن همچنان نیروی چون ایا لات متحده آمریکا که پینکام جنگ و پس، از آن پیشتر در راه عظیمی بدل گشت، در برابر نقشه های انگلستان از خود واکنش داشتند که نشان نمیدهد. اگرچه شبکتی سازی در حال حاضر نسبت بسال ۱۹۱۹ بقدار زیادی کاهش یافته است، با اینهمه ایالات متحده آمریکا پس از انگلستان مقام اول را دارد است. ارقام زیر که تعداد کمتر های در دست ساختمان در سه ماهه اول و سه ماهه ما قبل آخر ۱۹۱۹، ۲۰ و ۲۱ را نشان میدهد، از ترقی کمتر سازی در این سه ماهه میگذرد.

### انگلستان ایالات متحده

سال	تعداد کشتهها تن	تعداد کشتهها تن	تعداد کشتهها تن	تعداد کشتهها تن
۳۱ مارس ۱۹۱۹	۱۱۰۵	۴۶۱۸۵۶۵۲۳	۶۵۷	۲۶۲۵۴۶۸۴۵
۳۰ سپتامبر ۱۹۱۹	۷۲۷	۵۴۴۷۰۴۷۴۸	۷۸۱	۲۶۸۲۶۶۷۷۲
۳۱ مارس ۱۹۲۰	۵۳۰	۳۵۷۵۶۴۹۸	۸۶۳	۳۶۳۹۴۶۴۲۵
۳۰ سپتامبر ۱۹۲۰	۳۱۲	۱۶۲۷۲۶۱۹۲	۹۶۱	۳۶۲۳۱۶۰۹۸
۳۱ مارس ۱۹۲۱	۱۲۴	۱۶۱۰۴۶۷۲	۸۸۴	۳۶۲۹۸۴۵۹۳
۳۰ سپتامبر ۱۹۲۱	۶۹	۴۳۳۰۹۶۲	۷۰۰	۳۶۲۸۲۶۹۷۲

با وجود کمتری سازی در ایالات متحده، تعداد کشتهای نیروی در راه آمریکا چند برابر در راه پیش از جنگ است. پس واضح است که پیغام از نیروی در راه تقاضای عظیم نیز برای نفت از طرف منایعی که رانندگان در حال رشد آن وجود دارد. ولی همه اینها به جوگه سلطنهای نفت آمریکا را از پایان نمیکند، مخصوصاً در مطابقه با نقشه های بلند بروانه ایکه ایشان ازده تهها در سر پیورانده استند. حتی تا پیش از جنگ، تراستهای آمریکائی که در کسر راکفلر متجمهدند، کوشش اشتبکه بازار جهانی نفت را در انحصار خود در آورزند. و در این مسیر ایشان بطور عده با انگلستان در تصادم بودند، که نتیجه سلطنهای نفتی آن نیز همان نقشه های گستاخانه را در سرداشتند. تصادف نیست که آمریکائیان در چندوا که توجهی خاص ایگلیسیها را تحت انتظار داشتند نا میاد ایشان انحصار خایی نفتی روییه را تحت اختیار خود دو آورند.

در هر حال، تراستهای آمریکائی بوقت خوش نفت ایران را حسکردند و بسوی آن دستدار راز کردند. در در وران اخیر بطور کمی در آمریکانفت بر سود ترین اشتغال بشمار میرفت، ایگل شد پس این رشته صنعتی از روی مقدار عظیم سرمایه بکار گرفته شد، در تاسیسات نفتی همچه ایستاده ارقام "وزنال دو کوبین" این بیرون [سومایه بسوی تاسیسات نفتی] را نشان میدهد.

سال	(۰/۰۰۰ دلار) (سومایه بسوی تاسیسات نفتی)	میانگین ماهانه (۰/۰۰۰ دلار) (میانگین بمحاسبه شرکت)

۴۹۷	۷۰۶۴۷	۱۹۱۴
۴۱۰	۶۴۷۱۱	۱۹۱۵
۱۶۲۴۸	۲۴۰۷۸	۱۹۱۶
۱۶۶۴۱	۷۰۶۰۱۸	۱۹۱۷
۵۲۰	۶۸۷۳	۱۹۱۸
۲۶۳۲۲	۲۱۰۶۰۰۰	۱۹۱۹
۱۶۶۲۷	۲۲۲۶۲۲۴	۱۹۲۰
۱۶۶۲۶	۱۲۴۶۱۲۰	۱۹۲۱

کاهش تجارت در این دوره سرمایه جدید به تأمینات نفتی را در ۱۹۲۱ عددتاً بحران اقتصادی، بحران نفتی که چندی پیشتر از صنایع دیگر بروز کرد، توضیح میدهد. در هر صورت این ارقام نشان میدهد که سرمایه در اران آمریکائی با مسلله نفتی بر اثبات جدیدتر از همکارانش در سایر کشورها بخود رود گردید. مقایسه آنکه روشن نواگان نفت آمریکا با دیگر کشورها موضوع بالا را بر مبنای تجارت میکند.

تزاویه‌سازی	تعداد نفتکش		آغاز سال
	سایر کشورها	آمریکا	
۲۰۱۰۷	۲۸۲	۵۲	۱۹۱۳
۲۰۳۱۰	۲۹۰	۵۶	۱۹۱۴
۲۰۰۳۸	۲۸۳	۹۲	۱۹۱۵
۲۰۸۴۰	۲۸۴	۱۲۶	۱۹۱۶
۲۰۴۲۳۰	۳۰۱	۱۰۵	۱۹۱۷
۴۴۷۰۰	۴۲۹	۱۸۳	۱۹۱۸
۴۴۹۹۰	۴۰۲	۲۶۲	۱۹۱۹
۵۶۲۱۶	۳۶۷	۲۹۸	۱۹۲۰
۷۶۰۰۰	۵۱۲	۴۰۳	۱۹۲۱

بدینسان آشکار میگردد آمریکای شمالی که در جهت تأمین سیادت‌بین‌المللی در حرکت است، آمریکا از پیشینی‌های زمین شناسان درباره‌ی متابع نفتی خود بسیار مشغول است، بروزه باین خاطر که اینست کشور مایل است که نواگان نفتکش‌اش مقام اول را در جهان دارا باشد و این خود بشدت باسر ذخایر نفتی وی مربوط است، ایالات متحده آمریکا موقع خود (۲۷ نوامبر ۱۹۲۰) علیه تسبیح نفت‌بین‌النهرين بوسیله انگستان و فرانسه اعتراض نمود و کاریست اصل سیاست "در راه بازراخواستار شد" اگرچه بدون موقیت، اگون از هراس اینکه میاد ادر را برای نفت ایران نیز همان جریان نفت بین‌النهرين تکرار گردد، ایالات متحده با انتزاع بیشتری باین موضوع پرداخته است، بالاخره پس از تقریباً پیکال مذاکره، مجلس در جلسه سری ۲۲ نوامبر ۱۹۲۱، بدون هیچگونه بحثی قرار

و اکاری انتیاز استخراج نفت مناطق شمال ایران ( آذربایجان ، گیلان ، استرآباد ، مازندران و خراسان ) را به شرکت "ستاند ارد اویل " بتصویب رساند . مدت این قرارداد ۵۰ سال بود . بر اساس این قرارداد ۱۰٪ از منافع نا خالص استخراج با ایران تعلق میگرفت . شاید این انتیاز برای ایران بسیار شر از انتیاز انگلستان که از آن دولت تنها ۱۲٪ برآمد خالص مرغای را دریافت میکند باشد . مطابقات تنها پکوز پس از تصویب مجلس این امر مطلع گردیدند . از پکفته قبل در این باره صحبتهاشی مشدود ، ولی خبر بد فیضی در دست نبود . خرسندي مطابقات ایران اجتناب ناپذیر بود . نه تنها مطابقات طرد از دولت به تمجید این قرارداد عاقله بود اختسه ، بلکه تمام اهالی کشور این انتیاز را تجدید حیات اقتصادی ایران محسوب میداشتند .

البته این امر نیز کاملاً باشد فیلم بود ؛ مدت از هماسال ایران تحت تهدید تقسیم خاک خود بین انگلستان و روسیه تزاری بسر میبرد ، پس از انقلاب اکبر ، این تهدید تا انداده ای کاهش یافتد لیکن انگلیسیها با وجود این هنوز نا امید شده بودند . بالاخره پس از سالهای دراز ایران کشور بیطریق را پیدا میکند که در ایران تنها مقام " اقتصادی " را دنیا میگرد . و این همه " قدریه " نبود بلکه ایران امیدوار بسود که بدین وسیله رقابت جدی ای بین سرمهایه اران انگلیسی و آمریکائی بوجود آورد . بقیه ایران نیز با همین نظر بدین مسئله مبنیگریستند . درست است که برو خس از جراید پاپخت ( ۳۴ ) شک خود را در باره ای بینظیری و حسن نیت آمریکائیان ابراز داشتند ، لیکن اینها جزو مذاهای نارسانی در میان هلمهای شادی عمومی نبودند .

سفارت انگلستان در ایران فروا باعطای این انتیاز اعتراف کرد و اعلام داشت که حق انتیاز این منطقه که قبلاً در مالکیت خوشتاریا ، تبعه روسیه تزاری بود مدعی است که به کهنه ای ایران و انگلیس انتقال یافته است . جریان امر بدینظر امر است . مطابق فرمان ناصرالدین شاه در ۱۸۹۵ و مظفرالدین شاه در ۱۹۰۲ حق بجهه برد اری نفت در حدود تگان و کسر - کلارش راغ طالش - دولاب ( منطقه مازندران - سترآباد ) و قصتن از آستا را ( در آذربایجان ) به سهپالار ( مالک بزرگ ایران ) ، با حق و اکاری به خارجیان ، هدیه شد .

در ۱۹۱۶ ، سهپالار ، حسقق ناشی این فرمانها را در مقابل وجهه تاجیگزی به انتیاز گز خوشتاریا و اکار کرد . افزون بر این سهپالار حق بجهه برد اری از نفت در املاک خود در استرآباد و مازندران و گیلان را نیز با و اکار صادر نمود . پس از انقلاب اکبر ، خوشتار پسما به مدت مدیده بدر هلنگ و فرانسه در جستجوی خرد از برای این انتیاز بود . لیکن موافق بدست نیاورد . سرانجام از روی نا امیدی انتیاز خود را به بهای پکزار پوئد متلبگ به کهنه نفت ایران و انگلیسی غورشت . بدین ترتیب انگلستان میخواست بسا هزار پوند مالک تمام نفت ایران گردد . سرانجام در اران آمریکائی در ازای اعطای این انتیاز بدولت ایران همه نوع وظه میداند و حتی وارد راخیار وی میکردند . آمریکائیان از پسر اخت رشوه نیز در ربع نوزیستند . البته دولت ایران غصت اشاره بانکه این انتیاز بتصویب مجلس نرسیده ، و بنابر قوانین اساسی [ ایران ] هیچ انتیازی بخار - جیان ، مدار امیکه بتصویب مجلس نرسیده ، جنبه قانونی نمی یابد ، قاطعانه از شناختن حقیقت انتکیسها در انتیاز خوشتاریا [ سر باز زد . چنین بمنظور میرسد که جزیران در همینجا خاتمه یافته باشد . بزودی ایران از " بیمارخونی " ( پاکیزایی ) آمریکائیان نیز لسود شد . نه تنها ایران نا بحال همیشه گونه وامی دریافت نکرده است ، بلکه با تلخ اطلاع یافته که آمریکائیان رفیقانه با انگلیسها به توافق رسیده اند ایران را به مناطق نفوذ بین خود تقسیم کنند . و این تقسیم عجالتاً به پهنه برداری ☆) نگاه کنید به مقاله حقیقت [ از نشریات حزب کمونیست ایران ، در چند سوم استاد ، ناشر

از نظریت محدود میگردد، ولی این خود نشان بسیار بدی است، چون همراه تقسیم اقتصادی قبل از تقسیم سیاسی صورت میگیرد. برای سرمایه داران آمریکا این راه قرار ندارگری وجود نداشت؛ با آنکه بایستی فرازاً با جمهوری سوسیال لیستی روسیه شوروی، قرارداد منعقد شود، و از راه کشور روسیه شوروی و سایر تولید را برای استخراج نفت بایران برسانند، یا اینکه با انگلستان برای استفاده از راه خلیج فارس، که در حقیقت در دست بریتانیا کبیر است، به توافق برسند.

تا گون ایالات متحده این راه اختیراً برگزیده است، و اما اکثر آمریکا حقیقتاً مقاصد جدی ای در زمینه بهره بود از از نفت اراضی شرکت شد شمال ایران داشته باشد، راه خلیج فارس، بناسبت عدم راههای ازان حمل و نقل بین جنوب و شمال ایران، نا مناسب است، و بر یازود آمریکا مجبور خواهد شد جمهوری سوسیال لیستی روسیه شوروی را برای بدست آوردن امکان استفاده از بندر یاتوم (★) مخاطب قرار دهد. در غیر اینصورت، ایالات متحده باید نخست اقدام پادشاه خطر راه آهن بین خلیج فارس و دریای خزر بخواهد و سپه خواهد توانست به بهره برد از از نفت بهره بارز.

برای احمد اث خطر راه آهن، بغير از مخازن بسیار، وقتی زیاد نیز لازم است، آیا سلاطین نفت آمریکا میتوانند این چنین مد تازی ای در انتظار بنشینند؟ این امر را آینده بسیار زیاد بک نشان خواهد دار.

در هر صورت محافظ دمکراتیک و لیبرال ایران نسبت به روسیه تو چشم امید زیاد دارد. روسیه چه خواهد گفت؟ آیا روسیه نسبت به امر تقسیم جدید ایران بین انگلستان و آمریکا بمن تفاوت خواهد ماند؟ ایران انقلاب عمیقاً معتقد است که روسیه شوروی در این زمینه انتشار موضوع خواهد کرد و موضع نیز بر وزن خواهد بود.

آ - سلطانزاده

(ترجمه از روس - د. ف)

★) اشاره زود گذرنویسنده مقاله بیک چنین مسئله مهی را باید آن علت را نسبت که بروسی این جنبه مورد نظر وی نبوده است، هیئت تحریریه [مجله] بر آنست که این مسئله نیازمند بروسی ویره ایست.

## \* د و میمن کنگره حزب کمونیست ایران

چندی پیش دوین کنگره حزب کمونیست ایران در شهر ارومیه [ رضاییه گوشی ] یا مان یافت، از کنگره خسارت در اینلی [ بهلوی ] هفت سال گذشت است، در این حد تحریک[کمونیست] کرا را در حوار اتفاقاً شرکت نداشت و سازمانهای آن با رها تحت ساختن سرکوهای قرار گرفتند. علیهم همه اینها، برای ارتیاع ایران بیرون نگشته است حزب ما را داغان کرد. برعکس، برقم کوششای حکومت رضا شاه حزب ما [ همینان ] فعال است، امری که برگزاری کنگره گواه آنست. در این هفتسال، حزب ما جنیهای بسیار آموخت! بوی در زمینه " مبارزه اتفاقیون در پل کور عقب مانده و نیمه مستعمره کسب تجربه نمود. حزب دروان سخت نامرادی و اختلاف نظر را از سرگرداند. همه مسائل که در دستور کنگره قرار داشتند، با جدیت و بطری جامعی مورد شور قرار گرفتند. این مسائل عبارت بودند از:

- ۱- موقعیت داخلی و بین المللی ایران،
- ۲- مسئله طن،
- ۳- مسئله ارضی،
- ۴- مسئله سازمانی ( تشکیلاتی )،
- ۵- سازمانهای سندیکاهای کارگری،
- ۶- بنایه حزب کمونیست ایران،
- ۷- سازمانهای شرکتی تعاونی،
- ۸- تصویب بانظمامه نسوی حزبی،
- ۹- کار سازمان جوانان کمونیست،
- ۱۰- کار در میان زنان،
- ۱۱- مسائل جاری.

کنگره در عرض چند روز بهمه این مسائل بود اختر قطعنامه ها عزم بوده را بتصویب رساند. هفت

"Der Zweite Parteitag der KP des Iran" Die K.I., VIII Jrgang, Juli-Dec. 1927; seiten 2517-23 \*

در باره برتامه و تزهای مصوب کنگره دوم نگاه کنید به مجلد یکم اسناد ( ص ۳۰۱-۳۱۱ ) و گزینه سال ۴.

در باره کنگره دوم، کامیختن نیز مقاله ای دارد ( کتاب سابق الذکر ص ۲۸۴-۲۸۵ ) که ازین مقاله سلطانزاده گرفته

بدون ذکر مانند!

سال پیش سازماند هن مبارزه علیه امیرالبیت‌ها انگلیس و سسله قاجار در راس مسائل کنگره حزب قرار داشت. امروز نیز از اهمیت این موضوع کاملاً نشده است. روشن است که نیروهای متوجه افغانستان که در آن زمان ایران را اشغال کرده بودند، مدتهاست که این کشور را ترک گذته است. افزون بر این، امروز بجای سسله قاجار، سسله سلطنتی پکری، سسله "رشا شاه پهلوی" بر اینکه پادشاهی "شاه شاهان" تکه زده است، علیغیر اینها، مبارزه علیه امیرالبیت‌ها انگلیس، همچون گذشته مصطفی وظیفه را تشکیل می‌دهد. هنوز هم تا پیش از کنگره نخست (۱۹۲۱) حزب، رفتای ساده اندیشه بر این عقیده یافته بیشترند که کویا خروج ارتش اشغالی افغانستان از ایران امکانات جدیدی را فراهم خواهد آورد تا ایران خود را از چنگال سرمایه انگلیس آزاد سازد و رضا خان این وظیفه را خواهد داشت که موقعیت ملیون ایران را تحکیم بخشد.

[ موافق این نظر ]، رهان ایران بطریق هنچ از پنجه طرقی تسهیل خواهد شد که روسیه تزاری که دست اند کار اضلال ایران بود، جای خود را با تحداد جماهیر شوروی سوسیالیستی دارد است که بهمه طرق به جنبش رهایی خشتمان ایران مدد میرساند. طبیعت رضا خان - سپه رضا شاه - باید اسپابار لسردی این رفتای ساده اند پیشرا فراهم آورده باشد.

افرون بر این، "کارشناسی" یافته بیشترند که تغییر سلطنت توسط رضا خان را تقدیماً بعنده بیک انقلاب بورژوا آقی جلوه میداند. اینها بر این ادعا بودند که کویا رضا شاه تبلور آرزوی ایران است و اینکه گربا وی بکم این بورژوا آقی و طبقه مختلف سرخانه ای مثلاً قبور الان زمیندار قدرت را بدست گرفت.

کنگره حزب پس از در نظر گرفتن اینها واقعیات و مدارک مربوطه به مسئله نقش آزادگر رضا شاه و همچنین ماهیت بورژوا آقی تعمیر اخیر سلطنت، اعلام داشت که خروج نیروهای افغانستان از ایران بهمچوچه بین معنی نبود که افغانستان [ حق‌نشینی ] کرد، بلکه تسبیه به تغییر تائیکه تعیین جسته است و اینکه در راقیت اصر رضا شاه مبارزه ای راستین علیه امیرالبیت‌ها انگلیسی و قبور الان زمیندار را رهبری نمی‌کند؛ بلکه بزرگی سیاست افغانستان در ایران را به پیش میرد و نظام قبور الی را تقویت می‌کند. ماده چهارم از قطعنامه معرفه کنکه در زمینه موقعیت و اختیار و بین‌الطی برش زیر افاده‌ی معنی می‌کند:

(( افغانستان پس از اینکه مقاصد گشت که فهرست ممکن است ایران را با تکه به خشونت صرف بچنگ آورد، بر آن شد که مطابق نمونه های مصر و بین‌النهرین، اداره مملکت را بدهست ایشان بسیار وی سیاست خوش‌آهست آهست ولی این با اطمینان، از طریق ایشان استحکام بخشد. این امر می‌یابد سیلیه کودتای سید خسرو الدین (۲۵ فوریه ۱۹۲۱) بعورد اجراء در آید. ولی سید خسرو الدین بعنوان دوست شناخته شده افغانستان بزودی وجه خود را از دست داد و بین سید قادر ر بود وظیفه محله اش را باتجام برساند. بین دلیل افغانستان را تصمیم بر آن شد که رضا خان، همکار وی، و مردی را که تا آن زمان تقدیماً شناخته مانده بود، جاشنیت وی سازد. ))

امیرالبیت‌ها افغانستان که از سسله قاجار بلکه مایوس‌گردیده بود، آنکو پیشتر رضا خان را بزرگ حمایت نمی‌شده‌اند و باین امید که رضا خان بهتر می‌اند چنگنه از منافع افغانستان و از آنچه از اعیان‌خواهان [ کاپیتولامیون ] حفاظت شده است. بین توتیسب، ناد وستی این تصور که کودتای رضا شاه عصر جدیدی در تاریخ معاصر ایران را بشارت میدهد، روش میگزد. این نظر را که کویا کودتای رضا خان بمعنی سقوط سیاست قبور الی و تحصیل قدرت بدست بورژوا آقی است، باید بعنوان

\* در متن آلمانی کنگره "نخست آزاده" بولن از متن مقاله روشن است که مقصود سلطانزاده کنگره در وهم است.

نظریه ای کاملاً فرمت طلبانه معرف نمود . براستن رضا خان کوشید در عجل مبارزه خود را بورزوآری ملی متسکنی سازد ، و حتی با اخواصر جمهورخواه و سازمانهای طبقاتی پولتری بمعارزه پسرد اخت ، لکن مبارزه وی همراهه در چارجوب نظام قвод الی - زمینداری باقی مانست .

موصیه و امنیازاتی که رضا خان به بورزوآری ملی میداد ، تا حمایت او را در مبارزه علیه سلطنت قاجار بدست آورد ، بزودی متوقف شد ، یعنی بهمن زودی که کمسنهه دفتر حل گردید . این واقعیت که رضا خان بهنگام انجام کوتای شود از طرف افشار فرقانی بورزوآری ملی پشتیبانی میشد ، و این اقتشار هم اکون نیز ویدرا مرهون حمایت خویش میمانست ، بهمیج وجه گواه بر ماهیت بورزوآری سلطنت رضا خان نیست ، بلکه گواه بر آنست که وی موقع گشته است پشتیبان اقتشار فرقانی بورزوآری ملی را بسود نظام ایرانی سلطنتی جلب سازد . این اصر از آن رو بروی آستانه کشید ، که دردهه اخیر سوده اران سوابه دار تجاری و تخواهگر بورزوآری ملی ، سرمایه سپاری در اراضی زاری بکار آند انتسد ، تا با استفاده از امنیازات قвод الی و تبیین حقوق سیاسی دهقانان ، سود پیشتر را که از طرفی صرفاً تجاری میسر نیست ، تحمیل کند . اقتشار فرقانی بورزوآری ملی بدین ترتیب خواهان آن اند که نظام ایرانی و نظم تبیین حقوق سیاسی دهقانان ، که گستردگی استخار دهقانان را صن میزارد ، دستاخورده بماند . میارات رضا خان ، حتی اگر برقی Voraussetzungen پیشترنشا ن های لازم را برای انتکاف مناسب بورزوآری ملی را فراهم آورده باشد ، با این وصف در عین حال استخار دهقانان را قوت پخته شده و موقیعت سیاسی و اقتصادی دهقانان را کاملاً تحمل ناپذیر ساخته است . همچنین اشتباه مغض خواهد بود که اگر کوتای رضا خان [ تغییر سلطنت ] را کوتای شاهی تصور کیم . این نکودتا پیشتر با مبارزه سختی در داخل خود طبله شود ا ل ، و سیس مبارزه طبقه زمیندار احکام علمیه کوششها بورزوآری ملی برای اینکه بخواهی از انجام داده ارائه ملکت سهیں کسب کند ، و بالاخره با مبارزه قвод الی و اقتشار فرقانی بورزوآری ملی علیه جنبش انقلابی و سازمانهای انقلابی در آمیخته است . )

بدین ترتیب ، کگه حزب با کلام [ موضوعگیری ] صلاحیده اخنویش به نزاع بمحاصله در باره " نقش ملی - آزادگانه " رضا شاه پهلوی و ماهیت بورزوآری کوتای وی خانه دارد . افزون بر این ، خود شاه ظرف دست کوتاهی از طریق دست اند ازی به [ اموال ] دیگران به بزرگیں مالک گشود بدل گشتند . و بدینسان ، پیوند خود را با اشراف مالک محتفتر ساخت .

تغییر قدرت از طرف رضا خان بهمیج وجه فروکش جوش خوش انقلابی را در کشور سهیں نشد . بر عکس ، رستاخیز بازهم نیرو و نشانه تری سراسر کشور را فر اگرفت . در این میان دهقانان تغییرسیار کوشان ایقا کردند . در قطعنامه کگه گفتند میشود :

" تجربه ایکه رهقانان ایران در چند سال اخیر در مبارزه برای منازع خویش کسب کردند نشان داد که تنها راه پیشبرد این مبارزه انقلاب ارض است . این تجربه باز بما میمزند که ۱- برای اینکه انقلاب ارضی به بورزوآری بینجامد ، کافی نیست که رهقانان به تنهای به مبارزه بپردازند - زند ، اینکه ایشان در روستا های خویش قدرت را بدست گیرند و زمینهای و اراضی ایران را تصرف کنند . باشد در شهر ها نیز قدرت را تصرف کنند ؟

۲- کسب اقدام در شهر ها بهیش از هر چیز دیگر ، با کک بخششای انقلابی شهر نشینان ، یعنی با کمک کا رگران ، منتحگران ، و خرد بورزوآری میسر خواهد بود .

۳- کارگران و منتحگران نه تنها به رهقانان در مبارزه ایشان کمک رسانده اند ، بلکه بسیاری از سازمان دهندگان و وهران فکری [ اید توینگوگ ] جنبش دهقانی نیز از میان اینان برخاسته اند .

۴- یکی دیگر از مشروط اولیه انقلاب ارض موقت آمیز عبارتست از انتشار نظر انقلابی در اوتیش

وکذار نیوهای آن به سمتی سام کند کان ))

در زمینه مسئله حزب انقلابی - ملی [جهبهه ملی] کنگره تصویب کرد که این حزب باید اتفاق انقلابی [جهبهه انقلابی] کارگران، دهقانان، و خردرو بورژوازی را بشناسد. هسته اصلی آنرا باید سازمانهای تشکیل دهنده کادر آنها حزب کمونیست تعبیین کند، را ایشاند. این حزب باید استقلال سازمانی و سیاسی حزب کمونیست را محدود سازد و میدان انتقاد آزادانه حزب به خطاهای را که اردوی انقلابی مرتبک میگرد، تسلیگ سازد.

ایران کشوریست که در آن مملکت پس از زندگی میگذرد. در داخل مرزهای آن کردان، ترکان، اعراب و ترکان و ارضه زندگی میگذرد. حاد ترین مسئله، مسئله اعراب و کردان است، درین

کردان و اعراب کارزار گسترش و حساب شده، ای از جانب عوامل انگلیس برای افتاده است. اسراب بعدن در جنوب ایران، در ایالت خوزستان که سابقاً هم مرز بین النهرين، تحت قیومیت انگلستان بود، زندگی میگذرد. ماین سبب عوامل انگلیس اعراب مقیم ایران را غمگینانه تا پلرزاپ بین النهرين طحق کردند. بدینوسیله انگلستان میخواهد عربستان [خوزستان] ایران را بچنگ آورد. افزون بر این، بدین ترتیب راه هندوستان نیز میباشد در امنیت کامل قرار گیرد. اما برای ایران این امر بعین از دستدار جنون کمور است.

تفصیلاً شیوه همین تحریکات از جانب ایلانگستان در میان کردان صورت میگیرد. بخشی از کردان در منطقه ایران و پرخی دیگر و منطقه ترکیه زیست میگذرد. نظریه امیر بروحدت دویخش کردستان در پیک حکومت ملی در میان کردان محبوبیت بسیار دارد. امسیه بالیسم انگلیس بازین موقتیتسو استفاده کرده تا شوونیسم کردان را شعله ور سازد و از هماره آنان علیه دول ایران و ترکیه حمایت مینماید. انگلیسها در صدر این اند که حکومت محجزای کردان را تحت قیومیت انگلستان پیدا آورند. اگرچنین نقشه ای موفق کرده، بهره برداری از چاههای نفت بین النهرين طعنن تر خواهد گشت، یعنی دولت آزاد کردستان پشتونانی کافسی را فراهم خواهد آورد. اگر دولت ایران با خواستهای دولت انگلیس از در مخاطب دنیا پرسید، انگلستان شعله نارضائی ملی را کن فرموشاند. ولی همهنه تاشاهان بکوشد در مقابل انگلستان استقلال رای از خوش ظاهر سازد، در میان اعراب و کردان و خیوه عدم آرامشی قیام آغاز میگردد. بدین سان امیریالیستهای انگلیس، از مسئله ملی در ایران استفاده کرده و دولت کوئی ایران را در افسار خویش تکمیل کرده است.

حزب کمونیست ایران با این وظیه جدی روپرست تا این برج بینهایت مهم را از دست انگلیسها ببراید. این مراد زمانی برآورده خواهد شد که حزب مصممه راه لینین را برگزید. کنگره حزب کشوری بکرد که حزب باید مجدانه راه حل مشترک همه احزاب کمونیست، یعنی حق ملی در تعبیین سرنوشت خویش تا جد ای کامل را اختیار کند. حزب کمونیست ایران باید پکوشید در تمام سازمانهای موجود ملی که کارگران و عناصر دهقانی دمکرات را در بر میگزند و خنکه کند و این عناصر را بر اساس خواستهای ملی سازمان دهد.

حزب باید در میان توده های زحمتکش در باره مقاصد غارتگرانه امیریالیستهای انگلیسی سی بکار روشنگری پیروزد. حزب باید برای توده ها روشن سازد که بدون واکون ساختن نظم حاکم اطیبت های ملی ایران نمیتواند راه اکشاف فرهنگ ملی و استقلال ملی را بینهاید.

ایران کشوری زیست است. از آنجا که ایران منابعی همی و وجود ندارد، بهبودی وضع کشور در خطوط اصلی به برد اشست خود و صادرات مواد خام ضعی و محصولات کشاورزی بستگی دارد. کوچکترین ناکام در این زمینه کل ناحیه ای را به ویرانی و فقر میکنند.

مشلادر طول جنگ در اخسل بهنگامیکه صادرات بروزیه متوقف گشت تقریبا در سراسر شمال ایران کشتزارهای پنبه و بافتهای سیوه کشت ابرپشم به ویرانی کامل گرفتند. در کشورهای سواپنامه داری اکتشاف شمیرها و صنایع شهری تنخوا برای محصولات کشاورزی را بطور عظیم بالا برد، و این طرق پیدا شد و قوام بازار ملی را فراهم آورد. در ایران جای بازار داخلی را بازار خارجی میگیرد که اکتشاف اقتصادی کشور را سخت مددود میسازد. بند و بستهای جنایتکارانه‌ی شاه و عوامل وی این واستگی بخارج را بین از پیش تقریباً میکشد و رشد و بهبود ایرانی روستا نشین را بطور مصنوعی مانع میگرد. بدین سبب جای شنگن نیست که دهقان ایرانی تا بامروز زندگی آنکه از قدر و گرسنگی را سرمیکشد. در بسیاری از مناطق هنوز [بازار] بزرگی شکوفان و در حال رشد است. بیرون بیکاری رواج دارد. اگرچه بیکاری پس از انقلاب ۱۹۷۶ رسا ملتف شد، ولن عمل اهنوز در همه جا کار را یگان برای مالکان انجام میگیرد. باند فتوval حاکم بمنظور حفاظت این وضع از واکاری اراضی وسیع زیرآیش و اراضی قابل کشت در دست دولت [خا لصه] به دهقانان سرباز میزند. در نتیجه فقر دائمی زمین، دهقانان ایرانی حتی در موقعیت نیستند که معاش خانواره خود را تأمین سازند. بدین سبب اینکه همه ساله هزاران دهقان گرفته ایرانی در جستجوی کار به مناطق صفتی مارورا قفقاز یا شهرهای مجاور برخز کوچ میکنند. تمدن سیاست‌جنایتکارانه، طبقات‌حاکم مسئول این امر است که دهقانان ایرانی به تولید کنگان مواد خام مراکز صنعتی اروپا و خوب ازان محصولات گران‌قیمت‌تر خارجی بدل گشته‌اند. حاصل این امر فقر و کوچ دائمی تولد های دهقانی است.

بهمن دلیل اینکه کگره حزب وظیفه خود را نهاده با تمام وسائل بدین امر ببرد از دنیا حمایت وسیع حکومت از اقتصاد روستائی را از طریق پدر، گاو شخم، تقسیم اراضی خالصه و لغتار و غیره سازمان دهد تا بدین وسیله از دهقانان در مقابل غارت ایرانیان و رواخوانان تاحدی حفاظت شده باشد. مقارن با این حزب باید دهقانان را آگاه سازد که تحت نظام حاکم حسل قطعی سلطه ارضی ناییمی‌است؛ زیرا شاه مالکان ارضی و روشناییون در هدستی با امیر پالیستهای انگلیسی از اوضاع و احوال حاکم در راه تا آخرین لحظه دفاع خواهند کرد. باید توده های دهقانی را در اتحادیه های [دی رهقانی] بسیود میاره براز زمین سازمان دار. حزب کمونیست ایران باید تصاحب اراضی مالکان را بسود دهقانان در راسپر نهاده ارضی خوش‌قیاره دهد. چنین غصب اراضی ای تها میتواند از طریق انقلاب پیروزی‌نمای تولد های رحمتکن ایران می‌گیرد. علاوه بر این، سخن چند در راهه شرکت‌های تعاونی لازم می‌آید.

در این زمینه بسیار کم کار شده است. در اینجا فقط شرکت‌های تعاونی مصرفی وجود دارد. شرکت‌های تعاونی صنعتی و کشاورزی وجود ندارند. با درنظر گرفتن اینکه شرکت‌های تعاونی بسی کی از اشکال مهم کارگشی است، کگره حزبی کهنه مرکزی جدید را موظف دارد با تمام قسو در بدبستگریت گرفتن رهبری شرکت‌های تعاونی مخصوص و تامین‌شرکت‌های تعاونی جدید پیکشند. کگره حزب تک‌سمبل و تقویت شرکت‌های تعاونی مخصوص بیرونی در شهرهای تهران تبریز و شوشتر، را یکی از مهمترین وظایف حزب کمونیست ایران دانست. حزب وظیفه مصرفی باید به رفاقت صالحیت او را عهده دار این امر سازد. با گذشت زمان این شرکت‌های مصرفی جدید به شرکت‌های منطقه‌ای بدل گردند. این کار باید اینچنان انجام گردد که نهضت رفتو مرکزی (شرکت تعاونی) در شهرها تأسیس گردد، بطوریکه در کار فروشگاههای موجود یک سلسه فروشگاهها جدید احداث گردد، و محله‌های پسر جمعیت را در پرس گیرد. کار روستاهای باید در دو جهت سیر گشته باشد. از پکسرو باید دستگوشان سرخ بوجود آیند.

که کالاهای لازم را برای مناطق خود تأمین نکند . از سوی دیگر، خود اهالی ده را باید در شرکت‌های تعاونی متوجه ساخت . مایحتاج فروشگاه‌های تازه کار در روستاهای زیان‌خانه دست فروشان باید از محل مرکزی دو شهربها تأمین کرد . دستفروشان سرخ می‌باید نوع مبلغ است و سازماندهنگان شرکت‌های تعاونی در روستاهای باشند .

حزب باید بجهات تقویت و تمرکز شرکت‌های تعاونی معرفی به سازماندهی شرکت‌های تعاونی کشاورزی تمحیر توجه جدی مبذول دارد تا فروش محصولات تردد های زحمتکش‌های حقانی را تامین سازد و ازین طریق غارت آنرا توسعه ملکان و رباخواران مانع گردد . سازماندهی و تمرکز شرکت‌های تعاونی کشاورزی باید بهمان ترتیب شرکت‌های تعاونی معرفی انجام گیرد .

شرکت‌های تعاونی صنعتی باید در درجه تخصیت در آن مناطق صنایع خانگی و دستی احداث گردند که برای بازارهای بزرگ تولید می‌کنند، مثلاً در صنایع نساجی و فولاد سازی وغیره .

در جهت فراهم آوردن مائیین آلات مناسب برای شرکت‌های تعاونی صنعتی نواز همچنان اقدام نهایت فروکش اکبرد، بطوریکه اینان بتوانند تا حدی با [محصولات] خارج رقابت کنند .

قطعنامه‌های مشابهی در تمام زمینه‌های دیگر بتصویب رسید . کمکه حزب پنهان اصل به ساختمان شرکت‌های تعاونی، کار سازمان جوانان کوئنیست، و کار در میان زنان پرداخت . اکثر مندیکاهای کارگری ما متوسط ارتقای انگلکی‌سایران را لفاف شده اند . اتحادیه‌های کارگری موجود در تهران، رشت و سایر شهرها نیم قانونی اند و جاسوسان رضا شاه در آن رخنه بیش از اند . کمکه حزب کمیته مرکزی نورا موظف ساخت بمنظور ارتقاء اقدام [اتوریته] اتحادیه‌های کارگری اقدامات جدی بعمل آورد و کار تشکیلاتی را در این زمینه تقویت کند .

از زون براین، کمکه حزب ناظمنامه جدید بجز در تصور براساند و کمیسیون را مأمور تجدید نظر در برنامه حزبی نمود . کار کمکه بدین سان شروع شد . کمکه حزب در باره‌ی یک مسلسل از مهمنیست مسائل انتخاب تمییم کرد و خط کار نورا تمهیں نمود . کمکه حزب شمار الفیای سلطنت و استقرار جمهوری اسلامی خلص بجای آنرا مبنای مهمنیست شمار مبارزاتی حزب کوئنیست ایران در دوران آینده اختیار کرد . این جمهوری اسلامی خلص می‌بایست اهداف زیر را تامین سازد :

الف - استقلال از قدرت‌های امپریالیستی ،

ب - تحکیم مناسبات دستهنه با اتحاد شوروی ،

ج - نظریه‌های اتحاد اقلایی در حکومت ،

د - اندیاد ام قطعنی و بازناکشتن همه بقاچای نفوذ الیصم و در درجه تخصیت، خوب بالا و قوی زمینه‌ای ملکان و اراضی خالصه بسیار دهستان ،

ه - آزادیهای دمکراتیک؛ و - تصویب قانون کار؛ ز - تسلیح سازمانهای کارگری، حقانی و منعتر

ح - تصویب قانون اقلایی که تمام کوشش‌های خد انتقلاب در جهت استقرار مجدد نظم کهن را بستند بدینین مجازات‌ها جواب‌گوید .

هنگامیکه انقلاب ارضی زیر رهبری حزب کوئنیست ایران [که خود] تحت هدایت کمیسیون [است] و پیشکارانه<sup>۱</sup> موجده بست اتحاد شوروی صورت عمل می‌بشد، آنوقت پیش‌نشان Voraussetzung های اکتفا غیر سرمایه داری در ایران وجود خواهد داشت . دست یابی بدین هدف مستلزم مشقات غیر انسانی و فدایکهای سنگین است؛ یا این وصف حزب کوئنیست‌خطه<sup>۲</sup> ایران می‌باید بدون تزلزل و بالاراده ای راسخ در جهت این هدف گام بردارد .

آ. سلطانزاده

(ترجمه از آلمانی، م. شنید)

## خطوط انتکاف ایسوان

سرمایه داری کوتیس طن انتکاف خویش بیش از پیش ماهیت اتحادی بخود میگیرد تهرکو سرمایه در کشورهای سرمایه داری پیشرفت ابعاد آنچنان عظیم اختیار کرده است که غالباً کل رشته های صنعت در دست یک یا چند گروه صنعتی منحصر شده است، همچنان بازار این صنعت این تمرکز و تجمع سرمایه درون هر یک از کشورهای سرمایه داری، هما شاهد انتکاف کنسنتریت، و سندیکاهای عظیم بین المللی هستیم. این غولهای صنعتی که مواضع خود را در کشورهای خویش مستحکم ساخته اند، میتوانند در فسایی مرزهای خود نیز از رقابت خروج بسیار احتساز جوینند. تقسیم بازارهای جهان در میان بزرگترین کنسنترات های این با آن رشته صنعت اکنون دیگر پدیده ای عادی گشته است.

لیکن تقسیم دولتانه و مالالت آمیز بازارهای جهان شیوه ای نیست که بتواند برای مد نظر ای مبارزه رقابت آمیز بین تولید کنندگان سرمایه دار را از میان بود ارد. محدودیت های بازارهای تنوع و کبود مواد خام مکرر در مکمل تقسیم و تقطیع زیریند آنکه کشورهای مستعمره کنسنتریت را سبب خواهد گشت. این وضع بساز هم بیش از پیش در اثر این واقعیت تشدید می یابد که بسباب نابرابری انتکاف سرمایه داری، صنعت و نیروهای اقتصادی هر یک از کشورها در حال پیشگیری و تاختن بسوی مقام پیشوای سرمایه داری صدن خود را محروم از بازار توسعه و ضایع مواد خام می یابد.

درنتیجه، آرامش و قوت در مبارزه رقابت آمیز غولهای سرمایه داری بسرعت جای خود را به خصوص متعالی خواهد داد، و چنگ را که هدفتش تقطیع و تقسیم نوی در جهان است، بدنبال خواهد آورد، و بهنگام ضرورت سلاطین صنعت و باشکوه بانتظار نامیں مقاصد خوبیش، گلماشین عظیم جامعه بورو آری را حرکت ار میآورند: پلیس، ارش، مطبوعات، رشوه، زندان، تبعید، و تپیاران و هر آنچه که آنها را در غارت کشورها و خلقهای خودی و خارجی پاری گشند.

\*) هیئت تحریریه مجله بین الملل کمونیست مذکور میگردد که مقاله سلطانزاده "برای بحث در میگردد". "Wege der Entwicklung Im Modernen Persien" Die K.I., Heft 29-30, 1928  
"The Lines of Development of Modern Iran", The Communist International Volume V, No. 1, Jan. 1, 1928

کل قدرت حکومتی با خدمت دفاع از منافع این اربابان بی ناج و نختم جامعه‌ی سرمایه داری انتباق یافته است.

### اشرات انقلاب روسیه بر ایران

بدلیل آنچه در پیش گفته شد، «حيات مستقل آن کشورهای عقب افتاده ایکه هنوز در چنگال این یا آن چیاواگر نیفتاده اند بیش از پیش دشوار میگرد». ایران پاک چنین کشوری است، استقلال صوری وی بطوط رسمی و سله مبارزه بین چیاواگران امپریالیست بروتالیا و روسیه تراوی تمییز میشود. انقلاب اکبری بهین بازی منحص خانه دارد. اتحاد جماهیر شوروی سو سیالیستی از همه دعاوی که برگی و خواری ایران را موجوب میکشد درگذشت. لیکن در عین حال فشار از جانب امپریالیسم بروتالیا بدله از زاری تشدید شد.

ترابی خلق ایران از جله در اینست که مسلطک وی در سر راه بزرگترین مستعمره ایگ مستان، بروتالیا، قرارداد دارد. بیش از هیل مده است که بروتالیا هشیارانه از تمام راهبای هادی بر این جواهر شاج [امپراتوری] بروتالیا هناظت کرده است. هندوستان بیش از همه از راه ایران در محض خطر [غربه په بیری] قرارداد دارد و نتیجتاً استثمار و غارت این سرزمین سیصد میلیون دیسی تراویت پاییز مکار از طریق ایران نتیحه کرد. ولی هر آن اساس بروتالیا از آن نیست که هندوستان موبد حمله قرار گیرد، بلکه از اینست که نیتواند هاد ایستکه هندوستان تمام از خطوط محروس نمیشود، در جنگی که از همه جسوان تعطیله اتحاد جماهیر شوروی سو سیالیستی ندارک میبینیست، مطمئن گردد.

لیکن اگر ایران نیز به امتدادی از هندوستان، یعنی مستعمره بروتالیا، بدله گردد، هندوستان از خطر در خواهد ماند. و این اسر اکسن از هر زمان دیگر خسرو تر است؛ زیرا ایران نیز ضعی سرشاری از نفت است، و ساخت از طرف سرمایه های بروتالیانی بهره بود از میشود.

بروتوتالیا پس از سقوط اوتکراسی (سلطنت مستبد) روسیه، کل ایران را اشغال کرد، بایست امید کرده سو انجام این کشور را بسود خود مستحکم مایز. قرارداد ۱۹۱۱ ایران - انتگریتی میباشد حق محتسب ایران به بروتالیا را رسماً تایید میکرد. لکن رشد و انتقام اتحاد شوروی و انتقام شوروی اتفاق ایران حق تا دست بدله ازد و وی را مجبور نمود که راهبای تازه ای برای تحقق رای بر العاق فروی ایران حقوق داشت. بدله ازد وی را مجبور نمود که راهبای تازه ای برای تحقق همین هدف بجهودی. اما الحق صریح نیز بدله ایل صرفاً اقتصادی نامکن بود؛ زیرا روابط بسیار نزدیک اقتصادی ایران با روسیه اجازه نمیداد این همکاری بسیار مفعول گردد. این را بسطه با روسیه طی سالیان دهه از آغاز سالهای ۸۰ مده گذشته، تدریجیا ایران را به دار بازار جهانی کشانده بود. بسط خطوط راه آهن از سمت روسیه به مرزهای ایران باز هم این فرآیند را تشدید کرد، و طبیعتاً اوضاع و احوال صادی را برای صادرات مواد خام منتهی و محمولات کشاورزی ایران به بازار اهالی وسیع روسیه فراهم میاورد. مالیات بازارگانی با سرعت ای سرماں آور رشد پاشت و بوازات آن بر تعداد و نفوذ بروتالی کمپارادور (دلال) ایران افسرده گشت.

تا انقلاب اکبری بروتالی کمپارادور در شمال و مرکز ایران و مالکین اراضی بزرگ کشاورزی بسوی روسیه روسیه تراوی، جبهت صیانتی دو و را واقع اسر عمال سرمایه روی بودند.

لیکن اندام سرمایه داری روسی و اتحاد تجارت خارجی اتحاد جماهیر شوروی و سوسیالیستی و عدم امکان استقرار مجدد روابط گذشته با روسیه بطوز اجتنابنا په بیری تخفیفری و جهتگیری سیاست این طبقات را لازم مشعرد.

قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس کوششی بود از جانب طبقات حاکم در ایران برای اینکه خود را با غصه امپریالیست‌های تانیها بسپارند . و اگر اینان موقتاً رسماً این قرارداد را گذشتند، مابین سبب بود که این هراس اشتبه که موج انقلاب آنان را از نفوذ در اداره حکومت محروم سازد .

این امر نتاً مال ۱۹۲۱ ادامه یافت . برینانیا که معتقد شده بود دیگر نمیتواند ایران را بضرب زور عربان بچنگ آورد، تصمیم بر آن گرفت که براساس تقویت های بین التبریس و مصر، نامزد های خود را برای اداره صلتک بهداشت پرستش و از طریق اینان، آمده ولى با جدیت، سرکردگی [و] موضع میادت طلبانه خودش را مستحکم سازد .

کودتای سید ضیاء الدین (★) در ۲۵/۲/۱۹۲۱ می‌باشد این وظیفه را برای امیرالبیض برینانیا باشیام برآورد . ولی بزودی با عربان شدن ماهیت انگلوفلی (هوار ار انگلیس) سید ضیاء الدین بودی دیگر قادر نبود وظیفه ای که بروی وی متحول شده بود انجام نمی‌نماید، و برینانیا تصمیم گرفت رضا خان رقیبی را که تا آن‌زمان ناشناخته مانده بود، چاشنی او سازد .

رضا خان این وظیفه را یافت که بینش انقلابی در حال رشد را در هم گویند و تدبیرها نفوذ اقتصادی سیاسی برینانیا را در ایران مستحکم کند؛ یعنی قرارداد ۱۹۱۹ را احلاً بخوبی ۱ جزو کناره . ولی رضا خان این وظیفه را ازد و طریق مستوانست انجام نمی‌نماید: از پیکوپا ایجاد پیک ارتش کشوری (National Army) و از سوی دیگر با اظهار مدام و مستن با اتحاد جامعه شوروی سوسیالیستی که بمنظور آن سالها خود را جمهوری خواه مهیا می‌نماید .

اما سخنان وی را ایز بر دستی [با اتحاد شوروی] و جمهوری خواهی حرف توخالی ای بیش نبود . و در واقع نفوذ برینانیا افزایش یافته، این باری دوسته (Double Game) ریزکاری تا پایان ۱۹۲۵ که رضا خان با حمایت برینانیا تمام منزارکش انقلابی را سرکوب نمود و نقاب جمهوری خواهی را از چهره بسیار گرفت و بر تخت شاه شاهان صعود کرد، اداره یافت .

#### برینانیا و مالکین ارضی

مانع اقتصادی برینانیا آرام ساختن کشور را مصراً مطلبید . برینانیا تحت فشار تولد ها ارتش اشغالگر خود را از ایران خارج ساخت، چون نقش آرامشکر را می‌باشد اولش کشوری رضا خان ایفا کند . بمنظور تأمین موقتی آمیز این وظیفه و سرکوب اسراع خیزش‌های انقلابی در بخشی‌ای مختلف کشور و مطیع ساختن قبور الای رئیس‌جمهور که از شناسانی دولت رضا خان سر باز می‌زند، تغیریها در همه تقاضات حکام نظامی جانشین حکام کشوری شدند و یک حکومت پلیسی متمرکز ایجاد گشت . سلسه رضا خان حتی یکروز هم نمیتوانست بدون دستگاه پلیس متوجه روان آرد .

تبا بشکرانه اوضاع و احوال وی و عقیقاندگی حاکم در اقتصاد ملی کشور ما بود که امین‌الاستهای برینانیا همراه با رضا خان، توانسته چنان نتایج "درخشانی را" داشته باشد . میهن ما نشان اشراف بزرگ زمینه ارسانی را داشته است . در بسیاری از ولایات، از جمله رویشیان، اصفهان، کیلان و پرخوا دیگر، چهل تا هفتاد درصد از زمینهای زیر کشت در دست چند دوچیان مالک اقتصادی . روی هر فقره ۳/۵ زمینهای قابل استفاده در دست ۳ هزار مالک قرارداد دارد .

\* در متن انگلیسی "انقلاب سید ضیاء آمده است و تاریخ آن ۱۱۶۵ ۱۹۲۱ ذکر شده است . اینها باحتمال بسیار قوی اشتباهات ترجمه ایستاده از اصل مقاله .

هر اشغالپس در درجه نخست تا گزینه متوجه این انگها خواهد شد<sup>\*</sup>، زیرا اینان بهمین از هر کسی دیگری طالب پیک دولت مقدو هستند که بتوانند از آنان در مقابل دولتان و انقلاب حمایت کنند. این وظیفه را بهتر از همه سلطنت میتواند بثابه شکل جگویی که بدان خوگفتاره اند، ایفا کنند. مسلسله قیام چار مسرا ای این منظور بسیار ضعیف و سخوردگر بود، ولذا تصمیم ایشان برآن شد که بهمراه برپانها از رضا خان در مقابل مسلسله قیام چار حمایت کنند.

لذ از آرایش طبقاتی ایران معاصر به بهترین شکل مناسب ترشه های ارجاع برپانها رضا خانی است. طبیعت حاکم اصلی زمینه اران بزرگ، اربابان واقعی کشور هستند. خود رضا خان طن مد کوتاهی به زمینه ار بزرگ بدل گشتند و بدین ترتیب حافظ اصلی این ارتضائی ترین طبقه گردیدند. (۱) نقش بروز آری صحت ناجیز است و بوزو آری که برادر ور، که همه ریشه هایش عصیان در سرمایه داری خارجی مستقر است، همانند روحانیون، همواره ایزاری در دست ارجاع این بالیستی بوده است، و همچنان تمیز باقی خواهد ماند. کل این ارزال، رضا خان در راس آنان، آمده خیانت بهر قوه بناخواهی کشود، آن تیروی داخلی است که سرمایه برپانها خود را برآن استوار میسازد؛ در حالیکه مجلتچی<sup>۱</sup> «ساخته انتخابات قلابی»، نداد (سبل) اراده متصوّر کرده این ارزال است.

### رضا خان و برپانها

رضا خان از همان تلاو کاربر (CAREER) خوش جهت برپانها را اختیار کرد و بهم طرق کشید تا اربابان خود را منون سازد؛ ولی خوش خدمتی وی همچگاه باین روشنی که در امر ساختان راه آهن روشن شده است، اشکار نگردید. راه آهن سراسری ایران که طرح آن در ۴۴ فروردین ۱۹۲۷ به عنوان مجلس رسیده، قرار است خلیج فارس و اند رممه [خرمشهر]<sup>۲</sup> با دریای خزر مصل سازد. در این قانون میخواهیم:

- مجلس [شورای] ملی بدولت اجازه میدهد به ساختان راه آهن بین بندر مصمه و بندر گز از طریق همان و تهران اقدام کند؛

- دولت مجاز است ساختان راه آهن را بهم شرکت ساختهای کشوری با خارجی واکار کند، با عایمت اصل مرغه جوی بسود کشود؛ دولت اجازه دارد هنگامیکه تامین مواد ساختهای لازم در اخل کشور میسر نباشد، این مصالح را از خارج وارد سازد؛

- ساختان راه آهن مذکور باید وسیله طرح میک مخصوص راه آهن که از طرف مجلس استخدام خواهد شد، انجام پذیرد؛

- ۱/۲ میلیون تومان از بودجه اتحادیه قدر و شکر ساختان بیک کارخانه ذوب آهن اهتمام خواهد یافت، بیتریتی بزاری<sup>۳</sup>؛ در چهار سال اول، هر سال بیک میلیون تومان؛ و در سال پنجم نیم میلیون تومان؛

- اجرای این قانون بعد از بدنهای وزارت امور اجتماعی و وزارت اداری خواهد بود. بودجه ساختان ذوب آهن قرار است از طریق بانک انگلیس در ایران [بانک شاهنشاهی] تامین گردد، که برای تضمین آن در آمد های اتحادیه قدر و شکر را دریافت خواهد کرد. را اینجا باید بار آور شد که برپانها مدواها در صدد بوده است گتل اتحادیه قدر و شکر

\* در متن انگلیس آمده است، «حافظ اصلی سلسه نویسن گردید». مترجم

رادر ایران درست گیوره بود مالیات بر آنرا افزایش دهد . نیزه این [قد و شکر] آن متشکل است که برخانها بایران صادر نمیکند . برخانها موق شده است مالیات بر قند و شکر را دوسرابر کند و بدینوسیله اصر تامین بودجه این اهداف [ساختمان نبوبیاهن] را برای باشندگان میسر ساخته است . بدین ترتیب ، انحراف قند و شکر به است برخانها میافتد که با کمک پانک اندکی هر را برای ایران درآمد آنرا در رفاقت خواهد کرد . این وجوه در حال حاضر در باشکوه خواهند ماند و در ازای آن ۲ تا ۳ درصد بهره خواهد داد و در حالیکه خود پانک این وجوه را در مقابل ۱۱ تا ۱۶ درصد بهره بقرض خواهد داد .

### نقش وزاره آهن

در لایحه هیچ سختی ازین نمیروید که ۱۵۰ میلیون لیره مخارج ساختمان راه آهن از کجا تأمین خواهد شد ، ذر حالیکه بودجه کل کشور از چهارونهم تا ۵ میلیون پونت تجاوز نمیکند ولی کل قضیه بر هر فرد باسواری روشن است ۴ ساختمان راه آهن باعطا امتیازات جدیست مریوط است . دولت ایران از پیش قراردادی با شرکت نفت ایران و اندکیس برای انتقال مناطق نفت خیز جنوبیهای بدان [شرکت] پامنا رسانده است ، که بعد ها بگویه [نقش برخانها] در بین نهربرین ملحق خواهد شد . دوین قرارداد به مناطق نفت خیز شمالی مریوط است . در این مورد نیز تکمیل فصلمنه از پیشروشن شده است . تبا مسئله عمارتیت از اینکه امتنانی را به شرکت نفت ایران و اندکیس بدان ایجاد کند از اینکه ظاهرا این امتنان به استاندار اول سپوره خواهد شد کشد آن با شرکت نفت ایران اندکیس شترکا مهیسم خواهد بود . بعیارت دیگر ، تامین بودجه راه آهن منحصر مریوط است باعطا امتیازات جدیدی به امیریالیستهای برخانها در ایران ، واحدات راه آهن عدتاً اهیت سوق الجیشی را در نیزه ای واقع ایضاً تغییر داشت این خطوط راه آهن فرما بای سیستم راه آهن عراق متصل گردید و نیزه ای سیستم راه آهن هندوستان اتصال خواهد داشت . این آزوی نیزه پنهانی برخانها است .

[لرد] گزرن در عصر خود درباره این طرح خواهید بود . از اتصال راه آهن ایران به هندوستان در درجه نخست چه سود اقتصادی ای حاصل ایران خواهد گشت ؟ بنظر ما هیچ . هندوستان علاوه بر صنایع سرعان ایشان ، نخایر مواد خام و مواد غذائی (بوتچ عظیم) را دارد و کوچکترین تربه ای نیتوان داشت که خطوط مترونه جنوب راه آهن برای ایران فرای افزایش خواسته (متعاق از هندوستان ، تمره ای در برخواهد داشت ، ایران نیتواند بطور جدی بسوی صدور بوتچ ، خشکبار ، پنهان ایشان ، چرم مرکسی ) و پوست محل نیامده از شمال چوب ، و از طریق خلیج فارس به بازار جهانی هم از طریق درز اب به بازار هندوستان حساب کند .

اگر این راه آهن واقعاً اهمیت صرفاً سوق الجیشی در برداشت ، و اگر هم اکنون ایران ایران ، بهم رضا خان ، امیریالیستهای اندکیس نبودند ، آنکه کاملاً روشن است که مسئله بطنز دیگری فیصله میافتد ، نیزه ای از نقطه نظر انتکاف نیروهای مولده ایران ، افزایش تولید ای اندکیس آن ، تقویت اقتصاد وی در شمال غربی ، شمال و شمال شرقی ، یا همچنان مناطق مرکزی ، خطوط اتمالی بین تهران و مشهد ، و خط ارتباطی بین تهران و آستانه اهمیت عظیم می یافتد . از مطالعه تطبیقی حل و نقل کالاهای از کمرکات در زمینه متعاهدی صادراتی و وارداتی چنین نتیجه میشود که راههای شمالی ، شمال شرقی و شمال غربی ، طرق صادرات ایران است ( باستثنای تریاک که به بوشهر

\* در متن آلمانی بجای این لفت "عفران" آمد است . مترجم .

راه می باشد ) راههای جنوبی، جنوب شرقی و جنوب غربی عد تا طرق واردات ایران را تشکیل میدهند .

اگر این موضع غیر قابل بحث باشد که اقتصاد ملی [ ایران ] نمیتواند بدروشی و سلاحت ساخته شود مگر از طریق انتکاف کشاورزی ، [ یعنی ] از طریق کشتزارهای صنعتی ( پلاتاسیون ) پنهان و بسیج ، انتکاف تولید کرم ابریشم ، و صفت قالی باقی ، و از راه حفاظت از بیازار فروش محصولات صنعتی و کشاورزی و داداری ؛ اگر این نیز غیر قابل تردید باشد که درین اقتصاد مطضم موادر اتنها میتوانند بر اساساً من صادرات استوار شوند ، آنگاه نمیتوان تردید داشت که نخستین خطوط راه آهن ایسله میایست ساخته شوند میایند منطقه تولید کننده را به بازارهای فروش محصولات مرتبه سازند . لیکن اگر امروز ایران بوق منانع حیاتی خود تحریم بسر آن میگردد که خلیج فارس را وسیله راه آهن با دریای مازندران متصل سازد ، کاملاً اشکار میگردد که این نقشه بتعزیزی برپانیها هنوان گشته است ، که طی سالیان دراز آزوی اتحاد مصر - فلسطین بین التهرین و هند وستان را در سر پرورانده استند در نتیجه ، بمنظور است یا بسی بهین مقسوس ، دولت ایران تحت همیر رضا خان ، افزون بسراحت از راه آهن سراسری ایران ، این بنده را دارد که با هستاری برپانیها یکرته خطوط دیگری را احمد اشکد که عبارتند از : ۱- خاتقین ، همدان ، تهران ؛ ۲- درداب ، مشهد ، شاهزاد ( خط اصلی هند وستان ایران ) ؛ ۳- تهران ، شاهزاد ؛ ۴- درداب ، گرمان ، شیراز ، بهبهان ، هنجن ( محمره ) ۵- مهره بمساره ؛ ۶- موصول - رواندوز - تبریز ؛ ۷- تبریز - تهران . بنا بر این ، ایست خطوط علاوه بر اقتصاد سیاست و اقتصادی شان ، همچنین بسود عظیم سوق الجیش نیز خواهد داشت ، جه بپیشانی امکانات زیررا کسب خواهد کرد : ۱- خط راه آهن به هند وستان ( هایفیسیدار ) ؛ ۲- سیم و صفات آن نیز از فاصله های بسیار دور از مرز های هند وستان ؛ ۳- موقعیت مناسب برای اقدامات جنگی علیه شوروی در مراتبی های قفقازی و ترکستان ؛ ۴- تبدیل ایران و عراق به یک منطقه نظامی واحد ( خط جبهه مید ان عملیات هند وستان ) .

اگر بر همه اینها این واقعیت نیز افزوده گردد که خط راه آهن از خلیج فارس بدرباری خروج برای جویندگان امتحان در مناطق نفتخیز شمال مطلقاً ضروری است ، که در آن برپانیها قطعاً بهم عده را خواهد داشت ، و اینکه بدون چنین راه آهنی بهره بسرازی از مناطق نفتخیز شمالی دشواریهای عظیم را برای ایندگان امتحان ایجاد خواهد کرد ، خواست دولت رضا خان را ایران برپانیها امتحان ارهاست برپانیها کاملاً قابل فهم خواهد بود .

#### راههای تازه برای ارتقیان مکانیزه

و این همه د استان نیست . برپانیها در زمینه دیگری نیز دست اند رکار است ، وی برپانه ساختن یک مسلسله شاهراهها را نیز بخته است . [ ساختمان ] هست رشته این شاهراهها تا کسن پیش بدار و لست رسیده است . قرار است این جاده ها از یکو راههای بین - التهرین را از طریق تهران به نیز مندل سازند ، و از سوی دیگر ، یک رشته راه میایست اتصال با سیستم راههای هند وستان را فراهم آورد . اهمیت این شبکه راهها بسیار زیاد است :

( ۱ ) امن اسر ساختن راه آهن طرح شده را تا حد زیادی تسهیل خواهد کرد ، ( مخصوصاً

(۰) در من آلمان فوآر - هایفیسیدار آمده است . مترجم

☆ ) نگاه کنید به "بولن اطلاعاتی " آوریل ۱۹۲۷ ، صفحات ۱۱۸-۲۰ ، منتشره از طرف اداره هیئت ارتقیان مکانیزه . سلطانزاده

در کارگاران ریل های محمره تهران - پندرگز و شاخه بخدا از خانقین همدان که ۲) این امر شبکه ای از راههای اتصالی و تقاطعی ایجاد خواهد کرد و زمینه اکتشاف و سیع حمل و نقل موتوری را فراهم خواهد آورد؛ ۳) این اقدام همچنین از طریق متصل ساختن ایالات دور دست با پکت پسگر بازار داشتی ایجاد خواهد کرد؛ ۴) این نیز بخشی از متن این دست ایجاد شال ایران از طریق اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را حل خواهد کرد؛ ۵) این امکان را بدست خواهد داد که محصولات شمال به بازارهای داخلی و بنادر مدپر آن بررسد؛ ۶) [چنین اتفاق ای] شرایط توسعه موقتی آمیز بریتانیا را [در ایران] فراهم خواهد آورد... این راهها که امداد خطوط راه آهن هندوستان و عرباً فی بحث شوروی در مزه های ماوراء قفقاز و ترکستان خواهند بود، چون جاده های سوق الجیش نیز حائز اهمیت خواهند بود.

بدین ترتیب، آن و اوضاع احوالی ایجاد شده اند که طی آن در مرلحظه هزاراً ن تن مسلح میتوانند با وسائل نظریه موتوسواری از هندوستان و بین التبرین بکمل دولت پشتاپند تا "حمله بلشویکی" را در تریز، خراسان و هاین مقاطعه حركت گنند.

و بالاخره بریتانیا دست اتدر کار ایجاد انباههای پنزنت در قزوین و سایر نقاط استان در هر لمحه ضروری در آینده، پایگاه هوانی آماده داشته باشد. و همه این اقدامات با پشتیبانی دولت رضا خان رویوست. این امر آشکار میباشد که بریتانیا برای جهه این دار کات را در ایران میپند.

### طریق های جنگی

پس از این، مخصوصین مطبوعات بریتانیا اخیراً به ملاحظه مسائی امنیت مزه های هندوستان پرداخته اند. این مسئله نخست بهنگام کازار خدمت شوروی که "پاراد اسخاطاره" چهارمین در بهار ۱۹۲۷ هجره بود، در صفحات مطبوعات محافظه کار اشتهر یافت. فرمانده تیپروها بریتانیا در هندوستان در آن هنگام [نیز] اظهارات مشهور خود را دایر برخطران که ظاهر هندوستان را از "جانب همسایکان" تهدید میکند محفوظ ساخت. کاما آشکار بود که فرماندهی نظامی بریتانیا زمینه را آماده میباشد تا نیروهای نظامی زیادی را از متولی هندوستان منتقل سازد. اصرار پس ارگان وابسته به وزارت خارجه بریتانیا، یعنی گرلسن نلگراف، اظهار میدارد که هم اکنون تبار نظر پسر حواری در باره مکانیزه کردن ارتش عزیزی و آزادی پسند ایندو های مسلح بریتانیا در شمال هندوستان بین کابینه در لندن و دولت هندوستان [سنوولان استعماری] در جریان است. مقاصدی که کابینه محافظه کار دنبال میکند، باند ازه کافس ساره و روشن است: امپریالیستیای بریتانیا در حد اند نیروهای مسلح هندوستان را درست خود گیرند و آنها را برای تحقق نقشه های خدمت شوروی بکار بندند.

لذا بریتانیا با کم وضای خان در جهت دارک ترجیح ایران برای جنگ آنس علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در قبال است. اکن نقشه های سیاسی و ستراتیجی جاسوسخان بریتانیا نیتواند وضع نابسامان اقتصاد کسرور [ایران] را بهبود بخشد.

چنانکه همان میدانند، ماهیت کاربری ایران وی را به کسرور تامین گشته ای مواد خاکبرای مرآکز منعنه اوریا بدل ساخته است. هرچه ایران پیشتر به میدان اقتصاد جهانی گشاده شد، با همان سرعت نیز خود را با خواستهای بازار جهانی انتبا ف داد و بهمان نسبت هم وابستگی خوبی را به سرمایه داران خارجی احساس کرد. رشد مناسبات ایرانیا با اقتصاد جهانی این اثر را در برداشت که ارزش زمین را به قابل ملاحظه ای ارتقا دهد بود برخی

از ایالات (FEUDAL STATES) فشودالشین های بزرگ را که تدریجاً به دست سرمایه تجارتی مالی می‌افتند، ضمحل سازد . تخواهگر ( صراف ) که در آستانه پیدایش سرمایه داری نقش ترقی ایها میکرد و میرفتان نظام کهن قلعه‌ای را از هم بیاناند ، در اوضاع و احوال آسیان « جنائیکه مارکنید و سئی اشاره کرده است »، بر عکس بیشتر به تحکیم نظام قلعه‌ای گراست . انشت ( ) ( ) تخواهگر تها هنگام اثر انقلابی دارد که اسکال مالکیت را که بر اساس حکم و تجد پیدا تولید مستمر آن در همان شکل سازمانده سیاست استوار است ، مختلف و منحل می‌سازد . در اسکال آسیان ( ) تخواهگر میتواند بد تزیادی بدو آنکه چیزی جز ویران اقتصادی و فساد سیاسی را موجب گردد ، دوام آورد . تخواهگر نخست آنجا و تها زمانی که سایر شرایط شیوه تولید سرمایه داری پیدا آمده است ، از طبق و پیران قلعه‌ایان و تولید کنندگان خود را بازیکسو و سیاست تزریق اوضاع و احوال کار نزد سرمایه از سوی دیگر « بثابه و سیله اجراء شیوه تولیدی نشو ظاهر می‌شود . ) ) ( سرمایه ، جلد ستم ، بخش دوم ، چاپ ششم ، صفحه ۱۲۶ ، آلمانی ) در نتیجه ، مخن در باره نقش ترقی تجارت زمینه ای در نونه وار تربیت گشود شرقی چون ایران ، چنانکه برشی « صاحبینظaran » درسته خاور میگویند دست کم نادرست است ، شیوه های عمل سرمایه تخلیه همکر در ایران تقریباً همانست که در جهان باستان ، رم و یونان ، متداول بود ، آنجا که انتقال مالکیت زمین به تخواهگران پدیده ای عادی بضماد میرفت . لکن علت انتقال سرمایه تخواهگر به کشاورزی چیست ؟ بدین سوال مارکس این پاسخ را که بنظر ما جامع است می‌دهد ، (( بسطور کلی ، باید اتفاق راشت که در سک شیوه تولید ماقبل سرمایه داری کثر انشکاف یافته ، کشاورزی از صنعت مولده تراست ، زیرا در آنجابیت چون مائین و ارگانیسم در کار شرکت دارد ، در حالیکه در صفت نیروهای طبیعی را باید تقریباً تمام با نیروهای انسانی جانشین ساخت . ))

به بزرگ نیروی کار انسانی بین اندوازه ای ازان دهقانی و امکان استثمار بحد و حساب ، تخواهگر انتقال سرمایه اش را به کشاورزی از صنعت پرسود نمی‌باشد . اما سرمایه مالی - تجارتی هنگامیکه به کشاورزی پاگذشت بهمان شیوه های استهاری قلعه‌ای متول گشت و بعضاً به احیا و تقویت اوضاع و احوال خدمتگری [ سرواؤ ] دردهات پرداخت .

#### بر اساس رهقانان و پیشه وران

اگر امامات عمال سرمایه ای خارجی بسیاره اشرنا مظلسوی بر صنایع روستائی و کار پیشه ورید اند . واردات کالاهای ارزان قیمت از خارج ، ایشان را بیش از پیش به ویرانی میکانند و « جبرور می‌سازد که لذگان لذگان به زندگی محنت بار و نیمه گرسنه ای از آن میدهند ». وضع این اوس منابع مل مانع از آن می‌شود که ایشان نیروی کار خود را در داخل گشود بکار بندند و آنان را وارد رار می‌سازد . نان خود را در فرای مرزهای سوزیمن بوسی خوبیش بجوینند . انشکاف عناصر سرمایه داری و تبدیل ایران به زاده مستعمرانی این یا آن قدر سرمایه داری باید وضع و خیم گشونی پیشه وران و صنعتگران را بمنه تخریبتر سازد .

( ) خواتنه سوجه دارد که مارکن در این نقل قول مورد استناد سلطانزاده بهیجوجه از قلعه‌ایی در آسیا سخن نمیگوید ، بلکه از « شیوه های ما قبل سرمایه داری » و « اسکال آسیان » یاد میکند . تفسیر و تدقیق سلطانزاده بر « قلعه‌اییسم » ظاهرا قبول بدون بحث تفکر حاکم در کینتون بوده است . این نظر مارکن در متن انگیزی پاکست نمیشود . مترجم

نظام اقتصادی موجود در ایران و سیاست و دولت شاهنشاهی زیند اران ، پسرگیری سه راه انتکاف نیروهای مولده کشور است. طبقه اماسی صولد در ایران هنوز همانان اندیعماً کارگران صنعتگر و پیشه ورک بر اساس کارشان انگها [ ای اجنبی ] نیست میکند : شاه مالکین ارضی گوگانگون ، تجار و دلال ، ورچانیون در ره سطوح وغیره. اما طبقه ایمه میباشد تنفسی گروههای بیشمار اشکل ها را تامین سازد ، در تقسیمتی و اوضاع احوال ستمکانه ایمه هرگز شبهه آن دیده شده است ، هیز بیهوده . ورور ایران به بازرجانی انتکاف مهدلات تجارت خارجی و پیده ایش نشایبات کالا - پول استثمار توده های دهقانی را بحد اصل تشید کرده است. از پاکتو ، زمینه اران بزرگ و کوچک ، سلب الکیت از دهقانان و تعاونی از اشتراکی را بوسایل مختلف مسکن آغاز کرده اند ظرفی از سلطانزاده ، مترجم [ را بسوی به متابع پولی ، زمینه اران - ملک اران ] لفظ فارسی در من فرنگی از سلطانزاده ، مترجم [ را بسوی تسلیم مالیات و خراج های پیش از پیش بر اقتصاد دهقانی رانده است. عمال دولت شاه در این اصر ، همانند سایر امیر ، از خان [ باریون ] های زمیندار و مطالبات ایشان حمایت کرده اند . پخشی از دهقانان پامید حفظ حیات خویش ، مجبور گشته اند بخشی از زمین خود را به مسجد [ اوقاف مذهبی ] هدیه کنند تا این طریق بتوانند خود را از چنگال تجاوز زمیندار یا ازباد و از پرداخت مالیاتی های پیش از حد سنگین و طاقت فرمایند بخشنده . این [ پدیده ] بسویه توسعه املأک اوقاف مذهبی را که ابتداء شان در حال گشتن است ، تشویق کرد ماست . عدم بازار داخلی و مراکز صنعتی مصرف کننده ، کشاورزی را در روابستگی شدید به زمینه اران ، تفاهمگران و سورپرآزی رال که همچون زالو آخرین قطوه خون دهقانان از پیش بوران شده را مینمکند ، شراره میدهد .

#### راه بسوی صنوسیالیسم

نتیجهتاً ، علی رغم ریسم سبع رضا خان ، و بضم کشای سخاونده اند هدستان بربانیاتی وی در سرکوب جنبش انقلابی ، شوروش مردم وحشتنگ علیه ریسم خون آشام سلمه جدید است [ سلطنتی ] می پس ازد پیگری در ناقاط گوگانگون سر بلند میکند . پیده ایشان درین شورش در آذربایجان ، گیلان ، خراسان ، ایشان امر را کراوا باشیات میروساند که رویه انشقاب پقب توده های زحمتگش شهر و روستا راه پاقتله است ، و اینکه دهقانان که تا چندی پیش در کاری آرام ایستاده بودند ، شرکت فعالتری را در مبارزه علیه نظام موجود و علیه ارتیجاع انتکاف - رضا خان آغاز میکند . اما این ارتیجاع که دستخود را در سرکوب جنبش ملی میشکم ساخته است ، و حین نمیشناشد . همه این چنینها با مقاومت ناشنیده ، ای سرکوب میشوند و شرکت کنندگان و رهیزان دستگیر شده آنان در ملاعه عام شکجه و نیزیاران میگردند (گیلان) آنجاکه نیروهای رضا خان قادر نبودند شوروش را پیش کن سازند ، قون [ نظایر ] بربانیا با کامیون و هواییما وغیره بد ارشان رسیده (خراسان) . اما معضلات اقتصادی را سیتوان بضریب هواپیما و نیز باران حل کرد . دهقانان زمین میخواهند اکثریه ایشان را نیازمند است . شوروت ایجاد بیک بازار ملی و صنایع ملی احسان میشود . کشور نمیتواند خوارک اهالی خود را تامین سازد ، حتی در محدوده سهیمه محبت باری که توده های زحمتگش ایران با آن زندگی را سر میکند . در نتیجه ، هزاران نفر خانه های خوش را ترک میگردند و درین التهیه ، قسطنطینیه ، باکو ، ترکیستان وغیره به جستجوی کار میروند . از طریق لشکر کشی تدبیس و تدبیه بیرونیانه نه میتوان همچنین بیا کرد و نه وضع اقتصادی را بهبود بخشد .

لکن صنعت را در ایران از دو طریق میتوان ایجاد کرد: یا از طریق انتشار بخشیدن به اقتصاد یا تخصیص سرمایه داری، یا وسیله سازماندهی با برترانهای گل زندگی اقتصادی کشید. راه تخصیص برای ایران نتایج خوب نداشت، معمول در برخواهد داشت، این سر اکنه بعلت عدم سرمایه اثباته در داشت، ایران نمیتواند صنایع معمول را با منابع خوبش بخواهد. ایران هفتواند وران اثبات آغازین سرمایه را پشت سرخواه است. بعلاوه، عدم اوضاع احوال عمومی انتشار سرمایه داری باید وضع میگراید که، چنانکه دیدیم، در حال حاضر سرمایه اثباته در دست بورژوازی بازگان و تشواهگر و بسوی کاروزی موته صفت، سرمایه خواهد شد، که با توصل به کمین تربیت شهوه های استثماری اینکل چدیدی بروی بدند هفقاتان بدل خواهد گشت. درست است که اثبات آغازین سرمایه را مینوان باور و د سرمایه خارجی جبران کرد، ولی این امر برای ایران معنی حراج گشود سرمایه داران خارجی و در رویا پاول، سرمایه داران انگلیسی، خواهد بود.

بریتانیا نمیتواند رشد منافع اقتصادی را بدون مبارزه مجاز شمارد، بورژوا در قلمرو ورود سرمایه قدرت دیگری؛ زیرا در نظام جهانی مستعمرات بریتانیا، ایران برای این کشور بین از آن مهم است که با امنی سیاست آنرا بدیگری تسلیم سازد.

درنتیجه، انتشار سرمایه داری در ایران تحت نظام کسونی تنها میتواند راه تبدیل ایران به وادیه ای استعماری در [چارچوب] نظام امپراتوری بریتانیا را اختیار گرد. تمام اقدامات استعماری رضاخان (امدادات راه آهن جاده و اعطای امتیازات وغیره) کلا و تاما در جهت تامین منافع سرمایه های بریتانیا اجرا میگردد. پس ایش کارگاهها و کارخانه های کوچک در ریگ و منطقه کشور نمیتواند این فرآیند اساس را تغییر دهد. اگر براین نیز این واقعیت افزوده شود که هم اکنون دیگر تمام نقاط سرناهیک اقتصاد ایران، چون باشکناه نفت، نگراف، وغیره در دست بریتانیا قرار دارد، جهتنی که رضاخان به [الانتشار] کشود می‌هد کاملا آشکار میگردد.

### شورش کارگران

اما راه دیگری نیز هست که ایران میتواند برگزیند، بمعنی ایران باید و میتواند از راه فوق المداره در دنیاک انتشار سرمایه داری اختراز جست. بدین منظور تاسیس شرکت های تعاونی منعنه در میان کارگران منحصر و پیشنه در شهرها، و شرکت های تعاونی کاروزی در روسنا ها میبایست یکی از شعار های اساس حزب کمونیست ایران باشد. حزب میباشد، بموازات این، از همه طرق مسکن به سازماندهی و انتشار هکمگاری (تمعاون) در برخانه تا بتواند اتحاد بین صنایع سوسیالیستی کشود بولتاریای بپرورشند و مصرف کنند کان زحمتکش ایران را تسیبل سازد و تا حد ممکن از لالان را نهاد اختراز گرد.

تنها با حیات بولتاریای پیروزی پذیر کشورهای صنعتی پیشرفتی است که ایران خواهد توانست با استواری به راه سوسیالیسم گام گذارد.

### آ. سلطانزاده

ترجمه از متن آلمانی و انگلیسی  
از میم-شین

## منشوراتیها در کنگره ششم کمیسیون

( تابستان ۱۹۲۸ )

- ۱ - خاکه میانه و حمله با عاد شورشی
- ۲ - سرمایه مالی (کمیسیون)
- ۳ - سرمایه مالی (جمع عووه)
- ۴ - برنامه کمیسیون برای مصادر ا

در مجمع عمومی در باره خاور میانه و حمله با اتحاد شوروی<sup>\*</sup>  
 (نیست بیستو یکم، ۱۴ آوت ۱۹۲۸)

وقتاً، تدبیری نیست که محرک اصل جنگ [علیه اتحاد شوروی] انگلستان خواهد بود. گوشهای ضربتی هرچه باشند، این همواره لندن خواهد بود که از پسپرده جواناترا اداره خواهد کرد. همه تدارکات علیه پنهانی در سراسر خاور نزدیک شانه این واقعیت انکار ناپذیر است که انگلستان در چند ماه اخیر سرگرم تدارک برقرار نظمی آئندۀ بوده است، من اینکن راسخ دارم که در جنگ آئندۀ خاور نزدیک و میانه نقش پایگاه اصلی حمله به اتحاد شوروی را خواهد داشت، از مصروفتۀ تا ظلطین، ماوراء اوردن، بین النهرين، هنستان و ایران، و تا هندوستان، در همه این کشورها کلاً و جزاً تحت سیاست انگلستان قرار ارسان، تدارک [جنگی] در پده مشود.

اخیراً امری (Em. ary) وزیر مستعمرات بریتانیا اعلام داشت، "بمنظور تضمین نفوذ خود در خاور نزدیک و تحکیم توجه سویز، مایساید نیروهای خود را در این کشورها و بیرون در مصروف افزایش دهیم، و درست همه خلقهای کشورهای همجاوار توجه [سویز] را جلب کیم."

این برنامه نظامی وزارت جنگ بریتانیا، هم اکنون از طرف فرمانده نیروهای بریتانیا در مصروف فرماندهی عالی ازش آنرا انگلستان بدست گرفته است، و پارلمان آن نیز منح شده است و [در آن] آزادی کاملی به فرماندهی عالی نظامی بریتانیا اعطای شده است، تا بدون رخدان تمام تدارکات ضروری را فراموش آورد، نهایا مشود. افزون بر این، در جنگ آئندۀ فلسطين نقش مهمتری را ایفا خواهد کرد. فلسطين آن کشور کوچک و ناچیز امروز بنا بر اراده فرماندهی عالی [بریتانیا] حتی فرادر از آنجه بله مهیوبیت پسحوارتی میتوانست بخواب بینند، گسترشی پاید. هم اکنون بیک لذگاه نظامی در پندت هایله در دست ساختن است و بک طیون و نیم لیو استرلینگ بدین مظ惆 تخصیص یافته شده است، پادگانهای نظامی با اماکن دیگری برای اقامه سرتیفیکات دهباهرار سریاز در دست ساختن است.

افزون بر این، تدارکات برای تاسیس خطوط همراهی از تاهره به کراجچی کم، قرار است از فلسطين، بین النهرين، ایران بهندوستان بگرد، در جریان است. تعدادی پایگاه آخرین سیستم هوانی هم اکنون در فلسطین تاسیس شده است. علاوه بر این شبکه ای از شاهراههای سترانیک در دست ساختن است. شاهراه اورشلایم بخدا در که از میان صحراء بگرد، باتمام رسیده است، وبالآخر ه خط کانتارا-هایله که بخش از خطوط اصلی آئندۀ قاهره بسیفداد. لکنکه است، نیز پایان یافته است.

در همایگ فلسطین مطبقه ی ماوراء اوردن است که پادشاهی "مستقی" را تشکیل میدهد. این پادشاهی مستقل سه ماه قبل قرار اداری با انگلستان پاپا رسالت که باختبار آن پادشاه انگلستان حق دارد هر تعدادی قشون که بخواهد در آن کشور بمنظور رفاقت و حفظ قانون

Inprekorr(Ed. fr.) No.100, 7.9.1928, page 1073-4; (Ed. Eng.) No. 61, (Ed. Deutsch) Protokoll VI Weltkongress der K.I., Nachf.Verl. Hamburg, 1928, Seiten 697-9.

و نظمیم" پسیح کرد، در حالیکه بودجه اداره نقشون را باید [پادشاهی] مأمور آردن ببرد ازد. خلاصه اینکه این کشور "ستقل" که قبلاً بند و عقبه در بحر احمر و اختیارش قرار گرفته است، بیش از پیش برای نقشی که باید در آینده برای وزارت جنگی برویانها نهاده اینها گردید. مقام دیگر در نسدارک جنگی را عربی و بین النہرین بعده دارند. شما میدانید که انگلستان باشد که مشکلاتش را از سرمهیگرانید تا آن کشور را از چنگ امیریالیستهای آلمانی بیرون آزد. راه آهن بندار همواره خاری در چشم امیریالیسم برویانها بود. این راه را که آلمانها ساختند تهدید می‌دانند این علیه متصرفات برویانها پیشمار می‌فرستند. امروز این کشور "ستنقی" است که قیومیت‌آن از جانب جامعه ملل با انگلستان و اگذار شده است، در آینه هم اقدامات فوق العاده ای و سیله مثابات برویانها در دست انجام است. بیش از همه مفروضات کاهشی عظیم در خاک این کشور در دست ساخته‌اند. خط راه آهن پسره به بنداد و جسوار مرز ایران خط آهن سازه‌یک بینایت‌خانی است که کوتاهترین راه برای حمله به اتحاد شوروی را از سر ترکستان تامین می‌سازد.

بستر روی خانه شط العرب تعمیق و گسترش یافست تا کمی های اقیانوس بینا بتوانند مستقیماً تا بنادر بحیره پیش‌بروند. اخیراً دو ظالمی فاسد برای سلطنت بنظام منطقه ساخته و مجذب شده است. تحریکات انگلستان باشد تغییری در این منطقه جریان ندارد. تحریکات بروای تشکیل حکومت کرده در کردستان ایران و ترکیه تحت قیومیت انگلستان جریان ندارد. اگر این طرح اجرا گردد، بدهی منی خواهد بود که خط‌نظاین از طریق کردستان تا مرزهای شوروی ادامه خواهد یافت. سیاست فرانسه‌نی هنرال پسریانی در ایران اخیراً اعیار ازین بود که سرخانه بدولت ایران امور فرزند تا حق پرواز از آسمان ایران به هندوستان را تحمیل کرد. دولت ایران زیر فشار توده های صورم تا چندی قبل در لحظای چنین حقیقی تردید کرد؛ ولی اخیراً بعلت چندین شوشن که در چند تقطه کشور رخ داد، دولت لازم داشت با تقاضای برویانها موافقت کند و ساخته‌ان جنگ پایگاه هوایی در خاک ایران را مجاز شمارد. رفقاً، در تمام این کشورها نه تنها ارکات فنی بروای چنگ دیده می‌شود، بلکه انگلستان از نظر سیاسی نیز در فعالیت است. هر گاه که لازم آیدی و پادشاهان و تراهامی کوچک مورد نظر خود را بر تخت نیشاند، هر جاک پارلمان را بستوان تحمل و دولت منتخب را واگوین ساخت، انگلستان بدان دست می‌زند، و دولتی که چون ایزار امیریالیسم برویانیا عمل می‌کند جانشین آن می‌گردد. این اصرار رحسر روی دارد. همین امر را مادر فلسطین در بین النہرین و بالآخره در ایران که ران مسلسله جدید سلطنتی مستقیماً بدبانگستان به تخت شاهنشاهانه شده، شاهد بوده ایم. سلسله جدید سلطنتی که جانشین مسلسله قدیم فاجهار شده است، آهسته آهسته بولوی به یقین، از همه لحاظ تسلیم فرماده‌ان عالی برویان نیایا می‌گردد. هم اکنون خط راه آهنی و سیله دولت ایران در دست ساخته است که از بنداد به بحر خزر کشیده خواهد شد. در پسدر گز، در انتهای این خط، بنداری در دست ساخته است. این بندار پایگاه زیر بیانی علیه باکو خواهد بود تا رابطه مراکز صنعتی اتحاد شوروی را با متابع مواد خام قطع سازد.

## ۱- در کمیسیون بوثامه در باره سرمایه مالی\*

رفیق سلطانزاده ( ایران ) - علیه این نقطه نظر مجادله [ پولیتک ] میکند که در مقدمه برنامه عصر امپریالیسم بمنابعه عصر سیادت سرمایه مالی مشخص شده است .  
 بنابر نظر و فرق سلطانزاده این بازگشت به تئوری هیلفورد یعنی است که اساساً اقتصادی ای ندارد و نباید در مقابل هیچگونه انتقاد خود را وام آورد . در واقع امر برخلاف آنچه که هیلفورد یعنی مدعی است جزوی بنام سیادت سرمایه مالی وجود ندارد .  
 سلطانزاده تمهیه های تاریخی را بار آور میشود تا ثابت نماید که کوشش برای در آمیزی نزد پسرانکها با شرکتها ( موسسات بزرگ یا باره ورشکستگی باشکنی باشکنی با تسلیم آنها به صنایع میانجاسد .  
 تامین اعتمادات مالی از طریق باشکنی به بیهودجه بمعنی نظارت ( کنترل ) باشکنی باشکنی نیست .  
 و فرق سلطانزاده بر این نظر است . که در مورد آنچه به امریز مرسوط میشود ، باید برویه تاکید کرد در سالهای اخیر تغییرات اصولی ملاحظه شده است . باشکنی دیگر بسا نک شرکتها روپرور نیست ، بلکه با تراستها ، کوئیسنسن های بزرگ مواجه اند و باصطلاح به وقتی های حسابداری این تراستها و کوئیسنسن ها بدل گشته اند . از نظر اصولی نادرست است که عصر حاضر را عصر سرمایه مالی بدانگاریم .

(\*) خلاصه اظهارات رفیق سلطانزاده در کمیسیون برنامه کنگره ششم کمیشور بنظر از : Inprekorr Sondernummer 24, (No.92) 28 Aug. 1928, seite 1725.

در باره سرمایه مالی  
(نهم ۲۶، ۱۳ آوت)

وقا در کمپیون برناه من علیه آن نکه از طبع برناه که عصر ما را عصر سرمایه مالی تعریف میکند، سخن گفتم. بنظر من این اشتباه بزرگ است که این عصر [عصر سرمایه مالی] را با عصر امیریسم یکی به‌دانیم [ایدانتیهه کشم]. مقصودم اینسته تئوری سرمایه مالی هیلفردنینگ (Hilferding) تئوری کاملاً نادرست و محنوس است، بهرجهت اینست [تئوری] مین واقعیات نیست. من مطلقاً اینکه دارم که هرگز صریح‌باش عصر سرمایه مالی وجود نداشت، و هم‌اکنون که صفت در حد اعلاه مذکور و مجتمع اینست نهیز چنین عصری وجود ندارد. من بیویه مخالفت خود را با تعریف که هیلفردنینگ از سرمایه مالی میدهد، ایراز - اثشم [حال آنچه بخارین گفت و آنچه که با خشار در طرح برناه آمد] است، با آنچه هیلفردنینگ میگوید [نیز] (بطور محسوس) کاملاً متفاوت است، من باین روی میبرد از هم هیلفردنینگ تئوری خود را چگونه تعریف میکند؟ او میگوید: ((بخشن افزایش باشندۀ ای از سرمایه صنعتور پسکار آن صاحبان صنایع که آنرا بکار میبرند، نیست صاحبان صنایع حق استفاده از این سرمایه را از طریق بانکها کسب میکند. سرمایه باشکنی که از این طریق بکار گرفته میشود آن چیزی است که من سرمایه مالی میخوانم.)) این تعریف اینست که هیلفردنینگ خود از ماهیت سرمایه مالی بدست میدهد، یعنی سرمایه بانکی بکار گرفته شده در صفت، وکی سرمایه مالی میخواند. هیلفردنینگ در سراسر کتاب خود "سرمایه مالی" کسرا را اعلام میدارد که مرحله کوئنی انتکاف سرمایه اری آن مرحله ایست که طی آن سیارات سرمایه مالی و باستگی صفت به بانکهای مدنون تا حد زیادی رشد یافته است. هیلفردنینگ در پایان کتاب خود تا این حد پیش‌میبرد که بخلاف اعلام میدارد، بانکهای مدنون کشش خود را بر رشته‌های اصلی صفت مدنون بزرگ با تثبیت کرده اند، و اکثر پسروانایی‌السان میتوانست شش بانک بزرگ برلن را تاصحاب کند، بدینوسیله قادر میشند کنترل خود را بر شاخه‌های اصلی صفت استوار سازد. هیلفردنینگ خود چند بار وزیر دارایی بوده است، ولی هرگز تحقق همین برناه خود را صلاح ندانست است. من بر این عقیده ام که سیاست‌بانکها بر صنایع ته در تئوری میسر است و نه در عمل. از نقطه نظر صحیح بانکاری چنین امری غیر میسر است. همانطوری‌که میدانید مارکرد رجل دوم سرمایه

(\*) *Imprekkor, Engl. Ed., No. 66, Vol. 8, 1928, pp. 1183-85; Ed. Fr., 27 Sept. 1928, pp 1188-90*  
در مورد جواب بخارین، پیغام‌زن اکران کنگره ششم: نگاه کنید به *L'International Communiste, No. 18, Sept. 1928, page 1415-27*  
در مورد تایید نظر سلطانزاده در این مورد نگاه کنید به "Do Bankers Control Corporations" در *The Monthly Review, June 23* از E.S.Herman مقاله ایکه اخیراً در مجله منتقل مارکیسی نوشته شده است. خواننده از این مقاله در خواهد یافت که رفیق سلطانزاده با مطالعه معتبر خود مطلب را دقیقاً برسی کرده بسند. (د. بزرگ)  
طالبان که در دو ایرو (آنده اند تفاوت‌های ترجیحیه فراسه من است.

شک تیک عناصر تجدید تولید را بدقت تحلیل کرده است. مارکسیخوین نشان داده که تجدید پست تولید سرمایه اداری در مجموع چیزیست، چگونه به عناصر منطقه اش تقسیم میشود، در کجا فرا آیند گردش اشکال مستقل پسند میگیرد و چگونه این عناصر کاملاً تحت قوانین انتشار تولید قرار میگیرند، و در حالیکه در برخی موافق انتشار سرمایه اداری، یکی [ازین عناصر] ممکن است استقلال چند کسب کند، و مثابه سرمایه بولن (بانگن)، تجاری وغیره — با اینهمه، این عناصر طی روشن گردش همزمان، و در وابستگی مطلق با انتشار صفت، با تو ساخت صفت حرفکت میکنند.

نتروی سرمایه مالی نه تنها نادرست است، زیرا با تنروی مارکسیستی در تفاضل قرار دارد، بلکه همچنین زیرا که اجرای سیاست ابتدائی بانک اداری را نقش میکند، چون همچنانکه بانک بزرگ قسم اعظم سرمایه خود را در صفت بکار نمی اندازد. در تاریخ بانک اداری مو ری دیده شده است که بانکی بخش بزرگ از سرمایه خود را در صفت داشت، در تقویت یک شرکت یا سپکولاسیون بکار آمد اخته باشد. ولی این موارد معمولاً به ورشکستگی متوجه میگردند، چنانکه در مورد کردی موبایله credit mobilier در فرانسه و کردی پتو موبایله mobilier در ایتالیا رخ دارد.

ما همچنین از تاریخ بانک اداری در آلمان میدانیم که مفهوم بانک لا پیزیک Leipzig Bank در آغاز سده بیستم این واقعیت ناشی شد که این بانک بیش از حد بامرخصی سهام شرکت های صفت میبرد اخته، این تجربیات طی بانکهای مدرن را شروع نمیکند به چنین ماجراهایی کام گذشت و اینان همچوئی نه تنها سرمایه خود، بلکه حتی میورده ها [ی بانکی مشتریان] را برای مد تقدیمی یا حتی چندین سال در صفت بحیث نمیکنند. اگر قرار بود بانکها به چنین امری دست زنند، در تخفیض بحران صفتی با ورشکستگی رویرو میشندند.

من شدیداً با این اظهاریه مخالفم که انتشار سرمایه داری مدن پسوندگر سانی سرمایه بانکی به سرمایه مالی گراپیش می یابد، و اینکه عمر حاضر عمر سرمایه مالی است، اینکه گرامیش انتشار صفت باین صفت است که صفت، چنانکه هیلفورد پست میگویند، هر چه بیشتر به بانکها او استه گردد. این امر ره از نظر عطی میسر نیست — بویه پیغام جنگ جهانی [اول] که شرکهای صفتی عظیم که خود قادر نیستند بانکهای بزرگ را چون دروجه بانک Deutsche Bank تاسیس نکنند، پیدا آنده است.

تراست فولاد سازی ایه لخیرد ر آلمان بیا شد، سرمایه ای بالای سر ۱۵۰۰ میلیون مارک دارد، و ۴۰۷ تا از بزرگترین گروههای صفتی در صفت فولاد سازی (آلمان) را در بر میگیرد. تمام این گروههای سرمایه داری صفتیها یا بطور غیر مستقیم باین تراست وابسته است که میتواند بر سرمایه مرکبی بالغ سر ۴۰۰ میلیون مارک کنترل ای دیقاً واقعی و نه مانند بانکها، کنترل نمیپند، اعمال کند. من میپرسم کدام بانک مدرنی است که میتواند چنین غلوی را تحت کنترل بگیرد؟ به نمونه "دیگری بپرس ازیسم: آمریکن ستمبل کورپوریشن American Steel Corporation سرمایه ای بالغ بر ۱۴۰۰ میلیون دلار اداری. کدام بانک نیویورک است که قادر باشد حتی کنترل جزو (partiel) بر این غول اعمال کند؟ چه رسید بانکه بر آن سلطاد اشته باشد، زیرا سرمایه بزرگترین بانک نیویورک از ۲۰۰ میلیون دلار تجاوز نمیکند. سخن گفتن از کنترل چنین غولی مسخره است.

مع الوصیف، هیلفورد پست هنگامیکه میگویند یک بانک نیویورک سرمایه اش را در یک شرکت بکار آورد ازد و بعنده سور تخفیف ریسک باید سرمایه اش را در چند شرکت سرمایه داری کند، کاملاً ذیحق است. در چنین حالتی باید نه تنها بر پست، بلکه بر چند تراست کنترل اصال کند. در درون کوتو

سرمایه داری انحصاری، پسچو این امر کاملاً واضح است. شایسته ذکر است که رفاقتی که سامان سازمانهای انحصاری درون را مطالعه کرده است، حتی هنگامیکه مدافع تحریر هیلفورد پنگ باشند، پاید افتراق نکند که بانکها نفوذ کاهش پابنده ای را بد این سازمانها [انحصارات سرمایه داری] اعمال میکنند.

با رشد سازمانهای انحصاری، نفوذ بانکها پاید لاصاله کاهش پابند و بدین گراپش پابند که خود را به وظیفه خاص دستگاه حسابداری، بمعابه تحوله ایران مالی سرمایه داران صنعتی محدود سازند. رفقا، در دوره انتشار سرمایه داری پیش از جنگ ما حتی پیکوردرای هم که پس سرمایه دار صنعتی پا پیک کوتسرین عظیم علنا بجنگ بانکهای بزرگ بود شاهد نبودیم. لکن در حال حاضر ما موارد متعددی ازین را ملاحظه میکیم. ما همه تبرد کوتسرین متنهای *stennes* علیه بانکهای بولن را میشناسیم و هچنین بامبارزه خستگی شاهد پرس فور علیه بانکهای نیوزیلند و سایر بانکها آشنا هستیم. و پاید بگوییم که این واقعاً مبارزه ای موقفیت آمیزی است که سرمایه داران صنعتی علیه بانکها به پیش میرند، زیرا اینسان شایع مادی عظیمی را در محیط تولید تحت فرمان راند (که بدون آنها مطالبات خود را اینکه هم باکانه مطرح نمیزند). این بدین معناست که شایع مادی زیر فرمان بانکها ناجیز شر و ضعیفتر از آنست که کنترل پیش از سطحی بر فور، ستیز یا بیگان اعمال کند.

رفیق بخارین چه در جلسه کمیسیون پستنامه و چه در مجتمعی با نقطه نظر من مخالفت وزیریست. رفیق بخارین در پاسخ این نظرمن که هیلفورد پنگ مرتد است و شوری او باید به زیاله دان تاریخ انداخت شود - چنانکه کارگران انقلابی در گذشته خود وی را رهسپار زیاله دان تاریخ ساختند - میگوید در میان مرتدان کسانی هستند کاوتیک که راه *کسب قدرت* را نوشت که مسا هنوز از آن میتوانیم بسیار بامزیم، اگرچه خود کاوتیک به سوسایلیسم خیانت وزیری است. ولی در پاسخ این پاید بگوییم کاوتیک امروز آنچه در گذشته گفته بود، نفع میکند، در حالیکه هیلفورد پنگ حتی خواب چنین کاری را نیز نمیبیند، اگرچه باید افزود که در شوری هیلفورد پنگ تحول نیز صورت گرفته است.

رفیق بخارین اظهار داشت که سرمایه داری حکومت *capitalisme d'Etat* روبنای اجتماعی است که اقتصاد سرمایه داری را اداره میکند. در این باره با وی کاملاً موافقم. این درست است که سرمایه داری حکومتی جامعه سرمایه داری را مطیع خود میسازد، بدین امر نیز قادر است، ولی بین آنچه من گفتم و آنچه رفیق بخارین اظهار داشت، تفاوت عظیمی هست. سرمایه داری حکومتی واقعاً هم روبنای اجتماعی است، لکن سرمایه بولن یا اعتبار تها یکی از عنصر فرآیند تجدید تولید کننده است، در حالیکه سرمایه داری حکومتی براستی روبنای است. همانگونه که بورو آری سازمانهای اداره حکومت روبنای متناسبات سرمایه داری است، و سازمان طبقاتی کل جامعه را اداره میکند، بهمان گونه نیز سرمایه داری حکومتی متناسب تولید کل جامعه سرمایه داری را اداره کند. ولی این مسئلله مورد بحث نیست، بنظر من روابط اعتباری که بخشی از فرآیند تجدید تولید اند، منس توانند کل فرآیند تولید را اداره کنند، بالاخص اسرا این فرآیند تولیدی را - یعنی صفتت، نکته دیگری که رفیق بخارین بر علیه من عنوان ساخت بقدر زیست است: رفیق بخارین من پرسید چگونه سکن است نوش سرمایه مالی را ناجیز شود، هنگامیکه مثلاً آنان توانت بکث انتشارات آنها از سویها خبزند؟ بنظر من میرسد که هر پیک از ما اگر بدین سبک ساده اندیشه ای از اعتبار سخن بگوییم، بر احتی از سوک اصل قضیه باز خواهیم ماند. و البته من منکر این نیستم

که بانکها سرمایه خود را در اقطاعی وام بخراج بکار میاند ازتند . من هنگر این نیستم که بانکها در سرمایه داری صدرن نقش کنکی ایفا میکند ، و اینسان عامل سببی در پیچ نخایر طلای اقتصاد سرمایه داری هستند . من انکار نمیکنم که در زمان معینی بانکها قادرند بخش از سرمایه موجود خود را در آن کشورهای بکار اندازند که در آن ها سود کلان بدست اس آید ، چنانکه در مرور آلمان صادر بود . این عبارت است از [ الحال ] صرف سیاست تنزیل . اگر امریکن خود را در کشوری از آمریکا بالاتر باشد ، بسیود سرمایه را از آمریکا خواهد بود سرمایه خود را در صفت آنکشور بکار بیاند ازتند تا سودکلان تری را تحصیل کنند . اما وجودی که در اختیار صنایع آلمان قرار گرفت وجوده بانکی نبود ، بلکه بسیو سرمایه داران صفتی که سرمایه موجود در اختیار اشتند و اجازه دادند آنرا بفروخته وام صفتی در آلمان بکار اندازند . بانکها نه تنفسه بدون اجازه صاحبان سپرده ها ، سرمایه ایشان را چون سرمایه منعی برای مدت طولانی ای در صفت سرمایه گذاری کنند .

در عصر سرمایه داری اتحادی ، هنگامیکه تجمع و تمرکز سرمایه به مرحله ای عالی رسیده استه صنایع اجازه نمیدند بانکها چنین خود سوانه عمل کنند . تراستهای صدرن که مبالغ هنگفتی را در کشورهای خوبش میجتمع میسازند ، بمراتب قویتر از زمانی هستند که صفتی شرکهای کوچک مقدم بود . در آن زمان البته بانکها متوانستند هر آنچه میخواهند با شرکهای کوچک بکنند . ولی با درود سرمایه بزرگ استحکام یافته در شکل تراست به میدان ، وضعیت تغییر میابد . بنابراین کاملاً طبیعی است که در دوران اقتصاد اتحادی سرمایه ای از این اتفاقی که نسبت بانکها مشوف ، روز بروز کاهش یابد .

هرچند رفیق بوخارین است لال سرا کرد کانه خوات ، مع الوصفمن باید بگویم من پرس از چهار سال مطالعه عمیق و جدی این فرآیند باین نتایج کرد کانه رسیدم . در واقع هیلفرد پنگ تقریب خود را از کجا آورد ؟ من ترازنامه بانکهای برلن را سرمایه مدت ۲۰ همال پیش از بندگ جهانی [ اول ] تاریخ پس از آن بدقت مرور مطالعه قراردادم و در آنها همچ چیز که متواند نقطه نظر هیلفرد پنگ را تایید کند تیافتیم . بیانیم ترازنامه سه تا از بزرگترین بانکهای برلن Darmstadt gresdner Bank و درست شرکهای Deutsche Bank و دوچیه بانک Bank که بانکها چه بخشی ازین وجوده را در صفت سرمایه گذاری کردند ، پاسخی بیاهمیم . برخی افراد صاره لوح میگیرند بانکها این اصرارا ازعاعه پنهان میدارند ، بلکن این سخن بیچی ایست . در تمام این ترازنامه ها مورد ویژه ای بنام کارکاری سرمایه " یافت میشود که " سرمایه گذاری را اعمی خواهده میشود . افزون بر این ، مورد دیگری وجود دارد بنام سهام مشترک shares in consortium participation کشیده مشترک در سهام صفتی تضمین شده از جانب کسرسیوم سرمایه گذاری کرده است یا در رام به شهرداریها یا حکومت بکار انداخته است . هردوی این موارد بخش نسبتاً ناچیزی از مجموع

وجودی بانکها را در سرمایه میگیرد . جدول زیر این مطلب را نشان میدهد :

ترازنامه مركب به میلیون مارک

۱۹۲۷	۱۹۱۳
۱۸۸۵	۱۰۳۸
۶۸	۳۹
۱۴	۵۵

۱— درست شرکهای  
سرمایه گذاری زانی  
سهام مشترک

۱۲۲۲	۷۹۸	۲- ر ارشتات پانک
۲۲	۸	سروماهه گذاری داشت
۲۶	۴۰	سروماهه مشترک
۲۳۲۰	۲۲۴۶	۳- د بجهه باش
۲۶	۸۲	سروماهه گذاری داشت
۳۵	۵۲	۴- سهام مشترک

باید اینراهم اضافه کرده که در مورد همه بانکها سروماهه گذاری را عنی عبارتست از سروماهه گذاری در سایر بانکها و نه در صنعت. هیلفردرینگ این ادعای خود را که بخش افزایشی بانده ای از سروماهه بانکها در صنایع بکار گرفته میشود و به سروماهه مالی بدل میگردید، برجهه اسامی استوار میسازد؟ من اینجا میگم که این ابانه است، ادعای دیگر هیلفردرینگ دایس بر اینکه هر بانک خود بورس سهامی ام است نیز افسانه ای بهم نیست. هیلفردرینگ بدروست اشاره میکند که با انکشاف آشیان گروپه های سروماهه داری، نقش بسیار سهام کاهشی یابد، ولن ته باین دلیل که بانکها به بورس سهام بدل گشته است، بلکه باین دلیل که تحت سروماهه داری انحصاری تهها سروماهه دارانی چند به بورس سهام پا میکنند و در حالیکه درگذشته هزاران سروماهه دار بدان روی میآورند. لذا درگذشته بورس تنظیم گشته ای اقتصاد سروماهه داری یود؛ لیکن اگون دیگر این نقش را ایضاً نمیکند؛ ته باین خاطر که بانکها این نقش را بهمراه گرفته اند، بلکه باین سببکه سروماهه داری انحصاری از اهمیت بورس سهام در کل دستگاه سروماهه داری کاسته است، و اگون کلامی چند در باره "سروماهه مالی" چنانکه رفیق بوخارین توضیح داده است، باید بگوییم تعریف طرح برنامه از سروماهه از سروماهه مالی با تعریف هیلفردرینگ متفاوت است. طرح برنامه میگوید:

(( ادغام سروماهه صنعتی با سروماهه بانک و ماهیت انحصاری این شکل سروماهه داری عصر سروماهه صنعتی را به عصر سروماهه مالی بدل میسازد . ))

رفیق بوخارین هنگامیکه تعریف خود را از سروماهه مالی عرضه کرد، همین مطلب را گفت، او گفت که ادغام سروماهه صنعتی با سروماهه بانک واقعیت انکار نپذیری است. ولی ازین بیان درست نتیجه ای کلا ناد رست راجع به سلطه باصطلاح سروماهه مالی گرفته میشود. من نمیگوییم که سلطه سروماهه مالی به چوچمه وجود ندارد، بلکه اینکه بانکها به زائدیه ای صنعت بدل میگردند. ولی من تأکید میگم که سروماهه صنعتی میتواند بانک خود را تاسیس کند و بدین ترتیب است که سروماهه صنعتی و سروماهه بانک ادغام میگردند. این درست همان چیزی است که در حال حاضر اتفاق میافتد. لکن باید اضافه گردد که رفیق بوخارین با تعریف سروماهه مالی رفیق بوخارین موافق است ازهه باش. تخت اینکه سروماهه صنعتی بانکها خود را تاسیس میکند و بدینوسیله تامین بودجه مینماید. دوم اینکه، ادغام سروماهه صنعتی با سروماهه بانک تخت کنترل صنعت و بقصود حمایت از آن صورت میگیرد و بالاخره اینکه گروپه انشکان سروماهه داری بسوی رهایی صنعت از دست بانکهاست، و بانکها بدستگاه حسابداری و تحویلداری سروماهه داران صنعتی تقلیل اهمیتی یابند. هیلفردرینگ خود در این زمینه دستخوش فرآیند تحول گشته است.

در گذشته حزب سوسیال دمکراتیک آلمان بسال ۱۹۲۷، کمیسیون برنامه ای وجود داشت که در آن هیلفردرینگ و کاتوتسکی عضویت داشتند و رآنجا پیغامون این مطلب بحث پرسحراری در گرفت. سرانجام نتیجه ای به برگاه افزوده گشتند را بر اینکه کوشش سروماهه داری در جهت انحصار، به انتراژ amalgamation رشته های صنعت، ادغام مرحل تولید، و تجدید سازمان صنعت در اتفکال

کارتل؟ و تراست میانسیامند. این فرآیند سرمایه صنعتی تجاری و باشک را در سرمایه مالی انعام میگذارد. لذا بنتظر این مارکیسست پیشین، سرمایه صنعتی، سرمایه تجاری و سرمایه باشک رویبرقه سرمایه مالی را تشکیل میدهد. پسندیده شر تعریف هیلفرزینگ دایرس بر اینکه سرمایه مالی عبارتست از سرمایه باشک که در صفت بکارگرفته میشود، چه می‌آید؟ به سر این تعریف چه آمده است؟ بنتظر من آنچه هیلفرزینگ امروز میگوید بیان هجو آمیز آن جزو است که در گذشته میگفت، اما همین هجو نیز تاریخت است. بطئور گل چنین امضا جو رخ نمیهد. و هنگامیکه رخ میدهد منحصر است کنترل سرمایه صنعتی انجام میگیرد.

وتفا به برآسان تاریخ انشاف سرمایه داری میدانیم چگونه سرمایه صنعتی کام به کام بر سرمایه تجارتی تفوق پاافت و چگونه در بسیاری از رشته‌های صنعتی وی سرمایه داران تجاری را واد ارساخت به عمال فروشنده‌ی کالاهای وی بدلت گردش. قدرت غول آسای ستدیکاهو اثباتی این امر را تحقیقا ثابت میکند. این تحول از نکامل خود سرمایه داری ناشی میگردد. بهمان ترتیب باشکای مستقل به عمال و تحوله اران سرمایه صنعتی بدلت گردش که نتیجه اجتناب ناپذیر انشاف بعدی سرمایه داری است.

روزنامه نگاران ما در غالب اوقات لفظ سرمایه مالی را بندوی بسیار غیر مستول بکار میبرند، زیرا غالبا نیز تمد انشد از چه دار سخن میدهد.

بنتظر من باید این لفظ را دقیق‌تر ساخت و آنرا بسطزی که ما میفهمیم بکار بست. من تکرار میکنم که خود هیلفرزینگ تعریف دیگری برای لفظ سرمایه مالی اختیار کرده است. این واقعیت که ما در برناه خود در باره اندعام سرمایه صنعتی و سرمایه تجاری ماده ای را پذیرفته ایم نشانه اینست که از تعریف هیلفرزینگ بسیار دور شده ایم. همانکوئه که برولتار ایا انتقلابی خود هیلفرزینگ را به زیله دان تاریخ افکد، تشریی وی را نیز باید بهمان زیله دان پوتاب کرد.

( ترجمه از متن فرانسه و انگلیسی

د. ک)

در مجتمع عمومی در باره بونامه کمیته‌نون بوای  
مستعمرات

(تئت ۳۵ آویست ۱۹۲۴)

رفقا، هنگامیکه تزما<sup>(۱)</sup> را دریافت داشتم و خواندن آنها را آغاز کردم، لحظه‌ای تصور کشدم که در مسکو نیستم، بلکه در یکی از مستعمرات که تزهای رفیق کوئی نیستند بدانها میور ازد. و هرچه کوشیدم ایران را در این طرح که مالک مستعمره و نیمه مستعمره را به چهار گروه تقسیم نمیکند، بگنجانم عوقق نگفتم. واقعیت‌دار باره‌ی ایران که است؟ آیا ایران میتواند از اکتساب سرمایه‌داری در گزند؟ آیا ممکن است فروا پیک نظام سوریت (شوری) در ایران ایجاد کرد؟ یا اینکه در آنجا باید در فردای انقلاب دیکتاتوری بولتاریا و دهقانان را اعلام داشت؟ آیا میتوانیم انقلاب ارضی را بر انتقام برسانیم، یا اینکه باید از این امر در این کسر چشم ببریم؟ متأسفانه من بدین پرسشها که برای ما اهمیت بسیار زیادی دارد، پاسخی نیافتن.

بنظر من طرح رفیق کوئی نیست پیش از حد کی است و در آن هیچ معنی عقیل (Concretisation) پاافت نمیشود؛ مالک آذربایجان گروه بندی شده است که میسر نمیشود مقام درست هر یک رایی‌بایم. فکر نمیکنم در این امر من تنها باشم. اینکه دارم که رفاقت ترک در همین وضع قرار دارد. مطمئن هستم که رفاقت کشورهای عرب این لحظه نیز در همین موقعیت هستند. در پاره‌ای موارد پسنه سوریه و هندوستان یکجا پسند اخته نمیشود و بدین ترتیب چیزی وارد گردد. و من فکر نمیکنم که برای این مطلب هیچ توجهی نمیتواند وجود داشته باشد. این همه ناشی از آنست که در مورد طرح بدقت تفکر نشده است.

رفقا، ماید اینم که ریختن طرحی، بیویه برای توده‌های بجنین عظمتی که در نقاط گنگان کوه میزیند مطلب بسیار مشکل است، زیرا این مالک تحت اوضاع و احوال ای زندگی میکند که در آنها ما غالباً مورثیندی های اجتماعی را در کار عقب مانده تین مورثندی ها مشاهده می‌کیم. در این اوضاع و احوال بسیار دشوار است تصویری خلاصه ای این مالک گنگان بدستدار.

و اکنون چند کلام پس از این تاکتیک و ستراتژی. رفقا، برای توفیق پیک تاکتیک درست، در این میان کسر باید نیروهای حزارت دهنده، انقلاب در کشور مورد تضرر را بدقت مورد مطالعه قرار دار. باید رانست دردهای این ملکت که اند عواقب مستقیم سیاست فارغ‌گرانه امیرالیسم چیست، و در ادام طبقات بیش از همه از بین امیرالیسم رفع میورند.

در این زمینه تئوری تفلتر (pauperisation) توده‌های عظیم خلقها در کشورهای پهناور خاوری‌یکی از شوریهای جدی است که ما باید توجه خود را بدان معطوف فدارد، و در مورد آن نیز در تزها بسیار کم سخنرفته است. تنها در مفعه ۱۶ بطور گذران نزک میگردد که تفلتر توده‌های رهگانی در مالک مستعمره پدیده ای عویض است. رفقا، نیازی بگفتند تدارد که امیرالیسم

Inprekorr; Ed. Fr. No 128, 25.10.1928; pages 1391-92; Deustche Ausg. Protokoll VI Weltkongress der K.I., III, Nachf. Verl., 1928, seiten 232-38; Engl. Ed., Inprekorr, No. 74, Oct. 1928, pages 1359-60.

<sup>(۱)</sup> تزهای مطروحه در کفره ششم که پسرا ز کفره بین تاییدگان پخش شده بود.

تنهای ده قاتان را به فقر نمیکشاند . اوضاع و احوال در مستمرات ، تبدیل کشورهای عقب افتاده به نامیں کنندۀ ی مواد خام برای مر اکثر منعی اروپا آنچنان وضعی را سبب گشته است که این سر زینهای پهناور واقعاً به مراتق روسیانی شهرهای سرمایه داری بدل گشته است . (\*) در همین زمان هزاران کارگر مشغول در صنایع دستی قادر نبودند با کالاهای ارزان قیمت کشورهای اروپائی رقابت کنند . بهینه سبب ، این بخشها از اهالی به فقر کشانده شده اند و این فرآیند تفسیر رکشورهای خاورزمیان انتقام میابد .

در ایران صرف وارد ساختن چند هزار انومیل ده هزار نسفر از در رشک داران را از کارهای ساخته است . ایشان اگون زندگی محنت باری را سرمیکند . غالباً اتفاق میافتد که این توده های بیخانمان و گرسنه تحت تقدیر ارتجلیعیون قرار میگیرند . بیویه در ایران ارتیاع سخت در صداست این تاریخی را بسود مقاصد خوشبکار گیرد . برویه روحانیون در این جهت درست اند کار انسان . در این زینه کار حزب کمونیست معاشرانست از اینکه زیرگانه با این توده ها تعاسید قرار سازد تا ایشان را از نفوذ ارتجلیعیون بدور سازد و برای مقاصد انتقامی بسیج گند .

در اینجا از صدور سرمایه و صنعتیزیدن ( منعی کردن ) مستمرات سخن بسیار گفته شده است . پیش از این مارکن ایجاد کردۀ است که در کشورهاییکه هنوز دوستان اتفاقیان ( Reprunglisch ) را طی نکرده اند و اهمیات خارجی و بود سرمایه [ خارجی ] میتواند نقش ایجاد آغازن را ایفا کند . مارکعنیتیه ای ایالات متحده را بنوان مثال بکار ببرد تا نشان دهد که انتقال پرچمه ای عالیتری از انتقام سرمایه داری از طرق وارد کردن سرمایه شیر است . در آن دوستان صدور سرمایه اروپائی به آمریکا نقش برداشت متوجه اینها کرد . ولی اشتباہ خواهد بود اگر تصور شود که صدور سرمایه در دوستان امیریالیست نیز ماهیتی متوجه ناردد .

در این رابطه ، باید مکمل اشاره نمود که یک شاهن هم از کشورهای مادر ( متولی ) بدین در نظر گرفتن مقصد معین بکشورهای مستمره خارج نمیشود . کشورهای امیریالیستی صدور سرمایه خود را بر سیاست ستراتژیک استوار میکنند . صدور سرمایه بکشورهای عقب ماند ماستراتژی و برویه ایست بمنظور نفع و اوضاع فرماندهی زندگی انتقامی و سیاسی کشور مورد نظر . وارد ساختن سرمایه بدین یا به آن کشور به همای سال ایست که موضع سماق جانک از بوده است ، زیرا کشورهای امیریالیست این ممالک را جبود میازاند امواج و اقسام امنیات را لعطا کنند ، مدایها قیام و تحریر فردی ترتیب میدهند و تهدید و تهدی و تهدی میزند تا بده فن که تعقیب نمیکند برسند . در بسیاری از کشورهای عقب افتاده مهاجر شینهای خارجی سال است که خود را به پایگاههای نظامی برای گسترش بیشتر نفوذ امیریالیستها تبدیل کرده اند .

نحوه های مکرر و ایران و یک سلسله دیگر از کشورها کافیست نقش صدور سرمایه را در اوضاع و احوال کشوری توضیح دهد . ما باید متواتر ای اتفاقی خود را علیه ستراتژی امیریالیستها تنظیم کیم . ما باید مان مراکزی که از آنها میتوانیم پایگاه انتقامی خود را گسترش دهیم توجه نماییم ای مبذول داریم . ولی تراها [ یک نگاه ] این اصر را روشن نمیدارد که کدام یک از کشورهای مستمره و نیمه مستمره را میتوان از نقطه نظر ستراتژیک معرفی کنیم بشار آزاد .

در اینجا قبلاً گفته شده است که توده های وسیع خلق عرب که بدست بدخشانی و رهایی اینکه امیریالیستی (\*) این همان شمار است که بعد ها از طرف این بخاشو و چین توده ای مطرح شد و ابتکار آن بحساب حزب کمونیست چنین نوشته شد . د . ب .

تجزیه شده است، حتی هم اکون نیز قریانی ستم بسایقه‌ی این قدرها هستد. در تزمیناً  
بسختی میتوان اثنا رهای به تاکتیک هایی که باید در مورد کشورهای عرب، سوریه، بین‌النهرین،  
تونسی، الجزایر، و مراکش اتخاذ نمود، بافت.

این کشورهای عرب از نظر جغرافیائی آنچنان تجزیه شده است که امید زیادی در یگریه باوجود  
حکومت متحده عربی وجود ندارد.

در ایران چه تاکتیکی باید اتخاذ کرد که بهین کشور دیکاتوری پولتارها و مستعمره‌ی پهنا و  
هندوستان واقع است؟

در تزمیناً بر رست اثناه میشود که تیروهای اجتماعی انقلاب جهانی تنها پشتیبان و غافل مطوفت  
رهانی نهانی مستعمرات و نهنه مستعمرات از پوچ امیریالمیم است. این تزها باید در دست برگان  
ستند پیده مستعمرات به ابزاری بدل گردند که بکت آنها بتوانند به شاهراه رهان خود گام نداشند.  
ولسو در این زمینه چیزی در تزمینه نمی‌ناییم. مثلاً، [چنانکه قیلاً] اثناه رفته است، سمله  
مهن چون تبدیل انقلاب بوریا-آر مکاتیک به انقلاب سوسیالیستی-آری به مثاله بر اهمیت  
تیرویکی بوریو و مرافق اختنی مبارزه در چین، هند پا سایر کشورها پرداخته شده است،  
ما از آن قسم از اترها استقبال میکیم که به کمیه اجرای کمیتهن پیغمبهار میکند سازماندهی احزاب  
کمونیست در کشورهای مستعمره را مجدد ابعده بگیرد و برای تحکیم چنین احزابی اندام کند،  
او اوضاع و احوال عینی انقلاب راوسیله ابزار نهضن، یعنی وسیله اراده‌ی سازماندهی تولد همای  
انقلابی این کشورها قوت بخشد. این اصر برای تدارک مبارزه آینده، یعنی هنگامیکه تولد های  
انقلابی به مبارزه قاطع علیه امیریالمیتها دست خواهد زد، اهمیت شایان خواهد داشت.

در زمینه نقش بوریو آری در انقلاب ارضی، تزها معترف است که این انقلاب در چارچوب انقلاب بوریا-آر  
دموکراتیک نیز میسر است. من فکر میکنم که بوریو آری هرگز بدین کاردست خواهد زد  
جاییکه بولتاریا در هدست با دهقانان اندام میکند، جاییکه این طبقه مطالبات طبقاتی خود را علیه  
میدارد، بوریو آری هدایت از انقلاب ارضی خواهد بود، زیرا از انقلاب روسیه در سکونه است. و ای  
میدارد که انتساب ارضی پایگاه مقتدری برای انتکاف بعدی انقلاب است. ولی حتی اگر بوریو آری  
با انقلاب ارضی رفایت دهد، امیریالمیتها آنرا تحمل خواهند کرد.

بررسی از وقتاً در اینجا قبلاً اشاره کرد، اندام که در بعضی از کشورها زمینهای وسیعی در مالکیت  
سوسایله اران خارجی قرار دارد، بوریو و رنقاوی که شوشهای زیرزمینی و منابع طبیعی وجود  
دارد. نیازی بگفتن ندارد که کشورهای امیریالمیسته نه پنجه در این یا آن کشور با تمام وسائل در اختیار  
شان خواهند گشته از انتکاف انقلاب ارضی جلوگیرند. من اینکه بولتاریا مجدانه  
با مطالبات طبقاتی خودش گام بانقلاب دارد، بوریو آری بدنهای متعدد پنهان در میان زمینه اران و امیریالمیتها  
خواهد گشت. ولذا انتکافها هم برای بوریو آری آسان خواهد بود که نسبت به انقلاب ارضی  
اظهار تعاپل کند.

اما در مورد نقش خوده بوریو آری در انقلاب ارضی، من اینکه دارم که وی نیز همانند بوریو آری  
بزرگ در لحظه حساسیه انقلاب ارضی خیانت خواهد کرد. لذا ما نباید باین دل بیندیم  
که خوده بوریو آری در میازدات انقلابی از ما حمایت خواهد کرد. تنها تیروی که میتواند بهانقلاب  
ارضی تحقق بخشد نخست بولتاریا، و دو دیگر، آن بخشانی از دهقانان است که خود را تحت  
رهبری بر ولتاریا و احزاب کمونیست مشکل میازد.

تنها از طرق سازماندادن کارگران و دهقانان، از طریق مبارزه انقلابی مجدانه میتوانهاست که ما بمه  
رهانی خلقهای سندیده مستعمرات دست خواهیم یافت و واگذنی کل نظم سوسایله اران را فراهم خواهیم  
آورد.

# سلطانزاده ایران:

— ۱۹۲۹ —

ПОБОЛЮДОВАНОЕ ДОКЛАДЕНИЕ В СТРАНАХ КАПИТАЛИЗМА

СУПРАВІСТС

- ۱- وضع اقتصادی ایران تکنی
- ۲- همه توافقنامه‌ای انقلابی
- و جنگی پیدا می‌شون
- سلسله رضاخان پهلوی
- ۳- سیاست استعماری امیر
- مالیستهای انگلیسی در
- ایران و نهاد ارک جند طلبیه
- اتحاد شوروی
- ۴- حکومت مطلق و "تعلیم"
- پاکته "سلسله جدید
- در ایران

ПЕРСИЯ



ИЗДАТЕЛЬСТВО ЦК МСНР СССР  
МОСКВА - 1929

## و پنجم اقتصادی ایران کنونی

سیزدهمین امروزی ایران در حدود ۱۶۴۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد . در مورد جمعیت ایران اطلاعات دقیقی در دست نیست . ولی مقامات دولتی ایران آنرا در حدود ۱۸ میلیون تن تخمین میکنند .

جمعیت ایران از نظر ترکیب پذیراً خواسته است . بعلت هجوم اقوام مختلف ، طوابیف متفاوت در ایران سکوت داشته اند : اعراب ، مغولها ، ترکها ، وغیره که بقایائی از آنها تا حال هم بصورت چار رشته بسر میبرند . علاوه بر آن در ایران ملیتهاي مختلف زندگی زندگی میکنند از قبیل کرد ها ، اراوهه ، یهودیها ، گرجی ها وغیره .

همانطور که روش است تغییر راه های تجارتی در دنیا بخصوص کشف راه دریائی به هند سبب سقوط ـ جدی اقتصاد ایران که زمانی رونق زیاری داشت گردید . بزرگترین راه های ترانزیتی که قبل از ایران گذشتند و شرق را بغرب مربوط میکردند قطع گردید و این کشور را رچار وضع مشکل نمود ، چنانکه طی قرون متاخری نمیتوانست کفر خوبی از این ضریب محکم راست گرد . پس از تصرف ماوراء قفقاز و ترکستان از طرف روسیه تزاری و ادامه خطوط آهن تا سرحدات ایران از پکترانکشاف زندگی اقتصادی ماوراء قفقاز و مخصوصاً صنایع باکو ، و صنایع وسیله عموماً ، از پکترنادیگر از سالهای ۸۰ (سده گشته) بعد شرایط بطب ایران به مد او اقتصاد جهانی فراهم گردید . نه تنها طالب جدی محصولات کشاورزی ایران بود ، بلکه ضمناً بعنوان راه ترانزیتی وسیله نزدیک و آمد و شد ایران با کشورهای اروپائی را فراهم آورد .

تیارکال کالا ایران با کشورهای خارجی بطور دائم افزایش یافته و در سال ۱۹۰۰ به ۳۷۵ میلیون قران و در سال ۱۹۱۲ به ۱۱۰۳ میلیون قران رسید ، (واردات ۶۴۶ و صادرات ۵۷۴ میلیون قران) ، در سال ۱۹۲۷-۲۸ آین مبلغ باز هم زیاد نشد و تقریباً به ۱۸۱۸ میلیون قران رسید (واردات ۷۰۷ و صادرات ۱۰۱۱) . اگر از این مبلغ صادرات نفت شرکت انگلیسی در ایران کسر شود ، دیده میشود که صادرات ایران از سال ۱۹۱۳ تجاوز نکرده است . نقشه ده راه تجارت خارجی ایران شوروی و هند و انگلیس پنهان مدارند .

رشد تیارکال کالا سبب بهم خوردن تدریجی انتصارات طبیعی کشور گردید . تأثیر آن بخصوص در نواحی شمالی مشهور بوله است که بخاطر نفع تجارت با روسیه باعث گشت محصولات جدیدی گردید که قبل از وجود نداشتند . یا خیلی محدود بودند . کشت پنبه و پوروس کرم ابریشم و همچنین تربیت رختان میوه و خشک کردن میوه با سرعت پیشتری توسعه یافته و صدور آین کالا ها با سرعت سال بسال افزون شد گردید .

نواحی شمالی در تبدیل اقتصاد خود بصورت کالائی - بولی همیشه در مقام اول قرار داشته است ، و این بخاطر رشد روابط تجارتی ایران با روسیه بود . در این مورد کافیست بدان آوری شود که در ۱۹۱۳، ۶۶، ۱۹۱۲ در حد از صادرات و در حد واردات ایران را روسیه بود . در حالیکه صادرات ایران بکشورهای دیگر بیش از ۳۴٪ را تشکیل نمیدارد .

چنانکه معلوم است روابط کالائی - بولی با توسعه سریع خود نمیتوانست سبب افزایش قیمتها نگردد . سرمایه بصورت تجارتی آن و با حق تقریباً نامحدود استنمار رهگان امکان پیدا کرد سود حد اکثر را از زمین تحصیل کند . بهمین دلیل هم زمین ها از طرف سرمایه دار با اشتیاق خرید اری میشوند .

سود هندی زمین سبب گردید که زمینهای آزار از طرف نزدیکان شاه و جع کنندگان مالیات تصرف شوند . در نتیجه املاک بزرگ قزوین الى در بعضی جاها بقطعتات کوچک تقسیم و بوسیله تا جردن سرمایه دار خرید اری میشوند . مالکیت قزوین الى نیز که قبلاً فضای بزرگ را اشغال میکرد حالاً بدروج تحمل میورد . ولی در هر حال اینگونه تغییرات انتقالی در طرز تولید نداشته است .

برخی از قنوات الهای تحت تأثیر رشد اقتصاد کالای سبوقی خود در بازار شروع بکار میکند، مخصوصاً در قسمت صادرات، خصوصاً با توجه به اینکه مالکین از نوع جدید بروزی از شاهنشاه تأم اختیاراتی را که قبلاً قنوات الهای داشتند در ریافت میکنند، تشخیص روابط مالکیت جدید بیان ازه مشکل میشود.

ایران کشور بزرگترین مالک هاست. بعضی از آنها پانز ازه کشور هلنند و بلژیک زمین دارند. در حد زمینهای قابل کشت متعلق به تقریباً سه هزار مالک و فتوادال و روچانیون میباشد. چهار درصد زمینهای در دست دولت است. در عوض میلیونها دهقان ایرانی تنها صاحب ۴ درصد زمینهای میباشد که از آن ۲/۵ در حد ۱ درصد در مالکیت دسته جمعی است.

موافق یک قاعده عمومی زارع ایرانی اجاره دار است و از بابت زمین و آبدار حدود ۴۰ درصد محصول را به مالک تحول میدهد. اگر زارع بی چیز باشد و برای سخنم زدن زمین از گاو ارباب استفاده نکند، در این صورت سهم مالکانه تا ۶۰ درصد میرسد. بعلاوه دهقان ره در حد محصول را بعنوان مالیات باید بدولیست بپردازد. (این ضمانته علاوه بر انواع مالیات غیر مستحب است که زارع تأثیر میکند) درنتیجه از درست دهقانان عمل ۷۰ تا ۷۲ درصد محصول گرفته میشود. و اگر بموارد بالا هدایای دهقانان با ارباب خود در اعیان بزرگ و بیگاری سالیانه او هم اضافه گردد، وضع فلکات بار دهقانان ایران را مبنیان مجسم ساخته.

اراده ارباب برای دهقان قانون است و گزنه زمین اجاره ای را از دست نمیگیرد. لذا دهقان مجبور است از دنیان روی جگر گذشت و اطاعت کند.

بدین ترتیب از اینکه دهقان ایرانی بیوسته در حال احتیاج بسر میرد کس نباید تعجب کند. مالکین از این فقر و احتیاج حد اکثر استفاده را میرند.

در ایران تقریباً از همه جا پیشخرید محصول دهقان رایج است. ارباب استفاده از وضع فلکات بار دهقان محصول او را به ۵-۶ درصد قیمت خود پیشخرید میکند. این "معامله" بخصوص در نواحی شمالی که محصولات کشاورزی ایرانی اصنایع فراهم میشود متاً اول است، مانند مازندران که حدی هشتاد محصول پنهان دهقانان آشیانی میباشد. و هیچگونه قانونی هم برای چنین خرید و فروشی نیست.

زه در دهه ۳۰ کشور اسلامی اروپائی زمانی به بنیسترسید و خود قدرت خروج از آنرا نداشت. رشد صنایع در شهرها سبب ایجاد نیروی انقلابی گردید که قادر بودند رژیم قنوات الهی را از هم پاشیده و راههای تازه‌ای را نه تنها برای ایجاد صنایع بلکه کشاورزی هم باز نمایند. صنعت شرایط فنی و علمی را برای ازدیاد بهره رهی کشاورزی فراهم ساخت و با بکار بردن ماسنین و کود شیمیایی موجب انفلاکت در روزوستا گردید. در نتیجه تولید عظیم کاپیتلالیستی به تولید انفرادی دهقانان بیشی گرفته و مادر امیکه زمینهای در درست اشراف زمین دار و ارتیاع شاه و انگلیسیان باشد، امیدی هم بدرآمدن از این بنست موجود نیست.

بعد از سیاست فارنگرانه امپریالیستها، صفت در ایران وضع اسف‌انگیز را دارد. رشد آن غیر از صنایع فرش‌بافی و تا اندازه‌ای پارچه بافی بین اندازه کند است. رشته‌های دیگر صنایع هم وضع نیمه درستی دارند.

اضافه جمعیت‌های بطور ممنوع بیمل شاه و مالکین پیدا شده است، تعداً اکثری بیکار بوجود میآورد که صنایع ایران باشد ضعیف خود قادر بجذب آن نیست. پاتجهت هم هزاران کارگر ایرانی بخارج از کشور ترکستان، فقفاز و استانبول بدبیال یافتن کار میورند. کسانیکه هم توائمه در خود ایران کار پیدا کنند در حال نیمه گرسته زندگی میکنند. در گشور شاهنشاهی بهلوی قانون کار عمل و وجود ندارد. مدت کار بستگی بیمل کار فرما دارد و بعضی از ۱۴ ساعت در روز میرسد، در مرور بهداشت کار نیز صحبت زیارتی خواهد بود. در شرکت‌نفتخانگلیسی‌های متعدد نیز کارگران وضع خوبی ندارند. در اینجا در حدود سی

هزار نفر از جمله چند هزار گارگر هندی کارمیکنند . سنتزد کارگران ایرانی بی اندازه پائین و ماهیانه بیش از ۲۰ رویل تیست . اکتریت عظیم کارگران در آلتون های بی د و پنجه زندگی میکنند ، اما در مقابل آن شرکت سالیانه ۷۰ میلیون رویل طلا سود خالص دارد .

محبیط در مناطق جنوب همیشه حالت انفجاری دارد . نفتکارگران از کارگران و عمال آن بقدرتی زیاد است که بعضاً کوچکترین حادثهای سبب تشنج جدی میگردند . در تظاهرات‌ماه ۱۹۲۱ که در حد واده هزار نفر کارگر در آبدان جمعیت‌های بودند کار بجایی کشید که تنها واحد های نظامی ایران بلکه زره پوشش‌ای انگلیس هم از بصره مؤسسات (تفصی) فرا خوانده شدند .

### عصر توفان‌های انقلابی و چگونگی پیدایش سلسله پهلوی

سلسله قاجار که با رفت و بدون خونریزی از تاج و تخت خود بنفع سلسله پهلوی دوگذشت ، بطور عده به اشراف زمیندار ، صرف نظر از آنکه نسبت قدر ال داشته باشد یا "سرمایه دار تجاری" ، و صاحبان زمینهای پیشکشی دولتی تکیه میکرد .

پایگاه دیگر قاجار روحانیون و بخصوص قشر فوکان آن بود که علاوه بر زمینهای موقوفه ، نیزه‌های اشرف زمیندار املاک بزرگی را در اختیار داشتند . سیاست رهبری کنده ملکت در دست آنان بود .

در هر حال انتکاف ایران برخلاف کشورهای دیگر راه زیاد همواری را در مقابل خود نداشت ، بعلت تصادم منافع در طول قرن نوزده میازده حادی در بین انگلیسی و روسیه وجود داشت که در اوایل قرن بیست و نهم به تقسیم ایران به مناطق نفوذ گردید (۱۹۰۷) . هم روسیه و هم انگلیس در طی انقلابات ۱۹۰۷-۱۹۰۹ قاطعی از سلسله قاجار بعمل می‌برند . در آن‌زمان انگلیس سعی میکرد قسمت جنوب ایران را تصرف نماید . روسیه هم با اعزام نیروهای نظامی خود انقلاب ایران را خفه نمود . در نواحی شمالی طبقات شوتند و بخصوص اشراف زمیندار که قسمت اعظم زمینهای حاصلخیز را در دست داشتند بر اساس وضع اقتصادی خود تمام‌آمد . باستثنای اقلیت ناچیزی ، طرفدار سیاست روسیه در ایران بودند ، زیرا بدون بازارهای روسیه آنان امکان حیات نداشتند . بسته شدن بازارهای روسیه بر روی مالکین شمال معنی ورشکستگی کامل آنان بود . بهمین دلیل هم طی قرن ۱۹ در بین طبقات شوتند شمال و جنوب میازده برقرار بود . مالکین شمال بهمراه صادر کنندگان و وارد کنندگان یعنی باصطلاح کمپارورها و تاجرین بزرگ پشتیبان سیاست روسیه ، و مالکین و روسای ایالات جنوب بعلت اشتکان منافع مشترک با انگلیس‌ها . طرفدار سیاست آن دولت بودند .

جنگ اول جهانی و بعد جنگ اخلى روسیه و بسته شدن سرحدات شمال بورزوایی کمپارور را بسی اند ازه ضعیف می‌نمود . باز شدن سرحدات روسیه (بعد از خاتمه جنگ اخلى) وضع بورزوایی کمپارور را بهتر نکرد . ملوشدن صنایع در شهریوری و انصمار تجارت خارجی بوسیله آن دولت ارتباط موسسات کاپیتانیستی را از دست کمپارورها گرفت . عدم امکان تجارت آزاد با روسیه و بالاخره نهدید راهی نفوذ انقلابی و پشتیبانی شوری از جنبش‌های انقلابی موجب تغییر جدی سمت بورزوایی ایران گردید . اشراف زمیندار بزرگ ایران شمالی هم که قبل طرفدار روسیه بودند . جهت خود را عوض نمودند . با پشتیباب قرارداد آنکه ایران را بکن و باسته امپراتوری انگلیس میکرد . در واقع نشانه سمت‌گیری جدید طبقات شوتند در ایران بود .

از اکبر ۱۹۱۲ حواله با سرغفت گیج کنده ای رشد کردند . اعلامیه حکومت جمهوری شوروی مبنی بر اصل عدم مداخله در امور داخلی ایران ، لغو قراردادها و امتیازاتی که بوسیله روسیه تزاری با ایران بسته شده بودند ، تخلیه نیروهای روس از خاک ایران - برای انگلیس معنی پایان یافتن کامل نفوذ روسیه در خاور -

— میانه بود ، نفوذی که در حد سال اخیر انگلیسی ها را مجبور میکرد که رانها حساب آنرا داشته باشند .  
دنیال ارتش روسیه، انگلیسی ها بمنظور ایجاد مانع در قفقاز و ترکستان در برابر روسیهای شوروی بشرق ، شروع به پیشروی بسوی شمال ایران نمودند . لیکن تعریض پیروز مند آنها را تسریخ بزودی آزووهای انگلیسی ها را نقض سر آب ساخته اشغالگران انگلیسی باکو و ترکستان را تخلیه و بقباب ایران عقبنشینی کردند .

فوار امپرالیستهای انگلیسی از مأواه اقفال ، برقراری حکومت شوروی در آذربایجان ، وجود نیپروی در ریائی سرخ در سواحل ایران و در ریای خزر تقریبا در تمام نواحی شمال موجب جنبش انقلابی گردید ، که در نتیجه وضع کاملاً مشنجو در داخل ایران ایجاد کرد .

خطور ائم جنبشیان انقلابی ، نفرت عصی خوده بورژوازی و دهقانان از رژیم اشغالگران انگلستان به اشراف ایرانی و بورژوازی کمپاراد امکان نداد که قرارداد ۱۹۱۹ را برحله اجرا در بیاورند . لیکن قبل از قرارداد ۱۹۱۹ تغییر سمت بطرف انگلیسی دیگر عملی بود انجام یا فته و قرارداد اخیر فقط نتفت مدرکی را داشت که چنین تغییر جهت را تثیت نماید .

انگلستان با مشاهده عدم امکان اجرا شدن قرارداد ۱۹۱۹ تاکتیک خود را تغییر و در حد پیش از کردن راه حل دیگری جهتنتیل بعطف نماید . نتیجه سیاست جدید انگلستان کوتای اوایل سال ۱۹۲۱ در تهران بود که بوسیله سید ضیا الدین انجام گرفت . پیدا ایش سید ضیا بعنوان طرش ارشناخته شده انگلیس در روحشته میباشد همه و بخصوص خوده بورژوازی را بترساند . بازار تهران عکل السمعلیین اند ازه شدیدی در برآبر آن داشت زیرا در آن زمان وضع انقلابی در ایران خیلی نیرومندو نظرت از سیاست اشغال گرانه انگلیس بسیار عصی بود .

چند ماه قبل از کوتای سید ضیا رضاخان بوسیله انگلیسیون نظامی انگلیسی ایران بریاست وزرال دیکشن انگلیس کار خود را خاتمه دارد . این کمیسیون نقشه مسلح کردن ایران و دفاع آنرا در برآبر بشویسم خارجی و داخلی تهیه میکرد به تصمیم گرفته شد که با تخلیه ایران از نیروهای انگلیسی ارتش مملو ایجاد شود . برای اجرای آن دیکشن رضاخان را که شخصا از هعد امن میشناخت بعنوان وزیر جنگ در نظر گرفت .

واقعیت اینکه کوتای سید ضیا — رضاخان بوسیله انگلیسیها سازمان داده شد هنوز برای عده مای کمال از وشن نمیست . تا با مرور هم عده زیادی بر رضاخان با چشم دیگری نگاه میکند تا سید ضیا . در هر حال رضاخان نمیتوانستند آنکه همکار او مجری سر سپرده نشته های انگلیسی هاست . بعضی از رفقاء در مقاماتی که اخیرا در روزنامه ها منتشر میشود سید ضیا را عامل واقعی انگلیسیولی رضاخان را برخکشانند کوتای سان و بیگانه معرفی میکنند . لیکن واقعیت تاریخی را نمیتوان نادیده اینکاشت . چگونه میشود باره داشت که از دو رهبر همطر راز کوتای ۱۹۲۱ یک عامل انگلیسی دیگری دشمن آن ، یکی خائن و دیگری "پیشوای طبل " ایران باشد و هیچ گونه ارتباطی هم با یک دیگر نداشته بوده باشد . متأسفانه ، چنانکه وقایع بعدی نشاند در اند سید ضیا و رضاخان در رویی یک سکه اند متنها موافق که ماهیت سید ضیا بعنوان عامل انگلیسی بطورنهایی فاش گردید ، سفارت انگلیسی در تهران رضاخان را جهت اجرای سیاست او تعیین نمود .

رضا خان قبل از هر چیز شروع بسرکوب جنبشیان انقلابی در گلستان و خراسان و آذربایجان نمود . این اقدامات در جای اول مورد تائید جدی و پشتیبانی انگلیس بود . حتی موقعیتکه در رسال ۱۹۲۵ با احساس قدرت خود قبای جمهوری خواهی را گند و در تهران سازمانهای جمهوری خواهی و از جمله اتحادیه کارگران را متلاشی کرد و بوسیله استاندار اران خود مرتبتترین تاییدگان روحانیون و اشراف زمیندار را به مجلس هم‌وسایان ازمام نمود و نامزی خود را برای شاهی مطرح ساخته عده ای از " رجال " جدید ایران در برآبر " دهله " رضاخان حیرت زده شده و در مقالات و سخنرانیهای خود کلمات متناسبین را که بعواند این " قهرمان " مبارزه با امپرالیسم

انگلیس را تحسین کند، چنی باقتنست.

رضاخان شاه شد و اولین قدمی که بعد از شاهی بود انتخابات فلاحی برای مجلس شورا و سپس دن امور دولتی بدست طرف اران و فقار ار انگلیس بود.

او با خشوت باز هم بیشتر هرگونه انقلابی در کشور خفه و جنبش‌های تازه‌ای را که در سال های ۲۲-۹۴۶ در گیلان خراسان و آذربایجان رخ داده بود باشد بسیاری ای سرکوب نمود. توده های مرد هرا بدئو رسید کی و در اگاه تیرباران نمینمود. در اعدام انقلابیون گیلان شقاوت‌بخصوصی داشت. بیست نفر از آنان را در اکبر ۹۴۷ در رشت و در انتظار عمومی اعدام کرد.

در هر حال، وظیفه رضاخان بسرکوبی بولشویکهای را خلی محدود نمیشد. لازم بود کشور را (در کار انگلستان) برای مبارزه با بلشویکهای خارجی آماده سازد. این مسئله اصلی کمیسیون نظامی ایران و انگلیس بود. لذا می‌بایستی همان طوریکه وزرا و دیپلماتیک این مسئله را در گزارش خود مینویسد. ارتش ملی ایران که در پشت سرخود ذخیره بزرگ را داشته باشد "ایجاد گردد، ایلات خلخ سلاح شوند و دستگاه دولتش با مرکزیت بوجود آید. والا این ایلات مسکن است بوسیله کشور همسایه (بخوانید شوروی) برعلیه دولت تهران صום شوند و آنوقت مقابله با چنین "اشرار صلح" بیشماری مشکل خواهد بود.

با این ترتیب مبارزه در راه مرکزیت مملکت نه برعلیه قنود الیسم و نه بمنظور خانه را در اشکال کهنه اقتضای بلکه بر عکس برعلیه ایلات و برای ایجاد یک دولت مرکزی پاییس انجام می‌گرفت که "صلح و آرامش" و باصطلاح "امنیت عمومی" را برقرار سازد. برای امیریالیستها انگلیس هم فقط همین لازم بود و نه مبارزه با قنود الیسم.

بعد ها نیز اینگونه مرکزیت کار انگلیسیها را در واقع خیلی آسانتر ساخت. قبل از دولت مرکزی قرار نبود سرمایه های انگلیسی را در جنوب کشور دیگر برای تهدید اراده ائمی از طرف جنبش‌های ایلات حفظ نماید و لذا دولت انگلیس همیشه مجبور بود یک ارتش تمام ایران را در جنوب ایران نگهداری نماید تا بتوانید مردم ایران را استثمار کند. ولیکن مرکزیت اداره ارتش ایران کار انگلیس را خیلی آسان نمود، زیرا از این بعد حفظ منافع آن کشور را در ایران حکومت‌آجدهایی پسریست رضاخان بعده که گرفت. بعد طولی نکشید که رضاخان با احساس وقوعیت "باند ازدکا فی" حکم خویش بانقلابیون اعلام جنگ دارد. عده‌ای از فرقای ما را زندانی کرد و بدون رسیدگی و محکمه تیرباران نمود و وضع شخصی خود را نیز محکتر ساخت.

رضاخان از طریق تصرف اراضی دولتی و خصوصی بزودی تبدیل به بزرگترین مالک کشور گردید. طبیعی است که بعد از چنین "تغییر و تبدیلی" رضا خان میتوانست تکیه گاه خود را تنها در بین اشراف زمیند ار و قصر روحانیون جستجو و پیدا کند. با این تکیه گاه بورزوای کهیار رهم میبینند و آنوقت همه بااتفاق هم تبدیل میشوند تکیه گاه مطمئن انگلیسیها.

لذا نکیه گاه رضا خان را نیز نظیر سلسله قاجار، اشرف‌میند ار، روحانیون، و بورزوای کهیار تشکیل می‌دهد، یعنی همان طبقاتی که در طی دهها سال سرمایه را از خارجی متکی به آنها بود. بهمین دلیل هم اینکه رضا خان روح استعماری انگلیس را ایران و مجری واقعی آنست کسی را تباید منتخب سازد. بیجهیت نیست که سفارت انگلیس را ایران با موافق کامل شاه کابینه را در تهران از افراد سر سپرده لندن تشکیل و برای اختفا آن برخی از "پدران ملت" را هم نظیر مستوفی المالک لیبرال بدون کارکنو و پرنسیپ را با آن وارد می‌کند، کسانیکه بیشتر ترجیح می‌هند در باره لیبرالیسم و راجی کنند و کترور فکر تحقیق آن بوده باشند.

## سیاست‌امپریالیسم‌ای انگلیسی در ایران و تداوک‌جنبگی علیه ایجاد شوروی

شیوه‌های حکومتهای امپریالیستی در سلطابکشورهاییکه هنوز مستعمره نیستند معمولاً عبارت از اینست که قبل اختریاً احتمالی از قبیل نقطه و راه آهن وغیره دریافت و از طرق استقرار پژوهانه آن کشور مفروضرا به اسارت مالی و اقتصادی خود درآورند . در این مرور ایگستان در طول قرن نزدیک و با تمام قوا در ایران دست‌بکار برده است . حالا آن دولت‌میتواند بگوید تنها کشوری است که "منافع حیاتی" در ایران دارد (این افاده‌ایستکه امپریالیستهای اشغالگر برای مخفی ساختن مقاصد اصلی استعمار خود بکار میبرند) . سرمایه انگلیس مبلغ گرفته را در ایران تشکیل میدهد . امپریالیستهای آن کشور بکل وزرا وطن فروش شاه و از راه بول و تهدید سروشوست مملکت را در دست گرفته اند .

یکی از امتیازات عده انگلیس که وسیله اسارت اقتصادی ایران است بانک "شاهنشاهی" یا "بانک امپراطوری" است . این بانک که در تمام شهرهای بزرگ شعبه دارد با تمرکز انتبارات و معاملات اسکناس ر و دست‌خود وابستگی مالی ایران را بانگلیس بنازد میگرد آند . بانک‌نامه‌ای این‌جهت علاوه‌عوان بر سر و صد ای خود "بانک امپراطوری" بطوط ساده متعلق به جمعیت سهامداران انگلیسی است که بر اساس امتیاز ۲۰ وانویس ۱۸۹۹ بوجود آمده است . سرمایه اصلی آن چهارمیلیون لیره سترلینگ و با حقوق استثنای برابر چاپ‌اسکناس تا سال ۱۹۴۹ میباشد . در عین حال این بانک واسطه مستقیم قراردادهای استقراض ایران و انگلیس نیز هست . کنزل جمع آوری حقوق گمرکی نواحی جنوب‌هم در دست بانک مزبور است . زیرا مبالغ نامه‌ای بصرف تاریخ‌پژوهی ایران به انگلیس میرسد . در هر حال فعالیت‌بانک شاهنشاهی باین‌جا ختم نمیشود . در هر لحظه ایرانی را در جار و روشکنی کامل نموده است . ولذا این بانک در دست انگلیس تبدیل شده است بوسیله نیرو — مندی برای دخالت در سیاست اقتصاد ایران . با تقلیل و یا ازدیاد خود سرانه ارزش‌تومان ، پیروی از ارزش لیره انگلیسی ، اختیار دادن بمحاذ تجارتی وابسته‌بآن دولت و بایکوت کردن کسانی که با شوروی رابطه تجارتی دارند و بالاخره پور اخت‌هزینه آنتذاباتی دوستان انگلستانیه مجلس‌شورایی ملی ، بانک زامبره ابزار مهمن است جهت اعمال نفوذ انگلیس در ایران .

وزارت‌دار اراثی روسیه تزاری در زمان خود بمنظور رفاقت با انگلستان "بانک استقراضی ایران" را ایجاد نموده که سیاست مشابه ای را بنفع امپریالیسم روسیه دنبال میکرد . برای اینکه ایران بتواند مقاومت خود را در برابر فشار مالی خارجی زیاد کند حکومت‌شوری این بانک را به دولت ایران واگذار نمود .

ولیکن رضا خان خیال مقاومت در برابر سرمایه‌خارجی را نداشت حتی حد تزايدی در ایجاد بانک ملی ایران مزدود بود . شاید فکر میکرد که وظیفه بانک دولتی را بانک ایگستان انگلیسی بهترانجام‌می‌دهد ؛ بهره‌حال بالآخر تحت فشار محاذ تجارتی و رضاخان با سرمایه ناچیزی مجبور بایجاد آن گردید . ولما حق چاپ اسکناس همچنان در دست بانک انگلیسی‌باقی ماند .

بزرگترین موقعیت‌دار بی‌لاماس انگلیس در ایران امتیاز نفت جنوب است . این شرکت در واقع دولتی است در داخل دولت‌با پاییز مخصوص روح حق استثمار کارگران بدل خود .

در حوالی میدان نفتون که بطوط عده استخراج نفت در آنجا متعرک شده است شهرها و ارد و گاههای بدرای سکونت کارگران و کارمندان خارجی وجود دارد . قسمت‌اعظم کارگران متخصص از هند استخدام میگردد . در سال ۱۹۱۶ لوله نفتی بطول ۱۴۵ میلی انگلیسی تا محل تصفیه کشیده شد . استخراج نفت سال بسال با سوعت باور نکردنی افزایش میابد .

طابق نظر جمیعت زمین شناسان امریکائی مایع نفت ایران از لحاظ خیره جای دوم را در دنیا  
اشغال میکند ، مقدار استخراجی فعلی آن بعد از امریکا و مکزیک و شوروی در مقام چهارم قرار دارد .  
استخراج با سرعت زیادی بالا میرود . در سالهای ۱۹۱۲-۱۹۱۳ مقدار آن از ۸۱ هزار تن تجاوز نمیکرد  
ولی در سالهای ۱۹۲۷-۱۹۲۸ تقریباً به ۶ میلیون رسید .

شرکت نفت انگلیسیو ایران تحت کنترل دولت انگلیس قرار دارد . و در واقع یک موسسه نیمه دولتی است  
امپریالیست های انگلیس بانتظار حفظ برتری در ریاضی خود قبلاً زنجیری از ایستگاههای شناور زغال سنگ در طول  
راه در ریاضی جبل الطارق - کلکه وجود آورده بودند . حالا باین ایستگاهها ، ایستگاههای نفتی را نیازمند  
کرده اند . نفت برای کشتی های جنگی و تجاری و هواپیماهی اهمیت بزرگی پیدا کرده است . بهمین دلیل  
هم انگلستان با تمام قوای سعی دارد مقدار استخراج نفت و تصفیه آنرا افزایش دهد که در صورت جنگ بتسواده  
مستقلان نیروی عظیم در ریاضی و هوایی خود را ثأتمیں نماید .

اگر بدقت موقعيت ایستگاههای نفتی انگلستان بررسی شود معلوم میگردد که این دولت علاوه بر استقرار  
آنها در نقاط مختلف جهان استراتژی دیگری را هم تعقیب مینماید . این ایستگاههای اطراف تره پاناما ،  
در طول خط جبل الطارق - مالت ، اطراف تعریف سوئیز ، و عموماً در در ریاضی خط سوتز عنده سوکوترا کویت و  
بحیرین گسترش داده اند که در صورت رقابت انگلیسیو آمریکا اهمیت مخصوص خواهد داشت .

اگر نفت ایران نبود انگلیسی ها بندرت میتوانستند چنان نقصه عظیمی را تهیه کنند . باینجهت هم  
ایران در سیاست انگلیسی نقص بزرگی را بازی میکند .

قبل ایران برای امپریالیسم انگلیسی دارای اول اهمیت استراتژی برای پوشاندن هند و سلطان داشت ،  
ولی نفت در دوره اخیر اهمیت ایران را برای انگلستان از نظر اقتصادی بین اند ازه بالا برده است . استحصال  
نفت ایران تبدیل میشود بیکی از عوامل قدرت اقتصادی و جنگی انگلیسی ، و باین دلیل هم فعالیت امپریالیسم  
انگلیسی در سالهای اخیر زیاد تر گشته است .

و سیله اتصال مصر از راه فلسطین و عراق به هند و سلطان ایران است . از طرف دیگر ایران بهترین سرپیل  
است برای جنگ آینده انگلیسیها شوروی . در تعقیب چنین هدف در هند ارتش جدیدی که مستقیماً تابع لند ن  
است تشکیل میشود و تقنی تعمین کننده را باید بازی کند .

بدین ترتیب اقتصاد کشور تمام در دست امپریالیستهای انگلیسی است . دولت مزبور برای استحکام  
موقعیت خود در ایران نگرانی ندارد . زیرا رضاخان در اتحاد با مالکین و روحانیون تکیه به سیاست استعماری  
انگلیسی در ایران است . انگلیسیها رضاخان را سوکار آورده اند . نامبرده نیز با صداقت و صمیمت با آنان  
خدمت میکند . هرگاه لازم باشد و بخصوص برای سرکوبی جنبشیان انقلابی کارگران و دهقانان و نجات سلطنت  
رضاخان انگلیسیها از هیچ گونه کمک معاایقه نمایند سرکوتاه ترین مد تدقیق از زمین رو شدیده باشد - هوا  
پیما و وزه پوشو کامیون بکمک قوای دولتی برای سرکوبی شورشیان مشتابند ، اصری که در جنبشیان اخیر  
خراسان مشاهده گردید . میگویند دستدار استرا میشود . رضا خان جری سیاست استعماری انگلیسی در ایران  
است دولت اخیر نیز با تمام قوا از شاه جدید پشتیبانی میکند . و سنتگینی همه اینها بد و شرمدم ایران است .  
با این همه فقط سیاستگران بین وجود آن مبنیانند تائید کنند که گویا رضاخان بر علیه امپریالیسم انگلیسی هزار میکند .

در هر حال در برای رضا خان مسائل بزرگی قرار دارد . کشور فقیر و نیمه گرسته بحساب سخاوات رضا  
خان باید در راه حفظ صافع انگلستان صد ها میلیون صرف آماده کردن ارتش بیند . بعد از سرکار آمدن  
رضا خان ۱۹۲۱-۱۹۲۲ ایران در حدود یک میلیون قران خرج ارتش کرده است ، یعنی اینکه سالیانه ۴۰ درصد

بود جه کشور بمصرف آمارگی بحقنگ میرسد.

علاوه بر آن حکومت رضا خان تصمیم گرفته است مبلغی هم برای روز مبارا نخیره کند . باین منظور عواید شرکت نفت ایران و انگلیس از بودجه سالهای ۱۹۲۶-۲۸ حذف و در لندن نخیره میشود تا ۲۰ مارس ۱۹۳۰ مبلغیاید ۱۳۵ میلیون قران بر سند .

احتیاج ایران نظامی و پلیس به پول خارج از اندازه است . ولذا علاوه بر اینکه فشار مالیاتی لینقطع زیار میگردد انواع انحصارات نیز بوجود میآیند : انحصار قد و چای ، تریاک و توتون وغیره . و تمام اینها برای آنستکه ایران ارشن بزرگ آماره سازد . برطیه کی ؟ فعل این مسئله عینتاً تخفی " است .

### حکومت مطلقه " صلیم یافته " سلسله جدید در ایوان

چنانکه قبل نیز نگردید عدهای از اشخاص ساده لوح در شوروی و در خارج از آن نزدیک است رضا خان را رفیقیست کبیری قلمداد کنند . در این مرد بخصوص خبرنگاران روزنامه های انگلیسی در تحریر صورت آمیزی میباشد . مشلا ( The Near East And India ) ( نمره ۱۹۲۹ و زانویه ۱۹۳۰ ) مینویسد " ایران برای کشورهای مسلمانی که نمیخواهد راه ملک ارویای غربی را در پیشگیری میتواند نسونه آموزنده ای باشد . زیرا او میداند چگونه امواج غیر قابل پیروزدن ارجاع را پیش بینی و ساخت سازد " . واما به طوریکه معلوم است انگلیسی ها پشا خان را بخاطر فرمهای ناقص الخلل " او از قبیل بسرگرد اشنون اجباری کلده پیشوای پیشگیری و آرام ساختن امواج ارجاع تحسین میکنند . در اوقاع بر عکر این تحسین برای آنستکه رضا خان نه تنها بر علیه چنینها ای انقلابی علني بلکه هر گونه " افکار انقلابی " هم با بیرونی نام مبارزه میکند .

در سالهای آخر سلطنت قاچاریه شعار انقلاب ایران ( ۱۹۰۶-۹ ) کم و بیشتر رباره آزادی بین و قلم و سازمان غیره که بقیمت خون رحمتکشان ایران تحصیل شده بودند مراعات میگردید . در سال ۱۹۲۱ حزب کمونیست ایران در تهران حتی دارای ارگان سیاسی علني بود و اتحادیه کارگران پهله در تهران و چه در ایالات فعالیت علني ، کلوب و نشریات مرتبت خود را داشت . ولیکن بمحض اینکه دست نشانده انگلیسی و ضعیف خود را که تثبیت نمود تمام سازمانها ای انقلابی را از بین برد . از این سرنوشت حتی سازمانها ای بورژوازی که اندکی و نگ چپ راشتند بنصب مانند اتحاد ایرانیان جوان ، اتحاد رانندگان که رهبری آنها تماماً در دست اربابان ماشینها بود .

در رباره سازمانها که کم و بیش محتوی چیز را شتند دیگر احتیاجی بوضیع ندارد . در اینجا خود سری شاه جدید موزی برای خود قائل نیست . او طرفدار اصل " کسیکه با من نیست مخالف من است و لذا باید نایبر گرد " میباشد . در نتیجه هر آن چیزی که در مملکت مترقی بود بشدید ترین نحوی تحت تعقیب قرار میگرفت .

در مورد احزاب سیاسی ایران غیر از حزب کمونیست صحبت جدی نمیتواند در بین باشد . اغلب دسته بندیهای سیاسی در دوره مبارزات انتخاباتی بوجود آمد و میآیند . بعضاً این دسته ها مدتی بضر خود ادامه و عنایتی هم روی خود مینهادند ولی در هر حال هیچ وقت شبهه احزاب اروپائی نبوده اند . با این حال در ... صحته سیاست ایران احزاب بزر پیدا شده اند :

دموکراتها ، سوسیالیستها ، ایرانیان جوان " ایران نو " وغیره ؛ ولی اینان بدون اینکه اتری از خود بجهای که ارتد از بین رفته اند . معهداً چنین امری مانع آن نمیباشد که یک نفر ایرانی خود را دمکرات ، سوسیالیست وغیره بداند . تا همین اواخر حتی در مجلس فراکسیونی باش ترقی بود در حالی که همه میدانند چنین حزبی هرگز وجود خارجی نداشت . اکثر این باصطلاح احزاب بستگی به رهبر خود داشتند . اگر دولت در انحلال

آنها کم تأثیر روا مید اشت این ۳ احزاب خود بخود بعلت خارج شدن رهبران از صحته سیاست از بین می فتد.

قوی ترین حزب ایران همیشه حزب برای پنهان حزب نزدیک یکان شاهنشاهی و یا دیقطر حزب کامه لیسان شاه میباشد . در رأس این حزب فعلاً نهاده تا خوزیرد بردار قواره ارد . حکومت هم در واقع درست این نزدیک سرگردان است . انتخاب استاندار اران وزرا ، سفرا و حقن وکلای مجلس و سیله این حزب "کامه لیسان بعمل می آید . عمال پلیس مخفی هم چه در ایران و چه در خارج از آن زیر نظر همین دسته نزدیک سرگردان نهضت باشد . تمام بازداشتایی هم میباشد . قبل از مغل کرم این اشخاص برای استوزیر دیوار تصویب میگردند .

در مقابل تمام این احزاب طبقات شرمنده ، حزب کمونیست جای گرفته است . این حزب در آتش چند داخلي متولد و از روزهای اول موجود پیش خود نیز (مه ۱۹۲۰) با جدیت تمام در چنگی انقلابی (۱۹۲۰) شرکت نمود . از زمان گذره اول (سال ۱۹۲۰) تا ۱۹۲۷ یورشیای متعددی را از سرگردانه استه .

یک وقت رضا خان تصور میگرد که حزب کمونیست را بلکی ریشه کن ساخته است . ولیکن در اوآخر سال ۱۹۲۷ حزب گذره روم خود را تشکیل نمود و بکل کمیترن شروع سازمان ندادن صفو خود نمود . اگون با جرئت میتوان گفت که در تمام ایران یک حزب بیشتر وجود ندارد و آنهم حزب کمونیست ایران است . علی رغم تمام تلاش حکومت رضا شاه حزب کمونیست در توده های کارگران نفوذ زیاد داشته و در واقع حزب پرولتاریائی ایران است . هر قدر حزب کمونیست نیزه میگیرد ، بیشتر از طرف پلیس مورد تعقیب و تضییق واقع میگردد .

آخرها بعلت پیگرد بیسابقه مطبوعات در ایران حزب کمونیست مجبور شده است ارگان مرکزی خود "ستاره سرخ" را در اروپای مرکزی بجا پرساند . مجله ستاره سرخ "تفوون و محبوبیت زیادی در بین توده های رعایت کش ایران دارد . حکومت رضا خان نه فقط مطبوعات کمونیستی و لیبرال بلکه آنها را هم که بندرست و یا کمتر از حد لازم و فرمایه گر اهیانه "شاهنشاه را تمجید میگردند منفع ساخته است .

بعلاوه ، سانسور شدید نیز برقرار است . بدین جهت در حال حاضر ذکر آزاد امکان انعکاس در مطبوعات ایران را ندارد . در عرض اعمالی از قبیل تعقیب و جاسوسی و گواشی اند ازه شایع شده است . روس های سفید که از شوروی به ایران فرار کرده اند با رفاقت فراوان با این کارها مشغول اند .

پلیس ایران که قبل از سیاسته میباشد اند ازه کافی به فوت و فن پلیس اروپائی آشناه دارد . پلیس اسپیون با شکنهاي مختلف خود رایج است . برای جاسوسی حقن از کوکان استفاده میگردد . در تهران پرسیجه های تعلیم یافته ای هستند که بوسیله استراق سمع صحبتهاي را که برعلیه شاه و گردانندگان حکومت میشنوند پلیس خبر میدهند و در ازا آن تشویق میشوند . و کسانی هم که پشت سر "شاهنشاه" و عمال او بدگوچی کرده باشند بدون محکمه و رسیدگی بعده ناسعلوم رهسیار زند اهیانگردند . این اشخاص خود بوسیله بول و رشه از زندان خلاص میشوند .

وضع زند اینیان سیاسی نه تنها بهتر از زند اینیان عادی نیست بلکه بمراتب هم بدتر از آن است . برای زند اینیان سیاسی هیچگونه اد رسن رسن و غلبه وجود ندارد . آنها بین در بین مورد بازجویی و ضرب و شتم قرار میدهندتا رفقای خویش را معرفی کنند . و همه این کارها بدبندی گزارشیں پایه و دلایل غیر کافی اتها م صورت میگیرد .

آخرها در تهران شوری را بعلت آنکه گویا با صحبتهاي یک نفر روس سفید مبنی بر گرسنگی در شوروی و اعتصاب کارگران باکو مخالفت کرده بود بعنوان جاسوس شوروی بازد اشت و بعد از دو ماهه زندان و آزار بدبندی آزاد میسازند .

بهین ترتیب روزنامه Near East انتگلیسی در واقع حق دارد بگوید که استعمار گران انگلیسی بیاندازه خوشوقت هستند از اینکه ایران برای کشورهای شرقی که میخواهند راه ملک غربی را بروند آموزگار معقولی میباشد.

در هر حال حکومت استبدادی تعلیم باقته ایران برای انگلستان ارزش بزرگ دیگری هم ندارد، آنهم اعدام انقلابیون خطرناک و دشمنان جدی سلسله جدید در ملاع عام است. اینسکار البته بنظر ترسانند تسلیم ناپذیر هاست. و اگر با زادشتند درین مردم محبویت از اشته باشد، او را بطورساده مسموم یا در زندگی بدار میباشند.

بعضًا پلیس بعلت ترس از بیظعنی در ارتش و یا تشنج درین مردم قریانیان خود را بوسیله قاتلین مذکور از بین میبرد. چند نفر از سرهنگ‌های جمهوری خواه بد انسیله کشته شده اند.

بعد از شاهنی رضاخان و بدستور او در حدود هزار نفر از انقلابیون ایران در شهرها و دهات بد از زده شده اند یا تیرباران گشته اند. تعداد بیشماری نیز هم اکنون در زندانهای این مستبد آسیائی زمین گیرند. درین دهان اصلی شهر تهران جای مخصوص برای اعدامهای در ملاع عام وجود دارد.

از اعمال وحشتتاکی که در زندانهای سیاسی ایران صورت میگیرد ارویانش ها خبر زیانی ندارند. از بهد اشتدره هیچ جا خبری نیست اغلب زندانهای ایران از کل پژوهشی محروم هستند. فقط در شهرهای بزرگ آنهم بطور ناچیز پژوهشکاری بزنده اند سرمیزند.

در زندان بخش پلیس تهران در سلولهای کوچک دو سه نفر زندانی را جا میدهند که روی گفهای سنگ میخوابند. سلولهای یکفرمی بازهم وحشتتاکتر هستند. عرضو طول آنها یک مترا و پنجم و ۲ سانتیمتر است. این سلولها خیلی مرتقب و کثیف اند. از کل آنها آب بالا میاید. وسایل این سلولها عبارتند از تخت چوبی که بر از ساس است، کوزه سفلی برای آب، و پتوی نازک دولتی مطابق قاده زندان، زندان اینجا مجاز نباشند. سامنهای و تیز کردن لباس خود از آنها نیستند.

بازیسنهای ۳۰-۳۰ روز امده پیدا میکنند. در حکومت خودسر ایران، عدم کامل حقوق و رفاه، تهدید دام و فتار خشن از پرسنهای پدیده عادی بست. علاوه بر اینکه متهیین را در سلولهای خود مورده ضرب و شتم قرار میدهند، ضمن بازرسی هم مرتبا شکجه میشوند. سیلی، ضرب طپانجه و سرنیزه دیگر در ایران کسی را منعجب نمیسازد. اکثر جمهور خواهان بازداشتند در سپتامبر ۱۹۴۵ با صورتیهای معلوم و دست و پای شکسته از زندانهای خارج شدند.

نماینده کنگره چهارم اتحادیه بین الملل کارگران واقعی حجازی دچار شکجه بازهم شدید تری گردید. در طی چند ماه علاوه بر شیوه های عادی شکجه آسانی بسر او کلام پخته پوشانده و از وی میخواستند نسا رفاقتی خود را بدهد. امتناع او از این کار پلیس رضاشاه را بیشتر خشکین میساخت. واقعی حجازی به این سان در زیر شکجه جلال آن خود قهرمانانه جان سیرد بدون اینکه نام کس از رفاقتی خود را بربازان بیاورد.

در این شرایط سنگین بسیاره، کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران شروع بتأسیس پنهانی بخش ایرانی کلسرخ نمود تا اینکه بعوقب بتواند بر قفقایکه در زندانهای این جبار جدید بسر میبرند و همچنین بخانوارهای اینها کل برسانند.

در کشور رضاخان پهلوی حقن در اینکونه زندانها هم دیگر جا پیدا نمیشود، باین دلیل مجلد رسال ۱۹۴۹ دو میلیون قرآن بتصویب رساند تا زندانهای جدیدی ساخته شوند.

شاه جدید در تثیت سلسله خود از صرف بول برای ایجاد پلیس و زندان مضایقه ندارد در سالهای

۴۸- ۱۹۲۷ برای نگهداری پلیس در حدود ۱۶ میلیون و ارتش ۱۰۷ میلیون قران خرج شده است. در صورتی که بودجه فرهنگ مردم ایران همه آشیانی از ۹ میلیون قران نبود . در همان سالها برای بهداشت شاه و جا- نشین او ۶ میلیون قران خرج شده بود در حالیکه برای بهداشت تمام مردم ایران ۳ میلیون قران .

بعد از تاجگذاری پهلوی علیرغم خشونت پیروحکمانه و پیرویت اور رمجازات، سالی نگشته است که بسر علیه این مستبد جدید جنبشی رخ ندهد .

امروزه سلسه پهلوی میتواند خوشحال باشد از اینکه قساوت آسیائی توانته است جنبشیان انقلابی رحمتکشان گیلان خراسان و تبریز را سرکوب نماید . امروزه رضاخان و اطرافیان فتودال و مالک او میتوانند با این خیال راحت بخوابند کسه نیروی های ا انقلابی مملکت را باختقادی عقیق فرو بردند اند .  
ولیکن پادشاهان ایکه بیش از این ظالم و جبار آسیائی مقتدر بودند معهذا نتوانستند از روز انتقام ، پگریزند . رضاخان هم جان بد و نخواهد برد .

#### سلطانزاده

ترجمه از متن روسی ، از ی - س

## ایران پیاپیاه امپریالیسم بسوی بریتانیا \*

دولت ایران که بر مرتجلعتین عناصر متکن است، ساختمان راه آهن سراسری ستراحتیک ایران و جاده های ستراحتیک را به پیش بیسید، راههای ارتباطی را آباده میسازد، هنگامیکه استحکامات دریاچه در دریای مازندران و پایگاه زیردریایی [بندر] گز دست زده است. در [بندر] پهلوی یک اسکله زیردریایی ساخته خواهد شد. لایحه ای قانونی بمنظور تعیین وظایف نظامی عرضه خواهد شد. تعداد سربازان ایران بیش از نفرات ذخیره اش، به ۲۰۰ هزار نفر ر بالغ شود که هم اکنون کلیا با سلاحهای جند به سلاح میگردند. بودجه ایران به صارف نظامی میرسد. تها از چکلواکی صد هزار قبه ننگ و شش هزار مسلسل و دیگر تسليحات سفارش داده شده است. ۳ میلیون پوند مترالینگ از درآمد شرکت نفت ایران و انگلیس بمنظور مصارف نظامی کارگذشت شده است که میتواند در خارج بهصرف برسد. مذاکرات شرکت نفت ایران و انگلیس بمنظور افزایش سهم ایران از ۱۶٪ درصد را آمد خالص که باز باید بهصرف خورد تسليحات اختصاص یابد در جریان است.

طبعیت تاریخت خواهد بود اگر باور داشته باشیم که امپریالیسم فرانسه امروز با شناسایی سیاست سیاسی خود از طرف انگلستان در قاره اروپا در عین حال کل اقدام تدارک جنگ علیه اتحاد شوروی دست کم در مراتعهای باختری آنرا حد ایست میکند و همچنین اینکه امپریالیستهای انگلیس به فرانسه کم میکند تا وظیفه خود را با جام بروسانند و [بالآخره] اینکه بریتانیای کبیر نقش کمیکی ایفا میکند. (\*) افغانستان و فرانسه از ۱۹۲۷ بی بعد در زمینه تقسیم نقشه های خود به توافق رسیدند که فرانسه تدارک دخالت در مراتعهای باختری را عهده دار شود و بریتانیای کبیر عارک دخالت در خاور نزدیک را بعهده بگیرد.

از ۱۹۲۷ پائی سطح انگلیسیها فعالیت نشده بودی را در سرکوب انقلاب چین و در تدارک سقوط حکومت افغانستان بمحض ظهور وساده اشده. در همین زمان، ایجاد یک ارتش ۳۰۰ هزار نفری در هندوستان تکمیل گشته است، که تحت نظر ستاد فرماندهی ائمداد قرار دارد؛ تدارک یک

**Inprekorr, Deutsche Ausg., No. 44, 12 Mai, 1931, seiten 1057-8** (\*)  
من فرانسه تحقیق این زیر است. La Part du Proche Orient dans la préparation de la Guerre Anti-Soviétique; **Inprekorr, نقش خاور نزدیک در تدارک جنگ ضد شوروی**, Ed. Fr., No.43, 16 Mai, 1931, p595 Engl. Ed., No 25, 13 May, 1931, page 453.

\* در من فرانسه این قسم متفاوت است. نکه مهم آنکه در من فرانسه سلطانزاده از "نقائی" سخن میگوید که معنده است که فرانسه نقش اول حمله پادشاه شوروی و بریتانیا نقش درجه دوم را دارد است.

پایگاه هوانی و پیستهای هواپیما قی از مصر تا هندوستان انجام گرفته است. همینین جزاير بحرین در خلیج فارس [ بدین منظور ] اشغال شده است. از ۱۹۲۷ با پیشتر بر پیشنهای کبیر نیروهای خود را در ایران و افغانستان بطریق فوق العاده ای تقویت کرده است. دولتی های هر دوی این کشورها اساساً دست نشانده ای بر پیشنهای کبیر است. بروک آری ایران که از گشرش انقلاب اکبر و حشت زده بود، در همان سال ۱۹۴۰ بیک نیروی ضد انقلاب بدل شد و همراه زمینداران قبور ال بسم امیرالیسم برپیشنهای گردید.

قدرت اقتصادی امیرالیسم برپیشنهای کبیر در ایران به سرمایه گذاری کلان در ایران متنک است. برپیشنهای کبیر در ایران مجموعاً ۴۰ میلیون لیره سترلینگ سرمایه گذاری کرده است، که از آن ۵ میلیون در صنایع نفت است، در حالیکه اتحاد سوریه ۲/۲ میلیون لیره سترلینگ سرمایه گذاری کرده است که عد تا در وقت های تجاری پسکار افتاده است. آمریکا، بلژیک، والسان ۱/۱ سرمایه گذاری کرده است. بدین سان ایران تنها گذرگاه هندوستان نیست بلکه همینین برای برپیشنهای اهمیت اقتصادی فوق العاده را بردارد. شرکت نفت ایران و انگلیس به تهابی از ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ ۵۵ میلیون لیره سترلینگ سسور و بو تضمیل کرد. این [ مبلغ ] ۱۰ میلیون لیره لانقطع در باره ای خطر تجارت با سوریه قلم پرس ازی میگشود. پس از آنکه فرانسه، بلژیک رومانی، پاچکوت [ تحریم ] تیاری علمه اتحاد سوریه را اعلام داشتند ایران نیز قانونی در باره ای انحصار تجارت خارجی علیه اتحاد سوریه به تضمیل برداشت. دولت ایران دست انسداد ندارد اگر مسئله ای لطفای انحصار نفت به برپیشنهای کبیر است تا بدین ترتیب بازارهای شمال را ازدست اتحاد سوریه خارج سازد و شرکت ایران و انگلیسرا قادر سازد در آنجا [ شمال ایران ] پایگاهی برای نگهداری قسون موتویزه در جنگ آتشده ایجاد کند. در افغانستان نیز همین اصر با کمک نادر شاه در عرف انجام است؛ ارتش منظم ایجاد میگردد؛ راه آهن سترلینگ کابل-پیش‌سازور و راهیانی شوی ساخت میشود؛ افغانستان با افغانستان قرارداد واب پاپسا رسانده است و از افغانستان ۲۰ هزار قبضه اسلحه یعنوان دیده در ریافت میدارد. از جنگ جهانی [ اول ] با پیشتر ف مسائل دفاع از هندوستان در ماهیت خود مستخوش تغییرات جدی شده است. برپیشنهای کبیر پیاستهای بر طرح لرد کیچنر ( Kitchner ) از دفاع منفصل بدفاع فعل هندوستان گذرگشت. بدین منظور هندوستان باید صربهای خود را از خارج در افغانستان و ایران حفاظت نماید، بطوریکه نیروهای دشمن نتوانند به هندوستان هجو م آرته، زیرا ایشان [ نیروهای خارجی ] میتوانند در داخل مرزهای کشور بروی بختشار اراضی اهالی نفوذ فروان و داشته باشند. بدین منظور، برپیشنهای کبیر اقدامات عظیمی را برای آماده ساختن هندوستان در جنگ آینده میانجام می‌سازد. امروز هندوستان هفت هزار میل راه آهن دارد. بمنظور گسترش خط راه آهن بسیت مشتمله که بسوی مرزهای سوری در توکستان هدایت می‌باشد، انگلیسیها از نیشکن تا زداب ۵۵ کیلومتر راه آهن احداث کرده است. احداث راه آهن بند از سیرجان - هایله نیز آغاز شده است. پس از شط العرب گشرش پیشاید و بدین سان گفتیهای اقیانوس پیشاید میتوانند به روی خانه وارد شوند. انگلیسیها جزاير بحرین در خلیج فارس را تقویت میگشند. در خوزستان ایران کارهای رود خانه کارون را مستعکم میگشند و بخچ دولت ایران بند ریزگ خلیج فارس، پسند رشاپهور، احداث میگردند که من پاییت برای لگز اند ازی اقیانوس پیشاید ها مناسب باشد. هم اکنون برپیشنهای کبیر متوجه از ۲۴ تا ۲۵ کردن هوانی در هندوستان عراق، مصر، و فلسطین، ها ریشه رفته ۵۰۰ هواپیما، در اختیار دارد. بسیاری این هواپیماها دور پیوایز است و قادر است تا تبریز، مشهد و کابل برو از

گند و از آنجا به باکو، مسرو و واحدهای تزویی کرامنزوویک حمله برداشت. فن مدرن هوا— پیشانی میسر میباشد از پایگاه هوانی پصره در رشته خلیج فارس به باکو نزدیک شد و بازگشت بدون آنکه در این فاصله فرود آمدن ضروری گردید.

موافق طرحهای تجهیزی، ارتقیه هندوستان— ایران— افغانستان میباشت طرف نخستین ماه جنگ ۳۰۰ هزار پیاده نظام و ۵۰ زرهان (فوج) سواره نظام را در بر گیرد؛ در دوین ماه جنگکاریش هند اتفاقی میباشد بتواند به تهاجم به ۲۰۰ هزار تن افزایش باید. در ششمین ماه، افغانستان در هندوستان ۶۰ هزار تن را زیر پرجم خواهد داشت. نیز با چنین ارتقیه هایی هنگامیکه در پشت چسبه آن گوار جدی با پایه سیاسی صورت نگیرد، بسیار دشوار خواهد بود.

نویزی ارتقیه هایی هنگامی میباشد که شتاب تیپو رضی به پیش بیرون. این ارتقیه اتوموبیل های مرسون و توپسکراحت مجهز میگردد. این اتوموبیل های میتوانند هنگامی در جاده های بسیار ناهمراه بیشتر وضد افرون برایمن، ۴۰ هزار اتوموبیل در اختیار هندوستان و ۵۰۰۰ اتوموبیل در اختیار عراق است. ایران و افغانستان در تمام طرحهای امیریالیستهای اتفاقی بمانه منطقه آغاز حمله علیه اتحاد شوروی در نظر گرفته شده است. طبیعه حاکم در ایران کاملاً آگاهانه کشور را از نظر سیاسی نیز بسیاری جنگ آماده میباشد.

ایرانی که بحران اقتصادی در هم اتن کوقه است، بمنظور افغان ساختن هر جنبش انقلابی در کشور باق امام و سمعی دستست زده است. از جلوس پادشاه جدید پتخت سلطنت با پنطوف بروزی نبوده که دستگیری، لشکر کنیهای تبهیه شده و تبر باران قطع شده باشد. تها عن پنچالگانه ده قیام بزرگ سر کوب شده، و بعد رار گاههای نظامی در حدود ۲ هزار نفر تبر باران شده است، و بسرخی از آنان در خیابانهای رشت، مشهد، سایر شهرها بد ار آینه شده است. در حال حاضر ۳۰۰۰ نفر را زندانها اسیر است که از میان آنها ۱۵۰ نفر عضو حزب کمونیست است. حزب کمونیست غیر قانونی است و هر کمونیستی که توسط پلیس، سکنیر گردید، بیشتر شکجه و مجازات های سخت کشانده خواهد شد. همین اخیراً در مشهد چندین کارگر زیر شکجه جان سپردند.

ولی علیرم همه اینها جنبش انقلابی در این کشور بدون توقف به پیش بیرون. حسنه هنگامیکه امیریا— لیستها با هدستن ارجاع سیاه نقش جلال را بهده میگیرند، تردیدی نیست که توده های کارگری و دهقانی در ایران، هندوستان، و ماقن کشورهای مستعمره و تبهیه مستعمره خواهند فهمید که [بایست] بسیاری دفع از جمهوری کبیر پرولتاری و رهانی خویشتر جباره گند.

نسمواعات از یکفر کار کر آبادان:

## اختصاری از زندگی کارگران

### نقش جنوب

شرطاط زندگانی کارگران: جریمه «تایمز» لندن در میان این بترات خود راجع سرمایه فلی کمپانی نفت حکوم ایران مبنو شد که سرمایه کمپانی مزبور بالغ به ۲۴ میلیون پرسکلکسی است و در سنه ۱۹۳۰، متفق نخصیصی برای تقسیم بین صاحبان سهام پنجاه میلیون پرسه بوده است یعنی دو برابر سرمایه اصلی و علاوه بر این سرمایه ذخیره او بزر بالغ بوده میلیون پرسه میباشد حال برای ما خیلی جالب نظر و دقت خواهد بود که بدائیم در ظرف مدت قلیلی کمپانی این سرمایه بجزیرت آوررا بجهه وسیله بدبست آورده و توافضه است برای مشوشکدرانی و عیاش یکمیشت لرد پیحیقت لندن و زندگانی لوکس آها از خون دل یکدسته کارکر ایرانی این سرمایه هنکفت را تهیه نماید.

تا سال ۱۹۱۰ ناحیه آبادان فقط عبارت بود از یک صحراه بدون هیچگونه آبادانی ولی بعد از آنکه کمپانی تصمیم گرفت که لوله نفتی را از مسجد سلیمان بدانطرف بکشید وذر ناحیه مزبور شروع باستخراج نفت نماید بدون اینکه برای کارگراتی که بدین صوب می آیند تهیه منزل و مأوافی بساید عده کثیری کارگران بدجای ایرانی را روانه نقطه مزبور نمود کارگران مجبور بودند که برای خود تهیه منزل نمایند.

(۱) از شماره ۶ "پسکار" ، اول ژوئن ۱۹۳۱، نشریه حزب کمونیست ایران.

لذا هر کدام بجهة خود در زیر زمین دخمه حفر کردند و یا با جوب اطاوهای ساختند. بدینه است این منزل نمیتوانست در زستان یا در هنگام باریان آنها حفظ نماید با این سبب در چین او قاتی این لاهه‌ها برای آب و رطوبت بود و بهمین سبب هم متواتان گفت که کمتر کارگری سالم و تدریس دیده میشد و همکی مبتلا بمرضهای مختلفه بودند و از طرف کمپانی حتی یک دکتر ناشی هم برای حفظ ظاهر به محل مذکور فرستاده نشده و یک مریضخانه موافقی همداز و تأسیس نکرد. بهمین علت کارگران سالم بمحروم بودند کارگر مرضیکه در حال مرگ است یا بتوسط قایق و یا روی دوش خود کشیده تا محمره برای معالجه و مداوا پرند.

در تابستان هم اوضاع صحی کارگران بهتر از این نبوده یعنی پس از مدت یازده ساعت کار در زیر افتاب سوزان و کرمای بی پیر آبادان و در مقابل وزش بادهای سخت مهلک و قیکه بمنزل مراجعت میکردند ابداً اثری از لاهه خود نمیدیدند زیرا خانه آنها بواسطه وزیدن بادهای سخت از جا کنده شده و به محل دیگر یرتاب شده بود و یا اینکه آتش اورا نسوزانده و یا بود کرده بود زیرا کارگران بواسطه نبودن هیزم مجبور بودند که رفع احتیاجات خود را بواسطه نفت نمایند با این جهه بسا اتفاق می‌افتد که در آن واحد چند صد حانه و لاهه چویی کارگران بدیخت طعمه حریق واقع میشوند در چین موقع از طرف کمپانی یکشاوهی هم باهای کنک و مساعدتی نمیشوند و نمیشود با براین کارگران بطور اخاهه ازین جو دو نومنان جمع آوری کرده و برای کارگر خانه بندوش محدوداً لاهه و آشانه نام میکند.

بظور کلی زندگانی کارگران آبادان خیلی سخت و  
تالم آور است و حقیقته فاقد یک هیئت اجتماعی بشری بوده  
و میباشد. با توجه کارگران جنوب همیشه اردوی امراض  
مختلفه و مسریه از قبیل وبا، تب و لرز و استخوان عقد و آلهه  
هر را می بوده و در سال صدها از این پیوایان عدم حفظ اوضاع  
بدور رشدگانی میگوشت بدون اینکه از طرف کسانی کیک  
و مساعدتی پایهای شده باشد یا بشود.

### و ضعف غذای کارگران

در موقعیکه کارگران این فلاکت و بد منی سر نشستند  
یکی دیگر از کرفتاریهای آنها مسئله غوراک آهای است.  
زیرا آنها محبور بودند که برای خرید ماق و سیر که به مردم  
رفته ویا با قیمت خالی کران از دکانهایکه قیمت حوالی پای  
شده بوده بخرند. بیچاره کارگر در مدت یک نام بکدفه هم  
رنگ گوشیده بعنی یند. زیرا هزد او بقدری کم و ناجز است  
که نیشتر از اینکه یک سین خرما و نان حالی بخورد کفایت  
نمیشود. نام این احوال در هر سال بخوبی دفعه بخانه و با  
نهاد کارگر کارگردانی عالیت و حداکثر اعیان بخوبی دفع  
نمیشود. و کام اتفاق می آید که کارگرانها بزای دفعه قرآن  
پهل مرسانند وابدا از ملوف کیمایی اقدامی داشتند که بخود  
بیشود.

### شرط کار در کارخانه

شرط کار در فابریکها چه در سابق وجه حاله حقیقت  
سخت و محمل لا بدیر است. کمتر دروری اتفاق می آید که دفعه

با ۱۵ نفر کارگر تلف نشود مثلاً و قبیکه کارگر مشغول کشیدن سیم الکتریک است برای او دستکش مخصوصی که باید اورا حفظ کند نمیدهد و همچنین بواسطه اینکه متخصصین انگلیسی انگلیسیکه باید بکارگران استور پدهند که آنها خود را باز صدمه حفظ نمایند خود داری میکردند بهمین علی در روز چندین نفر کارگر بی دست وبا گردیده وبا تلف میگردند مثل اینکه این گونه منظره برای انگلیسها بمنزله تحریحی است.

قیمت مزد کارگر بقدری ارزان است که انگلیسها مجبور نبودند برای برداشت منافع ماشین های فوخریده و بکاربرید از زند ذیرا تمام منافع منظوره را باز و سر پنجه کارگرها بیرون می آوردند در سال ۱۹۱۳ یک از کشتی های باری نمره (۱) دچار حریق گردید ۱۳۹ نفر با اینوسطه از کارگران طعمه حریق شدند و سوختند و برای اطفاء حریق کمپانی آلت اطفائیه نداشت که جلو گیری نماید و در ۱۹۲۰ باز کم نیزه ۷ غرق گردید و ۱۲ نفر کارگر ایرانی تلف شدند و تا امروز هم بیرون کشیدن ماشین ها بدون تلف نشدن یک الی دو نفر کارگر صورت نمیگیرد زیرا بیرون آوردن آنها بواسطه کارگران صورت میگیرد و برای اینکار جراحت نیست و این عمل مشکل که در تمام دنیا بواسطه جرقه ای انجام میگیرد در معدن نفت بازور یا علی یا محمد کارگران صورت می یابد و کارگرانی که بواسطه این گونه پیش آمد ها تلف میشوند اینها از طرف کمپانی کمک و معاویتی بیال والاطفال آنها نشده و نمیشود.

مراغه

اعلامه کمیته اجرائی کمینتون بوای پنجاهمین سالگرد کمون پاریس  
رثقا،

در بهار آینده پنجاهمین سالگرد کمون پاریس جشن گرفته خواهد شد . نیم سده از روزیکه برای نخستین بار در تاریخ ، کارگران علیه بورژوازی بنا خاسته و قدرت را بکف گرفتند ، میگذرد . رزم آوران [ ۵ ] کون پاریس صفحه‌ی افتخار آمیز و بیماندی بسر دفتر روزین جنبش بین الطلس کارگری نگاشتند . رزم آوران کون پاریس بیش کوتان و نیاکان انقلاب پرولتیری ای هستند که امرروز بیروزمند آن در روییه و در سر اسر جهان در روند است .

پنجاه سال پیش ، در پاریس ، این مرکز اصروری ارتضاع بین المللی ، پرجم سخ باعثت در اهتزاز بود و از برای آن رهبا هزارنفر پر لند لاور پاریس جان خود را فدا ساختند .

کمیته اجرائی بین الملل کوئیست ، کا رگران آگاه جهان را فرا میخواند تا پنجاهمین سالگرد کمون پاریس را با ابهت هرچه بیشتر جشن گیرند . این کمیته را تعمیم بس آن است که شماره بیوه ای از مجله‌ی بین الملل کوئیست را وقف این سالگرد سازد . کمیته اجرائی تعمیم زیر را نیز اتخاذ نموده است : کارگران کوئیست سراسر جهان متحد از طریق کمیته اجرائی بین الملل بنای یاد بودی در شهر پاریس بخاطره‌ی دلاوران کون پاریس بیاخاہند کرد . کمیته اجرائی بین الملل کوئیست ابتکارگر آوری وجوده را بعده میگیرد و از رفاقت فرانسوی میخواهد که در بآساختن این بنای یاد بودی برسانند . کمیته اجرائی خواهد دید آیا دولت بورژوازی که اصروری در فرانسه حکومت میراند ، مانع از آن خواهد شد که طبقه‌ی کارگر سرا سر جهان بنای یاد بودی بخاطر رزم آوران کون پاریس بیاگد .

کمیته اجرائی بین الملل کوئیست . گ - زیستوپریف ( صدر )

لنین ، تشورسکی ، بخارین ، رادک ( روسیه ) - روزمر ( فرانسه ) - بلکون ، رود بانسکی ، وارگ - سا ( مجارستان ) - کرولیچ ( انگلستان ) - شناون هاردت ( آلمان ) - یانسون ( هلند ) - شابلین - ( بلغارستان ) - چاکای ( گرجستان ) - سلطان اسزاده ( ایران ) - گورویچ ( آمریکا ) - ما آسر ( قلاند - سوچیگا ( لیتوانی ) - شانتسکی ( بین الملل جوانان کوئیست ) .

## جنبش انقلابی در ایران (۲) \*

### ایران پس از انقلاب ۱۹۷۸

در اواخر سال ۱۹۰۶، مظفر الدین شاه، بزیر فشار برخی حاکم جامعه ایران، امضا خود را نیز قانون اساس گذاشت. جانشین او، محمد علی، رسمی به قرآن سوگند خورد که تا به آنستور به قانون اساسی وفادار خواهد بود. مجله [شورای ملس] که از همان آغاز موقعيتضمیف خود را دریافت، قیسراً نمایندگان همه شهرهاي ایران انتخاب نشده بودند، فراخواند شد.

انتخابات نه طبیعت مقررات تعیین شده، بلکه با روشی نا منظم انجام گرفت. در هر شهری بنا بد لخواه گاه نمایندگان روحانیون، گاه نمایندگان تجار، و گاه نمایندگان حرفدار پیگر انتخاب میشدند. نمایندگان درسته های کوچک به تهران وارد میشدند؛ امروز از فارس، و دو ماه بعد از خراسان. این نخستین ظاهر خرابکاری (سابقاً) علیه قانون اساسی از جانب شاه جدید بود که قصه راشتادنی مجلس را میان بزرگوار، ولی هنوز جرأت داشت علناً اقدام کرد.

علی رغم اینها [و] معن الوصف، مجلس تشکیل شد و مبارزه ای سیاستگذاری را علیه شاه و دریبار او آغاز کرد، بسویه در زمینهٔ مالی، نیزرا اشتباہ دسته ایکه قدرت را درست داشت حسنهٔ تیغه شناخت. در نوامبر ۱۹۰۷، مجلس نخستین بودجه را تضمیل نداد و کمربودجه ۰۰۰ هزار روبلی به اتفاق بودجه ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار روبلی بدل شد.

در گام نخست، حقوق، موابع و هدایای گوگان ایکه شاه و سیله آنها دریاریان و خدمتگاران خود را پار اش میداد، قطع گردیدند. طبیعتاً این اقدامات بر مقنخواران گرد شاه خوشآیند بودند و بودی بر خود شاه گران آمد که بجای ۲۰-۲۵ میلیون روبل گذشته، تهبا نیم میلیون روبل به او اختصاص داده شد؛ همه پارازیتها و کاهلان دریاری، یعنی دوسوی روحانیون و اشرافی که به خرج دولت میزینستند، در غرفت از مجلس با شاه شریک بودند. اگر خواست مجلس برای اجرای وفود سنتگاه قضائی (حاکم عدلیه)<sup>۱</sup>، که کلاً درست روحانیون بود، نیزد رنظر بگیرم، آنگاه سخت شدن موضع شاه قابل فهمتر خواهد بود.

مشروطه خواهان امید بسیار داشتند که انگلستان، کسوس ندان و آزادی، آنرا از حمایت خوبیش محروم نخواهد ساخت، لکن ناگهان در اوخر ۱۹۰۷، خبر انتقاد قرارداد انگلیس و روسیه ایران بر تقدیم ایران بد و منطقه نفوذ آشکار گردید. افزون بر این، در آغاز ۱۹۰۸ انگلستان، با تکیه به تهدید دخالت [نظمی] خواستار از میان بودن هرج و مرج واستقرار مجدد نظام در ایالات گردید. این امر چشم دمکراتهای ایرانی را بازنمود و چهرهٔ واقعی راهنمای امپریالیستی انگلیس را به ایشان نشان داد. در زوشن [۱۹۰۸] محمد علیشاه خود را قوی احساس میکرد و با کم انگلستان و روسیه کوتایی را بعور اجرا گذاشت، و به شکار [اعضای] مجلس پرداخت، لکن این مبارزه بدینجا خاتمه تیافت.

\* منبع) تجزیه ناسیونالستی، شماره ۱۹۰۶-۱۹۰۷، تمعن‌های بکم و سوم این مقاله در صفحات ۵-۶، همین مجلد درج است. این منعن از ترجمه فرانسه بهاری برگردانده شده است (متجم).

تبریز از همه شهرهای ایران آماده تر و انقلابیتر بود. این شهر مرکز بوروز آزی ایران بود. در اینجا صد بازگان عده فروش بزرگ در رابطه مستقیم با شرکت‌های خارجی وجود داشتند؛ در اینجا سیک سلسله موسسات از نوع ماتوفاکسور (تولید استمنی) با تعداد کارگران ۱۰ تا ۵۰ نیز بیشتر و بعد از علی‌کارخانجات فالبیانی و بی‌شمباخی موجود است. البته بوروز آزی با مقابله با قدرت مطلق شاه می‌توانست به آن وضعیت دست یابد که طن آن منافع اقتصادی اش بدن هیچ گونه محدود پست از طرف دولت مورد حمایت قرار گیرد، و به عنین دلیل کوتای تهران [محمدعلیشاه علیه مجلس] در تبریز با دشمنی مردم روپرور گشت. گارد ملی بسیع سازمان داده شد و عملیات نظامی علیه شاه آغاز گردید. در خود تبریز بدت بیش از یک‌چهه جنگ داخلی واقعی بین گارد ملی مطیع بوروز آزی بزرگ ایران و هوار آران شاه که در این آستان مالکین بزرگ ارض قرارداد داشتند، جریان داشت. پیروزی نصیب گارد ملی برگردانی ستارخان گردید. اخبار حسوار تبریز در سراسر ایران پخش گردید. پیروزی نهضت تبریز در رشت، اصفهان، و بختیاری دنبال گردید. بدینها بخشی از روحانیون به جنبش پیوستند و لجاجت شاه مفسر گردید. مردم قانون اساسی را بازیافتند. اصل ۲۶ [شمهم] قانون اساسی ایران اعلام می‌کرد که از این لحظه بعد "قوای ملکت ناشی از ملت است" و مردم بسیع محتوى این اصل را دریافتند. پس از پیروزی انقلاب در سراسر ایران اجمع های تشکیل شد که تمایندگان هریخت از زحمتکنیان در آنها عضویت داشتند. دردهات این انجمنها صرفاً سوراهای رهقانی بودند. این انجمنها با واگناری امور عمومی ملکی و سیاسی به مجلس در پیا - پیخت، وظیفه خود را نداشتند که امور ایالت را بعهده بگیرند و همان نظراتی را که مجلس بر شاه اعمال می‌کرد، ایشان بر فرمانداران اعمال کنند. لکن این انجمنها اگر در شهرها تها بازگان های ناظری بدل گشته، بدینها به قدرت دست اندازی گردند. تقریباً در سراسر ایران همینکه انجمنی تشکیل یافته در روستا نخستین اقدام آن عبارت بود از شکار و بازداشت اعمال شاه، مانند از پسر اخت‌مالیت و کوشش برای غصب املاک ملکان بزرگ. همه یاده امات بخوبی خود انجام می‌گرفت، بدن آنکه نقشه ای با سازمانی در کار باشد. حقیقت سازمان سیاسی هم نبود که تا حدی، هر چند تا چیز، بتواند این جنبش هفتمان را رهبری کند. در شهرها سویاً دلمکانها برخی اقدامات بعمل می‌آورند، اما ایشان در آن‌زمان بین از اش ازه ضعیف‌بودند و قادر نبودند روستایی را که کاملاً مستقیماً درست باقی‌دام غر الفذکر زده بود، سازمان نهادند. و درستهاین کبود رابطه با توجه دهقانی از یکسو و بندون مرکز و هبری واحد از دیگر سو بود که اسیا سرکوب سریع نخستین جنبش ایران را در ۱۹۱۲ توسط راه‌ران ائلکلیسی-روسی و هزاران شاه فراهم آورد.

سرانجام این جنبش‌تدها که روزیروز ماهیتی اجتماعی می‌یافت، بدن کوچکترین اثری از خود دو مجلس از میان رفت. تبا اتفاقی آهسته آهسته ناپدید گشت و تمایندگان مردم "مشتازده" بندروی از انقلاب رو گردانند. بعد ها مجلس‌های ان تبریز بین دو فرهه (کاست) مختلف شدند؛ بنظر می‌رسید تها بخاطر فاعل متقابل امتیازات خوش و نه چیز دیگری علیه شاه متعدد شده بودند. هریک از این فرق مجدد می‌گشیدند اکثر نعمتین را برای حفظ موقعیت اجتماعی و سیاسی خود کسب کردند. مجتبدهای حق نظارت بر تمام مذاکرات و حق طرح قانونی را خواستار شدند. بوروز آزی هم‌ردهی‌سری و احمد زندگی اقتصادی و سیاسی کشور را داشت، در حالیکه اشراف و مالکین خواستار استقرار مجدد اتحاد خود با شاه بودند، بشروط آنکه [امکانات] فارت آینده و بدن تقسیم [محصول] با طایا از ایشان سلب نگردند.

در این زمینه روحانیون در دیگران خوش بخت تر بودند . اصل [ دوم ] " متمم قانون اساسی که در هفتم اکتبر ۱۹۰۷ [ ۱۵ مهر ۱۲۸۶ ] پنجمین رسید و نشر یافت بروشنه اعلام میدارد " هیئت  
که کسر از پنج نفر تشکله است [ از مجتبدین و فقهاى متذمین ] حق دارند هر طرح قانونی را مورد بررسی قرار دارند و اعلام دارند آیا [ این قانون ] با روح اسلام مطابقت دارد یا نه . [ همین اصل ] مسیس هندگر میگردد که این ماده تا زمان ظهور امام دوازدهم که برای تفاوت عالم خواهد آمد تغییر پذیر نخواهد بود . اگر توجه گردد که بخش اعظم مجتبدین مالکین بزرگ ارضی هستند، آنگاه طرح فعلیهای مجلس روزن خواهد گشت، و جای شگفتی نیست که مجلس نتوانسته است مسائل مالی، اموری که آنچنان بور نظر بیرون آزی بود، را آنکه که بایسته است حل و تنظیم کند، [ حسنه ] اگر تخفیف مخاطب که تقریباً مناقع مالکین را دست نخورد، باقی گذاشت، در نظر گرفته نشود .  
کل بد هکارهای ایران در سال ۱۳۱۰ به ۵ میلیون فرانک [ فرانسه ? ] بالغ میشد و هرسال میایسته؛ میلیون [ فرانک ] نزول پذیر اختیست . این مبلغ نسبتاً ناجیزی است، زیرا گمرکات به تهائی بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون فرانک در آمد داشتند؛ [ مالیات زرعی ] همک عشر که قلعه شاه وضع کرده بود میایست ۱۰ میلیون فرانک در آمد میداشت که بایستی تووانسته باشد بمعرف تعجیل پایان دادن مطالبات رباخواران— ارضی [ ? ] برسد . در آمد از مبالغ دیگر کمتر از ۸ تا ۱۰ میلیون نبود . بدین ترتیب مجلس میایست توستانه باشد برای تامین مخاطب ادارات مرکزی فقط ۶۰ تا ۷۰ میلیون فرانک را اختیار میداشت، و اگر بهمراه این مجلس تووانسته بود مالیات کمی نیز به اشرافیت زمینه ای بینند، در اینصورت وضعيت مالی ایران میتوانست بسیار محکم بوده باشد . لکن مجلس بالاخره فاقد قدرت بود . هیئت مجتبدین بطری سیار علاقه ای رفتار میگرد و نه تنها از مخاطب قسر روحانیون، بلکه همچنین از مخاطب مالکین ارضی نفع مینمود . بدین دلیل مبارزه انقلابی چهار ساله ایران بدون کوچکترین نتیجه ای بیهایان رسید . در حقیقت، قانون اساسی به مردم چه دارد؟ آیا زندگی قابل را تنظیم کرد؟ آیا رساناها از هیچگونه زانو برخوردار شدند؟ آیا مالکین استشار ظالماه خود را تخفیف دارند؟ آیا از کافتها ریار کاسته شد؟ آیا مامورین [ حکومت ] کسر فاصله اند؟ روحانیون کتر بضافیحش دارند؟ اگر کسی وضع مالی کارگران ایرانی و تدوه های هفتاد را با آنچه قبل از انقلاب وجود داشت مقایسه کند، ممکن است که تفاوت فاحش نبیند، مگر شاید هزینه زندگی های برابر گرانتر شده باشد . همه جا معان حاکمین، همان مامورین مالیاتی بر سر چرت اند؛ همان مالکین بیشترمانه به استمار دهقانان ادامه میدهند همان فروش مقالات [ دولتی ] وغیره وغیره . تنها شمر مشت انتساب اول ایران این بود که تمايز طبقاتی را با سرعی فرق العاده تشید کرد . در این زمینه تمام احزاب و گروههایی که ما در اروپا مشاهده میکیم در ایران ایجاد شده اند .

## پیگفای

پس از آنکه نگارش و تنظیم کتاب حاضر پایان یافته و برای چاپ به چاپخانه ارسال میشد چند کتاب بدست ما رسید که با مطالب این کتاب رابطه مستقیم داشت. این روما لازم دانستیم هر چند مختصر درباره این چند کتاب اظهار نظر کیم، زیرا عدم اظهار نظر در این مرد میتواند سو" تفاهم و حتی گراحتی تاریخی فراهم آورد. این چند کتاب بشرح زیر است:

۱- اتحاد جماهیر شوروی در خاورمیانه، اثر والتر لاکر، ترجمه عبد الصاحب پارگاری، امیر کبیر تهران، ۰۰۰۰

۲- حیدرخان عوائلی، نوشته رحیم رضا زاده ملک، تهران، انتشارات دنیا، ۵۶

۳- جنبش کمونیستی در ایران، ترجمه شماره ۵ مجله "توده" ارگان سازمان انقلابی حزب تude ایران، Die Kommunistische Bewegung Irans, Verlag 20. Mai, Muenchen 1973

۴- جمهوری شوروی گیلان و جنبش سوسیالیستی در ایران از آخر قرن توزیع هم تا ۱۹۲۲ روحانیه دکتری شاهد Sovjetrepublik Gilan, Die Sozialistische Bewegung im Iran seit Ende des 19. Jhd. bis 1922, Basis Verlag, Berlin, 1973

نخستین اینها کتابیست ترجمه از انگلیسی. متن این کتاب بانگلیسی داده شده است. در این کتاب اشاراتی به مطلب مرد بحث‌ها، یعنی زندگی سیاسی رفیق سلطانزاده میورد. خلاصه اینکه این کتاب با اطلاعات پراکند و تحریف شده اش، باشد عیناً ضد کمونیستی اش، بر احتیت میتواند، برویه در اوضاع و احوال اختتاقی ایران، خواننده را گراه سازد. باید بخواننده‌گان ایرانی علیه کایهای از اینگونه هشدار دار.

کتاب دوم، کتابیست با ارزشی است. لکن متن این کتاب تحلیلی نیست و شاید هم اوضاع و احوال اختتاق در ایران چنین امری را غیر میسر ساخته است. بهره جهت اهمیت آن اینست که بسیاری از اسناد و مدارک مهم مربوط به جنبش سوسیال دمکراتی ایران و حیدرخان را که باستانی نمیتوان در دست داشت از تومنشر می‌سازد، و این خدمت بزرگی است. ولی متن این کتاب از حیدرخان "افسانه" ای ساخته میشود لذا تاریخ‌نگاری "چسبی" در ایران مرسم کرده است. در این کتاب از حیدرخان "افسانه" ای ساخته میشود و خواننده بی اطلاع یا کم اطلاع را به تفکر افراد آمیز درباره حیدرخان میکشاند. در این که حیدرخان یک از رهبران بزرگ جنبش انقلابی در ایران بوده است تردیدی نیست: برویه روشنی‌بینی وی در مرد و خواننده بی اطلاع یا کم اطلاع را به تفکر افراد آمیز درباره حیدرخان میکشاند. در این که حیدرخان تاکنیک دستیت‌پیارانه ای نیز ساختی میتواند مرد تردید قرار گیرد. ولی بین این واقعیت و اظهارات افراد آمیز درباره وی فرسنگ‌گذاشته است. به چند مرد ازین افرادها اشاره میکنم:

۱- در صفحه ۱۴۱ افزام مجاهدین قفقازی به تبریز برای جنگ علیه محمدعلیشاه تها به حیدرخان نسبت داده میشود؛ بدین آنکه نقش مهم حیدرخان را انکار کیم، باید گفت که افراد بسیاری، و منظمه انقلابیون فراموش شده ای چون آرشیو چلتگران نیز در سازمان‌دان این نهضت دست داشتند. شخص اخیر در همان زمان در مجله معروف (Die Neue Zeit) ارگان تئوریک سوسیال دمکراتیه‌ایان مقالات با ارزشی در مرد انتقام ایران نوشته و بعد هادر کنگره موسسه حزب کمونیست ایران از فعالین و سخنوران بود؛ ۲) به نقل از ملکزاده (صفحات ۱۷۸-۱۷۰) گفت میشود که حزب دمکرات همان حزب سوسیال دمکرا بود. این امر نادوست است غضوب است چون حیدرخان در این حزب ماهریت بورزوآله دمکراتیک آنرا تغییر نمیدهد حزب دمکرات مدفع منافع بورزوآزی لیبرال ایران بود و به سوسیال دمکراتیه‌ای انقلابی نیز نداشت. ۳) در

صفحات ۲۱۷، ۲۱۸ و ۲۱۹ از فعالیت و شرکت حیدرخان در انقلاب اکبر و حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه و نزدیکی وی با لنین سخن می‌برد که خواننده‌ی کم اطلاع در جاری این توهمندی‌گردد که گروه حیدرخان از مکاران نزدیک لنین و رهبران انقلاب اکبر بوده است؛<sup>۱۰</sup> نکه رویگر اینکه کسی به پیروی از تاریخ‌گذاران ایرانی که غالباً کارشان نادقيق است، به نظر قولهای اثبات‌نشده‌ای با خاطرات غرض‌آور این و آن تکیه می‌شود و سازمان مجاهدین و سویا مکارانها یکی داشته می‌شوند. این نادرست است. ما در جلد پنجم با ارائه اسناد جدیدی نشان خواهیم داد که مجاهدین و سوسیا دمکرات‌ها در زمان جد اکثر بودند.

متناقضان رضا زاده ملک در دو مورد حق مطلب را ادا نمی‌کند؛ نخست آنجا که در مورد همکاری حیدرخان با تقی زاده و شرکت‌وی در خلع سلاح مجاهدین بسرگردگی ستارخان و تیمورخون و سپس مرگ سردار اصلی سکوت اختیار می‌کند. (در این مورد نگاه کمی به کسویه، تاریخ هیجده ساله آذربایجان - چاچ چهارم، تهران ۴۶، امیر کبیر، صفحه ۶۴-۶۵) و «حیدر عموافقی و محمد امین رسول زاده» نوشته عبد الحسین نوائی، مجله پارکار، سال ۵، شماره ۲-۱، صفحه ۵۶)؛ رویگر، آنجا که در مورد مرگ حیدرخان توضیحات صیرخراقی، نویسنده کتاب صیریه کوچکخان، سردار چنگل، را بدون سند و مدرک مورد حمله قرار میدارد. در مورد قتل حیدرخان شایعات زیادی هست؛ این امر هنوز یک معماً تاریخی است، و مسلم برای همینه در پرسی‌های نخواهد ماند، لذا درست نیست با این قاطعیت در مورد مطلب تبار و شنی اختیار موضع گردد.

رویکرد معرفه در مورد کتاب رضا زاده ملک باید گفت که کار وی ارزشمند است و باید بدان ارج گذاشت. دو کتاب در گزینه رخارج از کشور منتشر شده‌اند و برخلاف کتاب رضا زاده که نتوانست از همه اسناد موجود استفاده کند، با بهره مندی از امکانات آزار و اسناد سیار نتیجه ممکن‌داره است، و بهمین دلیل کتابهای هستند خطزنگار و گراه کنند، که برای تحریف تاریخ بسود مواضع سطحی امروزی خود نوشته شده‌اند. کتابهای سوم و چهارم علیرغم تفاوت‌های ظاهری مواضع نویسنده‌گان آنها، هردو از دو نقطه نظر اشتراک تفکر دارند: یکی آنکه هردو به تاریخ‌گذاری (همین‌ترین گرافی) استانی کنیه کرده اند و هر آنچه که «مردمین رسمی نگاشته اند» جمعیت را نهانه اند و رویگر آنکه برای «انهای» نظرخواشی به جمل اخبار و حوار ثبت نهاده و گاه به حدف اخبار حوار ثبوت ارکی که در اختیارش بوده دست زده اند تا حقایق را گفتن کنند. کتاب سوم برخلاف آنچه در مخالف خسارج از کشور گفته می‌شود تهیه عیش مقدمه‌داده احانه اش از زیرزم ایران نیست؛ کتاب چهارم علیرغم مدارک زیادی که در ضمیمه بجا رسانده است (و کشف همه آنها را بخود نسبت دارد این است!) عالم اند در حدود تحریف تاریخ برآمده است. این روما این دو («اشر») را نمیتوانیم جزو یعنی تاریخ‌پختگاری خد کوئیستی تلقی کیم؛ زیرا آنکه تاریخ جنبش‌کوئیستی را وارونه نشان میدهد، خد جنبش‌کوئیستی است. از آنجا که بود اختن به دو کتاب نامبرده در این مجله می‌سر نیست، ما بحث مفصل و دقیق این دو کتاب را پژوهشی دیگری موقول می‌کیم. این نکه را نیز باید یاد آور شد که موضع وظیفه منگنه‌ی بعده‌دارد، ببیویه در مورد تاریخ معاصر، زیرا تعریف و تفسیر نادرست جنبشی که هنوز اراده دارد تهیه میتواند بسود دشمنان این جنبش و نماد احمد هندگان آن درست ارائه تمام گردد.

چند تذکر را در این پیغامتر لازم میدانیم. متناقضانه بعلل قی (ترجمه) می‌شنند و مقاله از رفیق سلطان‌زاده را که بزبان آلمانی موجود است برای چاچ‌پدر این مجله بفارسی برگردانید. مقاله نتواند ((آیا عصری بنام عصر سرمایه مالی وجود دارد؟)) ببیویه برای این مجله در نظر گرفته شده بود، لکن در آخرین لحظه که صفحه پندتی کتاب بیان رسمیه بود درج آن می‌برگردید. این باید از خواننده

پژوهیخواهیم و علاقه‌مند از مجله "کوئیستیشه اینترناسیونال" (آلمانی) شماره ۲۹-۳۰، میان ۱۹۲۸-۴۰، ۴۹۴-۶۰ رجوع میدهیم. در مقدمه مراجعات به صفحات تحریرات رفیق سلطان‌زاده پادشاه گرفتن صفحه بندی سابق (یعنی چاپ مقاله "سرمایه مالی" ۱۰۰ صفحه) صورت گرفته است. متأسفانه میسر نشد این مراجعات تصحیح گردد. لذا از خوانندۀ تقاضا میشود در مقدمه هر جا به صفحات بعد از ۱۲۲ مراجعه داد میشود، برای یافتن مطلب مورد نظر صفحه‌ها با کسر عدد ۱۰ در نظر بگیرد. ما این را بابت نیز پژوهش‌طلبیم. افزون بر این، در آخرین لحظه روتوشت بهتری از دو مین مقاله سلطان‌زاده درباره انقلاب ایران بدست مارسیه و ما ترجیح آنرا در صفحات ۶۶-۶۴ چاپ میکیم. از خوانندگان خواهند از این اشتباہات چاپی و ناشی از ترجمه را بنا گوشزد گشته.

بزرگ —

(پارس— سپتامبر ۱۹۷۲)

*Historical Documents :*

*The workers', Social-Democratic and Communist Movement  
IN IRAN (1903-1963) Volume IV*

AVETIS MIKAILIAN [Sultanzadé]  
selected writings  
écrits choisis

*Documents Historiques :*

*Le Mouvement Ouvrier, Social-Démocratique, et Communiste  
EN IRAN (1903-1963) Tome IV*

EDITION MAZBAK (M - 27)